# تقویم تاریخ از منظر رهبری

جلد سوم
تقویم میلادی



اندیشکده راهبردی سعداء
www.soada.ir
@Soada_ir
کانال ایتای جهاد تبیین
@Jahade_tabeini

بسم الله الرحمن الرحيم

# فهرست

ماه ژانویه سال ۱۹۱۷ م

رحلت دکتر شبلی شمیل
محب قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام
ادیب و شاعر بزرگ لبنانی

## رهبرانقلاب

معجزه بـودن قـرآن حتـی بعـد از گـذشـت چـهـارده قرن همچنان به قوت خود باقی است. کسانی از اهل معرفت و اهل دانش را در کتابها ذکر کرده‌اند که در مقابل قرآن خضـوع داشـتـنـد، یـک نـویسـنـده و شـاعـر فـصـیح بـزرگ مسیحی در همین زمان ما به نام «شبلی شمیل» بود که شاید گرایشهای مادی هم داشت اما همین شاعر ادیب مسیحی، قصیدهٔ مفصلی دربارهٔ قرآن و پیغمبر ما دارد که یک بیتش این است:

"اِنّی وَ اِن لَم آکن لَم ادینَ بِدینِهِ"

"هَل اَکفُرَنَّ بِمُحکَمِ الایاتِه"

(من اگر چه به دین او اعتقادی نـدارم آیا می‌توانم کفر و انکار بورزم به این آیات محکمهٔ قرآن). او یک عرب مسیحی است، اعتقادی هم به قرآن ندارد و بالاخره هم قبول نکرده یعنی برحسب آنچه که ظواهر قضیه نشان می‌دهد، همان رسوبات و همان چیزهایی که غالباً جلوی اِذعان و ایمان حرکت صحیح انسان را می‌گیرد، جلو او را هم ظاهراً گرفته،

شاید هم در خفا ایمان آورده که ما خبر نداریم. اما می‌گوید من حقایق قرآن را نمی‌توانم انکار کنم، یعنی او که در قرن چهاردهم هجری زندگی کرده، چرا نزدیک به چهارده قرن به نزول قرآن این اعتراف را می‌کند؟ چون خودش هم اهل زبان است، هم عارف است و هم واقف است، لذا وقتی نگاه می‌کند به قرآن می‌فهمد که این کتاب چقدر مهم است. ۷۱/۲/۱۶

ماه ژانویه سال ۱۵۸۹ میلادی

فوت عامل کشتار سن بارتلمی
ملکه فرانسه، کاترین مدیچی

## رهبرانقلاب

در تاریخ تحریف صورت گرفته یا به تعبیر بهتر از تاریخ سوء استفاده شده است. اما آنچه را که واقع شده است، نمی‌شود عوض کرد؛ اما در جهت استفاده‌های گوناگون - که حالا این استفاده‌ها هم طیف عظیم و وسیعی را درست می‌کند - آمدند بخشی از این واقعیتها را حذف کردند و نگذاشتند به گوش کسی برسد؛ مثلاً وقتی در باب تعصبات مذهبی صحبت می‌شود، چند درصد از مردم ایران، بلکه چند درصد از مردم خود اروپا خبر دارند که یک روز بر اساس تعصبات مذهبی، کشتار خونینی - که به کشتار «سن‌بارتلمی» معروف است - در شهر پاریس انجام گرفت و هزاران نفر را در یک شب کشتند؟ این یک حادثهٔ مذهبی است؛ یعنی جنگ بین پروتستانها و کاتولیکها بوده است. در آن زمان حکام فرانسه کاتولیک بودند؛ اما شازده‌یی از خودشان - که از سلسلهٔ «والوا» بود - اتفاقاً پروتستان شده بود. ملکهٔ فرانسه - یعنی «کاترین دومدیسی» - با صدراعظمش که یک کشیش بود و کاردینال «ریشلیو» نام داشت، نشستند تصمیم‌گیری کردند و یک شب تا صبح هزاران نفر را در شهر پاریس کشتند؛ فقط برای تعصب

مذهبی! الان چند درصد از مردم فرانسه از این قضیه خبر دارند؟ این قطعه اصلاً از تاریخ حذف شده است؛ نمی‌گذارند در دنیا منعکس بشود. از مردم ما چه‌قدر خبر دارند؟ امروز شما ببینید اروپا چه قدر کسانی یا کشورهایی - از جمله جمهوری اسلامی - را به داشتن تعصب مذهبی شماتت می‌کند؛ اما این حادثه را از تاریخ حذف کرده‌اند! این سوء استفادهٔ از تاریخ است. ۷۰/۱۱/۸

۵ ماه ژانویهٔ سال ۱۹۲۶ م

فوت مستشرق هزار چهره
مؤسس شبکه تحریف اسلام
از ایران شیعی تا ترکیه سنی
مورخ و ایران‌شناس انگلیسی
معمار لژماسونی کمیته ایران
عامل اصلی تحریف مشروطه
مربی روشنفکران غربزده مثل
ملکم‌خان، پیرنیا، تقی‌زاده و...
جاسوس MI۶،«ادوارد براون» ۱/

## رهبرانقلاب

از مفسدترین مراکز دنیا این سرویس جاسوسی انگلیس یاهمان MI۶ است، این‌ها مرکز فسادند! ۷۷/۱۰/۱۸

انصافاً انگلیسیها در شناخت مسائل کشور ما آدمهای چیز فهمی بودند، هنوز هم در بین این خارجیهای متجاوز کسی را نداریم که به اندازه انگلیسیها فهمیده باشد، آمریکایی‌ها در این ۵۰ سال که در مملکت ما بودند، در شناخت قضایای درونی ایران، خیلی کُندذهنی نشان دادند! روس‌ها هم که اصلاً هیچ؛ اما انگلیسیها تمام لایه‌های طبقاتی جامعه ما را خوب می‌فهمند که مثلاً شأن روحانی کجاست، شأن بازاری کجاست، شأن سیاستمدار کجاست، شأن شازده‌ها کجاست و با هر کس باید چگونه رفتار کرد! ۷۷/۲/۲

بلاهایی که دولت خبیث استعمارگر انگلیس در طول دهها سال بر سر ملت ایران آورد، فراموش نشدنی است. انقلاب مشروطیت را مصادره کردند، دیکتاتوری سیاه رضاخان را بر این مردم تحمیل کردند، نفت را غارت کردند، کشور را عقب نگه داشتند، ملت را ذلیل کردند و حقّ عمومی یک ملت را در طول دهها سال پامال نمودند! ۱۵/۱۱/۸۲

عمدهٔ دشمنیها علیه کشور و انقلاب، از سوی آمریکا و از سوی انگلیس خبیث است که هم در گذشته، از دوران طاغوت تا دوران انقلاب، هم بعد از دوران شروع انقلاب و پیروزی انقلاب تا امروز، همواره انگلیس با ما دشمنی کرده است! ۹۵/۳/۱۴

۵ ماه ژانویهٔ سال ۱۹۲۶ م

**فوت مستشرق هزار چهره**
**مؤسس شبکه تحریف اسلام**
**از ایران شیعی تا ترکیه سنی**
**مورخ و ایران‌شناس انگلیسی**
**معمار لژماسونی کمیته ایران**
**عامل اصلی تحریف مشروطه**
**مربی روشنفکران غربزده مثل**
**ملکم‌خان، پیرنیا، تقی‌زاده و...**
**جاسوس MI۶، "ادوارد براون» ۲/**

## رئیس جمهور، استاد خامنه‌ای:

هوشیاری این مرد بزرگ، علامهٔ اقبال، که علی‌رغم علاقهٔ شدید که به سرتوماس آرنولد دارد، رگهٔ سیاسی را در کار علمی او مورد غفلت قرار نمی‌دهد. این نکته را آقای جاوید اقبال در شرح حال پدرشان نوشتند، اقبال به دوست خودش، سید نظیر نیازی، که سرتوماس آرنولد را یک اسلام‌شناس می‌داند، نهیب میزند و می‌گوید: «چه اسلام‌شناسی؟ تو کتاب الدعوه الی الاسلام او را می‌گویی؟ او برای دولت بریتانیا کار می‌کند، من وقتی در انگلیس بودم، آرنولد به من گفت کتاب تاریخ ادبیات ادوارد برون را ترجمه کنم و من نخواستم این کار را بکنم، چون دیدم این کتاب آمیخته به اغراض سیاسی است.» حالا شما ببینید این برداشت اقبال از کتاب ادوارد برون است و برداشت ادبای ما -دوستان ادوارد براون، آن کسانی که

افتخار می‌کردند که رفیق و دوست ادوارد برون باشند-ببینید برداشت آن‌ها چیست! و من نمی‌خواهم حالا اسم بیاورم از این شخصیّت‌ها، چون بالاخره شخصیت ادبی و شخصیت فرهنگی هستند، اما بسیار ساده‌دل و ناآگاه و غافل از آن هدف‌های سیاسی؛ درحالی‌که اقبال، آن مرد هوشمند و مصداق «المؤمن کیّس»، رگه‌های سیاست خبیث استعماری را در لابلای کار توماس آرنولد و ادوارد برون می‌شناسد و می‌بیند؛ و این نشان‌دهندۀ عظمت اقبال است. ۶۴/۱۲/۱۹

۸ ژانویه ۱۶۴۲

## اعدام گالیله

### رهبرانقلاب

شما بدانید این حرفی که «تمدّن و تدیّن با هم تطبیق نمی‌کنند» جزو آن حرفهایی است که خیلی کهنه و قدیمی است. زمانی اروپاییها با دینی مسیحیتِ تحریف شده کلیسای قرون وسطی که داشتند با نشانه‌های تمدّن مواجه شدند؛ بدیهی است که آن تدیّن، اصلاً با آن تمدّن تطبیق نمی‌کرد. آن تدیّن، تدیّنی بود که اگر کسی «گالیله» می‌شد، حتماً باید سوزانده شود! اصلاً بحث تضاد تمدّن با تدین مربوط به آن دوره است، آن هم مربوط به اروپا؛ منتها همچنانکه اروپایی‌ها همه چیز خودشان را عمداً به کشورهای تحت سلطه استعماری منتقل می‌کردند، این فکر را هم بتدریج با شیوه‌های خیلی موذیانه، به داخل جامعه ما منتقل کردند که آن هم مربوط به ۵۰ سال قبل است و گاهی تا این زمانها در گوشه کنار کسانی مطرح می‌کنند، والّا این حرف، حرفِ امروز نیست. ۷۶/۱۱/۱۴

روزی که غرب در دوره رنسانس، علم و سیاست و روش زندگی را از دین جدا کرد، می‌خواستند به جای بهشتی که ادیان به انسانها وعده می‌دهند، در دنیا برایشان بهشت بسازند. این بهشت، امروز به جهنم تبدیل شده؛ خودشان هم این را میگویند. یک روز اینها با دین مخالفت

کردند. البته دینی که روشنفکری اروپا با آن مخالفت کرد، لایـق زنـدگی بشری نـبود؛ دیـن پُـر از خـرافـات بـود؛ همان دینی که گالیله را به اعدام محکوم می‌کند و یکی دیگر را زیر شکنجه می‌کشد؛ به خاطر این که یک کشف علمی کرده! دین مسیحیتِ تحریف شده است، نه مسیحیت واقعی. ایرادی به جدا شدن از آن دین نیست؛ ایراد به جدا کردن معنویت و اخلاق از علم و سیاست و نظام زندگی و روابط فردی و اجتماعی است. ۸۴/۲/۱۹

۸ ماه ژانویه سال ۱۹۴۱ م

فوت لرد و ژنرال انگلیسی
مؤسس جنبش پیش آهنگی
درهند، بالکان، ایران، آفریقاو...
عامل‌نفوذفرهنگی، رابرت‌بادن

## رهبرانقلاب

بعضی‌ها اصرار دارند برای تشکلهای دانش آموزی این نام و نشانه‌های دوران طاغوت را بکار ببرند؛ من این را نمی‌فهمم معنایش راکه حتماً باید بگوییم «پیش‌آهنگی» خب پیش‌آهنگی یک اصطلاحِ مال دوران طاغوت است؛ چه لزومی دارد؟ این تعبیرات و این الفاظ، هرکدام پشت سر خودشان یک بار معنایی دارند. جزو بزرگ‌ترین کارهای جمهوری اسلامی، جعل اصطلاحاتی بود با بارهای معنایی، مثلاً فرض کنید استکبار، مستضعفین، نظام سلطه؛ این‌جور تعابیر چیزهایی است که ملّتهای دیگر، نخبگان سیاسی و فعّال و مبارزاتی ملّتهای دیگر از ما قاپیدند آنها را. تعابیر طاغوتی چه لزومی دارد؟ ما بسیج دانش‌آموزی داریم، گروه‌های پیشتاز دانش‌آموزی، جامعۀ اسلامی دانش‌آموزی، انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزی؛ این تعبیرات، تعبیراتی است مال جمهوری اسلامی. چه لزومی دارد ما حتماً دنبال تعبیرات قدیمی برویم؟ ۹۵/۲/۱۳

۱۴ ژانویه ۱۹۷۷ م

فوت آنتونی ایدن
نخست وزیر انگلیس

## رهبرانقلاب

استکبار، همهٔ وجودش را اندیشمندانه در جهت ادارهٔ مطلوب خودش به کار می‌گیرد و کاملاً با فکر حرکت می‌کند و جریانات جهانی را هدایت می‌نماید تا محفوظ بماند چون می‌داند که اگر آینده‌نگری نکند، ضربه خواهد خورد. من، مقایسه‌ای بین انقلاب ایران و کودتای عراق می‌کنم تا شما ببینید که انقلاب اسلامی ایران، چه ضربه‌ای بر استعمار وارد کرد. وقتیکه در سال ۳۷ در عراق کودتا شد و «فیصل» را سرنگون کردند و «نوری سعید» را به جای او نشاندند، «ایدن» نخست وزیر انگلیس در خاطراتش نوشت: وقتیکه خبر کودتای عراق به من رسید، بزرگ‌ترین ضربه به مغز من وارد شد و ناگهان احساس کردم که دنیا تکان خورده است. ببینید یک کودتای معمولی در یک کشور اتفاق افتاد، این قدر برایشان سنگین بود، حالا شما آن کودتا را با انقلاب اسلامی مقایسه کنید؛ اصلاً قابل مقایسه نیست. انقلاب اسلامی، ناگهان تمام موجودیت دستگاه استعماری غرب را زیر سؤال برد. لذا دست به دست هم دادند، برای اینکه در مقابل اسلام و انقلاب اسلامی بایستند! ۶۸/۹/۷

## ۱۹ ماه ژانویه سال ۱۴۹۲ میلادی

### پایان حاکمیت اسلام در اسپانیا
### با یورش مسیحیان به آندلس ۱/

### رهبرانقلاب

سیاست امروز دشمنان اسلام، سیاست اندلسی کردن ایران است! موضوعی که من با شما جوانان در میان می‌گذارم شکل موعظه ندارد بلکه موضوعی اساسی است. نسل جوان کشور که بیش از نیمی از ملت و جمعیت کشور است، باید بداند در مقابل آرزوهای بزرگ، آرمانهای بلند و هدفهای مقدّس و قابل قبول و موجّه او چه موانعی وجود دارد. روزگاری مسلمانان در جنوب اروپا و در اسپانیا تا جنوب فرانسه، کشوری اسلامی به‌وجود آوردند. این کشور مهد تمدّن شد و علم در اروپا از همان تمدّن اندلسی قرون اوّلیهٔ اسلام شکوفا گردید. شکوفایی علم در آن سرزمین، داستان‌هایی دارد و خودِ غربیها نیز به آن معترفند. البته اکنون سعی می‌کنند این ورق را از تاریخ علم حذف و نام مسلمانان را به‌کلّی پاک کنند؛ اما خودِ آنها، این تاریخ را ثبت کرده‌اند و البته در تواریخ ما هم ثبت شده است. اروپایی‌ها وقتی خواستند اندلس را از مسلمانان پس بگیرند، اقدامی بلند مدّت کردند. آن روز صهیونیستها نبودند؛ اما دشمنان اسلام و مراکز سیاسی، علیه اسلام فعّال بودند. آن‌ها به فاسد کردن جوانان پرداختند و در

این راستا انگیزه‌های مختلف مسیحی، مذهبی یا سیاسی داشتند. یکی از کارها این بود که تاکستانهایی را وقف کردند تا شراب آنها را به‌طور مجّانی در اختیار جوانان قرار دهند! جوانان را به سمت زنان و دختران خود سوق دادند تا آنها را به شهوات آلوده کنند! گذشت زمان راههای اصلی برای فاسد یا آباد کردن یک ملت را عوض نمی‌کند. امروز هم آنها همین کار را می‌کنند! ۸۱/۱۲/۱۶

۱۹ ماه ژانویه سال ۱۴۹۲ میلادی

پایان حاکمیت اسلام در اسپانیا
با یورش مسیحیان به آندلس/۲

## رهبرانقلاب

یکی از راههای تهاجم فرهنگی، این بوده است که سعی کنند جوانان مؤمن را از پایبندیهای متعصّبانه به ایمان، که همان عواملی است که یک تمدّن را نگه می‌دارد، منصرف کنند. همان کاری را که در اندلس، در قرنهای گذشته کردند. یعنی جوانان را در عالم، به فساد و شهوت‌رانی و میگساری و این چیزها مشغول کردند. این کار، حالا هم انجام می‌گیرد. من بارها گفته‌ام: عدّه‌ای وقتی در خیابان نگاه می‌کنند و زنانی را می‌بینند که حجابشان قدری ناجور است، دلشان خون می‌شود. بله؛ این کارِ بدی است. اما کارِ بد اصلی، این نیست. کارِ بد اصلی آن است که شما در کوچه و خیابان نمی‌بینید! کسی به کسی گفت: «چه کارمیکنی؟» گفت: «دهل می‌زنم.» گفت: «چرا صدای دهلت در نمی‌آید؟» گفت: «فردا صدای دهل من درمی‌آید!» صدای فروریختن ایمان و اعتقاد ناشی از تهاجم پنهانی و زیرزیرکی دشمن -اگر شما ملت و عناصر فرهنگی بیدار نباشید- خدای نخواسته، آن وقتی درمی‌آید که دیگر قابل علاج نیست! ۷۱/۵/۲۱

## ۱۹ ماه ژانویه سال ۱۴۹۲ میلادی

### پایان حاکمیت اسلام در اسپانیا
### با یورش مسیحیان به آندلس/۳

### رهبرانقلاب

شما به کتاب «تاریخ علوم» پیر روسو نگاه کنید؛ آن‌جا می‌گوید: چهار پنج قرن قبل تاجری در یکی از کشورهای اروپایی به استادی مراجعه می‌کند و می‌گوید می‌خواهم فرزندم درس بخواند؛ او را به کدام مدرسه بفرستم؟ استاد در جواب می‌گوید اگر به همین چهار عمل اصلی - جمع و ضرب و تفریق و تقسیم - قانع هستی، می‌توانی او را به هر کدام از مدارس کشور ما یا دیگر کشورهای اروپایی بفرستی؛ امّا اگر بالاتر از آن را لازم داری، باید او را به کشور اندلس یا به مناطق مسلمان‌نشین بفرستی. این را پیرروسو می‌نویسد؛ این حرف من نیست. جنگ‌های صلیبی و هجرت دانشمندان آنها به این مناطق، کمک کرد تا از ما بیاموزند. هجرت دانشمندان ما به مناطق آنها و منتقل شدن کتابهای ما به آنها، کمک کرد تا از ما بیاموزند!

۸۳/۴/۱۷

۲۰ ماه ژانویه سال ۱۹۴۹

اعلام اصل چهار ترومن/۱

## رهبرانقلاب

امیرالمؤمنین می‌فرماید: شیطان «عَدُوُّ اللهِ اِمامُ المُتَعَصِّبین»؛ رئیس متعصّب‌های عالم وجود، شیطان است؛ از همه متعصّب‌تر است. امروز هم شیطان اکبر که امام فرمودند آمریکا است، این‌ها رئیس متعصّبینند. شما ببینید چقدر «ارزش‌های آمریکایی» میگویند! این ارزشهای آمریکایی خیال نکنید یک چیزهای لطیف مثلاً معنوی است؛ نه، ارزش‌های آمریکایی همین چیزهایی است که کلان آن در سیاستهای آمریکا در دنیا نشان داده می‌شود؛ یعنی حتّی در آن سیاستهای حمایتی‌شان؛ مثلاً فرض کنید اصل چهارم ترومن -آن‌هایی که حالا یادشان است، آن قدیمی‌ها، مثل ما- که به معنای کمک بود؛ امّا کمکِ با هدف دیگری بود ۹۵/۶/۱

توجه

مفاد دروغین اصل چهارم ترومن: ما باید اقدام جدیدی راجع به قابل دسترس کردن مزایای پیشرفت‌های علمی و صنعتی برای بهبود و رشد کشورهای در حال توسعه انجام دهیم. بیش از نیمی از مردم جهان در شرایط بسیار بدی به سر می‌برند. غذای آنها کافی نیست و قربانی بیماری‌ها

هستند، زندگی اقتصادی آنها ابتدایی و راکد است. فقر یک مشکل است و همه به خصوص مناطق مرفه را تهدید می‌کند و برای اولین بار در تاریخ بشر دانش و مهارت را در اختیار می‌گیرد تا به این مردم رنج‌کشیده کمک کند.

۲۰ ماه ژانویه سال ۱۹۴۹

اعلام اصل چهار ترومن/۲

## رهبرانقلاب

بعضی‌ها تاریخ را تحریف می‌کنند؛ خود آمریکایی‌ها این کار را می‌کنند؛ آن سالی که بنده رئیس‌جمهور بودم و رفتم سازمان ملل، یک خبرنگار معروفِ آن روزِ آمریکا، در سازمان ملل با بنده مصاحبه کرد و شروع اختلافات بین ایران و آمریکا را از ماجرای سفارت -لانهٔ جاسوسی- گفت؛ گفت بله، از وقتی که جوانهای شما رفتند سفارت را گرفتند، بین ایران و آمریکا اختلاف شد؛ این تحریفِ تاریخ است؛ قضیّه این نیست. اختلاف بین ملّت ایران و آمریکا قبل از بیست‌وهشتم مرداد شروع شد؛ بیست‌وهشتم مرداد سال ۳۲ به اوج رسید. آن‌ها بودند که نامردی کردند، خباثت کردند، ملّت ایران را با کودتا دچار یک رژیم فاسدِ وابسته کردند؛ شوخی نیست؛ سالهای متمادی این کشور زیر فشار رژیمِ وابستهٔ به آمریکا دست و پا زد. البتّه قبل از آن برنامه‌های ترومن بود -که زمان نوجوانی ماها است؛ بنده تا حدودی یادم هست- که ظاهر دوستانه و باطن خصمانه داشت! ۹۸/۸/۱۲

۲۱ ماه ژانویه سال ۱۷۹۳ م

اعدام مردمی لویی شانزدهم
درجریان انقلاب کبیر فرانسه

## رهبرانقلاب

یکی از حرفهایی که امروز محور جنگ روانی دشمن است، اینستکه میگویند نسل سوم انقلاب از ایده‌های انقلاب جدا شده است! بعد به دنبالش یک فلسفه دروغین هم می‌گذارند تا کسی جرأت نکند بگوید این حرف غلط است. میگویند این حرف متّکی به یک فلسفه است! آن فلسفه چیست؟ آن فلسفه این است که همواره در همهٔ انقلابها، نسل سوم از آن انقلاب رو برگردانده‌اند! حرف دروغ، حرف غلط، حرف چرند! کدام انقلابها را میگویید؟ در سال ۱۷۸۹ در فرانسه انقلاب شده؛ اما نه نسل سوم، نه نسل دوم، بلکه همان نسل اوّل از انقلاب برگشتند! بعد از چهار، پنج سال، یک حرکت علیه انقلابیّونِ اول به وجود آوردند و سه، چهار سال قدرت را قبضه کردند؛ باز بعد از چهار، پنج سال علیه آنها فعّالیت شد. به سال ۱۸۰۲ که رسید، چنان ماهیّت این انقلاب دگرگون شده بود که کسی مثل ناپلئون توانست بیاید و تاج پادشاهی را روی سرش بگذارد! یعنی کشوری که علیه سلطنت مبارزه کرده بود و لویی شانزدهم را زیر گیوتین گذاشته بود، بعد از ده، دوازده سال وضعش به گونه‌ای شد که ناپلئون بناپارت آمد و تاج شاهی را بر

سرش گذاشت و خودش را امپراتور نامید و سالها هم در آن کشور حکومت کرد؛ بعد هم تا نزدیک به هشتاد، نود سال رژیمهای سلطنتی - البته سلطنتهای گوناگون و سلسله‌های مختلف - در فرانسه پابرجا بود، که دائماً در حال جنگ و ابتذال و فساد بودند! آن انقلاب به نسل سوم که هیچ، به نسل دوم هم نرسید؛ چون پایه‌های انقلاب، پایه‌های سستی بود. ۷۹/۱۲/۹

۲۱ ماه ژانویه سال ۱۹۰۱ م

آغاز سلطنت ادوارد هفتم
درپی مرگ ملکه ویکتوریا

## استاد خامنه‌ای

هر جامعه‌ای یک سنتهایی دارد که همه‌اش هم غلط نیست، بعضی‌اش غلط است، حساس نبودن روی سنتهای جاهلی، روی سنتهای ضدانقلابی یک اصطلاح ارتجاعی است که حالا ممکن است ما در این تعبیر حرف داشته باشیم. من در هندوستان بوضوح این را دیدم که با اینکه انگلیسها از این کشور خارج شده‌اند، اما سنتهای انگلیسی از این کشور خارج نشده و آنجا باقی است. از سال ۱۹۴۷ تا الان که سال ۱۹۸۲ است یعنی ۳۵ سال هند به اصطلاح آزادی گرفته و سعی هم می‌کند که خودش را کشور آزادی وانمود کند اما سنتهای انگلیسی آنجا هست. حالا بعضی از سنتهایش مهم نیست مثل ترافیک و رفت و آمد که همه دنیا از طرف راست می‌روند، انگلیس‌ها در خیابان از طرف چپ می‌روند که حالا این ضرری ندارد اما بعضی از سنن خطرناک است، من یک مجسمه‌ای را در میدانی دیدم در یکی از شهرهای جنوبی هند؛ پرسیدم، گفتند این مجسمه یکی از شاهزادگان انگلیسی (ادوارد هفتم) است که از زمان انگلیسها اینجا هست، گفتم فرق ما با شما این ستکه ما مجسمه‌های سلاطین و شبه سلاطین و قرب

سلاطین و مانند اینها را مردمان کشیدند پایین و سوزاندند و نابود کردند این سامریها را و شما بعد از ۳۵ سال هنوز این مجسمه را اینجا وسط میدان نگه داشته‌اید. یک روزی تعطیلی بود در وسط هفته؛ پرسیدیم چرا تعطیلی است، گفتند این یکی از جشنهای انگلیس است که از آن زمان - آن وقتی که حاکم بر هند بودند- آن‌ها یک جشن چنین و چنانی داشتند و تعطیل می‌کردند و هنوز هم هست، این یعنی حساس نبودن در مقابل سنتهای جاهلی! ۶۱/۲/۱۷

۲۱ ماه ژانویه سال ۱۹۲۴ م

رهبرانقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه
دبیرکل حزب ملی کمونیست
بنیانگذار نظام مارکسیستی
اتحادجماهیرسوسیال‌شوروی

## رهبرانقلاب

امام بزرگوار ما مصداق «انّ الّذین امنوا و عملوا الصّالحات سیجعل لهم الرّحمن ودّا»؛ هدف او، هدف الهی؛ رفتار او، رفتار ایمانی؛ و عمل او، عمل صالح. این است که در فضای ذهنیت جامعهٔ اسلامی، برای چنین موجودی می‌ماند و میرائی ندارد؛ مثل سلسلهٔ انبیاء الهی و اولیاء الهی که جسمشان از مردم غایب شد، اما حقیقتشان و هویتشان زنده است. رهبران مادی را با انواع حیله‌ها می‌خواهند در دلها زنده نگه دارند، نمی‌شود. جسد لنین رهبر شوروی را مومیائی کردند تا بماند و جلوِ چشم باشد، اما نماند. آن مومیائی یک جسم بی‌ارزش، آن فکر و آن اصول و آن یاد، همه محکوم به زوال شد؛ هم در جامعهٔ خود او، هم در سطح جهان. تفاوت رهبری و معنوی و روحی این است. با این دید و با این مبنا، امام همچنان زنده خواهد ماند. دشمنان او، مخالفان او، معارضان دینی و سیاسی او، رفتند و خواهند رفت! ۸۶/۳/۱۴

۲۱ ماه ژانویه سال ۱۹۵۰ م

فوت جرج اورول انگلیسی
نویسنده مزرعه حیوانات
واضع اصطلاح «جنگ سرد»

## رهبرانقلاب

تا وقتی که ابرقدرتها سلسله‌جنبان مسائل جهانی هستند، جنگ در دنیا تمام نمی‌شود. جنگ برای آنها دارای منافع مادی است. این جنگ، جنگ در راه عدالت نیست. دروغ میگویند آمریکائیها و دیگران که میگویند ما جنگ می‌کنیم برای اینکه امنیت بدهیم؛ نه، درست عکس این است. هر جا حضور نظامی و حرکت نظامی دارند، موجب ناامنی و موجب بی‌عدالتی و موجب سخت کردن زندگی برای انسانها هستند. از وقتی که این ابزارهای مدرن در دنیا به وجود آمده است، انسان‌ها دچار فشارند. در طول چهل و پنج سال - یعنی از بعد از جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۹۰ مسیحی - که به اصطلاح دوران «جنگ سرد» نامیده می‌شود، در گزارشهای رسمی بین‌المللی آمده است که فقط سه هفته در دنیا جنگ وجود نداشته است! در تمام این چهل و پنج سال، در گوشه و کنار دنیا جنگهائی وجود داشته است. این جنگها را کی به وجود می‌آورد؟ همان کسانی که تسلیحات را تولید می‌کنند! ۸۹/۴/۱۹

دولت آمریکا که پس از جنگ جهانی دوم و پایان پذیرفتن

جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به‌عنوان «رأس نظام سلطهٔ جهانی» شناخته شده نماد این روحیه و طاغوت اعظم است. تا وقتی این روحیه و نتایج ناشی از آن در رفتار دولتمردان آمریکا وجود داشته باشد این درگیری حق‌طلبانه علیه سلطه‌طلبی و زورگویی نیز ادامه خواهد داشت و تنها راه رفع این دشمنی، عاقل شدن مستکبرین و دست برداشتن آنها از روحیات مستکبرانه است! ۸۶/۵/۲۸

۲۲ ژانویه سال ۱۹۷۳ م

فوت لیندون بی جانسون
قاتل مردم ویتنام، حامی پهلوی
سی‌وششمین رئیس جمهور آمریکا

## رهبرانقلاب

تاریخ دورهٔ استعمار را بخوانید تا ببینید غربیها علی‌رغم ظاهر نونوارِ اتوکشیدهٔ ادکلن‌زدهٔ منظم و مرتب و داعیه‌های حقوق بشرشان، چه وحشیگریهای عظیمی کردند! ۹۰/۵/۱۹

همه رجزخوانیهای آمریکا از سرِ قدرت نیست. البته آنها تجهیزات نظامیشان پیشرفته است، پول بسیاری دارند؛ اما این موارد دلیل قدرتمندی واقعی در میدان عمل نیست. همین آمریکا با این همه قدرت، بعد از ده سال جنگ، از چریکهای ویتنام شکست خورد. ویتنام، یک کشور ضعیف بود. در آن زمان آمریکا با تجهیزات فراوان، هواپیما، بمب، موشک و همه امکانات ارتباطاتی با مردمی جنگید که هیچ امکاناتی نداشتند. اکثر آنها حتّی سلاح گرم نیز نداشتند اما آمریکا از آن مردم شکست خورد و سرافکنده و زبون از ویتنام خارج شد! ۸۲/۱/۱

توجه؛

محمدرضا پهلوی علاوه بر جنایت علیه ملت مظلوم کشور خود، با حمایت از جانسون بر کشور مظلوم ویتنام هم ظلم بسیار کرد جهت مطالعه بیشتر رجوع شود به کتاب جنگ ویتنام اثر برتراند راسل!

لیندون جانسون و محمدرضاپهلوی

۲۹ ماه ژانویه سال ۱۹۲۱

انتخاب ملک فیصل اول
به پادشاهی کشور عراق
با کمک استعمار انگلستان

## رهبرانقلاب

وقتی جنگ جهانی اول اتفاق میافتد که با پیروزی جبهه‌ای که انگلیس‌ها منجر می‌شود، به انگلیس‌ها یک قدرت جدیدی می‌دهد و این‌ها می‌توانند آزادانه هر کاری بکنند. میدانید که اینها در همین سال‌ها عراق را هم فتح کردند؛ یعنی مابین سال‌های ۱۹۱۴ و ۱۹۲۰؛ در واقع ۱۳۳۳ قمری تا ۱۳۳۸ قمری. این‌ها دربارهٔ عراق یک سلسله اقداماتی را شروع کردند که انسان می‌فهمد که این اقدامات، اولاً با پشتگرمی این‌ها به پیروزی در جنگ بوده، ثانیاً به دلیل تسلط بر ایران بوده است. این‌ها در ۱۹۲۰ توانستند عراق را قبضه کنند که «ثورة العشرینِ» - انقلاب ۱۹۲۰ - عراقی‌ها کاملاً سرکوب شد و اینها حکومت را به وجود آوردند. در همان سال - یعنی تقریباً در یک سال؛ حالا شاید از لحاظ ماه‌های میلادی یک مقداری این‌ور و آن‌ور باشد - رضاخان سر کار آمده؛ در ۱۲۹۹ و در ۱۹۲۰ یا ۲۱، ملک فیصل اول در عراق سرکار آمده است و پادشاهی، کاملاً در مشت انگلیس‌ها بود و به وسیلهٔ خودِ آنها در آن‌جا به وجود آمده؛ یعنی یک حرکت کاملاً حساب‌شدهٔ دقیقِ خوبی را انگلیس‌ها انجام دادند! ۸۵/۲/۹

ملک فیصل اول و رضاخان

۲۹ ژانویه ماه سال ۲۰۰۲ م

"محور شرارت نامیدن ایران" توسط بوش رئیس جمهور آمریکا در پی طرح گفتگوی تمدن‌ها توسط خاتمی

## رهبرانقلاب

در هر برهه‌ای که ما در مقابل جبههٔ دشمن انعطاف نشان دادیم و با توجیه‌هائی عقب‌نشینی کردیم - مثلاً یک وقت گفتیم بگذارید بهانه را از دست دشمن بگیریم، یک وقت گفتیم بگذارید سوءظن دشمن را از خودمان زائل کنیم - دشمن مواضع گستاخانه‌تری علیه ما گرفته. در آن روزی که ادبیات مسئولین ما آلوده شد به حرفها و تعبیرات تملق‌آمیز نسبت به غرب و فرهنگ غربی، در آن روز اینها ما را «محور شرارت» معرفی کردند! چه کسی؟ آن کسی که خودش مجسمهٔ شرارت بود. رئیس جمهور قبلی آمریکا - مجسمهٔ شرارت - ایران اسلامی را «محور شرارت» معرفی کرد! این کِی بود؟ آن وقتی که ما در ادبیات خودمان، در اظهارات خودمان، حرفهای تملق‌آمیز نسبت به غرب و نسبت به آمریکا و اینها را تکرار می‌کردیم. این‌ها اینجوری‌اند. ۹۱/۵/۳

انعطاف در مقابل دشمن -به‌خاطر مصلحت‌سنجی‌های موسمی‌ای که خب ما در یک مواردی داریم- تیغ دشمنيِ او را کُند نخواهد کرد، بلکه او را گستاخ‌تر خواهد کرد؛ این هم یک تجربه است. فراموش نکنیم هر جایی که ما مقداری

کوتاه آمدیم، آن‌ها تندتر آمدند. همان رئیس‌جمهور شریری که خودش مجسّمهٔ شرارت بود -بوش دوّم در مقابل انعطافهایی که دولت وقت نسبت به او نشان داده بود، ایران را محور شرارت نامید و با افتخار ایستاد، اسم محور شرارت را روی ایران گذاشت؛ چون در مقابل او انعطافهایی نشان داده شده بود. ۹۷/۳/۲

۲۹ ماه ژانویه سال ۱۹۹۰ م

افتتاح اولین شعبه مک دونالدز
توسط میخاییل گرباچف در مسکو
درپی اصلاحات در جماهیر شوروی
جهت نزدیکی و جذب اعتماد آمریکا

## رهبرانقلاب

من روزبه‌روز اجرای طرح آمریکایی فروپاشی شوروی را نوشته‌ام چون ماجرای عظیمی است، گورباچف وقتی سرکارآمد، یک روشنفکر بود؛ شعاری که او مطرح کرد، پروستریکا (اصلاحات اقتصادی) و گلاسنوست (اصلاحات اجتماعی) بود، با ریاست گورباچف تمجید رسانه‌های غربی از وی شدت گرفت تا جاییکه مجله امریکایی، گورباچف رابعنوان مرد سال معرفی کرد، این آغوش باز غرب گورباچف را فریب داد و به آنها اعتماد کرد؛ در محیط اختناق شوروی، این شعارهای پروستریکایی و گلاسنوستی بشدت فضاشکن بود. گورباچف با شعار گلاسنوستی بعداز ۷۳ سال قید جواز عبور از شهری به شهر دیگر در شوروی را برداشت و اجازه آزادی بیان داد چراکه در تمام این دوران، روزنامه مهم شوروی فقط «پراودا» بود. بعداز مدتی هم سیل تبلیغات فرهنگ غربی مانند «مک‌دونالد» و غیره در شوروی راه پیدا کرد اما یلتسین معاون گورباچف مرتب می‌گفت این شتاب اصلاحات کم است لذا گورباچف او را عزل کرد؛ اما رسانه‌های غربی یلتسین را یک اصلاح‌طلب

مظلوم مطرح می‌کردند؛ گورباچف تخریب شد و بنا شد بعداز ۷۳ سال انتخابات شود و یلتسین رئیس جمهور شد! ۷۹/۴/۱۹

ازدحام مردم شوروی مقابل اولین شعبه مک دونالد

۳۰ ژانویه سال ۱۹۴۸

فوت ماهاتما گاندی

## رهبرانقلاب

ماهاتما گاندی یک روحانی هندو، یک روحانی جینی و وابسته به مکتب جینیزم بود! ۵۳/۶/۳۰

من شاید چهل سال پیش یا بیشتر، اولین ترجمه را از مرحوم محمد قاضی خواندم که گمان می‌کنم ترجمهٔ کتاب «مهاتما گاندی» نوشتهٔ رومن رولان بود. هم کتاب، کتاب بسیار ممتازی است، هم ترجمهٔ محمد قاضی حقاً ترجمهٔ برجسته و ممتازی است. ۸۸/۲/۲۴

توجه؛

جینیزم؛ مکتبی عرفانی و قدیمیتر از بودیسم که پیروان آن متضمن پیمانهایی هستند، ازجمله: تعهد بر عدم کشتن و آزردن جانوران، خودداری از گفتار و کرداری که منجر به خشم و دروغ شود، عدم دست‌درازی به اموال دیگران، حرام کردن لذات جنسی بر خود، ترک هرگونه دلبستگی اندک یا بسیار به اشیاء، اعم از جاندار یا بی‌جان.

۲ ماه فوریه سال ۱۹۷۰ میلادی

فوت فیلسوف و مورخ برتانیایی
برنده جایزه نوبل، برتراند راسل

## رهبرانقلاب

قانونگذاری، ولایت است - یک ولایت الهی است؛ ریشه در ولایت الهی دارد - برخاسته و پدید آمده از ولایت الهی است. این مردم‌سالاری دینی که ما می‌گوییم، معنایش این است؛ یعنی نماینده مجلس شورای اسلامی از این طریقی که در قانون اساسی برای مجاری اعمال ولایت الهی معین شده، یک ولایتی پیدا کرده است که این شد یک تکلیف. بنابراین آنچه که در مجلس شورای اسلامی تصویب می‌شود، برای منِ شخصی و نوعی واجب‌الاتّباع است و بایستی بر طبق او عمل کنم. این مبنا، مبنای اسلامی است. در نگاه افرادی که از این مبنای اسلامی دورند، وقتی که به مسئله نگاه می‌کنید، می‌بینید تناقض و تهافت زیاد است. یک روز که آراء مردم به نفع یک جماعتی باشد، آراء مردم و جمهوریت اهمیت پیدا می‌کند، اگر یک روزی مردمی که می‌خواهند این ولایت را طبق دستور قانون اساسی به یک شخصی تسلیم کنند، بر خلاف نظرشان بود، آن وقت اسم این آراء عمومی، اسم این جمهوریت، می‌شود عوام‌گرایی؛ توده‌گرایی! و شرح مبسوطی دربارهٔ غلط بودن نظر توده داده می‌شود، که گاهی می‌بینید که

در نوشته‌ها از فلان نویسندهٔ قرن سوم چهارم اسلامی گرفته، تا فلان نویسندهٔ مسلمان، تا زمان ما؛ برتراند راسل و نمی‌دانم گوستاو لوبون دربارهٔ خطرات آراء عامه و تسلط عامه می‌نویسند که فلان کس اینجور گفت که نظر عامه اصلاً غلط است؛ خطاست، اما اگر چنانچه به نفع خودشان باشد، آن وقت اذعان می‌کنند؛ قبول می‌کنند! ۸۷/۳/۲۱

۴ فوریه ماه سال ۲۰۱۶ م

## درگذشت قاری بزرگ مصری
## شیخ راغب مصطفی غلوش

### رهبرانقلاب

من یک خاطره‌ای هم از شیخ راغب مصطفیٰ دارم، بد نیست آن را بگویم. خیال می‌کنم در سال ۴۵، ۴۶ یا ۴۷، یعنی بیست و دو سه سال یا بیست و یکی دو سال قبل از این، ما در مشهد و در رادیو -رادیوهای کشورهای عربی و رادیوی مصر و مانند اینها- با دقّت دنبال خواندن شیخ مصطفیٰ اسماعیل می‌گشتیم تا بلکه خواندن او را پیدا کنیم؛ چون نوارهایش نبود و در ایران هم رادیو قرآن نبود؛ ما از رادیوهای خارجی گوش می‌کردیم و تلاوتهای شیخ مصطفیٰ اسماعیل را پیدا می‌کردیم. ماها عاشق تلاوت شیخ مصطفیٰ اسماعیل بودیم. من یک رفیقی داشتم -مرحوم آقا جعفر که آقایان او را می‌شناسند- که با هم پای رادیو می‌نشستیم و گوش می‌کردیم. یک روز من را دید، گفت که امروز در رادیوی مصر، صدای پسر شیخ مصطفیٰ اسماعیل را پیدا کردم. گفتم چطور؟ از کجا فهمیدی پسرش است؟ گفت که یک کسی است به نام راغب مصطفیٰ -«غلوش» اش را نمی‌دانست- که پسر شیخ مصطفیٰ اسماعیل است! آن را ضبط کرده بود، من گوش کردم؛ من که گوش کردم گفتم قاعدتاً باید همان

پسر شیخ مصطفیٰ اسماعیل باشد؛ چون صدایش شبیه مصطفیٰ اسماعیل است! و آیات هم همین آیات معروف بود «وَ استَمِع یَومَ یُنادِ المُنادِ مِن مَکانٍ قَریب». خیلی نوار خوبی است؛ مال ایشان است. ۶۸/۱۱/۲۰

۵ فوریه ۲۰۲۰ م

فوت کرک داگلاس
بازیگر مطرح هالیوود

## رهبرانقلاب

من چند سال قبل در یکی از دانشگاه‌ها گفتم روشنفکری در ایران بیمار متولد شد. اگر شما به تاریخچهٔ روشنفکری نگاه کنید، این را تصدیق خواهید کرد، اصلاً روشنفکری در کشور ما از اول بیمار و وابسته به بیگانه متولد شد. الان هم عرض می‌کنم که مفهوم تجدد نیز در کشور ما بیمار و معیوب و معلول متولد شد. تجدد در کشور ما به چه معنا بود؟ این‌که عرض می‌کنم، مربوط به اواخر دوران قاجار است؛ بعد در دورهٔ رضاخان و بقیهٔ دورهٔ پهلوی هم اوج حرکتی بود که الان دارم میگویم. در قاموس متجددین کشور ما «تجدد» به معنای تقلید از غرب بود. تقلید یعنی چه؟ یعنی شما بروید لباس کهنهٔ کسی را بخرید و در روز عید به عنوان لباس نو تنتان کنید. تفکرات قرن نوزدهمی فرانسه و انگلیس و بقیهٔ مناطق اروپا وارد ایران شد. صد سال از بروز این تفکرات گذشته بود، اشکالات و خدشه‌ها و نسخ‌ها و ردهای فراوانی هم بر آن وارد شده بود؛ تازه آقایان متجدد ایرانی، آن روز رفتند سراغ همان تفکرات، همان روش‌ها و حتّی همان منش‌های شخصیتی ظاهری؛ یعنی لباس پوشیدن، ریش گذاشتن، سبیل گذاشتن و

زلف گذاشتن. داگلاس نامی در یک گوشهٔ فرنگ پیدا شده بود و سبیلش را به شکل خاصی اصلاح کرده بود؛ در ایران این سبیل شد مُد! زمان جوانی ما بیتل‌ها خط ریش کج می‌گذاشتند؛ جوانهای ما بعد از آن‌که سالها از بروز چنین پدیده‌ای گذشته بود، از آنها تقلید می‌کردند! این، تجدد است؟! این، قهقرا رفتن و عقبگرد است؛ این‌که تجدد نیست! ۸۴/۳/۵

۵ فوریه سال ۱۸۸۱ م

درگذشت توماس کارلایل
مورخ و فیلسوف اسکاتلندی

## رهبرانقلاب

قـرآن کـریم یـک چیز فـوق الـعـاده و برجـسـتـه‌ای هست، معجزه بودن قرآن حتی بعد از گذشت ۱۴ قرن همچنان به قوت خود باقی است. کسانی از اهل معرفت و اهل دانش ایـن مـوضـوع را در کتابها ذکـر کـرده‌انـد و در مقابل قـرآن خضوع داشتن لذا وقتی نگاه می‌کنند به قرآن می‌فهمند که این کتاب چقدر مهم است، توماس کارلایل معروف انگلیسی که ظاهراً اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ می‌زیسته، درباره قرآن و پیامبر کتاب دارد و مفصل حقایق قرآن را گفته البته او اهل زبان نیست و احتمالاً مثل ما که خیلی با لفظ و زیبائیهای لفظی انسی نداریم و ممکن است نفهمیم، او هم از الفاظ قرآن چیزی نفهمیده، اما از مفاهیم و معانی قرآن چیزهایی فهمیده اینها وقتی نگاه می‌کنند به حقایق قرآن و محکمات آیات ایـن کتاب را می‌بینند تشخیص می‌دهـنـد کـه ایـن حقایق مـربـوط بـه ذهـن مـحـدود بشر نیست، ولـذا غیر قابل انکار است و این خـودش معجزهٔ جاودانهٔ قرآن و جاودانگی اعجاز قرآن است. ۷۱/۲/۱۶

۱۰ ماه فوریهٔ سال ۱۷۵۵ م

فوت فلیسوف فرانسوی
بنیان گذار علم حقوق
شارل لوئی مونتسکیو

## رهبرانقلاب

اگر آزادی را با آن معنای راقی مطرح کنیم، که آزادی روح انسان از هوی‌ها و هوس‌ها، از قید و بندهای مادی است، اگر این را بگوئیم که این تا امروز هم هنوز در انحصار مکاتب الهی است و اصلاً مکاتب غربی و اروپائی آن را استشمام نکرده‌اند و آن آزادی‌ای که در فرانسه در انقلاب کبیر در قرن هیجدهم مطرح شد و همچنین بعد از او در دنیای غرب، این آزادی مطرح شد، خیلی حقیر است؛ نفس آزادی، خود این مفهوم متعالی و راقی‌ای که حداکثر ۲۰۰ سال است توی مطبوعات و کتابها و اندیشه‌های غربی راه پیدا کرده، این در قرآن کریم هست در وصیت امیرالمؤمنین به فرزندش امام حسن مجتبی است: «لاتکن عبد غیرک و قد جعلک الله حرّا» بندهٔ غیر خودت نباش که خدا تو را آزاد آفریده. ببینید! هر انسانی آزاد به دنیا آمده که در سندهای بسیار مهم انقلاب کبیر فرانسه امروز در دنیا حفظ می‌شود و دهن به دهن گفته می‌شود و از حرفهای مونتسکیو نقل می‌شود که هر انسانی آزاد به دنیا می‌آید، درحالیکه این اصل ۱۴۰۰ سال قبل یک سند غیر قابل خدشه اسلام است! ۶۵/۹/۱۴

۸ ماه فوریه سال ۱۷۲۵

فوت تزار روسیه، پطراول

## رهبرانقلاب

این روزها یک رمان روسی به نام «پطر بزرگ» که سه جلد است و نویسندهٔ آن، آلکسی تولستوی است - منتشر شده است. این رمان، رمانی بسیار قوی در شرح حال پطر است. به نظر من، اگر یک مترجمِ خوب این کتاب را ترجمه می‌کرد، می‌توانست کتاب مفیدی حتّی برای ادبیات کنونی جامعهٔ ما باشد؛ اما آن‌طوری برخورد نمی‌شود! ۷۰/۸/۲۸

من در مقوله‌های سینمایی و هنرهای تجسمی و تصویری یک مستمع عامی هستم اما در مورد شعر و رمان نه، آدم عامی نیستم؛ از آثاری که وجود دارد، زیاد خوانده‌ام. اگر الان شما ادبیات شوروی را نگاه کنید، می‌بینید که بین رمانهای حال و گذشته حصاری وجود دارد. وقتی شما کار «شولوخف» یا «آلکسی تولستوی» یک نویسنده بسیار قوی است و رمانهای بسیار خوبی دارد و از نویسندگان انقلاب شوروی است یا در رمانهای «لئو تولستوی» آثار ملیت روسی را می‌بینید، اما آثار دوران ۶۰ ساله اخیر را نمی‌بینید؛ آن دوران یک چیز دیگر است! ۷۰/۹/۴

۱۰ ماه فوریه سال ۱۹۹۲ م

درگذشت مبارز ضد نژادپرستی
رمان‌نویس آفریقایی، الکس هیلی

## رهبرانقلاب

یکی از ماجراهای گریه‌آور تاریخ که نظام سلطهٔ آمریکا و امثال آن دوست ندارند این داستان احیا بشود، مسئله برده گرفتن مردم آفریقا است؛ کشتی‌ها را از اقیانوس اطلس می‌آوردند، در سواحل کشورهای غرب آفریقا مثل گامبیا و امثال اینها نگه می‌داشتند، بعد می‌رفتند با تفنگ و سلاحهایی که دست مردمِ آن روز از این سلاحها خالی بود، صدها و هزارها پیر و جوان و مرد و زن را می‌گرفتند، با شرایط بسیار سختی با این کشتی‌ها برای بردگی به آمریکا می‌بردند. انسان آزاد را که در خانهٔ خودش زندگی می‌کرد، در شهر خودش زندگی می‌کرد، به اسارت می‌گرفتند؛ الان سیاهانی که در آمریکا هستند، از نسل آنهایند. چند قرن آمریکایی‌ها این فشار عجیب را آوردند که در این زمینه کتابها نوشته‌اند که این کتاب ریشه‌ها کتاب مغتنمی است برای نشان دادن گوشه‌ای از این فجایع. انسانِ امروز چطور می‌تواند اینها را فراموش کند؟ با همهٔ این حرفها هنوز هم در آمریکا بین سیاه و سفید تبعیض هست!

۹۹/۸/۲۹

۱۱ فوریه ۱۶۵۰ م

فوت رنه دکارت
فیلسوف فرانسوی

## رهبرانقلاب

باید گسترش گفتمان فلسفهٔ اسلامی در دنیا باشد؛ این را هدف قرار دهید. امروز مطلقاً اینجور نیست، بلکه بعکس است. یعنی امروز در ایران مثلاً در محیطهای دانشگاهی و علمی ما فلسفهٔ کانت بمراتب رائج‌تر و شناخته شده‌تر است از فلسفهٔ بوعلی سینا. یعنی ابن‌سینای با این عظمت که همهٔ تاریخ بشر، از هزار سال پیش به این طرف، با اسم او درگیر است، در مجامع دانشگاهی ما حکمت و فکر فلسفی‌اش شناخته شده نیست به آن اندازه‌ای که کتاب فکر فلسفی مثلاً کانت شناخته شده است. این یک مسئلهٔ مهمی است. ما باید عکس این را عمل کنیم. یعنی باید هدف را این قرار بدهیم که تفکر فلسفهٔ اسلامی - حالا با همان مشخصاتی که دارد؛ که خود این، جای بحث و گفتگو دارد که فلسفهٔ اسلامی چیست - در دنیا به عنوان گفتمان فلسفی شناخته شود، در دانشگاه‌ها رواج پیدا کند، متفکرین عالم از آنها مطلع باشند، روی آنها بحث کنند، نقد و انتقاد کنند، در مجلات علمی‌شان منعکس شود! ۹۱/۱۱/۲۳

۱۲ فوریه ۱۸۰۴ م

فوت امانوئل کانت
فیلسوف آلمانی

## رهبرانقلاب

آزادی اجتماعی به همین معنایی که امروز در فرهنگ سیاسی دنیا ترجمه می‌شود، یک ریشه قرآنی دارد. هیچ لزومی ندارد که ما به لیبرالیسم قرن هجدهم اروپا مراجعه کنیم و دنبال این باشیم که «کانت» و «جان استوارت میل» و دیگران چه گفته‌اند! ما خودمان حرف و منطق داریم. آن حرفها به دلایلی نمی‌تواند برای ما راهگشا باشد. مقوله «آزادی» را اسلامی بدانید! ۷۷/۶/۱۲

فاصلهٔ عمیقی بین نگاه و نگرش اسلام و نگاه و نگرش غرب وجود دارد؛ منشأ اصلی هم این است که ملاک و معیار آزادی در آنجا بحث انسان‌سالاری است، در اینجا بحث خداسالاری است، عبودیت خداست، توحید الهی است؛ این به جای خود محفوظ. یک وقت ما نگاه می‌کنیم به نظرات غربی، می‌بینیم این نظرات خروجی خوبی نداشته‌اند؛ واقع قضیه این است دیگر. حالا این همه متفکرین برجسته و بزرگشان - کانت و غیر کانت و دیگران - راجع به آزادی حرف زده‌اند و مطالبی گفته‌اند؛ کو حالا؟ کجای دنیای غرب از لحاظ عمل، رفتارشان منطبق است با آن چیزهائی که آنها گفته‌اند و آنها خواسته‌اند؟ آن

محدودیتهائی که آنها مراعات کرده‌اند و ملاحظه کرده‌اند، وجود ندارد. اگر فرض کنیم این چیزی که امروز در واقعیت غرب می‌بینیم، عیناً ترجمهٔ عملیاتی آنهاست، پس آنها هم خیلی وضعشان بد بوده؛ چون امروز وضعیت غرب از لحاظ آزادی، وضعیت بسیار تأسفبار و بدی است؛ یعنی به هیچ وجه قابل دفاع نیست. ۹۱/۸/۲۳

۱۲ فوریه سال ۱۹۴۹

شهادت حسن البناء
مؤسس اخوان‌المسلمین

## رهبرانقلاب

نخستین امواج بیداری در کشورهای منطقه غرب آسیا ـ که همزمان با آغاز ورود پیشقراولهای استعمار آغاز شد ـ غالباً به وسیلهٔ علمای دین و مصلحان دینی پدید آمد. نام رهبران و شخصیتهای برجسته چون سیدجمال‌الدین و محمد عبده و میرزای شیرازی و آخوند خراسانی و محمود الحسن و محمدعلی و شیخ فضل‌الله و حاج آقا نورالله و ابوالاعلی مودودی و دهها روحانی معروف بزرگ و مجاهد و متنفذ از کشورهای ایران و مصر و هند و عراق در صفحات تاریخ برای همیشه ثبت و ضبط است. در دوران معاصر هم نام درخشان «امام خمینی» عظیم چون ستارهٔ پرفروغی بر تارک انقلاب اسلامی ایران می‌درخشد. در این میان، صدها عالم معروف و هزاران عالم غیرمعروف نیز، امروز و دیروز، نقش‌آفرین حوادث اصلاحی بزرگ و کوچک در کشورهای گوناگون بوده‌اند. فهرست مصلحان دینی از قشرهای غیرروحانی همچون حسن‌البناء و اقبال لاهوری نیز بلند و اعجاب‌انگیز است. ۹۲/۲/۹

۱۶ فوریه سال ۱۹۹۲ م

شهادت سیدعباس موسوی
انتخاب سیدحسن نصرالله
به دبیر کلی حزب الله لبنان ۱/

## رهبرانقلاب

با تألم و تأسف بسیار خبر شهادت مظلومانهٔ روحانی مجاهد و خستگی ناپذیر و رهبر فداکار حزب الله لبنان حجت الاسلام آقاسید عباس موسوی و همسر و فرزند خردسالش را بدست جنایت بار رژیم صهیونیست دریافت کردم. رحمت خدا بر این سید عالیقدر و شجاع و بااخلاص و هوشمند ولعنت و نفرین خدا و خلق بر صهیونیست‌های ددمنش و خون آشام که در راه مقاصد پلید و تجاوزکارانهٔ خود از هیچ جنایتی رویگردان نیستند و بر حامیان خبیث و مستکبرشان که با چشم پوشی از جنایات بزرگ آن رژیم و کمک به ادامهٔ آن، چهرهٔ ضد انسانی و خیاثت بار خود را بیش از پیش آشکار می‌کنند و از هیچ توطئه و خیانتی علیه مسلمانان حق طلب روی نمی‌گردانند، خون به ناحق ریختهٔ این شهید بزرگوار عزیز و همراهان مظلومش مبارزهٔ حق طلبانه مردم لبنان و فلسطین را بر ضد اشغالگران صهیونیست جدی‌تر و عمیق‌تر خواهدساخت. این سید عالیقدر که علم را با عمل و گفتار را با صدق وفداکاری را با درایت توأم کرده بود در راه هدف الهی و مقدس خود که

دفاع از اسلام و مقابله با ظلم و تجاوز بوده به شهادت رسید و به سعادت ابدی نائل آمد و راه او بوسیله یاران و هم سنگرانش و ملت مسلمان و مظلوم لبنان و فلسطین ادامه خواهد یافت. ۷۰/۱۱/۲۸

۱۶ فوریه سال ۱۹۹۲ م

شهادت سیدعباس موسوی
انتخاب سیدحسن نصرالله
به دبیر کلی حزب الله لبنان/۲

## رهبرانقلاب

این مسؤولیت، امروز بر دوش شما برادر عزیز ما - آقای سیّد حسن نصرالله - است. ما همیشه شما را از صمیم قلب دوست می‌داشتیم و شایسته می‌دانستیم. خدا را بر این انتخابِ خوب شکر می‌کنیم و برادرانه عرض می‌کنیم که بار مسؤولیت خیلی سنگین است. اگرچه شما بحمدالله آماده‌اید، اما باید روزبه‌روز خودتان را بیشتر آماده کنید. مردم روح و جسم خودشان را در اختیار گذاشته‌اند؛ لذا مسؤولیتتان خیلی سنگین است. دشمن هم خشن و وحشی است؛ باید با رعایت همهٔ جوانب حرکت کرد. اولاً بایستی جهاد را اصل دانست؛ ثانیاً باید حزم و احتیاط را در این کار به کار گرفت؛ ثالثاً بایستی با صحنهٔ پیچیدهٔ لبنان هوشمندانه برخورد کرد. در جهاد، مردم اصلند؛ هرچه ممکن است، بایستی اعتماد آنها جلب بشود. افزایش کمی و کیفی که بحمدالله در برنامهٔ شما هم هست، صددرصد مورد تأیید ماست. به اعتقاد من بایستی مهمترین امر در ذهنتان این باشد که به خدا توکل کنید و حقیقتاً - به معنای واقعی کلمه - از او کمک بخواهید و از

او استغاثه کنید. اشخاصِ ما عجزه‌یی بیش نیستیم؛ این عجز را بایستی به قدرت بی‌نهایت پروردگار وصل کنیم، تا بکلی آسیب‌ناپذیر شویم. من طهارت و صفای شما را میدانم؛ اما روزبه‌روز باید این بیشتر بشود. توسلات و توجهاتتان را به پروردگار بیشتر کنید. نوافل - مخصوصاً نافلۀ شب - وسیلۀ مهمی است، به‌هرحال، در این مبارزۀ عظیمی که در مقابل شماست و باید آن را ادامه بدهید، من تقویت جانب معنوی را واجب میدانم. ۷۰/۱۲/۱۳

۱۶ فوریه سال ۱۹۹۲ م

شهادت سیدعباس موسوی
انتخاب سیدحسن نصرالله
به دبیر کلی حزب الله لبنان/۳

## رهبرانقلاب

وجود شما (سیدحسن نصرالله) در لبنان، در آن نقطه حساس، نعمت بسیار بزرگی برای اسلام و امت اسلامی است و امیدواریم خدای متعال به شماها توفیق بدهد و به آنچه که رضای او در آن است، کمک و هدایت کند. من همیشه شماها را دعا می‌کنم و معتقدم این من تنها نیستم، خیلی‌ها هستند که به شما دعا می‌کنند و موفقیت شما را از خدای متعال مسألت دارند و متضرعانه می‌خواهند که خداوند شما را در راهتان موفق کند. حتماً خدای متعال اجابت می‌کند و شماها در کارتان موفق خواهید شد. ۷۷/۹/۳



## شهیدقاسم سلیمانی

سید حسن نصرالله یک خصوصیتی دارد که ماها تا حالا هیچ‌کدام به این درجه نرسیده‌ایم. فکر می‌کنم ما اصلاً درس ولایت‌شناسی را باید برویم پیش ایشان یاد بگیریم. او اعتقاد جدی به بیانات رهبر معظم انقلاب دارد و این‌ها را یک بیانات الهی و غیبی می‌داند. لذا به هر بیانی و به هر

کلمه‌ای که از ناحیهٔ رهبر معظم انقلاب صادر شده باشد، اهتمام جدی و توجه اساسی و فوق‌العاده دارد! ۹۸/۷/۹

۱۸ فوریه ۱۹۶۷ م

فوت پدر بمب‌اتمی
رابرت اوپن هایمر

## رهبرانقلاب

علم وقتی جهت نداشت می‌شود استعمار و بوسیله آن پدر میلیونها انسان را در می‌آوردند. علم بی‌جهت و بی منطق و غیر اخلاقی و معنوی، می‌شود بمب اتم پس ما بایستی دستگاه علمی خودمان را مراقبت کنیم و یک راه جدیدی برای علم درست کنیم. آن چیست؟ آن عبارت است از سازندگی اخلاقی و معنوی در کنار علم! ۹۴/۸/۲۰

من اصرارم بر اینستکه این را فراموش نکنید که علم و دین توأمانند. علم مجرد از دین شاید در کوتاه مدت یک کشوری را به یک نقطه‌ای از افتخار هم برساند، اما در بلندمدت برای بشریت زیانبار است؛ نتیجه‌اش همین می‌شود وسیلهٔ زورگوئی و استثمار و تخریب حرث و نسل و بمب اتم و روی کار آمدن سیاستمدارانِ دور از همهٔ احساسات انسانی در خیلی از کشورهای دنیا. علم را باید با دین همراه دانست. علم را برای خدا و در راه خدا باید تحصیل کرد و به کار گرفت. این، جزو تعالیمِ اولیهٔ ما باید باشد؛ در همه‌جا. ۸۶/۴/۲۵

توجه؛

کریستوفر نولان، کارگردان مؤلف هالیوود و صاحب سبک

تلفیق درام و فیزیک درحال تولید فیلمی است درباره رابرت اوپن‌هایمر با بازیگری کلین مورفی!

۱۹ فوریه سال ۲۰۱۶

درگذشت امبرتو إکو
نویسنده شهیر ایتالیایی

## رهبر انقلاب

من ۳ سال پیش، داستانی ترجمه شده با عنوان «نام گل سرخ» از یک نویسنده ایتالیایی خواندم که داستان یک دیْر است. در این داستان که مربوط به قرون وسطاست، ماجرای زندگی کشیش‌ها تشریح شده و نویسنده به برخوردهای آنان پرداخته است. البته ماجراهای مذکور در تاریخ هم معلوم است و ما از آنها خبر داریم. با همه این واقعیت‌ها، می‌بینید که فلان کمپانی فیلمسازی در ایتالیا یا در هالیوود، فیلمی می‌سازد و در آن به ترویج مسیحیت و نشان دادن سیمای ملکوتی یک کشیش خیالی می‌پردازد.

سؤال این است که چرا ما نبایستی از سینما که وسیله تبیین بهترین حقایق عالم که حقیقت دین است، بهترین استفاده را بکنیم؟ چرا پرداختن به حقیقت دین در فیلم‌های فارسی ضعیف است؟ چرا در یک فیلمنامه برترین هنر را به کار نمی‌برید تا چهره درستی از ارزش‌های اسلامی ارائه کنید؟ ارزش‌های اسلامی والاترین ارزش‌ها و برترین حقایقی است که می‌تواند یک انسان را مجذوب کند. توقع ما این است که در هنرهای نمایشی، به این ارزش‌ها اهمیت داده شود. ۷۳/۱۱/۳

۲۱ ماه فوریه سال ۱۹۶۵ م

شهادت مالکوم ایکس (لیتل)
مجاهد ضد نژادپرستی در آمریکا
رهبر سیاهپوستان مسلمان آمریکا

## رهبرانقلاب

امروز سالروز شهادت مالکوم ایکس، رهبر سیاهان مسلمان آمریکاست، خواهش می‌کنم حمد و قل‌هوالله برای روح آن شهید بخوانید! ۹۵/۱۲/۳

اینکه امام گفتند در مقابل آمریکا بِایستید و هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بزنید، به‌معنای دفاع از ارزشها است؛ نه‌فقط ارزشهای مخصوص مسلمانها، دفاع از ارزشهای انسانی. امروز به اعتراف خود آمریکایی‌ها، دولت آمریکا و نظام آمریکا ارزشهای انسانی در آن کشور نابودشده و لگدمال‌شده است؛ تبعیض نژادی وجود دارد. در آمریکا شما اگر رنگین پوست هستید، اگر سیاهپوست و سرخ پوست هستید، در خیابانهای نیویورک و شیکاگو و واشنگتن و کالیفرنیا و غیرذلک وقتی راه می‌روید، نمی‌توانید مطمئن باشید که تا چند دقیقهٔ دیگر زنده‌اید؛ نژادپرستی آمریکا یعنی این! ۹۵/۸/۱۲

۵ ماه مارس سال ۱۹۵۳ م

فوت پرعبرت ژوزف استالین
رهبر حزب کمونیست شوروی
و امر مؤکد و مکرر امام و رهبری
بر عبرت‌گیری از روش حکمرانی وی/۱

## رهبر انقلاب

انقلاب اسلامی ایران، نخستین انقلاب بزرگ تاریخ انقلابهای دنیا در طول قرن‌های اخیر است که توانسته خط مستقیم و جهت گیری خود را در یک چنین مدت طولانی حفظ کند؛ این سابقه ندارد. انقلاب شوروی خیلی زودتر از ۱۵ سال دچار انحراف شد. انقلابی که به کمک تودهٔ مردم روی کار آمده بود، تبدیل شد به دیکتاتوری استالینی که سال‌های متمادی ادامه داشت و بعد به اعقاب استالین به ارث رسید. مردم در آن کشور بزرگ، حتی کمترین اختیاری برای بخش مهمی از زندگی شخصی خودشان نداشتند؛ چه برسد در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی و حکومتی و مملکتی. سرنوشت انقلابهای دنیا این است. خرده انقلاب‌هایی هم که در دنیا اتفاق افتاده‌اند، هر کدام سرنوشتی شبیه همین‌ها داشتند؛ که اگر کسی اهل تاریخ باشد و نگاه کند، شگفتی‌های فراوانی خواهد دید. اولین انقلابی که با مردم شروع کرد، با مردم ادامه داد، حرف خود را عوض نکرد، راه خود را تغییر نداد و اهداف خود را کم و زیاد نکرد، انقلاب اسلامی ایران است. این انقلاب به

نام خدا و برای مردم و برای عدالت و استقلال و آزادی آغاز شد و این راه را همچنان ادامه داده است. هنوز شعارها همین‌هاست و به توفیق الهی این شعارها همچنان خواهد بود. ۸۳/۱۱/۱۹

۵ ماه مارس سال ۱۹۵۳ م

فوت پرعبرت ژوزف استالین
رهبر حزب کمونیست شوروی
و امرمؤکد و مکرر امام و رهبری
برعبرت‌گیری ازروش حکمرانی وی/۲

## رهبرانقلاب

یکی از حرف‌هایی که امروز محور جنگ روانی دشمن است، این است که میگویند نسل سوم انقلاب از ایده‌های انقلاب جدا شده است! بعد به دنبالش یک فلسفه هم می‌گذارند - مثل همه فلسفه‌های قُلابی و جعلی که فقط برای توجیه یک حرف دروغ و غلط درست می‌کنند - تا کسی جرأت نکند بگوید این حرف غلط است. میگویند این حرف متکی به یک فلسفه است! آن فلسفه چیست؟ این است که همواره در همهٔ انقلاب‌ها، نسل سوم از آن انقلاب رو برگردانده‌اند! حرف دروغ، حرف غلط، حرف چرند! شما کدام انقلابها را میگویید؟ انقلاب اکتبر شوروی هم به نسل سوم نرسید. هنوز شش، هفت سال از پیروزی انقلاب نگذشته بود که استالینیسم بر سرِ کار آمد. استالینی بر سرِ کار آمد که امروز در دنیا هر کس را بخواهند به گردن کلفتی و زورگویی و ظلم و بی‌ملاحظگی و دوری از انسانیت متهم کنند، به استالین تشبیه می‌کنند! درست هم هست؛ استالین واقعاً مظهر این صفات بد بود. حکومت به اصطلاح کارگری، که برای طبقات ضعیف تشکیل شده بود، به حکومت استبداد مطلق فردی تبدیل شد! ۷۹/۱۲/۹

۵ ماه مارس سال ۱۹۵۳ م

فوت پرعبرت ژوزف استالین
رهبر حزب کمونیست شوروی
و امر مؤکد و مکرر امام و رهبری
بر عبرت‌گیری از روش حکمرانی وی/۳

## رهبر انقلاب

من افسوس می‌خورم که چرا بعضی از جوانهای ما با ماجراهای انقلابهای دنیا آشنا نیستند! یک مقدار تقصیر آموزشها در رادیو تلویزیون که متأسفانه نداریم؛ ولی کتابخوانی هم بی‌نقص نیست، باید کتاب نوشته شود مثلاً شما ۲۰ سال بعد از انقلاب اکتبر - یعنی سال ۱۹۳۷ - شوروی را نگاه کنید، دیکتاتوری سیاه استالین بر شوروی در آن ۲۰ سال حاکم بود، که صدها هزار آدم به جرم مخالفت با حکومت استالین یا توهم مخالفت اعدام شدند! و چند برابر آن در سیبری، تبعید شدند! تمام رؤسای سطح اول انقلاب، یکسره بوسیلهٔ کسانی که بعداً وارث آنها بودند، اعدام یا فراری شدند و عده‌ای در تبعید کشته شدند! شما خود شوروی را هم که در ۱۹۳۷ نگاه کنید، که آن اوج دیکتاتوری سیاه استالین است. این دیکتاتوری، با حفظ مبانی انقلاب نبوده؛ یعنی استالین، یک تزار واقعی بود. فقط از خانواده رُمانف نبود؛ اما یک تزار و یک پادشاه مطلق بود! من گمان نمی‌کنم هیچ پادشاهی که در قصر «کرملین» حکومت کرده بود، به قدر استالین پادشاهی کرده باشد!

چون او هم در همان قصر و با همان تشریفات و همان امکانات و همان زندگی و اینها بود. استالین، تنها چیزی که از انقلاب حفظ کرد، آن نیم تنه‌ای بود که تا آخر عمرش به شکل یک فرم می‌پوشیدند که تا بالا دکمه می‌خورد! آن را هم به مجردی که مرد، اعقابش کنار گذاشتند و هیچ چیز دیگر نماند؛ تمام شد! از انقلاب، فقط اسمش ماند!

۷۷/۱۲/۱۵

۵ ماه مارس سال ۱۹۵۳ م

فوت پرعبرت ژوزف استالین
رهبر حزب کمونیست شوروی
و امرمؤکد و مکرر امام و رهبری
برعبرت‌گیری از روش حکمرانی وی/۴

## رهبرانقلاب

در شوروی حکومت به اصطلاح کارگری، که برای طبقات ضعیف تشکیل شده بود، به حکومت استبداد مطلق فردی تبدیل شد! استالین حتی به حزب کمونیست هم که در نظام شوروی همه‌کاره بود، اجازه نمی‌داد که در زمینه‌هایی تصمیم‌گیری کند. با آن وضعیت خشن و عظیم، استالین یک حکومت مطلقه سی و چند ساله را ادامه داد؛ هیچ کس هم جرأت نداشت اعتراض کند. شاید شما ماجرای آن تبعیدهای عجیب را شنیده باشید. اولین کتابی که بعد از فروپاشی حکومت شوروی در تشریح اوضاع اختناق‌آمیز دوران اتحاد جماهیر شوروی منتشر شد، یک رمان است - که الان اسمش یادم نیست - دو جلدش به فارسی ترجمه شده که من آن را خوانده‌ام؛ بسیار هم قشنگ نوشته و اوضاع آن زمان را تشریح کرده است. این تازه مربوط به اوضاع بعد از استالین است که وضعیت کاملاً فرق کرد، اما روش آن استبداد باقی ماند. بنابراین مسأله نسل دوم و سوم و این حرفها نبود؛ همان اوایل کار، همه چیز از دست رفته بود. ۷۹/۱۲/۹

۵ ماه مارس سال ۱۹۵۳ م

فوت پرعبرت ژوزف استالین
رهبر حزب کمونیست شوروی
و امر مؤکد و مکرر امام و رهبری
برعبرت‌گیری از روش حکمرانی وی/۵

## رهبرانقلاب

نظام اسلامی، نظامی جوان و منعطف و پرتلاش و مردمی است که هیچ نظامی در دنیا - حتی دمکراسی‌های غربی؛ چه در امریکا، چه در فرانسه، چه در جاهای دیگر - نمی‌تواند ادعا کند که مثل نظام ما مردمی است؛ برای خاطر این که در دمکراسی‌های غربی عده‌ای پای صندوق‌های رأی می‌آیند و رأی می‌دهند، تا چه برسد به نظام دیکتاتوری پرولتاریا! خودشان می‌گویند یکی از اصول حتمی‌شان دیکتاتوری است؛ یعنی انتخابات بی‌انتخابات! در طول هفتاد و چند سال حکومت شوروی، تا قبل از انتخابات روسیه در این اواخر، یک انتخابات اتفاق نیفتاده بود؛ ولی ما در ظرف ۲۱ سال، ۲۱ انتخابات داشته‌ایم! آیا اینها با هم قابل مقایسه است؟ در آن‌جا زندگی نمایندگان طبقه پرولتاریا زندگی کاخ کرملینی است؛ اما در این‌جا ما روی زیلو می‌نشینیم و افتخار هم می‌کنیم. در این‌جا مسؤولان کشور - آن‌هایی که بتوانند - همّت و افتخارشان این است که خودشان را به زندگی مردم نزدیک کنند. در نظام شوروی وقتی استالینی سرِ کار بود، تا نمی‌مرد، هیچ علاج دیگری

نداشت! سی سال حکومت می‌کرد، تا بالاخره با حادثه یا بی‌حادثه، یا از زور مصرف مسکرات قویِ روسی می‌مرد و بعد مثلاً خروشچفی سر کار می‌آمد؛ بعد هم برژنفی روی کار می‌آمد؛ برژنف هم بعد از هجده، نوزده سال می‌مرد و یک نفر دیگر به قدرت می‌رسید! ۷۹/۴/۱۹

۵ ماه مارس سال ۱۹۵۳ م

فوت پرعبرت ژوزف استالین
رهبر حزب کمونیست شوروی
و امر مؤکد و مکرر امام و رهبری بر عبرت‌گیری از روش حکمرانی وی/۶

## رهبرانقلاب

گفته شد که بعضی نظرات کارشناسی می‌دهند که با نظر رهبری مخالف است، میگویند آقا این ضد ولایت است. من به شما عرض بکنم؛ هیچ نظر کارشناسی‌ای که مخالف با نظر این حقیر باشد، مخالفت با ولایت نیست؛ دیگر از این واضح‌تر؟! من استالین نیستم که بنشینم یک سری حرف بزنم بعد یک عده‌ای را بیاورم بنشینند آنها را تئوریزه کنند، کار کارشناسی، کار علمی، کار دقیق به هر نتیجه‌ای که برسد، آن نتیجه برای کسی که آن کار علمی را قبول دارد، معتبر است؛ به هیچ وجه مخالفت با ولایت فقیه و نظام هم نیست. البته گاهی اوقات می‌شود که این حقیر خودش در یک زمینه‌ای کارشناس است؛ بالاخره ما هم در یک بخشهائی یک مختصر کارشناسی‌ای داریم؛ این نظر کارشناسی ممکن است در مقابل یک نظر کارشناسی دیگر قرار بگیرد؛ خیلی خوب، دو تا نظر است دیگر؛ کسانی که می‌خواهند انتخاب کنند، انتخاب کنند. در زمینه‌های فرهنگی، در زمینه‌های آموزشی - در بخشهای مخصوصی - بالاخره ما یک مختصری سررشته داریم، یک قدری کار

کردیم؛ این می‌شود نظر کارشناسی. به هر حال هیچگاه اعلام نظر کارشناسی و نظر علمی، معارضه و مبارزه و مخالفت و اعلام جدائی از رهبری و ولایت و این حرفها به حساب نمی‌آید و نباید بیاید. ۹۱/۵/۱۶

۵ ماه مارس سال ۱۹۵۳ م

فوت پرعبرت ژوزف استالین
رهبر حزب کمونیست شوروی
و امرمؤکد و مکرر امام و رهبری
برعبرت‌گیری ازروش حکمرانی‌وی/۷

## امام خمینی

روشنفکرهای ما و نویسندگان ما، نویسندگان ما و تمام طبقۀ عالِم و روشنفکر توجه به مفاخر خودشان داشته باشند. این قدر طرف غرب سجده نکنند و کتاب بنویسند. شما خودت مطلب داری؛ چه کار داری کی چه گفته؟ جهنّم، که گفته! چرا استشهاد به یک قول اجنبی می‌کنی تا روح جوان‌های ما را افسرده کنی و اینها را از قالب خودشان بیرون بکنی. شما بنابراین بگذارید که این چیزهایی که دارد شما را می‌کِشد به طرف غرب و مفاخر شما را زیر پا می‌گذارد و به جای او مطالب غربی را می‌نشاند، شما هم اعراض کنید از او؛ پشت کنید به اینها. به نویسندۀ این طوری پشت بکنید؛ به کتاب این طوری پشت بکنید. این کتابهایی که هرچه صحبت می‌شود از لنین و استالین و زهر مار صحبت می‌شود نخرید. الزامی نیست که شما باید کتاب بخرید. نخرید این کتاب‌ها را. نخوانید این کتاب‌ها رااین کتاب‌ها را می‌آورند که شما بخوانید. می‌خواهند شما را از شرقیت به غربیت، آن هم به آن بدترین اقسام دیکتاتوری، بدترین اقسام دیکتاتوری را به شما می‌خواهند تحمیل کنند،

نخرید این کتاب‌ها را. خداوند تبارک و تعالی همان طور که عنایت کرد بر این ملت، رحمت کرد بر این ملت و این ملت را از شرّ اجانب و از شرّ نوکرهای اجانب نجات داد، این نظر رحمت را بر این ملت حفظ بکند که دیگر این اجانب رخنه نکنند در این مملکت. ۵۸/۶/۱۷

۵ ماه مارس سال ۱۹۵۳ م

فوت پرعبرت ژوزف استالین
رهبر حزب کمونیست شوروی
و امرمؤکد و مکرر امام و رهبری
برعبرت‌گیری ازروش حکمرانی وی/۸

## رهبرانقلاب

اگر بتوانیم اخلاق را اسلامی کنیم، فرهنگ را اسلامی کنیم، مردم را با خُلقیات اسلامی پرورش دهیم و صفاتی را که در صدر اسلام از یک جماعت کوچک، یک ملت عظیم و مقتدر درست کرد، در ملتمان زنده کنیم، همین‌ها بزرگ‌ترین دستاوردها است؛ بدون آن که فرهنگ مردم و بینش آنها را اصلاح کند، نمی‌تواند در جامعه‌ای ایجاد کند؛ مثلاً آن عدالت اجتماعی‌ای که کمونیست‌ها، بی‌توجه به اصلاح فرهنگ مردم و پذیرش اختیاری آنها بر آنها تحمیل کردند، همان چیز ناقص غلط معیوبی شد که در تاریخ ثبت شده است. یعنی به اسم عدالتِ اجتماعی، همه‌چیز را به هم ریختند و هیچ فایده‌ای به بار نیاوردند. از این رو، کشورهای کمونیستی، تجربهٔ عظیمی هستند؛ بویژه طبقات مرفه عظیم آنها که به زعم خودشان از ایجاد کمونیسمِ حکومتی و دولتی، به دنبال عدالت اجتماعی بودند؛ اما به جای این عدالت، یک تزار جدید و یک استالین بدکار و فاسد و ظالم و قسی‌القلب بوجود آوردند! بله؛ عدالت اجتماعی‌ای که از اخلاق و فرهنگ صحیح جدا باشد، نتیجه‌اش این می‌شود.

عدالت اجتماعی، که یک امر اجتماعی محض و مربوط به حکومت، سیاست و شیوهٔ فرمانروایی در جامعه است، جز به برکت یک فرهنگ صحیح در اذهان یکایک مردم، تأمین‌شدنی نیست. ۷۴/۴/۱۹

۵ ماه مارس سال ۱۹۵۳ م

فوت پرعبرت ژوزف استالین
رهبر حزب کمونیست شوروی
و امرمؤکد و مکرر امام و رهبری
برعبرت‌گیری ازروش حکمرانی وی/۹

## امام خمینی

کمونیست یک مخدری است برای مردم. نه این است که یک چیزی، یک حلِ عقده‌ای می‌کند. مگر می‌شود کسی که خودش آدم نیست برای آدم‌ها کار بکند؛ مگر می‌شود که یک مسلح غیر صالح برای مردم ضعیف کار بکند. من خودم شاهد این قضیه بودم که وقتی که در همین جنگ عمومی که بنا بود سران لشکرها، سران دوَل، در ایران با هم ملاقات بکنند، استالین آن وقت رئیس شوروی بود . این استالینی که حالا هم عکس‌هایش را می‌اندازند و چه می‌کنند؛ گر چه اخیراً دیگر آبرویی ندارد لکن ایشان رئیس شوروی بود. آن دوتای دیگری که یکی‌اش از امریکا بود و یکی‌اش از انگلستان بود، این‌ها با امر عادی آمدند، رفتند. آن طور که نقل می‌کردند آن وقت. رفتند به سفارت‌خانه‌های خودشان؛ و بنا بود در تهران یک جلسه‌ای داشته باشند. لکن استالین که همه به او برادر می‌گفتند و همه می‌گفتند ما همه با هم، مثل هم هستیم و برای مردم دلسوزی می‌کرد و «قارداش» به او می‌گفتند، ایشان، می‌گفتند حتی گاوی که از آن شیر می‌خواهد بخورد

آورده‌اند همراهش که مبادا از گاوهای ایران شیر بخورد! گاو را با طیاره‌ای که حامل خودش بوده، حامل یک گاو هم بوده! خدا می‌داند که اینطور بود. ۵۶/۱۰/۱

۵ ماه مارس سال ۱۹۵۳ م

فوت پرعبرت ژوزف استالین
رهبر حزب کمونیست شوروی
و امرمؤکد و مکرر امام و رهبری
برعبرت‌گیری ازروش حکمرانی وی/۱۰

## امام خمینی

شیطان باطنی انسان، بسیار استاد است. و او همچو نیست که ابتدا انسان را به فساد بکشد؛ ابتدا قدم کوچکی را وا می‌دارد که انسان بردارد. این قدم که برداشت، فردایش یک قدم یک قدری بلندتری. انسان را یواش یواش به جهنم می‌فرستند؛ یواش یواش به فساد می‌کشد. همه اینهایی که می‌بینید فاسد شدند این طور نبودند که اینها از اول به این درجه از فساد بودند؛ بلکه كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الفِطرَةِ و این طور هم نبودند که یک دفعه جهش کرده باشند از یک مرتبه‌ای به مرتبهٔ بالای فساد. این طور هیچ وقت نبوده است. این به تدریج واقع شده است. این‌هایی که دیکتاتور شدند این طور نبوده است که از اول دیکتاتور زاییده شده باشند. آن‌ها هم مثل سایر مردم بودند. بعد هم وقتی که به مقامی رسیدند، این طور نبوده است که از اول دیکتاتوری کرده باشند. لکن قدم به قدم، ذره به ذره، رو به دیکتاتوری رفتند، یک وقت هیتلر از کار درآمدند؛ یک وقت استالین از کار درآمدند! ۶۰/۳/۶

۱۰ مارس سال ۱۹۴۰ میلادی

فوت میخائیل بولگاکف روسی
نویسنده رمان مغفول دل سگ
و رمان‌مشهورمرشدومارگاریتا

## رهبرانقلاب

من در مقوله سینما و هنرهای تجسمی و تصویری و امثال اینها یک مستمع عامی هستم اما در مورد شعر و رمان نه، آدم عامی نیستم؛ از این آثاری که وجود دارد، زیاد خوانده‌ام. هنرمند هر دوره، آنکسی است که متعلق به آن دوره است. من اگر بخواهم یک نمونهٔ کامل این موضوع را برای شما مطرح کنم، باید از یک رمان نام ببرم. من رمانی به نام «دل سگ» خواندم، که نویسنده‌اش روسی است، این رمان، داستانی علمی، تخیلی است، این رمان، رمان کوچکی هم هست؛ اما بسیار هنرمندانه است. این رمان در ایران هم ترجمه شده و چاپ گردیده است ولی شماها اسمش را هم نشنیده‌اید. رمان «دل سگ»، یک رمان ضد انقلابی است اوایل انقلاب روسیه نوشته و نویسنده بعضی از کارهای انقلاب را مسخره کرده است؛ مثل همین کارهایی که در اینجا هم نظیرش را دیده بودیم. این اثر، اصلاً جزو ادبیات روسیه نیست. این رمان می‌توانست در دنیا پخش بشود! ۷۰/۹/۴

۱۲ مارس ۲۰۰۳ م

فوت هاوارد فاست
نویسنده رمان «آمریکایی»

## رهبرانقلاب

نمی‌دانم شما چقدر با وضع دموکراسی‌های غربی و انتخابات آنجا آشنا هستید. هرچه در این زمینه اطلاع پیدا کنید و معلوماتتان بیشتر شود، به ناکامی تحزب و دمکراسی غربی بیشتر پی خواهید برد. کتابی هست که بعید است شما آن را مطالعه کرده باشید -لابد کمتر وقت می‌کنید کتاب بخوانید- این کتاب از یک رمان نویس معروف امریکایی به نام «هاوارد فاست» است، او ده، دوازده جلد کتاب دارد که بنده بعضی از کتابهایش را دارم و خیلی از آنها را خوانده‌ام، او یک رمان‌نویس بسیار خوبی است؛ او کتابی دارد بنام «آمریکایی» که شرح حال فلان کس معروف در امریکاست. آدم وقتی این کتاب را می‌خواند، واقعاً می‌فهمد که انتخابات آمریکایی یعنی چه! کسانی که در آن انتخابات هیچ کارهٔ محضند، مردمند؛ من می‌بینم الان کسانی برای اینگونه تحزب در کشور تلاش می‌کنند؛ من اینگونه حزب را قبول ندارم! ۷۷/۱۲/۴

۱۴ ماه مارس سال ۲۰۱۸

## فوت فیزیکدان انگلیسی
## منتقد خدا باوری و معاد
## برنده جایزه آزادی بیان
## استیون ویلیام هاوکینگ

### رهبرانقلاب

یک نکته در مورد علوم انسانی عرض کنم. ببینید، ما نمی‌گوییم علوم انسانی غیر مفید است؛ ما میگوییم علوم انسانی به شکل کنونی مضر است؛ مثلاً من یکی از حرفهایی که دارم، همین رشتهٔ تعلیم و تربیت در حوزه است. بحث در این نیست که این علوم مفید نیست؛ بحث در این است که اینی که امروز در اختیار ما قرار دادند، مبتنی بر یک جهان‌بینی است غیر از جهان بینی ما. علوم انسانی مثل پزشکی، مهندسی، فیزیک نیست که جهان‌بینی و نگرش نسبت به انسان و جهان در آن تأثیر نداشته باشد؛ چرا، تأثیر دارد. شما مادی باشید، یک جور علوم انسانی تنظیم می‌کنید. علوم انسانی ما برخاستهٔ از تفکرات پوزیتیویستی قرن پانزده و شانزده اروپاست. اگر ما در داخل حوزه رشته تعلیم و تربیت داشته باشیم، در زمینه تعلیم و تربیت متخصص تربیت کنیم؛ آن وقت حوزه علمیه و روحانیت می‌تواند آموزش و پرورش را عرصه حضور خودش قرار دهد. نه اینکه ما برویم بشویم وزیر آموزش و پرورش؛ این اصلاً کارساز نیست. بحث آموزش

و پـرورش، کتـاب درسـی اسـت و سـاختن معلم، تربیت معلم، تربیت دینی معلم و تولید کتابهای دینی و کتابهای غیردینی؛ یعنی کتاب فیزیک یا کتاب ریاضیات هم می‌تواند درس توحید بدهد، می‌تواند انسانها را بی دین کند؛ هم می‌تواند توحید و تدین و تعبد را به دانش آموز القا کند، هم می‌تواند او را بی دین کند، به مبدأ و معاد بی اعتنا کند. ما باید بتوانیم حوزهٔ علمیه را آماده کنیم. الان حوزهٔ علمیه آماده نیست! ۸۹/۸/۲

۱۴ مارس سال ۱۸۸۳ میلادی

فوت فیلسوف آلمانی یهودی‌تبار
ایدئولوگ ضدتوحیدی، مارکس/۱

## رهبر انقلاب

تکامل در منطق اسلام به معنی پیچیده‌تر شدن نیست، بلکه تبدیل ذات حیوانی به ذات انسانی است. همچنانکه ملاصدرا حرکت عَرَضی را در مقابل خود ذات تصور کرد که به آن میگویند حرکت جوهری، یعنی خود این جوهر و خود این ذات، یک حرکتی پیدا می‌کند از چیزی به چیز دیگری نه اینکه چیزیست دارای خصوصیت و آن خصوصیت تبدیل می‌شود که همان خصوصیت عرضی باشد، بلکه چیزیست که خود او به تدریج تبدیل می‌شود به چیز دیگر، مثل انسانی که در آغاز یک موجود حیوانی بیش نیست، شعور انسانی ندارد به تدریج تبدیل می‌شود به انسان، این حرکت جوهری است، جوهر او عَرَض می‌شود، ذات او دگرگون می‌شود و به تکامل می‌رسد، این تکامل انسان را می‌رساند به رتبه فرشتگان و بالاتر از آن.

در منطق مادی‌ها و دیالکتیکی و مارکسیستی، تکامل یعنی پیچیده‌تر شدن، مثلاً مغز میمون‌هایی که داروین ادعا می‌کرد بشر از نسل آنهاست او مغزش تکامل پیدا کرده، یعنی پیچیده‌تر شده و شده است مغز انسان اما در منطق اسلامی، هر پیچیده‌تر شدنی کامل‌تر شدن نیست،

بلکه تبدیل ذات حیوانی به ذات انسانی، تکامل است!

۷۰/۹/۶

۱۴ مارس سال ۱۸۸۳ میلادی

فوت فیلسوف آلمانی یهودی‌تبار
ایدئولوگ ضدتوحیدی، مارکس/۲

## رهبرانقلاب

از شاخصای مکتب سیاسی امام خمینی، اینستکه معنویت با سیاست در هم تنیده است. حتی در مبارزات سیاسی، کانون اصلی در رفتار امام، معنویت او بود. همه مواضع امام حول محور خدا و معنویت دور می‌زد. امام به اراده تشریعی پروردگار اعتقاد و به اراده تکوینی او اعتماد داشت و می‌دانست کسی که در راه تحقق شریعت الهی حرکت می‌کند، قوانین و سنتهای آفرینش کمک کار اوست. این درست نقطه مقابل سیاستِ کهنه شده و از مد افتاده غربی است که بدروغ آن را سیاستِ مدرن میگویند؛ یعنی تفکیک دین از سیاست، و تفکیک دولت از معنویت. تمدن غربی بر پایه ستیز با معنویت و طرد معنویت بنا شد؛ این خطای بزرگ کسانی بود که تمدن و حرکت علمی و صنعتی را در اروپا شروع کردند. به علم اهمیت دادند اما با معنویت به جنگ برخاستند؛ این بد و انحراف بود. لذا این تمدن مادی و دور از معنویت هرچه پیشرفت کند، انحرافش بیشتر می‌شود؛ هم خود آنها و هم همه بشریت را با میوه‌های زهرآگین خود تلخکام می‌کند؛ کمونیزم و حکومتهای اختناق مارکسیستی

هم جزو نتیجه‌ها و میوه‌های تلخ جدایی حرکت علمی و صنعتی از معنویت بود. ۸۳/۳/۱۴

۱۴ مارس سال ۱۸۸۳ میلادی

فوت فیلسوف آلمانی یهودی‌تبار
ایدئولوگ ضدتوحیدی، مارکس/۳

## رهبرانقلاب

قبل از انقلاب، وقتیکه مجموعۀ مبارزین ما با مجموعه مثلاً مبارزین مارکسیست آن روز مواجه می‌شدند بنده همیشه این حرف را به خودی‌ها می‌گفتم؛ می‌گفتم که فرق ما و آنها اینستکه ما خدا داریم، آن‌ها خدا ندارند؛ من دلم به حال آن‌ها می‌سوزد. در گوشه سلّول، در زیر شکنجه، ما یک پناهی داشتیم، یک خدایی داشتیم، به او پناه می‌بردیم، از او کمک می‌طلبیدیم؛ اگر هم ارادۀ او اقتضا نمی‌کرد که آنجا به ما کمک بکند، لااقل دلمان خوش بود که او دارد می‌بیند که ما برای خاطر او داریم زجر می‌کشیم، امّا آن مارکسیست بیچاره این را نداشت. بنده می‌گفتم این آدمی که خدا ندارد، تا وقتی تحت تأثیر شور و هیجان و احساسات و مانند اینها است، خب، حرکت می‌کند، می‌دود؛ اگر یک لحظه این شور و هیجان گرفته بشود و یک لحظه به خودش فکر کند، خواهد دید کار بیهوده‌ای دارد می‌کند. می‌گوید من کشته بشوم که دیگری زنده بماند؟ من کشته بشوم که فلان‌کس پول گیرش بیاید یا راحت زندگی کند؟ چرا؟ خصوصیّت ایمان این است که احساس مجاهدت را در انسان زنده نگه می‌دارد. این خودش یک ارزش بزرگ فرهنگی است ۹۵/۱۲/۱۶

۱۴ مارس سال ۱۸۸۳ میلادی

فوت فیلسوف آلمانی یهودی‌تبار
ایدئولوگ ضدتوحیدی، مارکس/۴

## رهبرانقلاب

در مبارزات اسلامی، تبیین خیلی نقش دارد. من این را به شما جوانانی که احساس مسئولیت می‌کنید، توی پرانتز عرض می‌کنم که تبیین خیلی اهمیت دارد. برخلاف تفکر مارکسیستی که آن روز رائج بود و اعتقاد به تبیین نداشتند؛ می‌گفتند مبارزه یک سنت است، تحقق خواهد یافت؛ چه شما بخواهید، چه نخواهید؛ چه بگوئید، چه نگوئید. یعنی دیالکتیکی که آنها تفسیر کرده بودند، لازمه‌اش این بود که این مبارزه، احتیاج به تبیین ندارد. در سال ۴۹ یک جوانی از همین کسانی که مشهدی بود، با ما هم آشنا بود، وابستهٔ به یکی از همین گروهکهائی بود که آن روز تازه سر بلند کرده بودند، کمونیست بودند، یک جائی با من ملاقات کرد؛ شرح داد که می‌خواهیم این کارها را بکنیم. من گفتم توی این زمینه اجتماعی که نمی‌شود؛ یک قدری با مردم صحبت کنید، تبیین کنید، با کمال بی اعتنائی گفت: آن روش اسلامی است! بله، روش اسلامی همین است. روش اسلامی تبیین است و همین تبیین‌ها موجب شد که انقلاب اسلامی بر بسیاری از این پیش زمینه‌های تاریخی و تربیتهای غلط فائق بیاید و فائق آمد. ۸۷/۲/۱۴

۱۴ مارس سال ۱۸۸۳ میلادی

فوت فیلسوف آلمانی یهودی‌تبار
ایدئولوگ ضدتوحیدی، مارکس/۵

## رهبر انقلاب

فلسفه حفاظ جنگ اعتقادی است! ۷۶/۱/۱۸

حوزه باید از مسائلی که به علوم اسلامی مرتبط است مطلع باشد؛ چرا ما از اول متوجه نباشیم که چه چیزی دارد در دنیا فرآورده می‌شود، تا به افکار بشر داده بشود، تا خودمان را از ریشه آماده کنیم؟ بنشینیم تا صد سال بعد از مرگ مارکس، که افکار او همه جا منتشر شد و وارد کشور ما گردید و چهار نفر از بچه‌های ما مارکسیست شدند و خدا را انکار کردند، آن وقت تازه به این فکر بیفتیم که علیه بی‌خدایی آنها کتاب بنویسیم!

اگر همان وقتی که تفکرات اقتصادی یا اجتماعی مارکسیسم یا هر مکتب دیگری داشت ریشه می‌گرفت و جوانه می‌زد - من به عنوان مثال مارکسیسم را میگویم، که حالا امروز در دنیا دیگر از مارکسیسم تقریباً خبری نیست؛ امروز باز چیزهای دیگری هست - چنانچه حوزه‌های علمیه متوجه بودند می‌توانستند به موقع و بجا آن افکار صحیح اسلامی را بدهند و نگذارند که در موضع تدافعی قرار بگیرند؛ حوزویان همیشه باید موضع تهاجمی و تبیینی داشته باشند! ۷۰/۶/۳۱

۱۴ مارس سال ۱۸۸۳ میلادی

فوت فیلسوف آلمانی یهودی‌تبار
ایدئولوگ ضدتوحیدی، مارکس/۶

## رهبر انقلاب

یکی از کارهای شما اعضای بنیاد ملاصدرا، تألیف و کار فلسفی، نوشتن کتب فلسفه برای کودکان است.

غربی‌ها کتاب‌های فلسفی متعدّدی برای کودکان نوشته‌اند و ذهن آنان را از اوّل با مبانی فلسفی‌ای که امروز مورد پسند لیبرال دمکراسی است، آشنا می‌کنند. یقیناً در نظام شوروی سابق و دیگر نظام‌های مارکسیستی اگر دستگاه فلسفه برای کودکان و جوانان بود، چیزی بود که مثلاً به فلسفهٔ علمی «مارکس» منتهی شود. ما از این کار غفلت داریم.

من به دوستانی که در بنیاد ملاّ صدرا مشغول کار هستند، سفارش کردم، گفتم بنشینید برای جوانان و کودکان کتاب بنویسید. این کاری است که قم می‌تواند بر آن همّت بگمارد. بنابراین از جمله کارهای بسیار لازم، بسط فلسفه است؛ البته با مبانی مستحکم و ادبیات خوب و جذّاب!

۸۹/۱۰/۲۹

۱۴ مارس سال ۱۸۸۳ میلادی

فوت فیلسوف آلمانی یهودی‌تبار
ایدئولوگ ضدتوحیدی، مارکس/۷

## رهبرانقلاب

امروز مخالفین تفکر اسلامی در دانشگاه فعالند، حتی مارکسیست‌ها! بنده چون کتاب زیاد می‌خوانم تعدادی کتاب دیدم که نشان از این بود که درون دانشگاه می‌خواهند تفکّر مارکسیستی را باز دوباره سرِپا کنند، آن هم کِی؟ بعد از سقوط حکومت شوروی مارکسیستی! ۹۴/۸/۲۰

دشمن بطور ویژه، بر روی جریانهای دانشجویی، سرمایه‌گذاری می‌کند؛ تا بتواند در محیط‌های دانشجویی نفوذ کند و برای خودشان سربازانی را در آنجا تدارک ببیند. امروز سرویسهای جاسوسی امریکا و اسرائیل حتی حرفی ندارند که به تشکلهایی در دانشگاههای ایران کمک مالی بکنند که این تشکل به حسب ظاهر، وابستهٔ به توده‌ایهای سابقند. امروز بعد از آنکه اردوگاه مارکسیزم به‌کلی متلاشی شده و غلط بودنِ آن با آن فلسفه‌نماها، بر همه ظاهر و مبرهن شده و دیگر وجود این جریان چپ، معنایی ندارد؛ اما در عین حال می‌بینیم که اینها را نگه می‌دارند و حفظ می‌کنند؛ شماها باید متوجه اینهاباشید. مسئولیت شما سنگین است! ۸۴/۷/۲۵

توجه؛

کتاب‌های حسین بشریه مدرس مارکسیسم در دانشگاه تهران و امام صادق از مهم‌ترین آن‌هاست، رجوع شود به کتاب ارتش سری روشنفکران!

۱۴ مارس سال ۱۸۸۳ میلادی

فوت فیلسوف آلمانی یهودی‌تبار
ایدئولوگ ضدتوحیدی، مارکس/۸

## رهبرانقلاب

راه تأثیرگذاری و جذّاب شدن تشکّل‌های دانشگاهی، اقناع فکری است؛ این، فرع بر این است که خودتان درست کار کرده باشید. خودتان درست کار کنید؛ وقتی یک حقیقتی جزو فکر شما و ذهن شما شد، می‌توانید مخاطبتان را اقناع کنید؛ اگر چنانچه ما بخواهیم با تشر و تُشور و تهدید و ضرب و زور، یک چیزی را به ذهن طرف تحمیل بکنیم، ممکن هم هست تحت تأثیر هیجانات، لحظه‌ای قبول کند امّا ماندگار نیست.

من شنیده‌ام در دانشگاه ما یک جریان‌هایی باز دارند حرف مارکسیسم را دوباره زنده می‌کنند، منتها این، دمیدن در کورهٔ خاموش است بنابراین آن، دیگر برنمیگردد. لکن حالا شنیده‌ام دنبال این هستند که قطعاً پول آمریکایی‌ها دنبالش است؛ برای اینکه بالاخره خود این شقّه شقّه کردن دانشجوها برای آنها یک نعمت بزرگی است! ۹۴/۴/۲۰

سلسله نشست تفکر مارکسیستی فیلسوف ایتالیایی آنتونیو گرامشی در دانشگاه تهران! ۹۴/۱/۲۹

۱۴مارس سال ۱۸۸۳ میلادی

فوت فیلسوف آلمانی یهودی‌تبار
ایدئولوگ ضدتوحیدی، مارکس/۸

## رهبرانقلاب

راه تأثیرگذاری و جذّاب شدن تشکّل‌های دانشگاهی، اقناع فکری است؛ این، فرع بر این است که خودتان درست کار کرده باشید. خودتان درست کار کنید؛ وقتی یک حقیقتی جزو فکر شما و ذهن شما شد، می‌توانید مخاطبتان را اقناع کنید؛ اگر چنانچه ما بخواهیم با تشر و تُشور و تهدید و ضرب و زور، یک چیزی را به ذهن طرف تحمیل بکنیم، ممکن هم هست تحت تأثیر هیجانات، لحظه‌ای قبول کند امّا ماندگار نیست.

من شنیده‌ام در دانشگاه ما یک جریان‌هایی باز دارند حرف مارکسیسم را دوباره زنده می‌کنند، منتها این، دمیدن در کورهٔ خاموش است بنابراین آن، دیگر برنمیگردد. لکن حالا شنیده‌ام دنبال این هستند که قطعاً پول آمریکایی‌ها دنبالش است؛ برای اینکه بالاخره خود این شقّه شقّه کردن دانشجوها برای آنها یک نعمت بزرگی است! ۹۴/۴/۲۰

۱۴ مارس سال ۱۸۸۳ میلادی

فوت فیلسوف آلمانی یهودی‌تبار
ایدئولوگ ضدتوحیدی، مارکس/۹

## رهبرانقلاب

بنده بارها، از سالها پیش تکرار کرده‌ام، کارفرما و کارگر مکمّل یکدیگرند، نه معارض یکدیگر. بر خلاف تفکّر دیالکتیک مارکسیستی که بر تضاد و تعارض بود، کارفرما و کارگر دو عضوی هستند که می‌توانند به هم کمک کنند؛ دو معارض و دو دشمن نیستند؛ دو همکارند و هرکدام هم حقّی دارند. بالاخره کارفرما کسی است که می‌توانست این سرمایه را ببرد بگذارد مثلاً در فلان بانک و بدون دغدغه از سود آن استفاده کند؛ شاید بیشتر از درآمد کار هم برای او سود داشت؛ امّا نکرده، وارد میدان کار شده؛ این چیز بسیار خوبی است. اگر نیّت خدایی در این کار باشد، خدای متعال بهشت خواهد داد بخاطر این کار؛ من می‌شناختم مرد مؤمنی را که زندگی‌اش زندگی ساده‌ای بود، پول‌دار بود لکن زندگی ساده‌ای داشت، به من گفت که بارها به من میگویند تو مگر دیوانه شدی که آمدی پولت را گذاشتی در این دستگاه‌های تولیدی با این خطر و با این ریسکی که دارد؛ برو در بانک بگذار و سودش را بگیر، استفاده کن؛ من گفتم نه، من باید از این پول استفاده کنم برای پیشرفت کشور و تولید. این چیز بسیار با ارزشی است.

یکی از حقوقی که اینجا وجود دارد، همکاری صمیمانۀ کارگر با کارفرما است؛ باید با هم همکاری صمیمانه بکنید.
۹۵/۲/۸

۱۴ مارس سال ۱۸۸۳ میلادی

فوت فیلسوف آلمانی یهودی‌تبار
ایدئولوگ ضدتوحیدی، مارکس/۱۰

## رهبر انقلاب

در نظام اسلامی مسائل اقتصاد، فرهنگ هست، دانش روز و فنّاوری‌های جدید عالَم هست، ارتباطات گوناگون اجتماعی هست، سبک زندگی هست؛ دائم تفکّرات جدید که در زندگی اثر می‌گذارند، دارد در دنیا به وجود می‌آید و صادر می‌شود؛ این‌ها هست

ما یک نظامی داریم با این پدیده‌ها و با این حوادثی که پیرامونش و در درونش وجود دارد؛ این نظام باید اداره بشود با اسلام، با فکر اسلامی. فکر اسلامی در جنبهٔ عملی، همان فقه اسلام است؛ البته فلسفه هم لازم است؛ لکن آنچه زندگی را اداره می‌کند، عملاً فقه ما است؛ علّت هم این است که فلسفهٔ اسلامی در طول زمان امتداد عملی نداشته؛ یعنی این حکمت نظری ما به حکمت عملی امتداد پیدا نکرده؛ در حالی که فلسفه‌های غربی که از لحاظ نفْسِ فلسفه بودن خیلی کم محتواتر و ضعیفتر از فلسفه اسلامی هستند، امتداد عملیّاتی دارند؛ یعنی اگر چنانچه شماها مثلاً فرض کنید که فلسفهٔ کانت یا هگَل یا مارکس را معتقد باشید، در مورد حکومت نظر دارید، در مورد فرد نظر دارید، در مورد ارتباطات اجتماعی نظر دارید؛

امّا اینکه اقتضای فلسفه ملّاصدرا یا فلسفه ابن‌سینا یا دیگری در حکومت یا در فلان مسئله چیست، چیزی برای ما روشن نشده؛ نه اینکه ندارد، قطعاً دارد؛ سفارش من به متفلسفین و فعّالان فلسفه همیشه این بوده که این امتداد را پیدا کنند؛ چون معتقدم اثر دارد؛ این امتداد وجود دارد امّا خب روی آن کار نشده. ۹۷/۱۲/۱۳

۱۹ ماه مارس سال ۱۹۳۰

فوت نخست وزیر انگلیس
بانی تشکیل رژیم صهیونیسم
سر آرتور جیمز بالفور خبیث ۱/

## رهبرانقلاب

عامل و مجرم اصلی فاجعه تشکیل رژیم صهیونیستی، دولت‌های غربی و سیاستهای شیطانی آنها بود. آن روزی که دولتهای فاتح جنگ اوّل جهانی، منطقهٔ غرب آسیا، یعنی قلمرو آسیایی حکومت عثمانی را به عنوان مهم‌ترین غنیمت جنگی، میان خود در کنفرانس پاریس تقسیم می‌کردند، نیاز به یک پایگاه امن در قلب این منطقه را برای تضمین سلطهٔ دائمی خود بیش از پیش احساس کردند. انگلیس از سالها پیش از آن، با طرح بالفور زمینه را آماده کرده و با همفکری زرسالاران یهودی بدعتی به نام صهیونیسم را مهیّای نقش‌آفرینی کرده بود؛ و اکنون زمینه‌های عملی آن فراهم می‌شد. از همان سالها مقدّمات را بتدریج در کنار هم چیدند و سرانجام پس از دوّمین جنگ جهانی با استفاده از غفلت و گرفتاری دولتهای منطقه، ضربهٔ خود را وارد آوردند و رژیم جعلی و دولتِ بدون ملّتِ صهیونیست را اعلام کردند. آماج این ضربه در درجهٔ اوّل ملّت فلسطین و در درجهٔ بعد همهٔ ملّتهای این منطقه بودند! ۹۹/۳/۲

۱۹ ماه مارس سال ۱۹۳۰

فوت نخست وزیر انگلیس
بانی تشکیل رژیم صهیونیسم
سر آرتور جیمز بالفور خبیث/۲

## رهبر انقلاب

اساساً تشکیل دولت صهیونیست در این نقطه از دنیای اسلام، با یک هدفِ بلند مدتِ استکباری بوجود آمد. اصلاً به وجود آوردن این دولت در این نقطه حسّاس که تقریباً قلب دنیای اسلام است - یعنی قسمت غرب اسلامی را که آفریقاست، به قسمت شرق اسلامی که همین خاورمیانه و آسیا و مشرق است، متّصل می‌کند و یک سه راهی است بین آسیا و آفریقا و اروپا - برای خاطر این بود که در بلند مدت، تداوم سلطه استعمارگرانِ آن روز که در رأسشان دولت انگلیس بود، بر دنیای اسلام باقی بماند و اینطور نباشد که اگر یک وقت دولت اسلامی مقتدری مثل دورانهایی از حکومت عثمانی، بوجود آمد، بتواند جلوِ نفوذ استعمارگران انگلیسی را در این منطقه بگیرد. لذا یک پایگاه برای خودشان درست کردند.

لذا طبق اسناد تاریخی، تشکیل حکومت صهیونیستی در آنجا، بیش از آنچه که آرزوی مردم یهود باشد، خواست دولت انگلیس بود. شواهدی وجود دارد که در همان زمان بسیاری از یهودی‌ها اعتقادشان این بود که احتیاجی

به این دولت نیست؛ این دولت به نفعشان نیست؛ لذا گریزان بودند. بنابراین، این یک آرزو و ایده یهودی نبود؛ بیشتر یک ایـده استـعـماری و یـک ایـده انگلیسی بـود.

۷۹/۹/۲۵

۲۰ ماه مارس سال ۱۹۲۵ م

فوت لرد جرج ناتانیل کرزن
رئیس مجلس اعیان انگلستان
نائب السلطنه در هند و ایران
حامی تشکیل رژیم صهیونیستی/۱

## رهبرانقلاب

من بیست، سی سال پیش از این‌که درباب مسائل شبه قارّه هند مطالعه می‌کردم و می‌نوشتم، متوجّه شدم در میان‌گروههای استقلال‌طلب هندوستان که علیه انگلیسیهامبارزه می‌کردند - و میان آنها، هم مسلمان بود هم هندو و هم سیک - انگلیسی‌ها نسبت به مسلمانان حسّاسیت خاصی داشتند! آن‌ها با هندوها و سیکها کنار می‌آمدند، ولی با مسلمانان آبشان به یک جوی نمی‌رفت! لذا در وهله اوّل به سراغ مسلمانان می‌رفتند تا آنها را سرکوب کنند. یک لُرد انگلیسی در همان روزگار گفته بود: «ما وقتی به تجربه‌های زمان خود می‌نگریم، احساس می‌کنیم اسلام با ما ذاتاً دشمن است!» انگلیسی‌ها آن روز به این نتیجه رسیده بودند وبراین اساس عمل‌میکردند.
۷۱/۱/۱۵

دولت انگلیس، بیش از همه چیز، از استقلال ایران بدش می‌آید. این‌ها همان کسانی هستند که سالهای متمادی در این مملکت خوردند و چاپیدند و حالا که مملکت

مستقل است، ناراحتند، دولت انگلیس اگر الان هم فرصت پیدا کند، دلش می‌خواهد بیاید در خلیج فارس، مثل زمان «لرد کُرزن» بایستد و برای دولتهای اطراف خلیج فارس، از جمله ایران، دستور صادر کند! ملت ایران اجازه نمی‌دهد. حالا دولت انگلیس باشد، دولت امریکا باشد، هر قلدر دیگری باشد و بخواهد در امور ما، خواستهای ما، اهداف ما، آرمانهای بزرگ ما و مقدّسات ما دخالت کند!

۷۷/۱۱/۲۵

۲۰ ماه مارس سال ۱۹۲۵ م

فوت لرد جرج ناتانیل کرزن
رئیس مجلس اعیان انگلستان
نائب السلطنه در هند و ایران
حامی تشکیل رژیم صهیونیستی/۲

## رهبرانقلاب

اگر یک کشوری نتواند از لحاظ اقتصادی، از لحاظ علمی، از لحاظ زیرساختهای پیشرفت، خودش را تأمین کند و رشد پیدا کند، بیرحمانه مورد تطاول قرار خواهد گرفت. ما نمی‌خواهیم مورد تطاول قرار بگیریم. ۲۰۰ سال کشور ما مورد تعرض و تطاول قرار گرفته. ضعف دستگاه‌های سلطنتی بیعرضهٔ نالایقِ فاسدِ دنیاطلب، و نشاطی که در طرف مقابل وجود داشت، باعث این تطاول شد. از سال ۱۸۰۰ انگلیس‌ها اولْبار در دستگاه سیاسی کشور ما وارد شدند و دخالت کردند و نفوذ کردند و یارگیری کردند و همراه آنها یا قریب به آنها، بعضی از کشورهای دیگر اروپائی هم در این مدت همین کار را کردند. سال ۱۸۰۰ که اولین سفیر انگلیس وارد کشور شد - که از هند هم آمد؛ یعنی آن وقتی بود که حکومت هند در اختیار انگلیس‌ها بود و نایب‌السلطنه در آنجا بود - از همان بوشهر که از کشتی پیاده شد، شروع کرد به رشوه دادن و خریدن افراد، و راحت توانست افراد را خریداری کند. این همه شاهزاده و امیر و اسمهای دهن‌پرکن، همه در مقابل هدایای این آقا خاضع

و تسلیم شدند! روند تطاول دشمنان در این کشور، از آن زمان شروع شد. انقلاب یک سد پولادینی در مقابل اینها درست کرده. ما می‌خواهیم این سد را مستحکمتر کنیم.

۹۰/۵/۲۶

۲۰ مارس سال ۱۹۲۵

فوت لرد جرج کرزن
نائب‌السلطنه انگلیس درایران
مؤلف ایران و قضیه ایران/۳

## رهبرانقلاب

آن روزی که راه‌آهـن به ایـن کشور آمـد، آنچه که در وهلهٔ اول به ذهن هر کسی می‌رسید، این بود که مرکز کشور را از راه این استانهای مرکزی به خلیج فارس متصل کنند؛ ایـن طبیعیترین کـاری بـود که باید انجام بگیرد. امـا این کار را نکردند. آن نویسنده سیاسی انگلیسی وابسته به دستگاه استعماری خائنِ به منافع این کشور، در کتاب «ایران و قضیه ایران»، اعتراف می‌کند که راه‌آهن ایران باید از تهران می‌آمد، از مرکز کشور - از استان اصفهان، از استان فارس - عبور می‌کرد، می‌رفت تا می‌رسید به خلیج فارس؛ اما این کار انجام نگرفت. راه‌آهن ایران را در دوران طاغوت، در دوران رضاخان، با محاسبهٔ منافع قدرتهائی که دشمنان بزرگ این کشور محسوب می‌شدند - یعنی انگلیس و روسِ آن روز - کشیدند، اسمش را هم گذاشتند راه‌آهن سراسری! دروغ محض؛ کدام سراسری؟ برای اینکه جبههٔ آن روزِ متفقِ جنگ - یعنی انگلیس و روس - بتوانند در دو طرف کشور ما سلاح و مهمات منتقل کنند، از نفت کشور بتوانند استفاده کنند، آمدند از بخشی از خلیج فارس،

آن هم با یک فاصله‌ای، راه‌آهنی کشیدند به تهران؛ از آنجا هم به بخشی از دریای خزر، برای اینکه قشون روس و قشون انگلیس بتوانند به همدیگر متصل شوند و سلاح و تجهیزات و امکانات منتقل کنند و نفت ایران را بردارند ببرند هرجائی که می‌خواهند، مصرف کنند. یعنی سیاست حاکم بر یک عمل عمرانی در کشور که عبارت است از ساخت خط آهن اینقدر تحت تأثیر سیاستهای استعماری و نفوذ بیگانگان در کشور انجام می‌گرفت! ۸۷/۱۲/۱۶

۲۲ ماه مارس سال ۱۹۵۶ م

فوت جرج آلفردلئون سارتن
فیلسوف آمریکایی-بلژیکی
مؤلف کتاب «تاریخ علم» ۱/

## رهبرانقلاب

متأسفانه جوانهای ما تاریخ علمی کشور را نمی‌شناسند. این یکی از ضعفهای ماست، در همهٔ این قرنها ما برجستگان علمی در کشورمان داشته‌ایم که البته به این قرون آخر که رسیده، ضعیف شده چون پادشاهان نالایق، جنگ‌های داخلی گوناگون نگذاشته والّا در دوره‌های مختلف و در زمینه‌های گوناگونِ علوم روزِ دنیا، ما نخبه‌پرور بوده‌ایم. در قرنهای چهارم و پنجم هجری - یعنی قرنهای دهم و یازدهم میلادی که دوران قرون وسطای اروپاست؛ یعنی دوران جهالت محض - ما ابن سینا را داشتیم، محمدبن زکریای رازی را داشتیم. اروپائی‌ها وقتی به گذشته نگاه می‌کنند، خیال می‌کنند همهٔ دنیا در قرون وسطی بوده! تاریخ را هم آنها نوشته‌اند! متأسفانه تاریخ‌های آن‌ها هم در کشور ما ترجمه و ترویج شده. دوران قرون وسطای اروپا، یعنی دوران نهایت ظلمت و تاریکی و بیخبری؛ من یک وقتی در جمع جوانها از «تاریخ علم جرج سارتن» یا تاریخ علوم دیگر مطالبی دربارهٔ وضع پیشرفت مسلمانها در آن دوره گفته‌ام، خوب است جوانان ما با تاریخ علم کشور خود آشنا شوند! ۸۶/۶/۱۲

جرج سارتن

۲۲ ماه مارس سال ۱۹۵۶ م

فوت جرج آلفردلئون سارتن
فیلسوف آمریکایی-بلژیکی
مؤلف کتاب «تاریخ علم» ۲/

## رهبرانقلاب

باید غرور ملی را در دانشجو زنده کرد. ما از اول، درس‌هایمان این‌طور بوده که اسم دانشمند یونانی قدیم مثل طالس تا دانشمندان گوناگون غربی در قاعدهٔ هندسه یا در فرمول شیمی را می‌شناختیم اما به قدر یک تاریخ علم نویس مانند «جرج سارتُن» - من ۴۰ سال پیش، هم کتاب «پیر روسو» را که تاریخ علوم است، هم کتاب «جرج سارتن» را دیده بودم - که دوره‌های علمی اسلامی را تقسیم می‌کند به دورهٔ جابربن‌حیان، دورهٔ خوارزمی و دورهٔ فلان، دانشمندان خودمان را نمی‌شناسیم! دانشجوی ما آنها را نمی‌شناسد، ولی غربی‌ها می‌شناسند! خیام را به عنوان یک دانشمند و یک ریاضیدان بزرگ در دنیای غرب می‌شناسند؛ اما دانشجوی ما خیام را مثلاً با کوزهٔ گلی مِی می‌شناسد؛ اگر هم بشناسد. نمی‌داند خیام که بوده است. این‌ها موجب می‌شود که آن اعتماد به نفس ملی از دست برود و دانشجوی ما گذشتهٔ علمی و میراث عظیم علمی و افتخارات علمی خودش را نداند. این از جملهٔ کارهایی است که باید حتماً در محیط دانشگاه انجام بگیرد. درس

می‌گذارید، رشته می‌گذارید، تبلیغات می‌کنید، هر کاری می‌کنید، من نمی‌دانم، این کار باید بشود! ۸۳/۵/۲۳

۲۲ ماه مارس سال ۱۹۵۶ م

فوت جرج آلفردلئون سارتن
فیلسوف آمریکایی-بلژیکی
مؤلف کتاب «تاریخ علم» ۳/

## رهبرانقلاب

من یک جمله‌ای را نقل کنم از جُرج سارتُن؛ چون دیگران که میگویند، باور پذیرتر می‌شود تا خود ما بگوییم! وَالّا عادت ندارم دائم حرف این و آن را از فرنگی‌ها و غربی‌ها نقل کنم اما این جُرج سارتُن که تاریخ علم را نوشته که معروف است و ترجمه و چاپ شده می‌گوید: دانشمندان ایرانی، بیشترین سهم و نقش را در تمدن اسلامی را داشته‌اند. البتّه این حمل بر روحیه قوم گرایی و ناسیونالیستی نشود، اما باید گفت در بین کشورهای اسلامی قلّهٔ تولید فکر و تولید علم، ایران است؛ یعنی هیچ جای دیگر ما چنین شخصیّتهای بزرگی نداریم، این میراث ما است؛ این گذشتهٔ ما است؛ این تاریخ ما است، با این میراث گذشته تاریخ آشنا شوید! ۹۴/۸/۲۰

۲۳ ماه مارس سال ۱۸۴۲

فوت رمان نویس فرانسوی
ماری‌آنری‌بِیل‌متخلص‌استاندال

## رهبرانقلاب

«استاندال»، نویسندهٔ معروف فرانسوی که نام کتابش هم «سرخ و سیاه» است و ۱۰۰ سال است که به همهٔ زبانها ترجمه شده و سالها پیش هم به فارسی ترجمه شده است. این رمان درباره جوانی است با خصوصیات حضرت یوسف که وارد خانه‌ای می‌شود، البته خانه هم نسبتاً اشرافی است، نه مثل خانهٔ عزیز مصر. این جوان هم مثل یوسف نیست. عیناً همان حادثه اتفاق میافتد؛ یعنی بانوی خانه، عاشق این پسر جوان می‌شود. ماجراهای بین این زن و این جوان، مظهر پلیدی است؛ پلیدی جنسی، خیانت، دنائت، پیمان شکنی، شهوت رانی! استاندال یکی از شاهکارهای قصه نویسی فرهنگ غرب است و به خاطر همین کتاب، جزو رمان نویسهای درجهٔ اوّل فرانسه نام برده می‌شود و از رمانهای درجهٔ یک و یکی از ۱۰ رمان معروف دنیاست؛ ببینید این رمانها درس است، رمان را فقط برای این نمی‌نویسند که کسی سرگرم شود. این‌ها پیام دارد و نشان دهندهٔ فرهنگ است؛ رمان نحوه زندگی را به خوانندهٔ خودش تعلیم می‌دهد! ۷۷/۱۰/۲۴

۲۴ ماه مارس سا ۱۹۰۵

فوت ژول گابریل ورن
رمان نویس فرانسوی

## رهبرانقلاب

هیچ بیانی نمی‌تواند تاریخ را مثل داستان و رمان بیان کند!
۷۵/۲/۳۱

در بین شیوه‌های بیان هنری آن چیزی که در مجموع بیشتر مؤثر است، رمان است؛ حتی از سینما بیشتر، اصلاً نمی‌شود شبیه رمان چیزی پیدا کرد! ۷۲/۷/۲۵

من در مقوله‌های سینمایی و هنرهای تجسمی و تصویری و امثال اینها ورود ندارم و یک مستمع عامی هستم اما در مورد شعر و رمان نه، آدم عامیی نیستم؛ از این آثاری که وجود دارد، زیاد خوانده‌ام! ۷۰/۹/۴

من در اثر کثرت مطالعه رمانهای گوناگون در عمرم که شاید هزارها قصه از بهترین نویسندگان دنیا باشد، می‌توانم درباره‌شان نظر دهم! ۷۰/۱۰/۱۳

رمان را فقط برای این نمی‌نویسند که کسی سرگرم بشود؛ رمان پیام دارد، رمان نحوه زندگی را به خواننده خودش تعلیم می‌دهد! ۷۷/۱۰/۲۴

من کتاب دوره دنیا در هشتاد روز ژول ورن را در جوانی برای دوره‌ای که آموزش زبان طی می‌کردم، به زبان اصلی خوانده‌ام. ۹۸/۲/۹

من جوانان بسیاری را دیدم که حتی به مطالعه رمان هم میل ندارند، یک رمان را چند صفحه می‌خوانند بعد میگویند دیگر حوصله خواندن نداریم، در حالی که حاضرند تبلیغات ۲۰ دقیقه‌ای تلویزیون را ببینند اما حاضر نیستند در این ۲۰ دقیقه چند صفحه رمان بخوانند، حالا نمی‌گویم کتاب علمی و سیاسی و اجتماعی بخوانند، همان رمان هم نمی‌خوانند، این ناشی از عدم اعتیاد به کتاب است متاسفانه مردم ما میل کتابخوانی ندارند و معتاد کتاب نیستند! ۷۶/۸/۱۹

۲۳ ماه مارس سال ۲۰۲۲ م

فوت سیاستمدار یهودی‌تبار
نماینده آمریکا در سازمان ملل
نخستین وزیرخارجه آمریکا
اولین زن برنده مدال آزادی
خانم مادلین کربل آلبرایت

## رهبرانقلاب

اصرار ابرقدرتها اینستکه وانمود کنند که ما هر کاری بخواهیم در دنیا انجام می‌دهیم، در جاهایی نیز همینطور اتفاق میافتد؛ اما چرا؟ بخاطر این که سران آن کشورها دست‌نشانده و ضعیفند. ابرقدرت‌ها به دروغ ادعا می‌کنند که هر کاری بخواهند، می‌توانند انجام دهند. حکومت اسلامی و ملت ایران، با ۲۰ سال ایستادگی و پیشرفتِ خود - با این که ابرقدرت امریکا با همه وجود با این ملت و هدفهایش مخالف بود - ثابت کرد که نه امریکا، نه هیچ ابرقدرت دیگری و نه همه ابرقدرتها روی هم، در مقابل ملتی که بیدار و شجاع است و حق خود را می‌شناسد و از حقِ خود دفاع می‌کند، هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند! من میگویم دولت امریکا، امروز هم که اعتراف می‌کند بیست‌وپنج سال از دیکتاتوری دفاع کرده است، باز از آن دیکتاتوری دفاع می‌کند؛ منتها دفاع تبلیغاتی و موذیانه! امروز آنها که نیستند؛ آن‌ها که به جهنم رفتند؛ اما تفاله‌ها و زباله‌هایشان در امریکا زیر چتر حمایت دولت امریکا

هستند. دست‌نشاندگان و مزدورانشان در هر نقطه از دنیا - اگر در گوشه و کنار کشور خودمان هم پیدا شوند - مورد حمایت امریکا هستند. همین وزیره امریکایی (آلبرایت) در همین سخنانش هم از رژیم شاه، تبلیغ و تعریفِ دروغ کرده است. می‌گوید رژیم شاه دیکتاتور و بد بود؛ منتها اقتصاد ایران را شکوفا کرد! این بزرگترین و خنده‌آورترین دروغی است که یک وزیر خارجه می‌تواند در شرایط فعلی بر زبان جاری کند! ۷۹/۱/۶

۲۶ مارس سال ۱۹۸۴

فوت احمد سکوتوره
رئیس جمهور گینه/۱

## رهبرانقلاب

یکی از شخصیّتهایی که من او را فراموش نمی‌کنم، احمد سکوتوره است. او رئیس جمهور گینه کوناکری در غرب آفریقا و یکی از شخصیتهای برجسته و بسیار محترم در قاره آفریقا بود. متأسفانه مطالعات تاریخی، سیاسی جوانان ما ضعیف است. این‌ها را باید شما خیلی مطالعه کنید و بدانید. در کشور غنا در غرب آفریقا انقلاب شد و شخصیت آفریقایی بسیار برجسته‌ای به نام قوام نکرومه بر سر کار آمد که بعد علیه او توطئه‌های زیادی - توطئه‌های غربی و امریکایی و غیرامریکایی - صورت گرفت. در یکی از سفرهایی که قوام نکرومه به خارج رفته بود، در غیاب او یک کودتای دستِ راستی غربی در این کشور راه انداختند که او دیگر مجبور شد به کشورش نیاید. همان موقع احمد سکوتوره از قوام نکرومه دعوت کرد و گفت به کشور من بیا و تو رئیس جمهور کشور من باش. چنین شخصیتی، قوام نکرومه را به کشور خودش آورد. در زمان ریاست جمهوری و آن دوره‌ای که بنده در سیاست خارجی به طور اجرایی و عملی فعّال بودم، از رجال سیاسی دنیا، کمتر شخصیتی را به قوّت او دیدم. او تقریباً سه مرتبه به ایران آمد. البته

فشار آورده بودند تا برای میانجیگری جنگ به ایران بیاید.
او در دیدارهای خصوصی - داخل اتومبیل و در رفت و آمدها - حرفهای خوبی می‌زد. می‌گفت اگر بعد از انقلاب به شما حمله نظامی نمی‌شد، من تعجّب می‌کردم؛ بنابراین تعجبی ندارد که به شما حمله کرده‌اند. تصریح می‌کرد که حمله عراق علیه شما، سازمان‌یافته، از پیش طرّاحی شده و کار بین‌المللی است، نه کار کشور عراق. راست هم می‌گفت، همین‌طور بود. ۸۰/۸/۱۲

۲۶ مارس سال ۱۹۸۴

فوت احمد سکوتوره
رئیس جمهور گینه/۲

## رهبرانقلاب

یکی از این رهبران مسلمان پختهٔ مطلع وارد، که بنده در طول این مدّتِ کارهای سیاسی دیده‌ام، سکوتوره بود. من در چند سفر که آمد تهران، با او ملاقات کردم؛ او خیلی شیفتهٔ انقلاب بود، البتّه خودش ضعیف بود، و نتوانسته بود راه خودش را برود و استکبار کَت‌بندش کرده بود؛ نتوانست گینهٔ کوناکری را آن‌جوری که دوست می‌داشت، بسازد. موفّق نبود، امّا درست می‌فهمید؛ آدم سالمی بود؛ آدم خائنی نبود. این انقلاب را هم خیلی دوست می‌داشت؛ به امام هم حقیقتاً از ته دل ارادت داشت. من حرفهایی از او شنیدم که خیلی درست بود و راست می‌گفت. یک وقتی به من گفت فلانی! شماها فقط یک عیب دارید و آن اینکه همه‌اش مدام میگویید و حرف می‌زنید؛ خب، این گفتن ندارد؛ بکنید؛ چرا میگویید؟ میگویید که چه بشود؟ من آن سال اوّل ریاست جمهوری -سال ۶۰- که شاید این حرف را از او شنفتم، اصلاً حرفش را قبول نکردم. برای بعضی از دوستان نقل کردم، گفتم سکوتوره این‌جور می‌گوید؛ لکن ته دلم قبول نکردم. با خودم می‌گفتم که حالا دنیا، دنیایی نیست که او خیال کند ما اگر یک چیزی را گفتیم دنیا

می‌فهمد و اگر نگفتیم نمی‌فهمد، که گفتن ما یک مشکلی به وجود بیاورد. لکن بعد تجربه‌ها به بنده نشان داد که نخیر، او پخته بوده، می‌فهمیده. بنده هم حالا عقیده‌ام همین است! ۶۸/۱۱/۹

۲۸ مارس سال ۱۹۶۹

فوت دوایت آیزنهاور
رییس‌جمهور آمریکا

## رهبرانقلاب

انصافاً ما ایرانی‌ها در گزارش حقایق و حوادث و شخصیت‌های خودمان، آدم‌های تنبلی هستیم؛ حالا البته این درخور تحقیق آقایان جامعه‌شناس است که تحقیق کنند ببینند آیا این تنبلی یک خصوصیت ملی ما است یا در طول زمان بر ما تحمیل شده؟ ما درباره شخصیت‌هایمان کار نمی‌کنیم. کسی مثل امام بزرگوار ما یک شخصیّت درجهٔ یک است دیگر؛ یعنی هیچ کسی -چه دوست، چه دشمن- مثلاً درباره شخصیت امام تردید ندارد و عظمت این شخصیّت را کسی تردید نمی‌کند. ممکن است یکی او را قبول نداشته باشد، امّا عظمت او را قبول دارد. حالا ما دربارهٔ این شخصیّت عظیمی که در زمان ما بود و قریب سی‌سال از درگذشت او می‌گذرد، چند جلد کتاب نوشته‌ایم؟ واقعاً فکر کنید ببینید ما چند کتاب دربارهٔ امام نوشته‌ایم! این را مقایسه کنید با تعداد کتابهایی که مثلاً دربارهٔ آبراهام لینکلن در آمریکا نوشته شده. من در یک گزارشی خواندم که اگر تعداد کتابهایی که برای آبراهام لینکلن نوشته شده روی هم بچینند، یک ستون ده متری درست می‌شود؛ یک چنین چیزی. حالا آبراهام لینکلن یک

عنوانی دارد -اگرچه عقیدهٔ بنده این است که آن عنوان، دروغ است؛ این‌که می‌گویند ایشان عامل آزادی بردگان و مانند اینها است، حرف مفتی است، حرف واقعی نیست؛ امّا حالا این‌جوری عنوان شده- لکن دربارهٔ رؤسای جمهور معمولی آمریکا مثل آیزنهاور، مثل دیگران، گاهی هزار جلد کتاب نوشته شده! شوخی است؟ شما ببینید دربارهٔ امام خمینی ما چند جلد کتاب نوشته‌ایم؟ این‌جوری است قضیّه؛ ما در این زمینه‌ها عقب هستیم! ۹۶/۳/۲۰

۱ ماه آوریل سال ۱۹۳۹ میلادی

فوت آنتوان سیمینوویچ ماکارنکو
مربی، نظریه پرداز، مددکار اجتماعی
مؤلف پرنفوذ اتحادیه جماهیر شوروی
نویسنده رمان آموختن برای زیستن

## رهبر انقلاب

متاسفانه ما درباره انقلاب کار تولید نکردیم، اما تبلیغاتچی‌های کمونیست‌ها درباره هر موضوعی کتاب و رمان نوشته‌اند اگر ما اقدام شورویها در زمینه جمع کردن بچه‌های ولگرد از خیابانها و آوردنشان به خانه‌ها را بخوانیم، مگر باور می‌کنیم؟ اما آنها در اینباره کتاب می‌نویسند بنام «آموختن برای زیستن». کتابی است ۲ جلدی که اخیراً آن را خواندم. نویسنده‌اش یکی از آن کهنه کمونیستهای متحجر دوران استالین است که عکسش بر جلد کتاب هست. از اول تا آخر این کتاب می‌خواهد بگوید «کانون اول ماه مه» کانونی بود که بچه‌های ولگرد را جمع می‌کرد؛ و می‌گوید چگونه زندگی می‌کردند و چطور از ولگردهای دزد، تبدیل به انسانهای واقعی شدند. در طراز مارکسیستی، این یک «رمان» است. البته دروغ هم به هم بافته است؛ اما متأسفانه ما در این زمینه‌ها هیچ کاری نکرده‌ایم! ۷۱/۲/۷

۲ ماه آوریل سال ۱۸۷۲ میلادی

فوت مخترع تلگراف و کد مورس
ساموئل فاینلی مورس آمریکایی
گزیده کتاب شرح اسم؛

گفتگوی با هم سلولیها و با زندانیان سلول همسایه ممنوع و غیرممکن بود. اگر می‌فهمیدند که دو زندانی ارتباط دارند، برایشان گران تمام می‌شد. با وجود این، مورس، ابزاری شایع میان زندانیان برای حرف زدن بود. آقای خامنه‌ای زبان مورس را فرا گرفت و خیلی زود در آن پیشرفت کرد. روزی دیوار نوشته‌های سلولش را می‌خواند به جدولی برخورد که در آن حروف را به رمز نوشته بودند. آقای خامنه‌ای بی‌بهره از علوم غریبه نبود. با علم جفر، رمل، کیمیا، اعداد، حروف و مربعات آشنا بود؛ یا حتی به آنچه که «کُله سِرّ» میگویند: کیمیا، لیمیا، هیمیا، سیمیا و ریمیا. پیش از آنکه برای ادامه تحصیل علوم دینی راهی قم شود، دوره‌ای از این علوم را در مشهد نزد شخصی گذرانده بود و با مبانی آن آشنا بود. اما خیلی زود به این نتیجه رسیده بود که بهتر است دنباله‌اش را نگیرد. اول اینکه ابعاد آن‌ها کاملاً کشف نشده، دوم اینکه دارای روش جا افتاده‌ای نیست و سوم اینکه در زندگی کنونی بشر چندان ضرورتی ندارد. با دیدن آن جدول متوجه شد که زبان رمز

است. شروع به یادگیری کرد؛ زمانی نگذشت که او یک فرستنده متبحر شده بود! کتاب شرح اسم ص ۵۳۷

دوشنبه ۶ آوریل ۱۹۹۲

فوت نویسنده روسی
آقای ایزاک آسیموف

## رهبرانقلاب

داستان‌های علمی‌ـتخیلی واقعاً مهم است. این علمی، تخیلی‌ها الان در دنیا یک فصل بسیار بازی شده است. گفتندکه این داستانها باید به عقل نزدیکتر باشد؛ نه، چیزهایی وجود دارد که از ذهن خیلی هم دور است؛ حتّی در آن کتابهایی که به فارسی هم ترجمه شده و من دیده‌ام - من که به متون خارجیش دسترسی ندارم - چیزهایی وجود دارد که از عمل خیلی هم دور است؛ یعنی به نظر می‌رسد که هنوز علم بشر به آن‌جا نرسیده که مثلاً فرض کنید یک آدم آهنی، ناگهان شعور و وجدان و درک پیدا کند. خیراً کتابی منتشر شده به نام «انسان دو قرنی»، که پارسال چاپ شده بود و من آن را دیدم. در این کتاب، یک آدم آهنی ناگهان شعور و وجدان و درک پیدا می‌کند! این از واقعیتهای علمی زمان ما خیلی دور است؛ یعنی واقعیتهای علمی چنین چیزی را اصلاً تجویز نمی‌کند؛ لیکن هم سرگرم کننده است، هم سرگرم کنندهٔ بیهوده نیست - هجو نیست - یعنی ذهن را به آفاق جدیدی می‌برد؛ و این چیز خوبی است. البته از سابق هم چنین چیزی معمول بوده است. چیزهایی هست که در یک زمان تخیلات بود، اما الان دارد به واقعیتها تقریباً نزدیک می‌شود. ۷۰/۱۱/۱۵

سه شنبه ۷ آوریل سال ۱۹۹۲

آغاز تهاجم وحشیانه صربها
به جمهوری مسلمان بوسنی

## رهبرانقلاب

یکی از جوانانی که در بوسنی مجاهدت کرده بود، برای من نقل می‌کرد: وقتی که در زمینهٔ اسکناسهای جمهوری اسلامی، جوانان بوسنیایی عکس شهید «فهمیده»، پسرک فداکار سیزده ساله را دیدند، متوجّه شدند روی پیشانی‌اش چیزی بسته است. پرسیدند: این چیست؟ گفتم: این علامت بسیجی‌های ماست که در میدان جنگ و جهاد فی‌سبیل‌الله، پیشانی‌بند می‌بستند. آن وقت جوانان مسلمان بوسنیایی صف کشیدند، لباس‌ها و پیراهنهایشان را تکّه تکّه کردند و پیش ما آوردند و گفتند: این جملات را روی لباسهای ما هم بنویسید! ما نوشتیم و آنها به پیشانی‌شان بستند و ندای الله اکبر، این‌طور در قلب اروپا طنین انداخت. ۷۴/۷/۲۲

بنده (در زمان ریاست جمهوری) بوسنی و هرزگوین را از نزدیک دیدم. اولاً در آن‌جا نشانه‌های اسلامی و یادگارهای اسلامی بسیار برجسته است؛ ثانیاً عواطف اسلامی هم در آن‌جا بسیار سرشار است. من می‌دیدم که مردم با وجود سلطهٔ حکومت الحادی در طول سالهای متمادی، عواطف اسلامیشان به حال خود باقی است. البته عواطف، کافی

هم نیست؛ بایستی تفکرات اسلامی در ذهنهای مردم باشد، یا به‌وجود بیاید. متفکران و افراد برجستهٔ مسلمان در آن‌جا، بایستی به جنبهٔ فکری مردم هم اهمیت بدهند!

۷۰/۱۱/۱۴

۱۰ ماه آوریل سال ۱۹۳۱

فوت جبران خلیل جبران

## رهبرانقلاب

در سال ۱۳۳۸ یا ۱۳۳۹ هنگام اقامت در قم، به خانه آقای شیخ محمد کَرَمی که از علمای خوزستان است، برای مطالعه کتاب‌های عربی معاصر رفت‌وآمد داشتم. ما برخی از کتاب‌های جبران خلیل جبران را می‌خواندیم. در آن زمان کتاب اشک و لبخند جبران را ترجمه کردم و هنوز آن ترجمه را که نخستین کار من در زمینه ترجمه از عربی به فارسی است، دارم. پس از آن، نوشته‌هایی از محمد قطب و سید قطب را ترجمه کردم که بیشتر آن ترجمه‌ها در داخل سلول‌های زندان صورت گرفت. کتاب خون دلی که لعل شد ص ۳۵

۱۲ ماه آوریل سال ۱۹۴۵ م

فوت فرانکلین دلانو روزولت
سی‌ودومین رئیس جمهور آمریکا

## رهبر انقلاب

ما ایرانیها در طول این دوران طولانی دویست سالۀ منتهی به انقلاب، یک دوران سختِ تاریکِ ذلت را گذراندیم. خیلی‌ها از تاریخ بیخبرند، و خیلیها تاریخ را سرسری نگاه می‌کنند. باید در تاریخ تعمق کرد، از تاریخ درس گرفت. ما در این دویست سال، یک دوران تاریکِ ذلت را از سر گذراندیم. نشانه‌های این ذلت، زیاد است. ما در تمام این دوران، در حوزۀ سیاست، یک ملت منزوی بودیم؛ در فعل و انفعالات منطقۀ خودمان - چه برسد به فعل و انفعالات جهان - هیچ تأثیری نداشتیم. در این دوران دویست ساله، استعمار به وجود آمد. دولت‌های مستعمر از اقصی نقاط عالم به منطقۀ ما آمدند؛ کشورهائی را گرفتند، ملتهائی را اسیر کردند، منابع ثروت ملتها را غارت کردند، در همین دوران بود که رئیس سه کشور - که متحدین جنگ بودند - به تهران آمدند و بدون اینکه از دولت اجازه بگیرند، بدون اینکه به دولت مرکزی کمترین اعتنائی بکنند، در اینجا جلسه تشکیل دادند. روزولت، چرچیل و استالین به میل خودشان به تهران آمدند و جلسه تشکیل دادند؛ نه از کسی اجازه گرفتند، نه گذرنامه‌ای نشان دادند.

محمدرضا که آن روز پادشاه ایران بود، مورد اعتنای اینها قرار نگرفت؛ آن‌ها به دیدن او نرفتند، او به دیدن آنها رفت؛ وارد اتاق شد، برایش بلند نشدند، اعتنا نکردند! ببینید ذلت یک دولت مرکزی که سرریز می‌شود بر روی مردم، تا کجاها منتهی می‌شود؟ این، حضیض ذلت یک حکومت و یک ملت است. این، مال دوران دویست سالهٔ ماست.

۹۱/۳/۱۴

۱۳ ماه آوریل سال ۱۹۱۹ میلادی

کشتار ۶ هزار نفر از سیکهای هندی
در باغ جلیان والا شهر آمریتسار هند
توسط ژنرال ریجی‌نالد دایر انگلیسی

## رهبرانقلاب

ما در زمینهٔ مسائل حقوق بشر از دنیا طلبکاریم، ما بدهکار نیستیم! در آن سالهای اوایل انقلاب به دانشگاه دائماً می‌رفتم، مرتّب می‌رفتم سخنرانی می‌کردم؛ دانشجوها سؤال می‌کردند، جواب می‌دادیم. یک وقتی یکی از دانشجوها از بنده پرسید که شما در مورد مسئلهٔ زن چه دفاعی دارید؟ جمهوری اسلامی چه دفاعی دارد؟ بنده گفتم ما هیچ دفاعی نداریم! ما حمله‌ای داریم، ما هجومی داریم! دفاع چیست؟ ما در زمینهٔ زن مدّعی هستیم. ما در قضیّهٔ زن، مدّعی دنیا هستیم، مدّعی رژیم طاغوت -آن‌وقت‌ها که آن حرفها مطرح بود- هستیم، ما دفاع نداریم. در زمینهٔ حقوق بشر هم این‌جوری است، ما دفاع نباید بکنیم، ما باید حمله کنیم! این کسانی که این‌همه جنایت کرده‌اند، این‌همه فساد ایجاد کرده‌اند -نه‌فقط در تاریخ، همین حالا- مثلاً فرض کنید انگلیسی‌ها در هند در یک باغی شش هزار نفر جمع شدند به‌عنوان تظاهرات، انگلیسی‌ها آمدند مسلسل گذاشتند دم در آن باغ، یکسره شش هزار نفر را در یک روز یا در نصف روز و در چند ساعت به قتل

رساندند! ببینید اینها واقعاً چه کردند! آن‌وقت اینها مدّعی حقوق بشرند؛ ما حرف داریم در زمینهٔ حقوق بشر، ما ادّعا داریم علیه مدّعیان دروغ‌گو و وقیح حقوق بشر! ۹۷/۴/۶

۱۱ آوریل سال ۱۹۹۰ م

فوت آقای اکرم زعیتر
مورخ و ادیب فلسطینی ۱/

## رهبرانقلاب

رژیم صهیونیستی؛ اساسش ظلم است، تاریخچه فلسطین را بخوانید. این کتاب سرگذشت فلسطین و کتابهای دیگری را که درباره فلسطین است، بخوانید. ببینید صهیونیستها این نقطهٔ بسیار مهمّ خاورمیانه را با چه ترفندهایی بهدست آوردهاند! اوّل رفتند زمینهای فلسطینی‌ها را خریدند - البته عدّه‌ای یهودی آن‌جا بودند و انگلیسیها آن‌جا قیمومیت داشتند - هدف این بود که آن‌جا را بگیرند. هدف را اوّل در آن کنگرهٔ بزرگ صهیونیزم - در سال ۱۸۹۷ - مشخّص کردند که باید سرزمین فلسطین گرفته شود. این‌جا نکتهٔ اساسی است. آن‌وقت هنوز امریکا مطرح نبود؛ برای انگلیسیها هم مهم بود که این نقطه را بگیرند. به یاد بیاورید که آن روز، هنوز کشور عثمانی بود و انگلیسیها در این منطقه، جای پایی نداشتند. بعد از جنگ بین‌الملل اوّل، کشور عثمانی از هم پاشیده شد. آن وقت اردن و عراق و مصر و حجاز و غیره، در واقع تحت قیمومت و حمایت انگلیسیها درآمد. لبنان و سوریه و اینها هم در اختیار فرانسه قرار گرفت - فاتحین جنگ بین‌الملل، تقسیم کردند - لیکن آن روزی که بحث گرفتن

سرزمین فلسطین و گذاشتن یهودیها و صهیونیستها در آن مطرح شد، هنوز این خبرها نبود. برای انگلیسیها خیلی مهم بود که اینجا یک جا پا داشته باشند! ۷۷/۱۰/۲۴

۱۱ آوریل سال ۱۹۹۰ م

فوت آقای اکرم زعیتر
مورخ و ادیب فلسطینی/۲

## رهبرانقلاب

در مطبوعات رژیم گذشته، یک کلمه راجع به جهاد اسلامی، حکومت اسلامی، مبارزات اسلامی و مفاهیم اصیل اسلامی، حاشا و کلاً، گفته و نوشته نمی‌شد! در کتاب نیز همین‌طور بود. آقای هاشمی رفسنجانی، کتابی به نام سرگذشت فلسطین ترجمه کرد. از اولی که این کتاب درآمد - تقریباً اندکی پس از انتشار - تا پیروزی انقلاب، ممنوع شده بود. البته بارها چاپ شد؛ اما مخفیانه. در این کتاب چه بود که در ده کتاب دیگر دربارهٔ فلسطین نبود؟ درست توجه کنید! کتاب برای فلسطین که کم نبود. شما می‌دانید دیگر! لابد اغلب آقایان خوانده‌اید. بنده نیز همین‌طور دیده‌ام و خوانده‌ام. شاید ده عنوان کتاب دربارهٔ فلسطین از این روشنفکران چپ و شبه چپ در جامعه وجود داشت؛ اما چون آن کتاب صبغهٔ اسلامی داشت؛ چون یک روحانی آن را ترجمه کرده بود؛ چون یک مبارز دینی آن را نوشته بود، از اول تا آخر ممنوع بود! کتاب‌های دیگری هم دربارهٔ فلسطین وجود داشت، و حتی بعضی به شدت علیه صهیونیستها بود. مثل کتابی که یک یهودی ضد صهیونیست نوشته بود. اما اصلاً روی اینها حساسیتی نبود. آزاد بود و مردم استفاده می‌کردند! ۷۱/۹/۴

۱۵ آوریل سال ۱۸۶۵

قتل آبراهام لینکلن

## رهبرانقلاب

انصافاً ما ایرانی‌ها در گزارش حقایق و حوادث و شخصیّت‌های خودمان، آدم‌های تنبلی هستیم؛ واقعاً این‌جوری است. حالا البتّه این درخور تحقیق آقایان جامعه‌شناس است که تحقیق کنند ببینند آیا این تنبلی یک خصوصیّت ملّی ما است یا در طول زمان بر ما تحمیل شده؟ ما دربارهٔ شخصیّت‌هایمان کار نمی‌کنیم. حالا مثلاً فرض کنید امام بزرگوار ما یک شخصیّت درجهٔ یک است دیگر؛ یعنی هیچ کسی -چه دوست، چه دشمن- مثلاً دربارهٔ شخصیّت امام تردید ندارد و عظمت این شخصیّت را کسی تردید نمی‌کند. ممکن است یکی او را قبول نداشته باشد، امّا عظمت او را قبول دارد. حالا ما دربارهٔ این شخصیّت عظیمی که در زمان ما بود و قریب سی‌سال از درگذشت او می‌گذرد، چند جلد کتاب نوشته‌ایم؟ واقعاً فکر کنید ببینید ما چند کتاب دربارهٔ امام نوشته‌ایم! این را مقایسه کنید با تعداد کتابهایی که مثلاً دربارهٔ آبراهام لینکلن در آمریکا نوشته شده. من در یک گزارشی خواندم که اگر تعداد کتابهایی که برای آبراهام لینکلن نوشته شده روی هم بچینند، یک ستون ده متری درست می‌شود ۹۶/۳/۲۰

## غرق شدن کشتی تایتانیک

### رهبرانقلاب

یکی از رؤسای جمهور سابق آمریکا می‌گوید آمریکا یک اُلیگارشی است -یعنی حکومت طبقهٔ خاص، بدون دخالت مردم- با رشوه‌خواری سیاسی نامحدود؛ آثار فقر هم در آمریکا فراوان، خیابان‌خوابی‌ها بسیار زیاد. آمار اینها را البتّه نوشته‌اند، بنده حالا دیگر نمی‌خواهم این آمارها را بگویم؛ آدم خیلی هم به جزئیّات این آمارها خاطرجمع نمی‌شود، لکن مشخّص است؛ ده‌ها میلیون فقیری که نان شب ندارند؛ تعداد بسیار زیادی که شب ناچارند در خیابان بخوابند. یک خرده که هوا سرد می‌شود، شما در خبرها می‌شنوید که در آمریکا این قدر آدم مردند؛ خب چرا بمیرند؟ مثلاً فرض کنید سرمای پنج درجه زیر صفر که مردن ندارد؛ امّا چون در خیابان می‌خوابد، چون خیابان‌خواب است می‌میرد. گرما هم که زیاد می‌شود -۴۰ درجه یا ۴۲ درجه- یک عدّه‌ای می‌میرند، چون در خیابانند، خیابان‌خوابند. حالا آمار جنایتها و آمار فسق و فجورها بماند؛ چیزهای عجیب و غریبی از لحاظ اجتماعی در آن کشور رایج است که انسان می‌فهمد اینها مثل خوره افتاده به جان این کشور و مثل موریانه دارد این را از بین می‌برد. آمریکایی‌ها ظاهر را آرایش می‌دهند، شُکوه

و جلال می‌دهند به ظاهر قضیّه، برای اینکه هم دیگران را فریب بدهند، هم بعضی‌ها را در دنیا بترسانند؛ ظاهر قضیّه آرایش است، شُکوه و جلال است. من این جور یادداشت کرده‌ام: نوشته‌ام همچنان که شُکوه و جلال کشتی معروف تایتانیک مانع از غرق شدن آن نشد، شُکوه و جلال آمریکا هم مانع از غرق شدنش نیست و آمریکا غرق خواهد شد.

۹۸/۱۱/۲۹

۱۸ آوریل ۱۹۵۵

## فوت انیشتین

### رهبرانقلاب

گاهی اوقات برخی از روی رگ روشنفکری میگویند فلان شخص هرچند در حوزه تفکر اسلامی نبود، و برای اسلام و هدفش کار نکرده، ولی در جوامع کفر برای ملت خود منشأ خدماتی بوده است، پس چطور ممکن است مشمول رحمت خدا نشود و در عذاب باشد؟ افراد زیادی برای ملت خود خوب و نافع بوده‌اند، اما گناه آنها این بود که فکر اسلامی نداشتند؛ بلکه در مقابل اسلام بوده‌اند. پذیرفته نشدن عمل چنین کسانی در پیشگاه خداوند، امری ممکن است و خودخواهی اسلام هم نیست؛ زیرا تکامل انسانها جز در سایه فکر و ایده و مقررات اسلام تأمین نمی‌شود. بنابراین، کوشش مالی، زمانی مورد قبول خدا است و اثر دارد که با طرز فکر اسلامی انجام گیرد و برای بینش نجات بخش اسلام باشد، نه هر بینش دیگری. خیلی‌ها سؤال می‌کنند، آیا انیشتین یا ادیسون به جهنم می‌روند؟ این از دو حال خارج نیست: اگر قاصر بوده‌اند، نمی‌روند، ولی اگر مقصر بوده‌اند، می‌روند. اینکه فلانی، فلان چیز را کشف کرد، باعث نمی‌شود که بگوییم خدا از تمام مقررات و سنتهای عالم می‌گذرد. نکته دیگری که باید به آن دقت کرد این است که حقی داریم و باطلی. علی علیه‌السلام

می‌فرماید: برای هرکدام از این دو اهلی است که باید از هم مشخص باشند. پس اینکه بگوییم فلانی خدمتی کرده - که آن هم معلوم نیست - دلیل پذیرش عمل او نزد خدا نمی‌شود! کتاب تفسیر برائت ص ۳۵۹

۱۹ ماه آوریل سال ۱۸۸۲ م

فوت چارلز داروین انگلیسی
مبدع نظریه تکامل انسان

## رهبرانقلاب

تکامل در منطق اسلام بمعنی پیچیده‌تر شدن نیست، بلکه تبدیل ذات حیوانی به ذات انسانی است. همچنانکه ملاصدرا حرکت عَرَضی را در مقابل خود ذات تصور کرد که به آن میگویند حرکت جوهری، یعنی خود این جوهر و خود این ذات، یک حرکتی پیدا می‌کند از چیزی به چیز دیگری نه اینکه چیزیست دارای خصوصیت و آن خصوصیت تبدیل می‌شود که همان خصوصیت عرضی باشد، بلکه چیزیست که خود او بتدریج تبدیل می‌شود به چیز دیگر، مثل انسانی که در آغاز یک موجود حیوانی بیش نیست، شعور انسانی ندارد به تدریج تبدیل می‌شود به انسان، این حرکت جوهری است، جوهر او عَرَض می‌شود، ذات او دگرگون می‌شود و به تکامل می‌رسد، این تکامل انسان را می‌رساند به رتبه فرشتگان و بالاتر از آن. در منطق مادیها و دیالکتیکی و مارکسیستی، تکامل یعنی پیچیده‌تر شدن، مثلاً مغز میمون‌هایی که داروین ادعا می‌کرد بشر از نسل آنهاست او مغزش تکامل پیدا کرده، یعنی پیچیده‌تر شده و شده است مغز انسان اما در منطق اسلامی، هر پیچیده‌تر شدنی کامل‌تر شدن نیست، بلکه تبدیل ذات حیوانی به ذات انسانی، تکامل است! ۷۰/۹/۶

۱۹ ماه آوریل سال ۱۹۹۳ م

کشتار اعضای فرقه داوودیه

## رهبرانقلاب

مسئلهٔ آتش زدن مرکز داوودی‌ها در زمان کلینتون است؛ این قضیّه چرا دنبال نمی‌شود؟ یک عدّه‌ای، یک گروهی، وابستهٔ به یک فرقه‌ای از فِرَق مسیحیّت در یک خانه‌ای اجتماع کردند؛ دولتی‌ها به دلیلی با اینها مخالفت داشتند که آن دلیل ممکن است درست باشد، ممکن است غلط باشد؛ فرض می‌کنیم دلیلِ درست باشد؛ خب در این مورد چه‌کار می‌کنند؟ معمولاً اینها را یا دستگیر می‌کنند یا می‌گیرند و می‌آورند؛ این‌ها این کارها را نکردند، خانه را آتش زدند و ده‌ها نفر زن، مرد، کودک، در این آتش‌سوزی زنده‌زنده سوزانده شدند و کشته شدند و رفتند! این چرا دنبال نمی‌شود؟ آمریکا با یک‌چنین سابقه‌ای صلاحیّت دارد که از لحاظ حقوق بشری به این‌وآن تذکّر بدهد؟ سازمان ملل باید دنبال بکند. این یک مسئله و یک پروندهٔ حتمی و اساسی است که باید دنبال بشود. ۹۷/۳/۳

۱۹ ماه آوریل سال ۱۹۹۳ م

## کشتار اعضای فرقه داوودیه

### رهبرانقلاب

مسئلهٔ آتش زدن مرکز داوودی‌ها در زمان کلینتون است؛ این قضیّه چرا دنبال نمی‌شود؟ یک عدّه‌ای، یک گروهی، وابستهٔ به یک فرقه‌ای از فِرَق مسیحیّت در یک خانه‌ای اجتماع کردند؛ دولتی‌ها به دلیلی با اینها مخالفت داشتند که آن دلیل ممکن است درست باشد، ممکن است غلط باشد؛ فرض می‌کنیم دلیلِ درست باشد؛ خب در این مورد چه‌کار می‌کنند؟ معمولاً اینها را یا دستگیر می‌کنند یا می‌گیرند و می‌آورند؛ این‌ها این کارها را نکردند، خانه را آتش زدند و ده‌ها نفر زن، مرد، کودک، در این آتش‌سوزی زنده‌زنده سوزانده شدند و کشته شدند و رفتند! این چرا دنبال نمی‌شود؟ آمریکا با یک‌چنین سابقه‌ای صلاحیّت دارد که از لحاظ حقوق بشری به این‌وآن تذکّر بدهد؟ سازمان ملل باید دنبال بکند. این یک مسئله و یک پروندهٔ حتمی و اساسی است که باید دنبال بشود. ۹۷/۳/۳

## رهبرانقلاب

از دیدگاه غربیها، مرد سرور زن است! مثلاً در همین نمایشنامه اتللو، اتللو کیست؟ اتللو یک سیاهپوست بی‌اصل و نسب است و طرف مقابلش یک خانم اشرافی به نام دزدمونا است. زن، خانمی اشرافی و زیبا و مرد، یک سیاه گردن کلفت که در جنگ سرباز خوبی است. به مجردی که اتللوی سیاهپوست، شوهر دزدمونای اشرافی می‌شود، دیگر زن باید به او بگوید «سرور من». بعد هم مرد، اینقدر حق دارد که زن را به دست خودش خفه کند؛ برای اینکه سوءظنی به او پیدا کرده است. توجه می‌کنید؟ حالا اینها را مقایسه کنید با اسلام. اما در دیدگاه غربی، زن، همهٔ ارزشش به این است که مرید و برده و مخلص و مطیع دربست شوهر باشد. این‌ها نشان دهنده نگرش غربیها نسبت به زن است! ۷۱/۱۰/۲۹

کاش ما نویسنده زبردستی داشتیم، می‌توانست رمانی مثل رمانهای تاریخی یا مثل همین نمایشنامه‌های شکسپیری بنویسد. نمایشنامه‌های شکسپیر، داستان‌هایی تاریخی است که او آنها را به این شکل زیبا درآورده و غالباً هم از دیدگاه خود آنها، «ارزشی» است. نمایشنامه‌های شکسپیر، همین «تاجر ونیزی» یا «اتللو»،

همه‌اش آثار ارزشی است؛ منتها ارزش غربی. مثلاً «رام کردن زن سرکش»، یکی از همان نمایشنامه‌های ارزشی است. در این نمایشنامه‌ها، همه ارزش و اهمیت زن به اینستکه مطیع و بردهٔ مرد باشد. خانم‌ها خوب است تعدادی از نمایشنامه‌های شکسپیر را اگر نخوانده‌اند، بخوانند تا ببینند که زن در چشم غربیها چیست!؟ از دیدگاه آنها، مرد سرور زن است! ۷۱/۱۰/۲۹

## رهبرانقلاب

شکسپیر، برای آدمی که اهل ادبیات است، به قدر نوشته «سعدی» احترام ایجاد می‌کند. بنده خودم شاید اکثر نوشته‌های شکسپیر را خوانده‌ام و احساس التذاذ و تعظیم و تکریم کرده‌ام ۷۲/۵/۸

شما (وزارت ارشاد) اصلاً به نمایشنامه‌های شکسپیر دست نزنید چون اینها در دنیا به ثبت رسیده است. مثل آثار عتیقه شناخته شده یی است که اگر یک گوشه‌اش را بردارید اصلاً معلوم است که کم شده است؛ بنابراین نباید دست زد. به هیچ وجه دست بردن در نمایشنامه مصلحت نیست. حتی یک فرازش را هم نباید شما عوض بکنید. اگر دیدید نمایش مناسبی نیست اصلاً کل نمایش را چاپ نکنید اما مجموع این نمایشهای شکیپیر نمایش‌های شبیه هم است. مطالب اخلاقی و مطالب مؤثر خیلی خوب دارد. ۷۶/۲/۱۴

جمعه ۲۲ آوریل ۱۹۹۴

فوت ریچارد نیکسون

## رهبرانقلاب

به ظاهرِ این رؤسای جمهور آمریکا نگاه نکنید، به هارت‌وهورت‌شان نگاه نکنید؛ آن‌ها صددرصد تسلیم سیاستهایی هستند که از طرف سرمایه‌دارهای بزرگ، کمپانی‌دارهای بزرگ، قارون‌های زمان ترسیم می‌شود، این‌ها در مقابل سیاستهای القاشده از طرف کارتل‌دارهای عظیم جهانی -که عدّه‌ای‌شان هم آمریکایی‌اند و عدّه‌ای‌شان هم صهیونیستند- از خودشان هیچ اراده‌ای ندارند؛ اگر آمد یک را بکند دو، سرش را زیر آب می‌کنند؛ که یک مواردی را شماها در همین عمر خود دیده‌اید؛ در همین مقداری که من و شما یادمان است، از رؤسای جمهور آمریکا یکی (کِنِدی) کشته شد، یکی (نیکسون) هم با یک افتضاحی کنار رفت. این‌ها عادّی نیست؛ همهٔ اینها دست آن کسانی است که دارند پشت پرده را اداره می‌کنند. ۶۸/۱۲/۵

توجه؛

در مبارزات انتخاباتی میان دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات آمریکا در سال ۱۹۷۲، افرادی شبانه به ستاد انتخاباتی حزب دموکرات در «واترگیت» واشنگتن

وارد شدند و با سرقت مدارک و پرونده‌ها و نصب میکروفون‌های مخفی، به استراق سمع و نوعی جاسوسی علیه آن حزب پرداختند. هیاهوی عجیبی که به دنبال این ماجرا برخاست، به توقیف و دستگیری گروهی منتهی شد که عمدهٔ آنها از ستاد انتخاباتی نیکسون - از حزب جمهوری‌خواه - بودند. بتدریج پای مقامات کاخ سفید و شخص نیکسون به میان کشیده شد و بسیاری از ناظران سیاسی تقاضای استیضاح او را کردند. در آخر روز ۸ اوت ۱۹۷۴ نیکسون اوّلین رئیس‌جمهور تاریخ آمریکا بود که مجبور به استعفا از مقام خود شد!

فوت بوریس یلتسین/۱

## رهبرانقلاب

من روزبه‌روز اجرای طرح آمریکایی فروپاشی شوروی را نوشته‌ام چون ماجرای عظیمی است، گورباچف وقتی سرکارآمد، یک روشنفکر بود؛ شعاری که او مطرح کرد، پروستریکا (اصلاحات اقتصادی) و گلاسنوست (اصلاحات اجتماعی) بود، با ریاست گورباچف تمجید رسانه‌های غربی از وی شدت گرفت تا جاییکه مجله امریکایی، گورباچف رابعنوان مرد سال معرفی کرد، این آغوش باز غرب گورباچف را فریب داد و به آنها اعتماد کرد؛ در محیط اختناق شوروی، این شعارهای پروستریکایی و گلاسنوستی بشدت فضاشکن بود. گورباچف با شعار گلاسنوستی بعداز ۷۳ سال قید جواز عبور از شهری به شهر دیگر در شوروی را برداشت و اجازه آزادی بیان داد چراکه در تمام این دوران، روزنامه مهم شوروی فقط «پراودا» بود. بعداز مدتی هم سیل تبلیغات فرهنگ غربی مانند «مک‌دونالد» و غیره در شوروی راه پیدا کرد اما یلتسین معاون گورباچف مرتب می‌گفت این شتاب اصلاحات کم است لذا گورباچف او را عزل کرد؛ اما رسانه‌های غربی یلتسین را یک اصلاح‌طلب مظلوم مطرح می‌کردند؛ گورباچف تخریب شد و بنا شد بعداز ۷۳ سال انتخابات شود و یلتسین رئیس جمهور شد! ۷۹/۴/۱۹

## رهبرانقلاب

از روزی که یلتسین در ژوئن ۱۹۹۱ رئیس جمهور شد، تا حدود پنجم دیماه که رسماً شوروی منحل شد، حدود هفت ماه طول کشید. یعنی این چند سال صرف مقدّمات شد. بخشی از مقدّمات به‌دست گورباچف، برخی هم وقتی تاریخ مصرف گورباچف تمام شد، به دست یلتسین انجام شد به مجرّد این که یلتسین به قدرت رسید، ابتکار عمل به دست او افتاد. در روز ۷۰/۳/۲۴ یلتسین رئیس جمهور شد و سه روز بعد - جورج بوش اعلام کرد شوروی بایستی استقلال سه جمهوری بالتیک - لتونی، استونی و لیتوانی - به رسمیت بشناسد؛ والا کمکهای امریکا قطع خواهد شد. ۲ ماه بعد برای این که یلتسین چهره‌اش برجسته‌تر شود، کودتای معروف مردادماه شوروی اتفاق افتاد و دوربین تلویزیونهای امریکایی - سی.ان.ان و غیره - در مسکو فعّال شدند و روی یلتسین متمرکز گردیدند. در این‌جا تلویزیون خودمان تصویر سی.ان.ان را که پخش می‌کرد، ما دیدیم که یلتسین روی تانک رفته و در میان مردم شعار می‌دهد و می‌گوید که نخیر، ما تسلیم کودتاچیها نمی‌شویم! بعد هم به مجلس رفت، اما کودتاچیها با یلتسین که دم دستشان در مجلس ملی - دوما - متحصّن

شده بود، هیچ کاری نداشتند ولی به سراغ گورباچف که در شبه جزیره کریمه مشغول گذراندن روزهای تعطیلاتش بود، رفتند و او را دستگیر کردند! یلتسین هم رجزخوانی می‌کرد و یک جنجال رسانه‌ای در دنیا به‌وجود آوردند و یک تعداد تانک در خیابانهای مسکو ظاهر شدند، بعد از سه روز هم گفتند که کودتاچیها را درخواب دستگیر کرده‌اند! نتیجه کودتا این شد که یلتسین در حقیقت شخصیت اول شد! ۷۹/۴/۱۹

## رهبرانقلاب

در جریان فروپاشی شوروی معروف بود که رئیس شوروی، یلتسین است نه گورباچف! در دنیا هم مشخص بود که قضیه این گونه است. بعد هم جمهوریها یکی‌یکی طالب استقلال شدند. مثلاً اوکراین ادّعا کرد که می‌خواهد مستقل شود. گورباچف مخالفت می‌کرد، اما یلتسین می‌گفت ما قبول داریم؛ بناچار بعد از دو، سه روز گورباچف هم قبول می‌کرد! بنابراین مسأله‌ای درست شد که گورباچف یا مجبور بود برای عقب نماندن، خودش را جلو بیندازد و همان شعارها را او هم بدهد؛ یا مجبور بود بعد از چند روز تبعیت کند؛ چون فشار تبلیغات جهانی مجالی نمی‌گذاشت برای این که غیر از آنچه که یلتسین گفته، شود چیزی گفت. این روند از اواخر خردادماه شروع شده بود. به دنبال آن، کناره‌گیری گورباچف از دبیرکلی حزب مطرح شد؛ بعد پیشنهاد انحلال حزب کمونیست، سپس شکست کمونیزم اعلان شد - همان چیزی که امریکاییها بسیار از آن کیف می‌کردند - و بعد هم بالاخره شایعه استعفای گورباچف منتشر شد. ۷۹/۴/۱۹

۳۰ آوریل سال ۱۹۴۵

هلاکت آدولف هیتلر

## امام خمینی

آنهاکه دیکتاتورشدند، اول دیکتاتور نبودند، ذره ذره رو به دیکتاتوری رفتند و یکوقت هیتلر ازکار درآمدند و درآخر خودرا کشتند! ۶/۳/۶۰

## رهبرانقلاب

معلم باید اهمیت جایگاه خود و برجستگی مسئولیت و مأموریت خود را بدرستی تشخیص بدهد، قدر خود را بداند؛ بداند که اگر این کار با همت درست، با نیت درست، با قصد الهی، با تلاش مناسب انجام بگیرد، چقدر برای جامعه ارزش افزوده ایجاد می‌کند. این ارزش افزوده، یک چیز معمولی متعارفی نیست؛ این فوق‌العاده است. تربیت یک انسان والا، دانا، توانا و صالح، ببینید چقدر اهمیت دارد. از این همه انسانهائی که زیر دست معلمین واقع می‌شوند، گاهی ممکن است یک انسان دنیائی را متحول کند. همین کودک اگر درست تربیت نشد، ممکن است یک هیتلر از آب در بیاید، یک چنگیز از آب در بیاید! ۹۱/۲/۱۳

۳۰ آوریل سال ۱۹۷۵

پایان جنگ ویتنام

## رهبرانقلاب

تاریخ دورهٔ استعمار را بخوانید تا ببینید غربیها علی‌رغم ظاهر نونوارِ اتوکشیدهٔ ادکلن‌زدهٔ منظم و مرتب و داعیه‌های حقوق بشرشان، چه وحشیگریهای عظیمی کردند! ۹۰/۵/۱۹

همه رجزخوانیهای آمریکا از سرِ قدرت نیست. البته آنها تجهیزات نظامیشان پیشرفته است، پول بسیاری دارند؛ اما این موارد دلیل قدرتمندی واقعی در میدان عمل نیست. همین آمریکا با این همه قدرت، بعد از ده سال جنگ، از چریکهای ویتنام شکست خورد. ویتنام، یک کشور ضعیف بود. در آن زمان آمریکا با تجهیزات فراوان، هواپیما، بمب، موشک و همه امکانات ارتباطاتی با مردمی جنگید که هیچ امکاناتی نداشتند. اکثر آنها حتّی سلاح گرم نیز نداشتند اما آمریکا از آن مردم شکست خورد و سرافکنده و زبون از ویتنام خارج شد! ۸۲/۱/۱

توجه؛

از جنایت مغفول محمدرضا پهلوی علاوه بر جنایت بر ملت مظلوم کشور خود اینستکه، وی با حمایت کردن از لیندون جانسون رئیس جمهور وقت آمریکا، بر کشور

مظلوم ویتنام هم ظلم بسیار کرد، جهت مطالعه بیشتر رجوع شود به کتاب جنگ ویتنام اثر برتراند راسل!

شنبه ۵ می سال ۱۸۲۱

فوت ناپلئون بناپارت

## رهبرانقلاب

یکی از حرفهای چرندی که امروز محور جنگ روانی دشمن است، اینستکه میگویند نسل سوم انقلاب از ایده‌های انقلاب جدا شده است! بعد به دنبالش یک فلسفه دروغین هم می‌گذارند تا کسی جرأت نکند بگوید این حرف غلط است. میگویند این حرف متّکی به یک فلسفه است! آن فلسفه چیست؟ آن فلسفه این است که همواره در همهٔ انقلابها، نسل سوم از آن انقلاب رو برگردانده‌اند! حرف دروغ، حرف غلط، حرف چرند! کدام انقلابها را میگویید؟ در سال ۱۷۸۹ در فرانسه انقلاب شده؛ اما نه نسل سوم، نه نسل دوم، بلکه همان نسل اوّل از انقلاب برگشتند! بعد از چهار، پنج سال، یک حرکت علیه انقلابیّونِ اول به وجود آوردند و سه، چهار سال قدرت را قبضه کردند؛ باز بعد از چهار، پنج سال علیه آنها فعّالیت شد. به سال ۱۸۰۲ که رسید، چنان ماهیّت این انقلاب دگرگون شده بود که کسی مثل ناپلئون توانست بیاید و تاج پادشاهی را روی سرش بگذارد! یعنی کشوری که علیه سلطنت مبارزه کرده بود و لویی شانزدهم را زیر گیوتین گذاشته بود، بعد از ده، دوازده سال وضعش به گونه‌ای شد که ناپلئون بناپارت آمد و تاج شاهی را بر سرش گذاشت و خودش را امپراتور

نامید و سالها هم در آن کشور حکومت کرد؛ بعد هم تا نزدیک به هشتاد، نود سال رژیمهای سلطنتی - البته سلطنتهای گوناگون و سلسله‌های مختلف - در فرانسه پابرجا بود، که دائماً در حال جنگ و ابتذال و فساد بودند! آن انقلاب به نسل سوم که هیچ، به نسل دوم هم نرسید؛ چون پایه‌های انقلاب، پایه‌های سستی بود. ۷۹/۱۲/۹

سه شنبه ۵ می سال ۱۹۸۱ م

فوت بابی ساندز مظلومانه
مبارز ایرلندی ضد بریتانیا

## رهبرانقلاب

بابی ساندز که یک خیابان در تهران به نام اوست ۵۰ روز اعتصاب غـذا کرد و مُرد و ایـن مدعیان حقوق بشر فقط تماشا کردند، ما به او به چشم یک انسان مبارز فقط نگاه نمی‌کنیم ما پیام لبهای خاموش بابی ساندز را شنیدیم و به آن ایمان قاطع داریم، این پیام پیام سقوط ابرقدرتها و امپراطوریهای سلطه گر جهانی است! ۶۰/۲/۱۲

یک ترفند غربیها مسأله حقوق بشر اسـت. سالهای اوّلِ انقلاب در همین تریبون نمازجمعه بنده از مبارزان ایرلندی و شخصی به نام «بابی ساندز» که الان خیابانی هم به نام او در تهران هست، اسم آوردم. بابی ساندز در زندان بعد از ۵۰ روز با اعتصاب غذا مُرد؛ نفر دوم هم اعتصاب غذا کرد و سپس مُرد؛ گمانم نفر سوم و چهارم هم اعتصاب غذا کردند؛ اما همین انگلیسیهای طرفدار حقوق بشر و پشتیبان اعتصابها و تحصّنها در نقاط دیگر، تماشا کردند! این ادّعای طرفداری از حقوق بشر آقایان است. آن وقت میگویند ما در ایران دنبال حقوق بشر می‌گردیم! آیا ملت ایـران حق نـدارد اینها را دروغگو و متقلّب بداند؟! این‌ها طرفدار حقوق بشرند؟! ۸۲/۱۱/۲۴

۷ ماه مهٔ سال ۱۸۷۳ م

فوت جان استورات میل
فیلسوف و عضو پارلمان انگلیس

## رهبرانقلاب

آزادی اجتماعی به همین معنایی که امروز در فرهنگ سیاسی دنیا ترجمه می‌شود، یک ریشه قرآنی دارد. هیچ لزومی ندارد که ما به لیبرالیسم قرن هجدهم اروپا مراجعه کنیم و دنبال این باشیم که کانت و جان استوارت میل و دیگران چه گفته‌اند! ما خودمان حرف و منطق داریم. خواهم گفت که آن حرفها به دلایلی نمی‌تواند برای ما راهگشا باشد. مقوله «آزادی» را اسلامی بدانید. البته به نظر من، دو گروه هستند که بر ضدّ اسلامی کردن و بومی کردن و خودی کردن مقوله «آزادی» با هم همکاری می‌کنند: یک گروه کسانی هستند که در کلماتشان، مرتّب از گفته‌های فلاسفه دو، سه قرن اخیر غربی برای مسأله «آزادی» شاهد می‌آورند: فلان‌کس این‌طور گفته است، فلان کس آن‌طور گفته است. البته این‌ها نجیب‌ها هستند که اسم این فلاسفه را می‌آورند؛ اما بعضی فیلسوف‌نماهای مطبوعاتی هم هستند که حرف «جان استوارت میل» و حرف فلان فیلسوف فرانسوی یا آلمانی یا امریکایی را می‌آورند، ولی اسمش را نمی‌آورند؛ به نام خودشان میگویند! این‌ها هم تقلّب می‌کنند، لیکن باز هم به این که این فکر به وجود آید

که تفکّر آزادی و مفهوم آزادی اجتماعی، یک فکر غربی و یک هدیه از سوی غرب برای ماست، کمک می‌کنند! ۷۷/۶/۱۲

۸ ماه می سال ۱۹۹۱ م

فوت عبدالمنعم النمر مصری
مولف کفاح المسلمین فی تحریر هند/۱

## رهبرانقلاب

مساله استعمار هند یک نمونه از توحش و استکبار غرب است، اگر کتاب نهضت آزادی هند را که حدود ۳۵ سال پیش بنده آن را ترجمه کردم ببینید، نشان می‌دهد که در شبه قارۀ هند چه شده است! ۸۴/۲/۱۹

اصل عربی کتاب مسلمان در نهضت آزادی هندوستان، کتاب «کفاح المسلمین فی تحریر الهند» نام دارد، به قلم یکی از علمای وابسته به دانشگاه «الازهر» به نام «عبدالمنعم النمر» نوشته شده و محصول ۲۶ ماه گردش در هند و دیدار نزدیک از منابع اطلاع، کتاب‌ها، کتابخانه‌ها، شهرها و مراکز مبارزه و ... است و به این دلیل، بسی متقن‌تر و قابل اعتمادتر از نوشته‌هایی است که از راه دور و فقط به استناد یک یا چند نوشته آن هم مربوط به وابستگان به یک صف تهیه شده و قضاوت یکی از دو طرف متخاصم عیناً در آن بازگو شده است. این نویسنده محترم که تاکنون برای اینجانب به تفصیل و خصوصیات، شناخته نیست، محصول این گردش علمی و مطالعی را در دو کتاب گرد آورده که یکی کتاب حاضر است و دیگری کتابی است به نام «تاریخ الاسلام فی الهند» که آن نیز برای اهل تحقیق و مطالعه کتابی تازه، سودمند و پر بهره است! تیرماه ۱۳۴۷

۸ ماه می سال ۱۹۹۱ م

فوت عبدالمنعم النمر مصری
نویسنده لشیعة المهدی الدروز/۲

## رهبرانقلاب

در حوزه‌های علمیه، استعدادهای فوق‌العاده وجود دارد. واقعاً فهمیدن بعضی از مطالبِ اصولی و فلسفی و بعضی از ریزه‌کاریهای فقهی، مشکل‌تر از فهمیدن بسیاری از فرمولهای علمی دنیاست و طلبه‌ها با آن دقت فکری خودشان، این مطالب را می‌فهمند. مگر می‌شود آدم مغزی مثل مغز صاحب «قوانین» به آسانی پیدا کند؟ در حوزه‌های علمیه، از این قبیل متفکران که مرتب فکر و دقت و ریزبینی می‌کنند، زیاد است. اگر این استعدادها و خلاقیتها و ذوقهایی که گاهی مشاهده می‌شود، به شکل صحیحی به سمت یک تبلیغ درست هدایت شود، ما دیگر محتاج چیزی نیستیم. خارجی‌ها کتاب می‌نویسند و ما باید پاسخ آنها را بدهیم. یکی از وعاظ‌السلاطین مصری - که واقعاً حیف است وعاظ السلاطین بنامیم؛ بلکه باید آنها را خدام‌السلاطین نامید؛ چون وعاظ السلاطین بعضی وقتها سلطان را وعظ می‌کردند - کتابی به نام «الشیعة والمهدی والدّروز» نوشته و به اصطلاح، تحقیقی در باب شیعه و حضرت مهدی و دروز کرده است. حالا چه ارتباطی بین شیعه و دروز وجود دارد، خودش بحثی است! این خدام

السلاطین، از بس پول و ثروت فهد و صدام و شاه‌حسن
را در شکمهای خود ریخته‌اند که دیگر چاشته‌خور شده‌اند
و گرفتن این همه شیرینی و لذت از آنها سخت است.
آن‌ها واقعاً ضایع شده‌اند و اگر علم و دین هم می‌داشتند،
حالا دیگر به دردشان نمی‌خورد. از این نوع کتابها زیاد
می‌نویسند. ما باید در حوزهٔ علمیهٔ قم و در مراکز علمی
خود، صد جواب رد در مشتمان داشته باشیم و به آنها
پاسخ بدهیم. ۶۹/۹/۷

۱۱ ماه می سال ۱۹۲۷ میلادی

تاسیس مجموعه صهیونیستی
آکادمی هنرهای سینمایی، اسکار

## رهبرانقلاب

از دروغهایی که در دنیا تبلیغ می‌شود، اینستکه هنر از سیاست جداست، درحالیکه مجموعه‌های هنری غرب، کاملاً سیاسی هستند و الا چرا به فیلمهای ضد صهیونیستی ایران اجازه حضور در جشنواره‌های سینمایی را نمی‌دهند؟ ساخت فیلمهای سیاسی بر ضد ایران و یا اعطای جایزه به فیلمهای ضد ایرانی نشانه آشکار از آمیخته بودن سیاست و هنر در غرب است! ۹۱/۱۲/۱

بنده به هیچ وجه دل خوش نمی‌کنم به اینکه در فلان جشنواره جهانی فیلم، به فلان فیلم سینمایی ما جایزه دادند. این جایزه‌ها با انگیزه‌های سیاسی است، بهترین فیلمهای سینمای ما فیلمهایی نیست که در خارج برای آنها جایزه معین شود! ۷۳/۱۱/۳

در جشنواره‌های غربی، فیلم‌های ایرانی نشان می‌دهند که از لحاظ کیفیت حرفه‌ای بمراتب پایین‌تر از بسیاری از فیلمهایی است که برای دفاع مقدس یا برای انقلاب ساخته میشو اما یک دانه فیلم دفاع مقدس را نشان نمی‌دهند؛ چون می‌ترسند افکار عمومی دنیا تحت تأثیر

قرار گیرد؛ سینما سلاح کارآمدی است، این امکانِ بزرگی در اختیار ماست، چرا از این امکان استفاده نمی‌کنیم!؟

۹۷/۷/۴

۲۲ ماه می سال ۱۸۸۵ م

فوت ویکتور هوگو/۱

## رهبرانقلاب

هیچ بیانی نمی‌تواند تاریخ را مثل داستان و رمان بیان کند. تاریخ با زبان غیر هنری مثل اینستکه از فاصله ده هزار پایی زمین، از شهری عکس برمیداریم، طبیعتاً ابعاد شهر پیداست اما معلوم نیست در آنجا آدمها چه می‌کنند؟ خوبند؟ بدند؟ فقیرند؟ غنی‌اند؟ می‌رقصند؟ اما یکوقت شما یک کوچه را می‌روید با افرادش حرف می‌زنید و از خانه‌ها و اتاقها و بازی بچه‌ها و از بوسیدن یک فرزند توسط مادرش و همه چیزهای جزئی را ترسیم می‌کنید؛ البته این همه شهر نیست؛ اما می‌شود آن را به کل کشور و ملت تعمیم داد؛ این زبان هنری تاریخ است؛ رمان اینست! ۷۵/۲/۳۱

من نمی‌خواهم به بچه‌ها خیلی کتاب و رمان معرفی کنم؛ حالا ممکن است اسم مؤلّفینش را بگویم. مثلاً یک نویسنده معروف فرانسوی هست به نام «میشل زواکو» که کتابهای زیادی دارد. من اغلب رمانهای او را در آن دوره خواندم. یا نویسنده معروف فرانسوی «ویکتور هوگو» من کتاب «بینوایان» او را اوّلین بار در همان دوره نوجوانی از کتابخانه آستان قدس گرفتم. البته همه آن را نخواندم؛ مقداریش را خواندم. یکی دو بار بعد از آن هم تمامش را خواندم. ۷۶/۱۱/۱۴

۲۲ ماه می سال ۱۸۸۵ م

فوت ویکتور هوگو/۲

## رهبرانقلاب

رمان را فقط برای این نمی‌نویسند که کسی سرگرم بشود؛ رمان پیام دارد، رمان نحوه زندگی را به خواننده خودش تعلیم می‌دهد! ۷۷/۱۰/۲۴

معمولاً رمانهای بزرگ و قوی فرانسوی‌ها و روسها و دیگر کشورهایی که رمان های بزرگ از آن جاها منتشر شده، تصویر هنرمندانه واقعیتهای زندگی است. شما کتابهای بالزاک یا ویکتور هوگو یا نویسندگان روسی را ببینید؛ این‌ها تصویر هنرمندانه‌ای است از واقعیت‌هایی که در متن جامعه جریان دارد! ۸۴/۲/۱۹

شما وقتی که مثلاً داستان «بینوایان» ویکتور هوگو را می‌خوانید، یا «جنگ و صلح» را می‌خوانید، یا داستانهای امیل زولا را می‌خوانید، می‌توانید وضعیت جامعهٔ روس یا فرانسه یا انگلیس یا جاهایی دیگری را، از این داستانها به دست بیاورید. یعنی انسان می‌تواند چیزهایی را که در تاریخ نیست، در این کتابها پیدا کند. ۷۱/۹/۴

شما اگر ملاحظه کنید، می‌بینیدکه این اثرجاویدان بینوایان هیچوقت کهنه نخواهد شد، لااقل تا وقتیکه این فرهنگ مأنوس ما در عالم وجود دارد، چنین است، و

یک بخش عمده این اثر، جنگ‌های داخلی فرانسه است یعنی جنگهای جمهوری خواهان بر ضد بساط سلطنت بعداز ناپلئون. و با اینکه این کتاب قصه است، وقتی بخوانید می‌بینید که مملو از تاریخ است و تاریخ فرانسه را از اواسط دوران ناپلئون شرح کرده تاحدود سالهای ۱۸۵۰ و ۱۸۶۰ میلادی و دوران بعداز ناپلئون و پادشاهان ازخانواده های بوربنها، لذا بهترین وسیله و سوژه برای نوشتن یک داستان همین است و ما الآن این سوژه (انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی) را داریم! ۶۰/۱۱/۲۶

۲۲ ماه می سال ۱۸۸۵ م

فوت ویکتور هوگو/۳

## رهبرانقلاب

به اعتقاد من، ویکتور هوگو بهترین صحنه‌ها را در بیان حرفهای خودش تصویر کرده است. ویکتور هوگو یک حکیم است. ویکتور هوگو یک نویسندۀ معمولی نیست. واقعاً به همان معنایی که ما مسلمانان «حکیم» را استعمال می‌کنیم و به‌کار می‌بریم، یک حکیم است و بهترین حرفهایش را در «بینوایان» زده است. «بینوایان» هم یک کتاب حکمت است و به اعتقاد من، همه باید «بینوایان» را بخوانند. ۷۲/۶/۲۹

شاید در حدود ۲۰ سال پیش یا کمتر حالا دقیقاً یادم نیست «بینوایان» ویکتورهوگو را برای اولین بار خواندم البته بعد از آن، چند بارِ دیگر هم این رمان را خواندم و یک تعبیری کردم که همه تعجّب کردند، حالا آن تعبیر را نمی‌خواهم تکرار کنم، انسان وقتی این شخصیت را می‌بیند که اینقدر با عظمت سخن گفته، برای او عظمت قائل است. ما نمی‌خواهیم بگوییم که علم و دانش و فرهنگ، مرز دارد؛ خیر. اگر کسی معرفت را جایی دید و در مقابل آن تعظیم کرد، به عظمت تعظیم کرده است، به معرفت تعظیم کرده است: «مادح خورشید، مدّاح خود است.» ۷۲/۵/۸

۲۲ ماه می سال ۱۸۸۵ م

فوت ویکتور هوگو/۴

## استاد خامنه‌ای

اگر پیامبر اکرم مبعوث نشده بود و اگر قرآن کریم نازل نشده بود، من پیامبر خودم را ویکتور هوگو و کتاب آسمانیم را بینوایان بر می‌گزیدم! (بیانات در یکی از جلسات با اعضای واحد فرهنگی روزنامه حزب جمهوری اسلامی) ۶۰/۱۱/۲۶

توجه؛

کتاب سال نهم هجرت، شعری است بلند از ویکتور هوگو در وصف پیامبر و آخرین روزهای حیات حضرت که متاسفانه این کتاب هوگو مهجور و مغفول مانده است!

برشی از کتاب؛

غذایش اندک بود و گاه از گرسنگی سنگ بر شکم می بست

گوسفندانش را خود می‌دوشید

چون فرودستان بر زمین می‌نشست لباس‌هایش را خود وصله می‌زد

هنوز در محاسن سیاهش بیست تار موی سپید نبود که احساس می‌کرد زمان مرگش فرا رسیده است؛

آن‌گاه پرچم اسلام را به پرچمدارش «علی» سپرد و گفت:

این آخرین سپیده دم زندگی من است، خدایی جز خدای
یگانه نیست، در راهش تلاش کن!

۲۲ ماه می سال ۱۸۸۵ م

فوت ویکتور هوگو/۵

## استاد خامنه‌ای

رمان بینوایان ویکتور هوگو برترین رمانی است که در طول تاریخ نوشته شده است. من همهٔ رمان‌های طول تاریخ را نخوانده‌ام، اما رمان‌های زیادی خوانده‌ام که مربوط به حوادث قرن‌های گوناگون هم هست. بعضی رمان‌های خیلی قدیمی مثل کمدی الهی، امیرارسلان و هزار و یک شب را هم خوانده‌ام اما وقتی رمان ویکتور هوگو را نگاه می‌کنم، می‌بینم این چیزی است که اصلاً امکان ندارد هیچ کس بتواند بهتر از این بنویسد، واقعاً در عالم رمان‌نویسی، بینوایان یک معجزه است، من به همهٔ جوان‌ها توصیه می‌کنم، نه حالا که دارم با شما صحبت می‌کنم، بارها این را گفته‌ام. زمانی که جوانها زیاد دور و بر من می‌آمدند قبل از انقلاب، بارها این را گفته‌ام که بروید یک دور حتماً بینوایان را بخوانید. این بینوایان کتاب جامعه‌شناسی است، کتاب تاریخی است، کتاب انتقادی است، کتاب الهی است، کتاب محبت و عاطفه و عشق است! شرح اسم ص ۷۰

۳۰ ماه می سال ۱۸۴۳ م

فوت سیاستمدار انگلیسی
سرلشکر سر جان مَلکُم/۱

## رهبرانقلاب

ما در طول دو سه قرن اخیر ضربه‌های سختی خوردیم؛ هم از ناحیهٔ استبداد داخلی و دیکتاتوری‌های داخل کشور، هم از ناحیهٔ تهاجمهای بیرونی. این یک واقعیت است که ما ضربه خوردیم. تاریخ ورود و نفوذ دولتهای بیگانه در کشور ما از سال ۱۸۰۰ میلادی است؛ یعنی دویست و دوازده سال است که اولین نفوذ خارجی از طریق حکومت انگلیسی هند اتفاق افتاد؛ جان ملکمِ انگلیسی آمد ایران - که حالا تاریخش را کسانی که ملاحظه کردند، می‌دانند - و تبعاتی که پیش آمد. ضعف آن دولتها در مواجههٔ با نفوذ و تهاجم فرهنگ غربی و سیاست غربی و حکومتهای غربی، موجب انفعال کشور شد و همین طور رفته رفته ما دچار ضعف شدیم، هزیمتهائی داشتیم؛ این هم یک واقعیت است. ما در برآورد مسائل کشور و شناخت وضعیت کنونی کشور نمی‌توانیم این دوره را ندیده بگیریم. ضربه‌های سختی به ما زدند؛ هم نفوذ سیاسی پیدا کردند، هم نفوذ فرهنگی پیدا کردند، هم منابع ما را غارت کردند. متأسفانه هنوز کار درستی در این زمینه انجام نگرفته. محققین و مورخین ما باید بنشینند یک کار مبسوط و مشروحی را انجام دهند

در مورد غارت منابع اقتصادی کشور به وسیلهٔ کشورهای متنفذ خارجی که وارد اینجا شدند! ۹۲/۴/۳۰

۳۰ ماه می سال ۱۸۴۳ م

فوت سیاستمدار انگلیسی
سرلشکر سر جان مَلکُم/۲

## رهبرانقلاب

اگر به تاریخ این دویست سال اخیر مراجعه کنید، عظمت کار امام را بهتر درمییابید. من تأکید می‌کنم که جوانان، این مقطعِ تاریخی را بخوانند. دستگاه‌های تبلیغی هم حقایق را که در این مدّت بر سر این کشور آمده، برای مردم تبیین کنند. به نظر من در این خصوص کار کمی شده است. از اوایل قرن نوزدهم میلادی که مأمور انگلیسی - «سرجان ملکم» - از مرز هندوستان وارد ایران شد؛ یعنی از زمان حکومت فتحعلی شاه قاجار که با هدایای اغواکننده و گرانقیمت برای رجال درباری و سیاستمداران فاسد وارد ایران شدند و استعمار انگلیسی، یا به تعبیر دیگر، نفوذ ویرانگر انگلیسی - چون استعمار به معنای متداولش در ایران پیش نیامد؛ اما بدتر از استعمار پیش آمد - حکومت‌های ایرانی را به‌شدّت در مشت گرفت و هر کار خواست به وسیله آنها انجام داد؛ از آن روز تا روزی که انقلاب پیروز شد، در حدود صدوهفتاد، هشتاد سال طول کشیده است. در تمام این مدّت، همه عوامل قدرت - قدرت‌های بزرگ جهانی، عوامل قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی - کار کرده بودند برای این‌که

این ملتِ ریشه‌دارِ تاریخی با فرهنگِ شجاعِ بزرگ را آن‌چنان ضعیف و خُرد و ناامید و مأیوس کنند که هیچ خطری از ناحیه آن، قدرت‌های بزرگ را تهدید نکند. امام در مقابل چنین واقعیتی قرار گرفت. ۷۸/۷/۹

۳۰ ماه می سال ۱۴۳۱ میلادی

سوزاندن دختر مبارز فرانسوی
دوشیزه اورلئان؛ ژان دارک

## رهبرانقلاب

توقع انقلاب از هنر و هنرمند، مبتنی بر نگاه زیباشناختی در زمینه هنر است، که توقع زیادی هم نیست. ملتی در یک دفاع ۸ ساله با همه وجود به میدان آمد. جوانان به جبهه رفتند و از فداکاری در راه ارزشی که برای آنها وجود داشت، استقبال کردند - البته عمدتاً به خاطر دین رفتند؛ هرچند ممکن است عدّه‌ای هم برای دفاع از میهن و مرزهای کشور دست به فداکاری زده باشند - مادران و پدران و همسران و فرزندان و کسانی که پشت جبهه تلاش می‌کردند نیز طور دیگری حماسه آفریدند. شما خاطرات هشت سال دفاع مقدّس را مرور کنید، ببینید برای یک نگاه هنرمندانه به حالت و کیفیّت یک جامعه، چیزی از این زیباتر پیدا می‌کنید؟ شما در عالیترین آثار دراماتیک دنیا، آن‌جایی که به فداکاری یک انسان برخورد می‌کنید، او را تحسین و ستایش می‌کنید. وقتی فیلم، آهنگ، تابلوی نقاشی، زندگی فلان انقلابی - مثلاً ژاندارک - را برای شما به تصویر می‌کشند، در دل و باطن وجدان خودتان نمی‌توانید کار او را تحسین نکنید. هزاران حادثه به مراتب باارزشتر و بزرگتر از آنچه که در این اثر هنری نشان داده شده، در

دوران هشت سال دفاع مقدّس و در خود انقلاب، در خانه شما اتفاق افتاد. آیا این زیبایی نیست؟ هنر می‌تواند از کنار این قضیه بی‌تفاوت بگذرد؟ توقّع انقلاب این است و توقّعِ زیاده‌خواهانه‌ای نیست. میگویند چرا زیبایی دیده نمی‌شود! کسی که به این مقوله بی‌اعتناست، نمی‌خواهد این زیبایی را ببیند؟! ۸۰/۵/۱

توجه؛

بیش از ۴۰ رمان برجسته درباره ژان دارک نوشته شده است!

۳۰ ماه می سال ۱۹۵۴ میلادی

فوت مورخ مصری، احمدامین
مؤلف کتاب فجر الاسلام/۱

## رهبرانقلاب

یکی از امتیازات امروز، کثرت سؤالات است. وقتی سؤال زیاد بود، مسائلی که به وجود می‌آید، میدان را باز می‌کند برای عبور از مرزهای علم. یک نویسندهٔ متعصب مصری سالها پیش یک کتابی علیه تشیع نوشت به‌نام فجرالاسلام که در آن حرفهای غیرمنصفانه‌ای علیه تشیع بود. البته بعد دنبالهٔ آن ضحی‌الاسلام و ظهرالاسلام و عصرالاسلام و...را هم نوشت. این‌ها همه را بنده در همان اوایل دهه ۵۰ خوانده‌ام. این کتاب فجرالاسلام موجب شد که علمای ما چند اثر برجسته به وجود بیاورند. یکی از آن آثار برجسته الذریعة آقا بزرگ تهرانی است. یکی از آن آثار برجسته تأسیس الشیعة لفنون الاسلام است؛ مال مرحوم صدر. همه اینها در مقابل فجرالاسلام نوشته شد. گمان می‌کنم یکی از آن آثار برجسته‌ای که تحت تأثیر کار فجرالاسلام نوشته احمد امین مصری بوجود آمد، کتاب مرحوم سیدمحسن امین است؛ این کتاب شرح حال علما یا اعیان‌الشّیعة. خب، یعنی یک مسئله ایجاد شد، برای پاسخ به آن مسئله چند کار مهم انجام گرفت که اگرچنانچه آن سؤال نبود، این کارهای مهم انجام نمی‌گرفت. این

هم یک نکته. بنابراین امتیازات این دوره امتیازات زیادی است؛ خدا را شکر کنید که در این دوره قرار گرفته‌اید و می‌توانید از امتیازاتش استفاده کنید. ۹۶/۶/۶

۳۰ ماه می سال ۱۹۵۴ میلادی

فوت مورخ مصری، احمدامین
مؤلف کتاب ضحی‌الاسلام/۲

## رهبرانقلاب

از مکر الهی نباید غافل شد. غفلت از آنچه که ممکن است پیش بیاید و خطائی که ممکن است سر بزند و مجازاتی که خدای متعال ممکن است بر ناسپاسیها متوجه یک ملت و یک امت کند، خطر بزرگی است. خوشبختانه حوادث بیدارکننده‌ای هم وجود داشته است، همین حادثه ننگین اهانت به قرآن شریف و عزیز در کشور آمریکا، حوادث بیدار کننده است؛ این‌ها آن زنگهائی است که می‌خورد تا انسان در خواب غفلت فرو نرود؛ این نعمت بزرگی است. ما در طول تاریخ از اینگونه حوادث داشیم که افراد مؤمن و بصیر از این استفاده کردند؛ از دشمنی دشمنها استفاده معروف بود، ما شنیده بودیم که این کتاب «فجر الاسلام» را که احمدامین مصری نوشت که تهمتهای زیادی و اهانتهای زیادی در این کتاب به شیعه کرده است - که بعد هم «ضحی الاسلام» و «ظهر الاسلام» و «عصر الاسلام» را نوشت، وقتی منتشر شد، موجب شد که تعدادی از بزرگان و روشنفکران حوزهٔ علمیهٔ نجف پاسخ عملی بدهند. لذا مرحوم آشیخ آقا بزرگ تهرانی کتاب «الذریعة» را نوشت؛ مرحوم سید محسن جبل عاملی کتاب «رجال»

و «اعیان الشیعة» را نوشت؛ مرحوم صدر کتاب «تأسیس الشیعة لفنون الاسلام» را نوشت؛ این‌ها دفاع علمی ک عملی کردند. یعنی یک کتاب ۴۰۰ صفحه‌ای فجر الاسلام موجب شد که چند دائرةالمعارف بزرگ در شیعه به وجود آمد. این، زنگ بیدارباش بود؛ خورد، این طرف بیدار شد و کاری که باید بکند، انجام داد. ۸۹/۶/۲۵

## تجاوز انگلیس به عراق

### رهبرانقلاب

وقتی جنگ جهانی اول اتفاق میافتد که با پیروزی جبهه‌ای که انگلیس‌ها منجر می‌شود، به انگلیس‌ها یک قدرت جدیدی می‌دهد و این‌ها می‌توانند آزادانه هر کاری بکنند. میدانید که اینها در همین سال‌ها عراق را هم فتح کردند؛ یعنی مابین سال‌های ۱۹۱۴ و ۱۹۲۰؛ در واقع ۱۳۳۳ قمری تا ۱۳۳۸ قمری. این‌ها دربارهٔ عراق یک سلسله اقداماتی را شروع کردند که انسان می‌فهمد که این اقدامات، اولاً با پشتگرمی این‌ها به پیروزی در جنگ بوده، ثانیاً به دلیل تسلط بر ایران بوده است. این‌ها در ۱۹۲۰ توانستند عراق را قبضه کنند که «ثورةالعشرینِ» - انقلاب ۱۹۲۰ - عراقی‌ها کاملاً سرکوب شد و اینها حکومت را به وجود آوردند. در همان سال - یعنی تقریباً در یک سال؛ حالا شاید از لحاظ ماه‌های میلادی یک مقداری این‌ور و آن‌ور باشد - رضاخان سرکار آمده؛ در ۱۲۹۹ و در ۱۹۲۰ یا ۲۱، ملک فیصل اول در عراق سرکار آمده است و پادشاهی، کاملاً در مشت انگلیس‌ها بود و به وسیلهٔ خودِ آنها در آن‌جا به وجود آمده؛ یعنی یک حرکت کاملاً حساب‌شدهٔ دقیقِ خوبی را انگلیس‌ها انجام دادند! ۸۵/۲/۹

## استقلال کشور آفریقای جنوبی

### رهبرانقلاب

از حساس‌ترین مناطق عالم، منطقه استراتژیک کشور آفریقای جنوبی است که سر دماغهٔ «امیدنیک» در منتهیالیه جنوب آفریقا واقع شده است؛ محلی که امروز از لحاظ سوق‌الجیشی و در دوره‌های گذشته از لحاظ سیاسی و اقتصادی، اهمیت بسیار زیادی داشته است. مدت‌ها قبل یک عده سفیدپوست به آن‌جا رفتند و حاکم شدند؛ از جهالت مردم بومی سوء استفاده کردند و حکومت و ادارهٔ آن کشور را به دست گرفتند؛ معادن قیمتی الماس و طلا و بقیهٔ چیزها را مالک شدند و سیاه‌پوستان را در شرایط حیوانی نگهداشتند. درعین‌حال، امریکا و انگلیس و بسیاری از کشورهای غربی مدعی حقوق بشر، هیچ حرکت جدی علیه آفریقای جنوبی نکردند! ۶۹/۱/۲

۱ ژوئن سال ۱۹۳۶ م

فوت ماکسیم گورگی
نویسنده روشنفکر روسی/۱

## استاد خامنه‌ای

جهان بینی اسلام، انسان را موجودی اندیشمند، تصمیم گیرنده و نوآور می‌شناسد. تفکر، اختیار، ابتکار، سه خصلت اصلی انسان است و همین

ویژگیها و در رأس آنها نیروی اندیشه آگاهی بخش است که هر حرکتی و پیشرفتی را برای او محقق می‌سازد؛ پس مهم‌ترین و اصولی‌ترین عامل حرکت تاریخ و جامعه، درک و تشخیص و آگاهی حرکت زا است، آنچه انسانها را حرکت می‌دهد آگاهی است؛ حرکت‌های خود به خودی، حرکت‌های کور، هرگز به یک تحول و به یک انقلاب نخواهد انجامید، هیچ گاه هم تاریخ این را نشان نداده. بفرمایید نگاه کنید! کتاب مادر ماکسیم گورکی با هزار زحمت می‌خواهد ثابت کند که در روسیه تزاری، حرکت‌های کارگری بود که توانست انقلاب را به وجود بیاورد. در همان کتاب مادر اگر دقت کنید، خواهید دید که اگر آگاهی بخشیها، روشنگری‌ها و هدایتها وجود نمی‌داشت، حرکت‌های کور کارگری هیچ کار نمی‌توانست انجام بدهد و همه آنچه آنها به عنوان حرکتهای خود به خودی در تاریخ انقلابها و حرکتها و تحولهای اجتماعی ذکر کرده‌اند، دقیقاً عکس نظر آنها

نتیجه می‌گرفت. و اگر روشنفکری و آگاهی و هدایت است که جامعه را به حرکت در مـی‌آورد، پس همه تحلیلهای مادی و آنچه به نام جنگ طبقاتی و مبارزات طبقاتی در گفته تحلیلگران مادی وجود دارد، خلاف واقع و دروغ محض خواهد بود. پس مهم‌ترین و اصولی‌ترین عامل حرکت تاریخ و جامعه، درک و تشخیص و آگاهی حرکت زا است و همه عناصر دیگر که عامل حرکتهای خودبه‌خودی به حساب میایند منهای این یک مورد یا بی‌اثرند یا دارای اثر نامطلوبند! ۵۹/۵/۱

۱ ژوئن سال ۱۹۳۶ م

فوت ماکسیم گورگی
نویسنده روشنفکر روسی/۲

## رهبرانقلاب

روشنفکر، نقش تبیین و راه‌اندازی دارد و آنها در اینجا پیشرو هستند، اما بعد که مردم بر اثر این تبیین به آگاهی رسیدند و یک چیزهایی را فهمیدند، نوبت حرکت و اقدام می‌رسد که حرکت و اقدام را مردم انجام می‌دهند و روشنفکرها غالباً اهل حرکت و اقدام نیستند، چون آنها ملاحظه دارند، ترس دارند، وابستگی دارند، احساس تکلیف نمی‌کنند و میگویند ما کارمان را انجام دادیم. بنده با بسیاری از روشنفکرهای نسل خودمان، آن زمان که در دانشگاهها و بیرون دانشگاهها رمان می‌نوشتند یا شعر می‌گفتند و کارهای سیاسی می‌کردند، از نزدیک رابطه داشتیم و می‌دیدیم اینها طلبکارند، مثلاً یک آقایی که شاعر خوبی بود و انصافاً شعرهایش هم اثر داشت خودش را تشبیه می‌کرد به ماکسیم‌گورکی انقلاب اکتبر شوروی! می‌گفت من دیگر کار خودم را کرده‌ام، و با اینکه هنوز سالها مانده بود به پیروزی انقلاب و پیروزی مستلزم زندان رفتن و کتک خوردن بود، او همهٔ اینها را حذف می‌کرد و می‌گفت من ماکسیم‌گورکی انقلابم، به قول شماها فاکتور می‌گرفت و می‌گفت بقیه کارها را دیگران بکنند،

و لذاست که اقدام را مردم می‌کنند. حالا اینجا برای اینکه شما بدانید این نکته از نکات روشنفکری است، یعنی وقتی نوبت به اقدام و حرکت می‌رسد آن وقت دیگر پای روشنفکر می‌لنگد، خود این یک حقیقت روشنفکری است و روشنفکرها همین را تحلیل می‌کنند. ۷۱/۳/۶

۵ ماه ژوئن سال ۲۰۰۴

هلاکت رونالد ریگان
رئیس‌جمهور آمریکا

## رهبرانقلاب

اوایل جنگ ابزارهای مادی ما کم بود؛ پول نداشتیم، سلاح نداشتیم، تجربه نداشتیم، سازماندهی نداشتیم، نیروی مسلّح کارآمد نداشتیم، ابزارهای جنگی نداشتیم؛ و دشمن ما - چه دشمنی که در صحنهٔ جنگ با ما می‌جنگید، یعنی رژیم بعثی صدّام؛ و چه دشمنی که پشت سر او قرار داشت، یعنی همین آمریکا و ناتو و شوروی آن روز - این‌ها در اوج قدرت و توانایی بودند. همین دولت آمریکا آن روز در زمان ریگان یکی از دولتهای توانا در عرصه‌های سیاسی و نظامی در دنیا بود، و ما در تهیدستی و فقر و تنگدستی قرار داشتیم، امّا نتوانستند با ما کاری بکنند. ۹۲/۸/۱۲

ما در شکست دشمن شک نداریم؛ بنده هیچ تردیدی ندارم. هرکسی که با معارف اسلامی آشنا باشد می‌داند که: اِن تَنصُرُوا اللّهَ یَنصُرکُم، وَ لَیَنصُرَنَّ اللّهُ مَن یَنصُرُه؛ وَ مَا النَّصرُ اِلّا مِن عِندِ الله، این‌ها مسلم است و در این تردیدی نیست. میدانیم که شکست می‌خورند؛ میدانیم که سرنوشت رئیس‌جمهور کنونی هم بهتر از سرنوشت اَسلافش -بوش و نئوکان‌ها و دوروبری‌های ریگان و بقیّه- نخواهد بود؛ این هم مثل همانها در تاریخ گم خواهد

شد و جمهوری اسلامی سربلند باقی خواهد ماند؛ در این هیچ تردیدی نداریم. ولیکن طبق سنّت الهی، یک وظایفی بر عهدهٔ ما است؛ هرگز این نتیجهٔ قطعی که پیشرفت و نصرت الهی نسبت به جمهوری اسلامی است، نباید ما را از وظایفمان غافل کند. یک وظایفی بر عهدهٔ ما است که اگر این وظایف را انجام ندهیم، نمی‌توانیم به آن نتایج مطمئن باشیم؛ باید وظیفه‌مان را انجام بدهیم! ۹۷/۳/۲

۸ ماه ژوئن سال ۲۰۰۰

هلاکت کیم روزولت
رئیس بخش خاورمیانه CIA

## رهبرانقلاب

عـزیـزان مـن! سیاست در دنـیـای امـروز از هنر استفاده ناشایسته می‌کند. اگر بگوییم نمی‌کند، دلیل بی‌اطلاعی اسـت. نـه فقط امـروز اسـتـفـاده مـی‌کـنـد، بلکه از سابق استفاده می‌کرده است. چند روز پیش سندی از اسناد منتشر شده وزارت خارجه امریکا درباره جریان کودتای ۲۸ مرداد را ترجمه کرده و برای من آوردند. البته به هنگام وقوع این حادثه، سن من زیاد نبود چیزهای اندکی یادم هست؛ اما از زبانها بسیار شنیده‌ام و در آثار هم زیاد خوانده‌ام؛ ولی به این تفصیل هیچ‌جا وجود ندارد. آن‌هایی که خودشان دست‌اندرکار این جریان بودند، این اسناد را نوشتند و برای وزارت خارجه و سازمان سیا فرستادند. این اسناد متعلق به امریکاییهاست. آن بخش مورد توجه من این اسـت: «کیم روزولـت» می‌گوید وقتی ما به تهران آمدیم، یک چمدان بـزرگ پُـر از مقاله‌هایـی که نوشته شـده بود و باید ترجمه می‌شد و در روزنامه‌ها به چاپ می‌رسید، و نیز کاریکاتورهایی را با خودمان آوردیم! فکرش را بکنید، دستگاه CIA امریکا برای ساقط کردن حکومتی که منافع آنها را تأمین نمی‌کرد؛ حکومتی که به آراء مردم متکی بود،

برخلاف همه حکومتهای دوران پهلوی، تحت عنوان این‌که ممکن است پشت پرده آهنین شوروی برود، از همه ابزارها از جمله از ابزار هنر علیه آن استفاده کرد. اتفاقاً دو، سه سال پیش نیز ایتالیاییها کتابی نوشتند که به فارسی هم ترجمه شده است؛ آن‌جا هم به وجود بخش هنری سازمان سیا و فعّالیتهای گوناگونش اشاره شده است. سیاست، اینگونه از هنر استفاده می‌کند. شما در این‌جا می‌خواهید چه کار کنید؟! ۸۰/۵/۱

۹ ماه ژوئن سال ۶۰۸ م

فوت نرون کلادیوس
امپراتور سفاک روم

## رهبرانقلاب

آن‌وقتی که پیغمبر مبعوث شد و خدای متعال نبی اکرم را مبعوث به رسالت کرد، دنیا تاریک بود؛ وَ الدُّنیا کاسِفَةُ النّورِ ظاهِرَةُ الغُرور؛ جهان بشریّت در تاریکی بود، مشحون و سرشار از غرور بود. غرور یعنی فریب نفْس؛ انسان خودش را در یک وضعی تصوّر کند و توهّم کند، و در واقع این‌جور نباشد؛ دنیا در یک‌چنین وضعی بود. قرآن هم فلسفهٔ وحی الهی را این قرار می‌دهد، بشریّت را از ظلمات خارج کند، وارد نور کند. خب، ظلمات آن دوره تا حدود زیادی در تاریخ منعکس است؛ چه در خود محیط جزیرةالعرب و مکّه و آن حول‌وحوش که خرافه بود، جهل بود، بی‌رحمی بود، خشونت بود، بی‌عدالتی بود، زورگویی بود، زندگی پست بود، گرسنگی بود؛ و چه در دنیای متمدّن آن روز. شما اگر نگاه کنید به دو نقطهٔ اساسی تمدّن بزرگِ آن روز، یعنی ایرانِ آن روز و روم، این تاریکی و ظلمت را در آنجا هم مشاهده می‌کنید. در این دو امپراتوری هم خرافات بود، ظلمات بود، تبعیض بود، بی‌عدالتی بود، بی‌رحمی نسبت به ضعفا بود. در ایران پادشاهی که به نام عدالت معروف است -همین انوشیروانی که معروف به عادل است- در

یک‌روز چندین هزار انسان را به قتل رساند به عنوان اینکه اینها مثلاً مزدکی هستند، دین دیگری دارند؛ چندهزار نفر را در یک‌روز از بین برد؛ این یک نمونه است. در امپراتوری روم، پادشاه -این نِرون معروف- مادرش را کشت، همسرش را کشت، شهر را آتش زد. این‌جوری بودند، این‌ها مخصوص جزیرةالعرب نبود؛ همهٔ دنیا این‌جوری بود. در یک‌چنین شرایطی خورشید اسلام طلوع کرد. ۹۶/۲/۵

۹ ژوئن سال ۱۸۷۰

فوت چارلز دیکنز
رمان‌نویس انگلیسی

## رهبرانقلاب

این‌کتاب (داستان دوشهر) دربارهٔ یک‌انگلیسی است که به فرانسه می‌رود و آن‌جا ماجراهایی دارد! ۹۸/۲/۹

در دنیا شاید بخشی از بهترین آثار سینمایی دنیا اقتباس از نوشته‌ها و متنهای فاخر است؛ از رمان‌های فاخر و نوشته‌های فاخری که قبل از آنها نوشته شده. از روی آن‌ها می‌سازند. ما هم باید همین کار را بکنیم، باید این متنهای فاخر را تهیّه کنیم، بر اساس این متنها فیلم به وجود بیاید، تئاتر روی صحنه برود و از این قبیل. بنابراین کار مهمّی است. حالا در داخل کشور من شنیدم که مثلاً فرض کنید آثار نویسنده‌های خارجی مثل ویکتور هوگو یا چارلز دیکنز را روی صحنه می‌برند، تئاتر اجرا می‌کنند. خیلی خب، کاری بکنیم که نوشته‌های ما هم در جاهای دیگر دنیا -اوّل در خود اینجا، بعد در جاهای دیگر دنیا- به صورت تئاتر روی صحنه برود و از آنها فیلم ساخته بشود؛ یعنی همّت را باید این جوری بگذاریم روی تولید متنهای فاخر! ۹۲/۶/۳۱

۹ ماه ژوئن سال ۱۹۳۰ م

درگذشت سر توماس آرنولد
مؤلف دعوت بسوی اسلام/۱

## رهبرانقلاب

در اوایل قرن ۱۴ هجری، یک نویسنده انگلیسی بنام سر توماس آرنولد کتابی نوشته که البته مطالب استعماری هم دارد؛ اما اصلِ فکر کتاب و مضمون اصلی آن، که از عنوانش هم پیداست عنوان عربی آن‌که بنده هم نسخهٔ عربی‌اش را دیدم «الدعوة الی الاسلام» است می‌خواهد بگوید اسلام دین دعوت است، نه دین شمشیر. می‌خواهد بگوید اسلام در این مناطق دنیا، با دعوت پیش رفته است. بنابراین این کارها که تا به حال می‌شده؛ امّا امروز ما به عنوان جمهوری اسلامی و سازمان تبلیغات اسلامی می‌خواهیم چه‌کار کنیم؟ ۷۲/۲/۶

در هند، بزرگ‌ترین اثر اسلامی، کتاب «سر توماس آرنولد» است -همین کتاب «الدعوه الی الاسلام» - که عربی است و اخیراً به فارسی هم ترجمه و چاپ شده است. این کتاب، کتاب خوبی است و بنده نمی‌خواهم این کتاب را رد و طرد کنم، اما هنر بزرگش اینستکه می‌خواهد تلویحاً جهاد اسلامی را یک چیز درجه دو قلمداد کند و لذا ایده این کتاب این است که اسلام با دعوت پیش رفته، نه با شمشیر؛ که این حرف خوبی است، اما اینقدر در این ایده پیش می‌رود

که اصلاً جهاد اسلامی در این کتاب یک چیز تقریباً درجهٔ دو و یک چیز بیخود و احیاناً زائد به نظر می‌آید. این حاصل کار اسلامی است در این کتاب! تازه سرتوماس آرنولد یکی از کسانی است که به عنوان یک طرفدار جدی اسلام شناخته شده و استاد اقبال است و اقبال جزو شاگردهای اوست!

۶۴/۱۲/۱۹

۹ ژوئن سال ۱۹۳۰ م

فوت سر توماس آرنولد
مؤلف دعوت بسوی اسلام
استاد علامه اقبال لاهوری/۲

## رهبرانقلاب

خوب است اشاره کنم به هوشیاری این مرد بزرگ، علامهٔ اقبال، که علی‌رغم علاقهٔ شدید که به سرتوماس آرنولد دارد، رگهٔ سیاسی را در کار علمی او مورد غفلت قرار نمی‌دهد. این نکته را آقای جاوید اقبال در شرح حال پدرشان نوشتند -که یک جلد آن به فارسی ترجمه شده و من دیده‌ام- اقبال به دوست خودش، سید نظیر نیازی، که سرتوماس آرنولد را یک اسلام‌شناس می‌داند، نهیب می‌زند و می‌گوید: «چه اسلام‌شناسی؟ تو کتاب الدعوه الی الاسلام او را می‌گویی؟ او برای دولت بریتانیا کار می‌کند»؛ و بعد اقبال به آن دوست خودش می‌گوید: «من وقتی در انگلیس بودم، آرنولد به من گفت کتاب تاریخ ادبیات ادوارد برون را ترجمه کنم و من نخواستم این کار را بکنم، چون دیدم این کتاب آمیختهٔ به اغراض سیاسی است.» حالا شما ببینید این برداشت اقبال از کتاب ادوارد برون است و برداشت ادبای ما -دوستان ادوارد برون، آن کسانی که افتخار می‌کردند که رفیق و دوست ادوارد برون باشند- ببینید برداشت آن‌ها چیست! و من نمی‌خواهم حالا اسم

بیاورم از این شخصیّت‌ها، چون بالاخره شخصیت ادبی و شخصیت فرهنگی هستند، اما بسیار ساده‌دل و ناآگاه و غافل از آن هدف‌های سیاسی؛ درحالی‌که اقبال، آن مرد هوشمند و مصداق «المؤمن کیّس»، رگه‌های سیاست خبیث استعماری را در لابلای کار توماس آرنولد و ادوارد برون می‌شناسد و می‌بیند؛ و این نشان‌دهندهٔ عظمت اقبال است. ۶۴/۱۲/۱۹

## رهبرانقلاب

نفاق، فقط در قبال باور دینی نیست بلکه در قبال همهٔ باورهای برجسته و پذیرفتهٔ انسانی و اجتماعی هم هست. امروز در قبال ادّعای طرف‌داری از انسان، یک نفاق عظیمی در دنیا وجود دارد و همیشه وجود داشته. در قبال طرف‌داری از محرومین و توده‌های مردم، بیشتر فاتحین در طول تاریخ ادّعا می‌کردند که برای مردمی که سرزمین آنها را غصب کرده‌اند و تصرّف کرده‌اند ارمغانهایی آورده‌اند؛ یعنی به آنها علاقه‌مندند. البتّه همهٔ فاتحین این جور نبودند؛ بعضی هم صریح می‌گفتند که آمده‌ایم شما را به بردگی بگیریم، که این البتّه ناشی از جهالت بود؛ آن فاتحی که دارای معرفت بود، دارای پیچیدگی بود این جور برخورد نمی‌کرد. اسکندر مقدونی که از مقدونیّه -یعنی از سرزمین فرهنگ دوران باستان- آمده بود به ایران، نمی‌گفت آمده‌ام شما را به بردگی بگیرم؛ یک ارسطویی را هم بغل دست خودش برداشته بود آورده بود، می‌گفت آمده‌ام به شما بیاموزم. همهٔ ایران را به آتش کشید، تا خلیج فارس و دریای عمّان هم پیش رفت، سالهای سال هم اینها در این کشور ماندند امّا ادّعایشان ادّعای طرف‌داری از فرهنگ و معرفت و بشریّت و مفاهیم عالی انسانی بود؛

عیناً همان برخوردی که امروز اروپایی‌ها با مردم دنیا دارند، و شکل شبیه به امروز را، در قرن نوزدهم و در دوران شروع استعمار، با کشورهای تحت استعمار داشتند؛ نفاق؛ اسم این نفاق است. ۷۰/۸/۲۲

۱۱ ماه ژانویه سال ۱۹۸۲

انتخاب بوریس یلتسین
به ریاست جمهوری شوروی ۱/

## رهبرانقلاب

من روزبه‌روز اجرای طرح آمریکایی فروپاشی شوروی را نوشته‌ام چون ماجرای عظیمی است، گورباچف وقتی سرکارآمد، یک روشنفکر بود؛ شعاری که او مطرح کرد، پروستریکا (اصلاحات اقتصادی) و گلاسنوست (اصلاحات اجتماعی) بود، با ریاست گورباچف تمجید رسانه‌های غربی از وی شدت گرفت تا جاییکه مجله امریکایی، گورباچف رابعنوان مردسال معرفی کرد، این آغوش باز غرب گورباچف را فریب داد و به آنها اعتماد کرد؛ در محیط اختناق شوروی، این شعارهای پروستریکایی و گلاسنوستی بشدت فضاشکن بود. گورباچف با شعار گلاسنوستی بعداز ۷۳ سال قید جواز عبور از شهری به شهر دیگر در شوروی را برداشت و اجازه آزادی بیان داد چراکه در تمام این دوران، روزنامه مهم شوروی فقط «پراودا» بود. بعداز مدتی هم سیل تبلیغات فرهنگ غربی مانند «مک‌دونالد» و غیره در شوروی راه پیدا کرد اما یلتسین معاون گورباچف مرتب می‌گفت این شتاب اصلاحات کم است لذا گورباچف او را عزل کرد؛ اما رسانه‌های غربی یلتسین را یک اصلاح‌طلب مظلوم مطرح می‌کردند؛ گورباچف تخریب شد و بنا شد بعداز ۷۳ سال انتخابات شود و یلتسین رئیس جمهور شد! ۷۹/۴/۱۹

۱۱ ماه ژانویه سال ۱۹۸۲

## انتخاب بوریس یلتسین
## به ریاست جمهوری شوروی/۲

### رهبرانقلاب

از روزی که یلتسین در ژوئن ۱۹۹۱ رئیس جمهور شد، تا حدود ۵ دیماه که رسماً شوروی منحل شد، حدود ۷ ماه طول کشید. یعنی این چند سال صرف مقدّمات شد. بخشی از مقدّمات به‌دست گورباچف، برخی هم وقتی تاریخ مصرف گورباچف تمام شد، به دست یلتسین انجام شد به مجرّد این که یلتسین به قدرت رسید، ابتکار عمل به دست او افتاد. در روز ۷۰/۳/۲۴ یلتسین رئیس جمهور شد و سه روز بعد - جورج بوش اعلام کرد شوروی بایستی استقلال سه جمهوری بالتیک - لتونی، استونی و لیتوانی - به رسمیت بشناسد؛ والا کمکهای امریکا قطع خواهد شد. ۲ ماه بعد برای این که یلتسین چهره‌اش برجسته‌تر شود، کودتای معروف مردادماه شوروی اتفاق افتاد و دوربین تلویزیونهای امریکایی - سی.ان.ان - در مسکو فعّال شدند و روی یلتسین متمرکز گردیدند. در این‌جا تلویزیون خودمان تصویر سی.ان.ان را که پخش می‌کرد، ما دیدیم که یلتسین روی تانک رفته و در میان مردم شعار می‌دهد و می‌گوید که نخیر، ما تسلیم کودتاچیها نمی‌شویم! بعد هم به مجلس رفت، اما کودتاچیها با یلتسین که دم

دستشان در مجلس ملی - دوما - متحصّن شده بود، هیچ کاری نداشتند ولی به سراغ گورباچف که در شبه جزیره کریمه مشغول گذراندن روزهای تعطیلاتش بود، رفتند و او را دستگیر کردند! یلتسین هم رجزخوانی می‌کرد و یک جنجال رسانه‌ای در دنیا به‌وجود آوردند و یک تعداد تانک در خیابانهای مسکو ظاهر شدند، بعد از سه روز هم گفتند که کودتاچیها را درخواب دستگیر کرده‌اند! نتیجه کودتا این شد که یلتسین در حقیقت شخصیت اول شد!

۷۹/۴/۱۹

۱۱ ماه ژانویه سال ۱۹۸۲

انتخاب بوریس یلتسین
به ریاست جمهوری شوروی ۳/

## رهبرانقلاب

در جریان فروپاشی شوروی معروف بود که رئیس شوروی، یلتسین است نه گورباچف! در دنیا هم مشخص بود که قضیه این گونه است. بعد هم جمهوریها یکی‌یکی طالب استقلال شدند. مثلاً اوکراین ادّعا کرد که می‌خواهد مستقل شود. گورباچف مخالفت می‌کرد، اما یلتسین می‌گفت ما قبول داریم؛ بناچار بعد از دو، سه روز گورباچف هم قبول می‌کرد! بنابراین مسأله‌ای درست شد که گورباچف یا مجبور بود برای عقب نماندن، خودش را جلو بیندازد و همان شعارها را او هم بدهد؛ یا مجبور بود بعد از چند روز تبعیت کند؛ چون فشار تبلیغات جهانی مجالی نمی‌گذاشت برای این که غیر از آنچه که یلتسین گفته شود چیزی گفت. این روند از اواخر خردادماه شروع شده بود. به دنبال آن، کناره‌گیری گورباچف از دبیرکلی حزب مطرح شد؛ بعد پیشنهاد انحلال حزب کمونیست، سپس شکست کمونیزم اعلان شد - همان چیزی که امریکاییها بسیار از آن کیف می‌کردند - و بعد هم بالاخره شایعه استعفای گورباچف منتشر شد. ۷۹/۴/۱۹

## ۲۲ ژوئن ۱۶۳۳ م/محاکمه گالیله

در دادگاه تفتیش عقاید کلیسا
درپی ردّ فرضیهٔ زمین مرکزی

### رهبرانقلاب

روزی که غرب در دورهٔ رنسانس، علم و سیاست و روش زندگی را از دین جدا کرد، می‌خواستند به جای بهشتی که ادیان به انسانها وعده می‌دهند، در دنیا برایشان بهشت بسازند. این بهشت، امروز به جهنم تبدیل شده؛ خودشان هم این را می گویند. یک روز اینها با دین مخالفت کردند. البته دینی که روشنفکری اروپا با آن مخالفت کرد، لایق زندگی بشری نبود؛ دین پُر از خرافات بود؛ همان دینی که گالیله را به اعدام محکوم می‌کند و یکی دیگر را زیر شکنجه می‌کشد؛ به خاطر این که یک کشف علمی کرده! دین مسیحیتِ تحریف شده، نه مسیحیت واقعی. ایرادی به جدا شدن از آن دین نیست؛ ایراد به جدا کردن معنویت و اخلاق از علم و سیاست و نظام زندگی و روابط فردی و اجتماعی است. علم و عقل را مطلق کردند و گفتند دین کنار برود و علم و عقل بیاید. قرن نوزدهم و بیستم این طوری گذشته. حدود چهل پنجاه سال است که در عقل هم دارند خدشه می‌کنند؛ با صدای بلند محکمات عقلی را انکار می‌کنند و به نسبی گرایی و شکاکیت در همهٔ اصول - اصول اخلاقی، اصول عقلانی و حتّی اصول علمی - کشانده

شده‌اند. این تجربه، تجربه یی نیست که کسی از آن تقلید کند. خطاست که ما راه طی شدهٔ به منزل نرسیدهٔ غرب را دنبال کنیم! ۸۴/۲/۱۹

جمعه ۲۳ ماه ژوئن سال ۱۹۸۹

هلاکت پرعبرت ایدئولوگ سفاک
رهبر جریان ضداسلام پان‌عربیسم
بنیانگذار حزب نحس و جنایتکار بعث
پدر معنوی صدام لعین، میشل عفلق

## امام خمینی

مسئلهٔ ما مسئلهٔ مکتبی است. مسئلهٔ دلخواهی نیست. ما سر اسلام دعوا داریم. ما می‌گوییم که یک نفر آدمی که اسلام را اصلش مخالف با حزب خودش می‌داند، صدام تابع «میشل عفلق» ملحدست، اسلام صدام حسین یک اسلام عفلقی است که از اسلام کارتری هم بدتر است. یک نفر آدم و حزبی که اسلام را مخالف همه چیز خودش می‌داند، و با تمام قوا اگر دستش برسد اسلام را می‌کوبد!

۵۹/۸/۶

صدام و میشل عفلق

۲۵ ژوئن ۱۹۱۷ م

فوت آدام متز
مستشرق آلمانی/۱

## رهبرانقلاب

ایـران، واقعـاً چـه گذشتهٔ پُرافتـخاری بـوده اسـت. گاهی می‌گویند که فلان چیز قرون وسطایی است؛ غافل از اینکه قرون وسطی برای اروپا روزگار ننگ است، اما برای ما روزگار نور است.

شما قرن چهارم هجری را نگاه کنید. کتاب «تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری»، نوشتهٔ «آدام متز»، نشان می‌دهد که تمام محیط اسلامی، اصلًا بازار علم دنیاست، و آن نقطهٔ اصلیش هم ایران است؛ یعنی همین اصفهان و ری و فارس و خراسان و هرات و مرو و ... این شهرها مرکز و قلهٔ علم دنیا بوده است؛ اما متأسفانه نسل امروز این‌ها را نمی‌داند. این ندانستن، نه به معنای این است که همین مطالبی راکه من گفتم، نمی‌داند؛ چرا، این مطالب را صد بار شنیده است؛ همه درکتابها هم گفته‌اند؛ همه جا هم گفته. اند؛ اما باورش نیست! بی‌آنکه به زبان انکار کند، یک حالت ناباوری در همهٔ نسل امروز و نسل قبل، نسبت به گذشتهٔ ایران وجود دارد؛ علتش هم این است که تمدن غرب و این تکنولوژی پُر سر و صدا، آن‌چنان آمده فضا را پُر کرده، که حتّی کسی جرأت نمی‌کند به شجره‌نامهٔ خودش نگاه کند! ۷۰/۱۱/۱۵

۲۵ ژوئن ۱۹۱۷ م

فوت آدام متز
مستشرق آلمانی/۲

## رهبرانقلاب

آدام متز کتابی نوشته به نام تمدن اسلام در قرن چهارم هجری، یک مرثیه خوانی عجیبی می‌کند در این تمدنی که به نظر او عظیم است. این مستشرق اروپایی، وقتی که نگاه می‌کند به آن قرنهای سوم و چهارم و دوم هجری، هنوز چشمهایش خیره می‌ماند. برای چیست این؟ برای خاطر این است که فعالیتها و انرژیها و نشاطهای عجیبی در آن روز، از جامعهٔ اسلامی بروز کرده اما من از شما سؤال می‌کنم، آیا آنهمه نشاط و فعالیتی که آن روز انجام گرفت، به سود جامعهٔ اسلامی و انسانیت تمام شد؟ ده قرن دارد از آن روزگار می‌گذرد. تعصبی نداریم نسبت به آن روزگار. درمقابل دنیای غیر مسلمان می‌توانیم بگوییم که بله عالم اسلام که آن دانشگاهها را بوجود آورد، آن فلسفه را درست کرد، چنین و چنان در طبابت و در طبیعیات کرد. اما بین خودمان، الحق و الانصاف، آنهمه نیرو و انرژی، به جا و به موقع و به سود انسانیت و به سود جامعهٔ اسلامی تمام شد؟ علمی و فرهنگی برای ما مانده؟ چرا ما به عنوان یک جامعه اسلامی، قرن پیشمان آنهمه تشعشع داشته، امروز در دنیا نمی‌درخشیم و جلوه نمی‌کنیم؟ چرا؟ آیا

جز به خاطر این است که آنهمه نشاط و فعالیت، اگرچه فعالیت انسانی بود، اما زیر نگین طاغوت بود؟ گفت: من آن نگین سلیمان به هیچ نستانم / که گاهگاه بر او دست اهرمن باشد، این اهرمنها بودند که با جامعهٔ اسلامی بازی کردند. اگر هم گفتند و ترجمه کردند، برای خاطر این بود که در ترجمه بنویسند در زمان حکومت حضرت خلیفهٔ چندم عباسی، منصور یا هارون یا مأمون؛ برای اینکه نام خودشان را بالا ببرند! ۵۳/۷/۲۴

۲۶ ژوئن ۱۸۳۶/فوت روژه دولیل

شاعرسرودملی فرانسه؛ مارسیز

## رهبرانقلاب

وقتی به اطراف قضیه جنگ تحمیلی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم واقعاً یک چیز فوق‌العاده است. ما قدردانی درستی نمی‌کنیم. من نگاه می‌کنم، می‌بینم «سرود مارسیزِ» معروف فرانسویها به گمانم یادگار جنگ فرانسه با ایتالیاست؛ چون مال «مارسی» در جنوب فرانسه است. همین «بناپارت» هم که بعدها امپراتور فرانسه شد، یک افسر است. البته، این مندرج در تاریخ نیست. من «دزیره» داستان معروف فرانسوی را که خواندم، دیدم این معنا در آن‌جا هست، وقتی که سربازان فرانسوی در جنگ پیروز شده بودند و بر می‌گشتند، در مارسی این سرود را می‌خواندند. این سرود، به عنوان سرود آزادیخواهی در سراسر دنیا، سرود ملی فرانسه شد و ظاهراً هنوز هم سرود ملی فرانسه «مارسیز» است. در تبریز، در سالهای ۱۳۳۷ ق یعنی سالهای قیام «شیخ محمّد خیابانی» این را «کسروی» می‌نویسد که در مرکز انجمن آن‌جایی که مرکز آنها بود؛ ظاهراً عمارت روزنامهٔ تجدّد جمع می‌شدند: «روزها سرود پخش می‌کردند؛ از جمله سرود مارسیز را.» یعنی در تبریز ما به عنوان نشانهٔ آزادیخواهی، آن سرود را پخش می‌کردند! حالا این سرود چیست؟ مثل همان

سرود خودمان، که بچه‌ها می‌خواندند: «ما مسلّح به الله اکبریم.» سرود «مارسیز» به دلیل برخوردار بودن از آهنگ و مضمون خوب، به سرود ملی فرانسه تبدیل شده است. این، مسألهٔ بسیار مهمّی است. این قدردانی از جنگ است، حقیقتاً اگر راستش را بخواهید، ما این قدردانی را نکرده‌ایم! ۷۲/۶/۲۹

۱ ماه ژوئیه سال ۲۰۰۹ م

شهادت بانوی محجبه
شهیده مروه الشربینی

## رهبرانقلاب

کسانی سعی‌شان این است که بزنند توی سر روح عزّت ملّی جوان ایرانی؛ مکرّر خلقیّات منفی را نسبت می‌دهند: از اروپایی‌ها یاد بگیرید، همدیگر را تحمّل می‌کنند، ما همدیگر را تحمّل نمی‌کنیم! واقع قضیّه این است؟ در خیابانهای کشورهای اروپایی یک نفری که اندکی حجابش را مراعات کرده، مورد تهاجم جوانها قرار می‌گیرد، جلوی چشم مردم می‌زنند زن محجّبه را مجروح می‌کنند یا می‌کشند، کسی جرئت نمی‌کند بگوید چرا! ۹۳/۱/۱

در کشوری از کشورهای اروپا، یک زنی را به جرم با حجاب بودن، جرأت می‌کنند چاقو می‌زنند و او را می‌کشند؛ آن هم در دادگاه و جلوی چشم قاضی! اینجوری است. خجالت نمی‌کشند؛ در دانشگاه، در ورزشگاه، در پارک، در خیابان، به حکم قانون - قانونی که جعل کرده‌اند - متعرّض زن محجبه می‌شوند. ۹۱/۱۲/۲۱

در اغتشاشات پاییز گذشته، دشمنان مسئلهٔ زن را بهانه کردند، هیاهو راه انداختند؛ پشت قضیّه هم دستگاه‌های جاسوسی دشمنها بودند، یعنی دولتهای غربی؛ آن

کشورهایی که خودشان در مسئلهٔ زن بشدّت متّهمند، در کشور اروپایی، زن مسلمان با حجاب را در دادگاه، جلوی چشم پلیس و جلوی چشم دادگاه کشتند! جلوی چشم اینها. زن را ضربه زده بودند، شکایت کرده بود به دادگاه، دادگاه تشکیل شد، در خود دادگاه، همان ضارب قبلی آمد زد و زن از دنیا رفت و شهید شد! این‌ها با زن این‌جوری رفتار می‌کنند. یک عدّه‌ای هم در داخل فریب خوردند به تبعِ دشمنِ خارجی و افرادِ خائنِ خارج‌نشین که آنها تحریک می‌کردند، شعار آزادی زن را دادند! ۱۴۰۲/۱/۱۵

۱۱ ماه ژوئیه سال ۱۹۰۵ میلادی

درگذشت منادی وحدت اسلامی
شارح‌نهج‌البلاغه، شیخ‌محمدعبده/۳

## رهبرانقلاب

نهج‌البلاغه کتاب همهٔ مسلمین است؛ لذا شما ملاحظه می‌کنید که از علمای شیعه و سنی مثل شیخ محمد عبده این کتاب را شرح کرده و از این کتاب تجلیل کرده است. نهج‌البلاغه متعلق به همهٔ مسلمین است! ۸۵/۱۰/۲۵

بنده، هم در دولت قبلی و هم در دولت فعلی، ماه رمضان رسم ما بر این بود که از نهج‌البلاغه جمله‌یی بخوانیم و آن را مختصر شرح دهیم؛ من چند جمله از جاهای مختلف نهج‌البلاغه در باب ایمان انتخاب کرده‌ام که عرض می‌کنم. البته در سرتاسر کتاب شریف نهج‌البلاغه دربارهٔ ایمان مطالب بیشتری هست؛ منتها چون نسخه‌یی که من همیشه دستم می‌گیرم، چهار جلدی است که در دو مجلد صحافی شده است و حدود ۴۰ سال است که از آن استفاده می‌کنم، لذا یکی از مجلدات را انتخاب کردم و آوردم. بنابراین مجلد دوم را که درواقع جلد سوم و چهارم می‌شود و با حواشیِ مرحوم عبده است با خود آورده و شرح می‌کنم! ۸۳/۸/۲۰

۱۱ ماه ژوئیه سال ۱۹۰۵ میلادی

درگذشت منادی وحدت اسلامی
وتقریب مذاهب، شیخ محمد عبده ۲/

## رهبرانقلاب

اختلاف بین طرفداران دو عقیده بر اثر تعصبات، یک امری طبیعی است اما این اختلافات وقتی به سطوح پایین مردم عامی می‌رسد، بجاهای خطرناکی می‌رسد و دست به گریبان می‌شوند. همیشه هم مؤمنین و علما و زبدگان، تلاششان این بوده است که نگذارند سطوح غیرعلمی کارشان به درگیری برسد؛ لیکن از یک دوره‌ای به این طرف، یک عامل دیگری هم وارد ماجرا شد و آن «استعمار» بود. نمی‌خواهیم بگوییم اختلاف شیعه و سنی همیشه مربوط به استعمار بوده؛ نه، احساسات و کج فهمی خودشان هم دخیل بوده لکن وقتی استعمار وارد شد، از این سلاح حداکثر استفاده را کرد. لذا شما می‌بینید برجستگان مبارزهٔ با استعمار و استکبار، روی مسئلهٔ وحدت امت اسلامی تکیهٔ مضاعف کرده‌اند. شما ببینید سیدجمال‌الدین اسدآبادی و شاگردش شیخ محمد عبده و از علمای شیعه مرحوم شرف‌الدین عاملی و امام راحل چه تلاشی کردند برای اینکه در مقابله با استعمار نگذارند این وسیله راحت در دست استعمار، به یک حربه علیه دنیای اسلام تبدیل شود! ۸۵/۱۰/۲۵

۱۴ ژوئیه سال ۱۷۸۹ میلادی

آغاز انقلاب پرعبرت فرانسه
درپی فتح قلعه سن باستیل
وفروپاشی سلطنت بروبن‌ها/۱

## رهبرانقلاب

انقلاب کبیر فرانسه یک حرکت مردمی بود و به پیروزی رسید؛ اما آن پیروزی محفوظ نماند. در سال ۱۷۸۹ انقلاب کبیر فرانسه اتفاق افتاده؛ در سال ۱۸۰۰ - یعنی یازده سال بعد - حکومت سلطنت بار دیگر در فرانسه به وجود آمده؛ یعنی ناپلئون سر کار آمد؛ کأن لم یکن شیئاً مذکورا! بعد هم ناپلئون مُرد و همان خاندانی که با انقلاب کبیر فرانسه رفته بودند، دوباره سر کار آمدند؛ یعنی بوربن‌ها. و سالها طول کشید، تا سال ۱۸۶۰، و سلسلهٔ سلاطین در فرانسه همین طور دست‌به‌دست شدند. پس انقلاب به وسیلهٔ مردم پیروز شد، اما مردم نتوانستند انقلاب را نگه دارند؛ این خیلی مطلب مهمی است. ما توانستیم انقلابمان را نگه داریم، به برکت ایمان، به برکت اسلام، به برکت دمیدن پیدرپی روح قرآن در کالبد این مردم و در دلهای این مردم. این است که می‌تواند بقاء حرکتها را و تداوم آنها را و پیروزی آنها را تضمین کند؛ این باید اتفاق بیفتد. ۹۲/۱۲/۱

۱۴ ژوئیه سال ۱۷۸۹ میلادی

آغاز انقلاب پرعبرت فرانسه
درپی فتح قلعه سن باستیل
وفروپاشی سلطنت بروبن‌ها/۲

## رهبرانقلاب

یکی از حرفهایی که امروز محور جنگ روانی دشمن است، اینستکه میگویند نسل سوم انقلاب از ایده‌های انقلاب جدا شده است! بعد به دنبالش یک فلسفه دروغین هم می‌گذارند تا کسی جرأت نکند بگوید این حرف غلط است. میگویند این حرف متّکی به یک فلسفه است! آن فلسفه چیست؟ آن فلسفه این است که همواره در همهٔ انقلابها، نسل سوم از آن انقلاب رو برگردانده‌اند! حرف دروغ، حرف غلط، حرف چرند! کدام انقلابها را میگویید؟ در سال ۱۷۸۹ در فرانسه انقلاب شده؛ اما نه نسل سوم، نه نسل دوم، بلکه همان نسل اوّل از انقلاب برگشتند! بعد از چهار، پنج سال، یک حرکت علیه انقلابیّونِ اول به وجود آوردند و سه، چهار سال قدرت را قبضه کردند؛ باز بعد از چهار، پنج سال علیه آنها فعّالیت شد. به سال ۱۸۰۲ که رسید، چنان ماهیّت این انقلاب دگرگون شده بود که کسی مثل ناپلئون توانست بیاید و تاج پادشاهی را روی سرش بگذارد! یعنی کشوری که علیه سلطنت مبارزه کرده بود و لویی شانزدهم را زیر گیوتین گذاشته بود، بعد از ده، دوازده سال وضعش

به گونه‌ای شد که ناپلئون بناپارت آمد و تاج شاهی را بر سرش گذاشت و خودش را امپراتور نامید و سالها هم در آن کشور حکومت کرد؛ بعد هم تا نزدیک به هشتاد، نود سال رژیمهای سلطنتی - البته سلطنتهای گوناگون و سلسله‌های مختلف - در فرانسه پابرجا بود، که دائماً در حال جنگ و ابتذال و فساد بودند! آن انقلاب به نسل سوم که هیچ، به نسل دوم هم نرسید؛ چون پایه‌های انقلاب، پایه‌های سستی بود. ۷۹/۱۲/۹

۱۴ ژوئیه سال ۱۷۸۹ میلادی

آغاز انقلاب پرعبرت فرانسه
درپی فتح قلعه سن باستیل
وفروپاشی سلطنت بروبن‌ها/۳

## رهبرانقلاب

من افسوس می‌خورم که چرا جوانهای ما با این ماجراهای انقلاب فرانسه آشنا نیستند، یک مقدار تقصیر آموزشهای صداوسیما است ولی کتابخوانی هم بینقص نیست، باید کتاب خوانده شود! ۷۷/۱۲/۱۵

بسیاری از کتابهایی که در مورد انقلاب کبیر فرانسه و جنگهای فرانسه و آلمان و دفاع مردم فرانسه نوشته شده مثل بعضی از کتابهای امیل زولا، مهم‌ترین آثار رمان مربوط به دوران حساس یک ملت است! ۸۴/۶/۳۱

در اوائل قرن نوزدهم ناپلئون سر کار آمد، اگر شما آثار ادبی اواسط قرن یعنی مثلاً ۱۸۴۰ را که زیاد هم هست؛ هم شعر، هم رمان، نگاه کنید، خواهید دید که آنها بعد از سی سال از پیروزی انقلابشان در چه وضعی بودند؛ یک استبداد مطلق، یک فساد مطلق، یک تبعیض طبقاتی بسیار وحشت‌انگیز وجود داشت با اینکه آنجا هم شعار عدالت بود و مساوات و شعار نفی استبداد بود ۸/۲/۱۴

۲۳ ژوئیه ۱۸۸۵/فوت سیمون گرانت

عامل کشتار سرخ پوستان آمریکا
هجدهمین رئیس جمهور آمریکا

## رهبرانقلاب

امریکایی‌ها اصولی مانند آزادی انسان، آزادی فکر، حقوق بشر را تبلیغ می‌کنند اما آیا همین حکومت آمریکا نبود که بومیان اصلی و سرخپوستان امریکا را قتل عام کرد؟ واقعیّتهای امریکا این است؛ حکومت امریکا این است! ۸۰/۱۲/۲۷

من توصیه می‌کنم که تاریخ بخوانید. تاریخ دورهٔ استعمار را بخوانید تا ببینید غربیها علی‌رغم ظاهر نونوارِ اتوکشیده ادکلن زده منظم و مرتب و داعیه‌های حقوق بشرشان، چه وحشیگری عظیمی در این مقوله کردند. ماجرای جنایتها و فاجعه‌هائی که به وسیلهٔ همان حاکمان و اطرافیان و ارتششان اتفاق افتاده، داستان غم‌انگیز طولانی عجیبی است، از حملهٔ به کشورهای همسایه، تعرض به شهروندان اصلی یعنی سرخپوستها، قلع و قمع قبائل سرخپوست. من تأسف می‌خورم که جوانهای ما این قضایا را نمی‌دانند! ۹۰/۵/۱۹

۲۸ ژوئیه سال ۱۹۱۴

آغاز جنگ جهانی اول
آغاز تجزیه کشورهای اسلامی
و آغاز تشکیل رژیم صهیونیستی

## رهبرانقلاب

جنگ اول و دوم جهانی میوه تلخ جدایی دین از سیاست است! ۸۳/۳/۱۴

من تاریخ اروپا را تا حدود زیادی ورق زده‌ام و نگاه کرده‌ام. حداقل در این صد سال، همین اروپاییها، دو جنگ جهانی پر از مفسده به وجود آوردند! ۷۶/۲/۱۰

شما اروپا را در چهره‌های بزک کردهٔ اتو کشیدهٔ کراوات بستهٔ ادکلن زده نبینید، حقیقت اروپا در جنگ جهانی اول و دوم است! ۷۳/۱۱/۳

آن‌روزی‌که فاتحان جنگ جهانی اول، منطقهٔ غرب آسیا، یعنی قلمرو آسیایی حکومت عثمانی را به عنوان مهمترین غنیمت جنگی، میان خود در کنفرانس پاریس تقسیم می‌کردند، نیاز به یک پایگاه امن در قلب این منطقه را برای تضمین سلطهٔ دائمی خود بیش از پیش احساس کردند. انگلیس از سالها پیش از آن، با طرح بالفور زمینه را آماده کرده و با همفکری زرسالاران یهودی بدعتی به نام صهیونیسم را مهیّای نقش‌آفرینی کرده

بود؛ و اکنون زمینه‌های عملی آن فراهم می‌شد. از همان سالها مقدّمات را بتدریج در کنار هم چیدند و سرانجام پس از دوّمین جنگ جهانی با استفاده از غفلت و گرفتاری دولتهای منطقه، ضربهٔ خود را وارد آوردند و رژیم جعلی و دولتِ بدون ملّتِ صهیونیست را اعلام کردند. آماج این ضربه در درجهٔ اوّل ملّت فلسطین و در درجهٔ بعد همهٔ ملّتهای این منطقه بودند. ۹۹/۳/۳

۲۸ ژوئیهٔ سال ۱۹۸۶ م

فوت آن ماری سلینکو
نویسنده رمان دزیره

## رهبرانقلاب

وقتی به اطراف قضیه جنگ تحمیلی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم واقعاً یک چیز فوق‌العاده است. ما قدردانی درستی نمی‌کنیم. من نگاه می‌کنم، می‌بینم «سرود مارسیزِ» معروف فرانسویها به گمانم یادگار جنگ فرانسه با ایتالیاست؛ چون مال «مارسی» در جنوب فرانسه است. همین «بناپارت» هم که بعدها امپراتور فرانسه شد، یک افسر است. البته، این مندرج در تاریخ نیست. من «دزیره» داستان معروف فرانسوی را که خواندم، دیدم این معنا در آن‌جا هست، وقتی که سربازان فرانسوی در جنگ پیروز شده بودند و بر می‌گشتند، در مارسی این سرود را می‌خواندند. این سرود، به عنوان سرود آزادیخواهی در سراسر دنیا، سرود ملی فرانسه شد و ظاهراً هنوز هم سرود ملی فرانسه «مارسیز» است. در تبریز، در سالهای ۱۳۳۷ ق یعنی سالهای قیام «شیخ محمّد خیابانی» این را «کسروی» می‌نویسد که در مرکز انجمن آن‌جایی که مرکز آنها بود؛ ظاهراً عمارت روزنامهٔ تجدّد جمع می‌شدند: «روزها سرود پخش می‌کردند؛ از جمله سرود مارسیز را.» یعنی در تبریز ما به عنوان نشانهٔ آزادیخواهی، آن سرود

را پخش می‌کردند! حالا این سرود چیست؟ مثل همان سرود خودمان، که بچه‌ها می‌خواندند: «ما مسلّح به الله اکبریم.» سرود «مارسیز» به دلیل برخوردار بودن از آهنگ و مضمون خوب، به سرود ملی فرانسه تبدیل شده است. این، مسألهٔ بسیار مهمّی است. این قدردانی از جنگ است، حقیقتاً اگر راستش را بخواهید، ما این قدردانی را نکرده‌ایم! ۷۲/۶/۲۹

۵ ماه اوت سال ۱۹۸۸ م

شهادت رهبرشیعیان پاکستان
حامی امام و انقلاب اسلامی
شهیدعلامه سیدعارف حسینی

## رهبرانقلاب

لعنت خدا بر آن دستهایی که به این ترتیب دارند بین مسلمین ایجاد شکاف و اختلاف می‌کنند. ما به همهٔ مسلمانان و متن ملّتها این توصیه را داریم، به ملّت برادرمان پاکستان هم این سفارش را مؤکّداً می‌کنیم: نگذارند بعضی از روحانی‌نماها و وعّاظ وابستهٔ به دربارها و استکبار جهانی، با طرح شعارهای تفرقه‌انگیز -که بعضاً مشاهده می‌شود- بین برادران اختلاف بیندازند. جامعهٔ تشیّع در پاکستان، جامعهٔ مظلوم و بسیار نجیبی است؛ آن‌ها در جهت تفرقه حرکت نمی‌کنند، رهبرانشان آنها را به برادری اسلامی توصیه می‌کنند. خداوند رحمت کند شهید بزرگوار مرحوم شهید سیّدعارف‌حسین را -که در طول مدّت مجاهدت و فداکاری‌اش همیشه مردم را دعوت می‌کرد به وحدت، به متّحد شدن در مقابل استکبار جهانی- و استکبار او را با ایادی مرموز و پنهانش به قتل رساند و به شهادت رساند. و ما قویّاً حمایت می‌کنیم از حرکتی که برای محاکمهٔ متّهمین به قتل آن شهید عزیز انجام می‌گیرد؛ و باید مسئله دنبال بشود، معلوم بشود.

این حقّ مردم پاکستان است که معلوم بشود چه دستهای مرموز و مزدوری این سیّد بزرگوار را به شهادت رساندند.

۶۸/۷/۱۹

۹ ماه اوت سال ۱۹۴۵ م

بمباران هسته‌ای ناکازاکی
۳ روز بعد بمباران هیروشیما

## رهبرانقلاب

آمریکا در ماه اوت ۱۹۴۵ با یک بمب در شهر هیروشیما، به طور فوری و آنی، صد هزار نفر را کشت؛ وقتی این بمب در هیروشیما فرود آمد، در همان ساعت اوّل صد هزار نفر کشته شدند؛ البتّه بعدها ده‌ها هزار نفر دیگر بمرور بر اثر مسمومیّتهای ناشی از امواج کذایی هسته‌ای کشته شدند یا معیوب ماندند. سه روز بعد در شهر ناکازاکی مجدداً یک بمب دیگر انداختند، پنجاه هزار نفر هم در آنجا کشته شدند. سؤال شد که خب اگر شما می‌خواستید جنگ را خاتمه بدهید -آخر میگویند ما می‌خواستیم جنگ را تمام کنیم، جنگ بین‌الملل را می‌خواستیم با این کار خاتمه بدهیم- بمب اوّل کافی بود، این بمب دوّم را چرا انداختید در ناکازاکی؟ جواب این است: بمب اوّل با اورانیوم ساخته شده بود، بمب دوّم با پلوتونیوم ساخته شده بود، می‌خواستیم امتحان کنیم! ببینید، برای آزمایش بمب، جان ۱۵۰ هزار نفر در وهلهٔ اوّل نابود می‌شود، از بین می‌رود؛ طبیعت ارتش استکباری، ارتش بی‌دین، ارتش بی‌خدا، ارتش فاقد اخلاق این است؛ تفاوت ارتش‌ها این‌ها است. البتّه این‌ها مثال‌های محدودی است که من می‌زنم؛

اگر کسی بخواهد راجع به جنایات ارتش‌های قدرت‌های استکباری حرف بزند و از این صد سالی که من گفتم فراتر برود -در ظرف دویست سیصد سال- چندین کتاب می‌شود نوشت و باید نوشت. ۹۸/۸/۸

۸ ماه اوت سال ۱۹۷۴ م

## استعفای ریچارد نیکسون
## درپی رسوایی واترگیت

### رهبرانقلاب

به ظاهرِ این رؤسای جمهور آمریکا نگاه نکنید، به هارت‌وهورت‌شان نگاه نکنید؛ آن‌ها صددرصد تسلیم سیاستهایی هستند که از طرف سرمایه‌دارهای بزرگ، کمپانی‌دارهای بزرگ، قارون‌های زمان ترسیم می‌شود، این‌ها در مقابل سیاستهای القاشده از طرف کارتل‌دارهای عظیم جهانی -که عدّه‌ای‌شان هم آمریکایی‌اند و عدّه‌ای‌شان هم صهیونیستند- از خودشان هیچ اراده‌ای ندارند؛ اگر آمد یک را بکند دو، سرش را زیر آب می‌کنند؛ که یک مواردی را شماها در همین عمر خود دیده‌اید؛ در همین مقداری که من و شما یادمان است، از رؤسای جمهور آمریکا یکی (کِنِدی) کشته شد، یکی (نیکسون) هم با یک افتضاحی کنار رفت. این‌ها عادّی نیست؛ همهٔ اینها دست آن کسانی است که دارند پشت پرده را اداره می‌کنند. ۶۸/۱۲/۵

توجه؛

در مبارزات انتخاباتی میان دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات آمریکا در سال ۱۹۷۲، افرادی شبانه به ستاد

انتخاباتی حزب دموکرات در «واترگیت» واشنگتن وارد شدند و با سرقت مدارک و پرونده‌ها و نصب میکروفون‌های مخفی، به استراق سمع و نوعی جاسوسی علیه آن حزب پرداختند. هیاهوی عجیبی که به دنبال این ماجرا برخاست، به توقیف و دستگیری گروهی منتهی شد که عمدهٔ آنها از ستاد انتخاباتی نیکسون - از حزب جمهوری‌خواه - بودند. بتدریج پای مقامات کاخ سفید و شخص نیکسون به میان کشیده شد و بسیاری از ناظران سیاسی تقاضای استیضاح او را کردند. در آخر روز ۸ اوت ۱۹۷۴ نیکسون اوّلین رئیس‌جمهور تاریخ آمریکا بود که مجبور به استعفا از مقام خود شد!

۸ اوت سال ۱۹۱۸ م

فوت میشل زواکو
رمان‌نویس فرانسوی

## رهبرانقلاب

از شیفتگیهای و لذاتهای من، مطالعه کتابهای داستان و رمانهای مشهور جهان و ایران است، من همه رمان ۱۰ جلدی (پاردایانها) که میشل زواکو نوشته را خوانده‌ام، همچنین رمانهای الکساندر دوما هم پدر و هم پسر را خوانده‌ام، خواندن این رمانها تأثیر محسوسی در ذهن و شیوه نگارش انسان دارد! خون دلی که لعل شد صفحه ۲۹.

من نمی‌خواهم به بچه‌ها خیلی کتاب و رمان معرفی کنم؛ حالا ممکن است اسم مؤلّفینش را بگویم. مثلاً یک نویسنده معروف فرانسوی هست به نام «میشل زواکو» که کتابهای زیادی دارد. من اغلب رمانهای او را در آن دوره خواندم. یا نویسنده معروف فرانسوی «ویکتور هوگو» من کتاب «بینوایان» او را اوّلین بار در همان دوره نوجوانی از کتابخانه آستان قدس گرفتم. البته همه آن را نخواندم؛ مقداریش را خواندم. یکی دو بار بعد از آن هم تمامش را خواندم. ۷۶/۱۱/۱۴

## رهبرانقلاب

بنده در طول تاریخ -تا آنجا که من مطالعه دارم- هیچ قطعه‌ای از زمین را که به اندازهٔ اروپا باشد، سراغ ندارم که به اندازهٔ اروپا، در آن، جنگ اتّفاق افتاده باشد؛ این خیلی چیز مهمّی است. خونخوارترین انسان‌های طول تاریخ در اروپا به‌وجود آمده؛ مثل نرون. نرون را آدم نگاه کند، شرح حال نرون را آدم بخواند، واقعاً باید برود دست چنگیز و هلاکو را ببوسد! یعنی تفاوت آدمی مثل نرون با آدمی مثل چنگیز و تیمور و هلاکو، زمین تا آسمان است! ۹۴/۴/۱۳

امیرالمؤمنین می‌فرماید: آن‌وقتی که پیغمبر مبعوث شد جهان بشریّت در تاریکی بود، مشحون و سرشار از غرور بود. فلسفه نبوت اینستکه بشریّت را از ظلمات خارج کند، وارد نور کند. خب، ظلمات آن دوره تا حدود زیادی در تاریخ منعکس است؛ چه در خود جزیره العرب و چه در دنیای متمدن آنروز، شما اگر نگاه کنید به دو نقطهٔ اساسی تمدّن بزرگِ آن روز، یعنی ایرانِ آن روز و روم، این تاریکی و ظلمت را در آنجا هم مشاهده می‌کنید. در این دو امپراتوری هم خرافات بود، ظلمات بود، تبعیض بود، بی‌عدالتی بود، بی‌رحمی نسبت به ضعفا بود. در ایران پادشاهی که به نام عدالت معروف است -همین انوشیروانی که معروف

به عادل است- در یک‌روز چندین هزار انسان را به قتل رساند به عنوان اینکه اینها مثلاً مزدکی هستند، دین دیگری دارند؛ چندهزار نفر را در یک‌روز از بین برد؛ این یک نمونه است. در امپراتوری روم، پادشاه -این نِرون معروف- مادرش را کشت، همسرش را کشت، شهر را آتش کشید، در یک‌چنین شرایطی خورشید اسلام طلوع کرد. ۹۶/۲/۵

۹ اوت قرارداد ۱۹۱۹

توسط وثوق الدوله

## رهبرانقلاب

خیلی‌ها از تاریخ بیخبرند، و تاریخ را سرسری نگاه می‌کنند. باید در تاریخ تعمق کرد و از آن درس گرفت. ما در این ۲۰۰ سال، یک دوران تاریک ذلت را از سر گذراندیم. در همین دوران بود که قرارداد ننگین ۱۹۱۹ میلادی اتفاق افتاد؛ که بر طبق این قرداد سیاست و اقتصاد کشور یکباره در اختیار دشمنان ایران قرار می‌گرفت. ۹۱/۳/۱۴

غربی‌ها آنجائی که توانستند، بنیان‌های فرهنگی و اعتقادی را از بین بردند. در مثل کشور ما که استعمارِ مستقیم وجود نداشت و به برکت مجاهدت یک عده از بزرگان، انگلیس‌ها نتوانستند به طور مستقیم وارد شوند، افرادی را عامل خودشان کردند. اگر قرارداد ۱۲۹۹، یعنی ۱۹۱۹ میلادی - که معروف به قرارداد وثوق‌الدوله است - در ایران با مقاومت امثال مرحوم مدرس و بعضی از آزادیخواهانِ دیگر مواجه نمی‌شد و این قرارداد عملیاتی می‌شد، استعمار ایران حتمی بود - مثل هند - مردانی نگذاشتند این اتفاق بیفتد! ۹۱/۷/۲۳

از چیزهایی که در برخورد استعماری با ملتها خیلی اهمیت دارد اینستکه قدرت‌های استعمارگر سعیشان در ایجاد

حس حقارت در ملتهایی است که می‌خواهند بر آنها تسلط پیدا کنند و این کار متأسّفانه در ایران از اواخر دوره قاجار شروع شد؛ هم استبداد داخلی سلاطین آخری قاجار، هم سیاستهای مداخله‌گر بسیار خطرناک که عمدتاً سیاست انگلیس به این معنا دامن زدند. مثل قرارداد استعماری ۱۹۱۹ وثوق الدوله است، یعنی این حالت تحقیر و هیچکاره را در کشور تحقق بخشیدند، و همین زمینه شد برای روی کار آمدن رضاخان و بعد محمدرضا که این یک حادثه فاجعه‌بار در کشور ما بود! ۹۹/۲/۲۸

۱۰ ماه اوت سال ۱۹۲۰ میلادی

تجزیه پرعبرت امپراتوری عثمانی
درپی شکست در جنگ جهانی اول

## رهبرانقلاب

نظام اسلامی در سرتاسر دنیای اسلام و هرجا که مسلمانی وجود داشت، هویّت اسلامی و احساس شخصیت را هم در افراد و هم در ملتها زنده کرد. اقلیت‌های مسلمان که در دنیا متفرّق بودند، احساس شخصیّت کردند. ملت‌های مسلمان، بخصوص در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا - یعنی در واقع اجزای امپراتوری متلاشی شده قدیمی عثمانی که سالهای سال رنج استعمار را تحمّل کرده بودند - احساس کردند مجدّداً نسیمی وزیده است. البته ما امپراتوری عثمانی را اصلاً تأیید نمی‌کنیم؛ یک حکومت سلطنتی بود مثل بقیه حکومتهای سلطنتی، با همان مشکلات و گرفتاریها؛ اما اروپاییها - فاتحان جنگ بین‌الملل اوّل - وقتی این حکومت بزرگ را که از منطقه بالکان تا تمام آسیای صغیر و خاورمیانه و شمال آفریقا گسترش داشت - از بوسنی و هرزگوین تا مصر و ترکیه کنونی و عراق و سوریه و فلسطین - متلاشی نمودند، به این اکتفا نکردند که حکومت را زایل کنند؛ از ملتها انتقام کشیدند و آنها را تحقیر کردند! قطعه قطعه بخشهای این حکومت به دست یکی از دولتهای اروپایی افتاد و همان

داستان غمبار استعمار تکرار شد؛ داستانی که هرگز از یاد این ملتها نخواهد رفت و از تاریخ آنها زایل نخواهد شد. در یک کشور، بیگانه‌ای بیاید حکومت کند و تمام امکانات آن کشور در خدمت شخص و نظام بیگانه باشد و مردم آن کشور مجبور باشند از بیگانه‌ای که بر آنها حکومت می‌کند، اطاعت کنند و جرأت نکنند اندکی برخلاف مصالح او حرف بزنند یا حرکت کنند. واقعیت استعمار این بود.

۸۰/۸/۱۲

۱۱ ماه اوت سال ۱۹۱۵

آغاز جنگ بین مسیحیان
باتاسیس مذهب پروتستان
توسط عامل یهود، مارتین لوتر

## رهبرانقلاب

در تاریخ تحریف صورت گرفته، یا به تعبیر درست‌تر باید گفت که از تاریخ سوء استفاده شده است. آمدند بخشی از واقعیتهای تاریخ را حذف کردند و نگذاشتند به گوش کسی برسد؛ بخشی را رنگ و لعاب دادند و یک خرده پُررنگ کردند؛ بخشی را اصلاً خلق کردند که وجود نداشته است؛ که شما نمونه‌هایش را در تاریخ اسلام خودمان سراغ دارید و موارد زیادی را میدانید؛ در تاریخ جهان هم هست، در تاریخ امروز هم هست. مثلاً وقتی در باب تعصبات مذهبی صحبت می‌شود، چند درصد از مردم ایران، بلکه چند درصد از مردم خود اروپا خبر دارند که یک روز بر اساس تعصبات مذهبی، کشتار خونین سن بارتلمی در شهر پاریس انجام گرفت و هزاران نفر را در یک شب کشتند؟ این یک حادثهٔ مذهبی است؛ یعنی جنگ بین پروتستانها و کاتولیکها بوده است. در آن زمان حکام فرانسه کاتولیک بودند؛ اما شازده‌یی از خودشان که از سلسله والوا بود، پروتستان شده بود. ملکهٔ فرانسه کاترین دومدیسی با صدر اعظمش که یک کشیش بود و کاردینال ریشلیو

نام داشت، یک شب تا صبح هزاران نفر را در شهر پاریس کشتند؛ فقط برای تعصب مذهبی! الان چند درصد از مردم فرانسه از این قضیه خبر دارند؟ این قطعه اصلاً از تاریخ حذف شده است؛ نمی‌گذارند در دنیا منعکس بشود. از مردم ما چه‌قدر خبر دارند؟ امروز شما ببینید اروپا چه قدر کسانی یا کشورهایی - از جمله جمهوری اسلامی - را به داشتن تعصب مذهبی شماتت می‌کند؛ اما این حادثه را از تاریخ حذف کرده‌اند! ۷۰/۱۱/۸

۱۱ ماه اوت سال ۱۹۸۸ میلادی

تأسیس گروه تروریستی القاعده
توسط دولتهای غربی-عبری-عربی

## رهبرانقلاب

قدرت‌های غربی و عوامل منطقه‌ای آنها اعتراف می‌کنند که این جریانها جریان القاعده و داعش و ... را اینها به راه انداخته‌اند؛ اگر هم اعتراف نکنند ما شواهد داریم، ما میدانیم. من فراموش نمی‌کنم، مرحوم شیخ سعید شعبان - حالا آوردن اسمش دیگر اشکالی ندارد - عالم معروف اهل‌سنت، در مشهد - آن‌وقتی بود که ما در دوران جنگ بودیم - به من گفت که من اطلاع دارم که دارند تلاش می‌کنند برای اینکه شما را از طرف شرق کشورتان، مشغول کنند و درگیر کنند؛ من گفتم خب شرق ما افغانستان است؛ گفت بله از طرف افغانستان. این قبل از آن بود که این جریان طالبان و القاعده و این حرفها در افغانستان راه بیفتد؛ ایشان خب ارتباط داشت با محافل گوناگون سیاسی و روحانی اهل‌سنت، در جاهای حساسی حضور داشت، شخص بسیار محترمی بود، مطلع شده بود، گفت من وظیفهٔ خودم دانستم که این را به شما بگویم. بعد از اندکی هم همین حوادث اتفاق افتاد و دیدیم که همین‌جور بود که گفت. بنابراین شبهه‌ای وجود ندارد که راه انداختن این جریانها و ساختن این جریانها، به‌دست همین قدرتهای غربی و عوامل منطقه‌ای آنها است. ۹۳/۶/۱۳

۱۴ ماه اوت سال ۲۰۰۶ میلادی

## پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روز

### رهبرانقلاب

حزب‌الله مایهٔ افتخار دنیای اسلام است. جوانهای حزب‌الله و گروه حزب‌الله در لبنان مایهٔ افتخار دنیای اسلامند. این‌ها کاری کردند که ارتشهای سه کشور عربی در دو سه جنگ نتوانستند انجام بدهند؛ این‌ها اسرائیل را شکست دادند. قبل از شکستی که اینها به اسرائیل وارد کنند، حدّاقل در دو جنگ -در جنگ اوّل همهٔ کشورها شریک نبودند امّا در دو جنگ، مصر و اردن و سوریه ارتشهایشان را آوردند در مقابل اسرائیل و شکست خوردند- ارتش‌های سه کشور، آن هم کشوری مثل مصر که ارتش قوی‌ای هم داشت یا مثل سوریه که ارتش قوی‌ای داشت، و کشور اردن، در مقابل رژیم صهیونیستی صف‌آرایی کردند و در جنگ نظامی شکست خوردند. همین رژیم صهیونیستی را بعد از آنکه قوی‌تر هم شده بود، حزب‌الله در ظرف ۳۳ روز شکست داد. این چیز کوچکی است؟ این چیز کمی است؟! ۹۵/۲/۱

## رهبرانقلاب

مساله استعمار هند یک نمونه از توحش و استکبار غرب است، اگر کتاب نهضت آزادی هند را که حدود ۳۵ سال پیش بنده آن را ترجمه کردم ببینید، نشان می‌دهد که در شبه قارهٔ هند چه شده است! ۸۴/۲/۱۹

سال ۱۸۵۷ م، سال پیروزی کامل انگلیسیها در هندوستان بود و بعد از آنکه هند را رسماً ملحق به خود کردند و کشور خودشان را امپراتوری بریتانیا و هند نامیدند، دیگر مسأله مستعمره بودن هند نبود، بلکه یک استانی از استانهای انگلیس بود، لذا به فکر آینده خودشان افتادند تا زمینه هرگونه شورش و اعاده عظمت ملی یا دینی در هند را از بین ببرند. راهش هم اینبودکه مسلمانان راکلاً قلع و قمع کنند زیرا می‌دانستند در هند، کسانی که با آنها مبارزه می‌کنند، مسلمان‌ها هستند و این را آزموده بودند. مسلمان‌ها از اول قرن ۱۹ م و بلکه قبل از آن با انگلیسیها در هند جنگیدند. در آخر قرن ۱۸، تیپوسلطان توسط انگلیسها شهید شد؛ لکن توده‌ها و علما و طوائف مسلمان از اول قرن ۱۹ با انگلیس‌ها و دست نشانده‌هایشان -که آن روز سیک‌ها بودند- جنگیدند و گفته بودند: «دشمن ما در هند سیک‌ها نیستند، مسلمان‌ها هستند و باید آن‌ها را

قلع و قمع کنیم» لذا از همان سال پیروزی انگلیسها، یعنی سال ۱۸۵۷، یک برنامه بسیار ظالمانه‌ای برای سرکوب مطلق مسلمین هند آغاز شد و همه‌جا هم نوشتند، کسانیکه طالب اطلاعات بیشتر هستند، می‌توانند به کتاب‌های بسیاری که در این زمینه نوشته شده است، مراجعه کنند! ۶۴/۱۲/۱۹

## رهبرانقلاب

در قرن ۱۹ انگلیسی‌ها در هند فجایعی آفریدند که من یقین دارم شما جوانها که کمتر به تاریخ اهمیت می‌دهید یک‌هزارمِ آن را نخوانده‌اید! ۸۴/۷/۱۴

شما به تاریخ مراجعه کنید، مطالعه کنید؛ واقعاً در یکی دو کلمه نمی‌شود گفت که اینها با هند چه کردند؛ انگلیسی‌ها ثروت هند را و ثروت آن منطقه را که منطقهٔ بسیار پرثروتی بود مثل یک انار آب‌لمبوئی فشردند و همه رفت توی خزانهٔ دولت انگلیس و کشور انگیس تبدیل شد به یک ثروتمند! ۸۸/۲/۲۷

من ۳۰ سال پیش از این درباب مسائل شبه قارّه هند مطالعه می‌کردم و می‌نوشتم، متوجّه شدم در میان گروههای استقلال طلب هندوستان که علیه انگلیسیها مبارزه می‌کردند - و میان آنها، هم مسلمان بود هم هندو و هم سیک - انگلیسی‌ها نسبت به مسلمانان حسّاسیت خاصی داشتند! آن‌ها با هندوها و سیکها کنار می‌آمدند، ولی با مسلمانان آبشان به یک جوی نمی‌رفت! لذا در وهله اوّل به سراغ مسلمانان می‌رفتند تا آنها را سرکوب کنند. یک لُرد انگلیسی در همان روزگار گفته بود: «ما وقتی به

تجربه‌های زمان خود می‌نگریم، احساس می‌کنیم اسلام با ما ذاتاً دشمن است!» انگلیسی‌ها آن روز به این نتیجه رسیده بودند وبراین اساس عمل می‌کردند. در ایران نیز همین کار را کردند. امروز هم استکبار امریکا و ایادی آن، عین همان تجربه را عمل می‌کنند و پیش می‌روند. ۷۱/۱/۱۵

## ۱۵ ماه اوت سال ۱۹۴۷ میلادی

### استقلال هند از استعمار انگلیس/۳

**رهبر انقلاب:**

این کتاب جواهر لعل نهرو که آدمی مطلع و امین است و نام کتابش نگاهی به تاریخ جهان اس را بخوانید؛ چرا که دخالت و نفوذ انگلیسها در هند را تشریح می‌کند! ۹۲/۶/۲۶

بروید نگاهی به تاریخ جهان را بخوانید -نوشتهٔ نِهرو است تا ببینید توسط استعمار انگلیس بر هند چه گذشته است! ۹۴/۸/۲۰

در قرن ۱۹ انگلیسی‌ها در هند فجایعی آفریدند که من یقین دارم شما جوانها که کمتر به تاریخ و به این چیزها اهمیت می‌دهید یکهزارمِ آنچه را که اتفاق افتاده، «نهرو» در کتابِ تاریخ خودش اینها را نوشته، بخوانید! ۸۹/۷/۱۴

نگاه کنید به نوشتهٔ نهرو در «نگاهی به تاریخ جهان»؛ او تشریح می‌کند پیشرفتهای علمی و فنی موجود در هند را پیش از ورود انگلیسها. بنده تا قبل از اینکه این مطلب را از نگاه آدم مطلعی مثل نهرو - که آن روز این را نوشته بود - بخوانم، از چنین مسئله‌ای مطلع نبودم! ۹۲/۵/۱۵

آتش‌کشیدن مسجدالاقصی توسط
دنیس مایکل روهان صهیونیستی/۱

## رهبرانقلاب

فراموش نکنیم که «روز مسجد» اساساً یک روز انقلابی است؛ یعنی تعیین این روز که به خواست جمهوری اسلامی بود و در سازمان کنفرانس اسلامی به‌عنوان «روز مسجد» تصویب شد، بمناسبت آتش زدن مسجدالاقصی است؛ بمناسبت مقابله با دشمن صهیونیست است؛ اساس این روز یک چنین اساسی است؛ با این نگاه به روز مسجد نگاه کنید و حرکت را در این مسیر قرار بدهید. لذا مسجد اهمّیّت دارد، پایگاه است، نه فقط پایگاه برای مسئال اجتماعی، بلکه برای همه کارهای نیک باشد؛ پایگاه خودسازی، انسان‌سازی، تعمیر دل و تعمیر دنیا و مقابلهٔ با دشمن و زمینه‌سازی برای ایجاد تمدّن اسلامی و بصیرت افزاییِ افراد؛ مسجد یک چنین جایگاهی است. بنابراین مسجد هستهٔ مقاومت است، مقاومت فرهنگی، مقاومت سیاسی، مقاومت امنیّتی و نظامی؛ کمااینکه در مساجد اینگونه بوده و باید باشد! ۹۵/۵/۳۱

۲۱ اوت ۱۹۶۹ م/روزجهانی مسجد

آتش‌کشیدن مسجدالاقصی توسط
دنیس مایکل روهان صهیونیستی/۲

## امام خمینی

مساجد را نگه دارید، مساجد بود که انقلاب را پیروز کرد. خیال نکنید که حالا دیگر ما پیروز شدیم دیگر مسجد می‌خواهیم چه کنیم. پیروزی ما برای ادارهٔ مسجد است. مساجد را خالی نگذارید. این یک توطئه است که می‌خواهند مسجدها را خالی کنند. من امروز باید بگویم که تکلیف است برای مسلمین که حفظ مساجد امروز جزء اموری است که اسلام به او بسته است، اگر این مسجد و مرکز اسلام، قوی باشد ترس از آمریکا و فانتومها نداشته باشید. از آن روز باید ترسید که شما پشت بکنید به اسلام و مساجد! ۵۹/۴/۲۰

## رهبرانقلاب

مسجد، نه فقط در زمان ما و نه فقط در کشور عزیز اسلامی ما، بلکه در نقاط مختلف عالم و در طول تاریخ، منشأ حرکتهای اسلامی بزرگی شده است. مثلاً قیام مردم مسلمان کشورهای شمال آفریقا مثل الجزایر که سالها در زیر سلطه نظامی استعمار فرانسویها بودند، از مساجد شروع شد و به پیروزی رسید و کشورها استقلال پیدا

کردند اما انقلاب در این کشورها هم، آن روزی شکست خورد و دوباره استقلالشان را از دست دادند که رابطه خود را با مساجد و با دین و ایمان مساجد قطع کردند! ۷۵/۱۰/۱۹

۲۱ اوت ۱۹۶۹ م/روزجهانی مسجد

آتش‌کشیدن مسجدالاقصی توسط
دنیس مایکل روهان صهیونیستی
جایگاه‌مسجددرکلام رهبرانقلاب/۳

## رهبرانقلاب

یکی از علل پیروزی این انقلاب مبارک در ایران اسلامی این بود که مردم و خصوصاً جوانان مساجد را پر کردند و علمای اعلام، مساجد را به عنوان مرکزی برای تعلیم، تربیت، روشنگری افکار و اذهان، مورد استفاده قرار دادند و مسجد، مرکزی برای حرکت، آگاهی، نهضت و افشای اسرار زمامداران فاسد و خودفروخته رژیم طاغوت شد. در دوره مشروطیت و دوره ملی شدن صنعت نفت هم اینطور بود و در زمان انقلاب هم که این مسأله، به حداعلی رسید. ملت ایران باید مساجد را مغتنم بشمارد و پایگاه معرفت و روشن بینی و روشنگری و استقامت ملی به حساب آورند. اگر کسی خیال کند که در مسجد، فقط چند رکعت نماز می‌خوانند و بیرون می‌آیند و این چه تأثیری دارد، خطاست. اینطور نیست. اگر همان چند رکعت نماز هم با چشم بصیرت نگاه شود، مایه برکات زیادی می‌شود. نماز یک ملت را به قیامِ لله وادار می‌کند. نماز انسانها را از فساد دور و به خلوص و فداکاری نزدیک می‌کند. مسجد فقط برای نماز نیست؛ در مسجد انواع عبادات هست. از جمله

آن عبادات، تفکر است، مسجد، هم محل دانش است و هم مرکز تصفیه و اتّصال بنده به خدا! ۷۵/۱۰/۱۹

۲۱ اوت ۱۹۶۹ م/روز جهانی مسجد

آتش‌کشیدن مسجدالاقصی توسط
دنیس مایکل روهان صهیونیستی
جایگاه مسجد در کلام رهبرانقلاب/۴

## رهبرانقلاب

انقلاب از مساجد شروع شد؛ امروز هم در هنگامی که حرکت و بسیج مردم مطرح می‌شود چه سیاسی و چه نظامی باز مساجد کانونند؛ این برکت مساجد است؛ لیکن مساجد که فقط در و دیوار نیست. این سؤال واجبی است که ما باید از خودمان بکنیم، و اگر نکنیم، دیگران از ما روحانیت سؤال می‌کنند که شما برای تحول بخشیدن و پیشرفت دادن به مساجد چه کارهایی می‌خواهید بکنید و چه برنامه‌هایی در پیش دارید. در دوره‌های پیش از انقلاب، عالمی به مسجد می‌رفت، نمازی می‌خواند و مسأله‌یی می‌گفت؛ در ایام مخصوص هم یک منبری دعوت می‌شد و سخنرانی می‌کرد. اگر امروز که روز حاکمیت اسلام و ارزشهای اسلامی است مساجد به همان شکل، بلکه در مواردی با افت کیفی و کمی اداره بشود، آیا این مقتضای حق و مصلحت است؟ آیا این پیشرفت است؟!

۷۰/۱۲/۱۴

۲۱ اوت ۱۹۶۹ م/روزجهانی مسجد

آتش‌کشیدن مسجدالاقصی توسط
دنیس مایکل روهان صهیونیستی
مسجدوامام جماعت درکلام رهبری/۵

## رهبرانقلاب

قدر مساجد را بدانیم؛ مبادا مسجد مورد بی‌اعتنایی قرار بگیرد. من با روحانیونی که در یک اداره‌ای مشغول کار می‌شوند، در حالی که پیشنماز فلان مسجد هم هستند، مخالفم؛ چون یک روز در هفته، دو روز در هفته، سه روز در هفته برای اقامهٔ نماز جماعت به مسجد نمی‌روند. میگوییم چرا؟ می‌گوید گرفتار شدم؛ سرم شلوغ بود. یا می‌رود نماز، ولی دیر می‌رود؛ مردم در صف جماعت منتظر نشسته‌اند؛ حالا آقا بعد از مدتی دوان دوان می‌آید؛ گاهی یک کیف سامسونت هم دستش است! من با این روش موافق نیستم. پیشنماز مسجد، باید مسجد را خانهٔ خود، جایگاه خود و ادارهٔ خود بداند؛ وقتی وارد مسجد شد، «کالسّمک فی الماء» باید باشد؛ احساس کند که اینجا جای اوست و عجله‌ای برای بیرون رفتن از مسجد نداشته باشد؛ این درست است. جلسات مذهبی هم همین طور است. البته در درجهٔ اول مسجد، بعد هم در درجهٔ بعد، جلسات مذهبی و عُرفیات فراوانی که ما در این زمینه بحمدالله داریم. این اولین وظیفه ماست و این را باید قدر بدانیم! ۸۵/۸/۱۷

۲۲ ماه اوت سال ۱۹۵۸ میلادی

درگذشت روژه مارتین دوگارد
نویسنده رمان خانواده تیبو/۱

## رهبرانقلاب

در سال ۱۳۶۹ یک رمان فرانسوی به نام «خانوادهٔ تیبو» منتشر شد، که نویسندهٔ معروف فرانسوی - رژه مارتن دوگار آن را نوشته است. این رمان ۴ جلدی که بیش از ۲۰۰۰ صفحه است، در ظرف مدت کوتاهی ۲ بار چاپ شد - که من چاپ دومش را دارم - لابد جاذبه داشته است که ۲ بار چاپ می‌شود. ما باید برای کتاب مثلاً صدوبیست صفحه‌ای کلی تلاش بکنیم، تا یک مشتری پیدا بشود! این چهار جلد کتاب، البته با همان گرایشهای اومانیستی قرن نوزدهمی و اوایل قرن بیستمی است؛ با یک قضاوتهای خیلی قاطع و مطلق و تعصب‌آمیز ضد مذهبی و البته ضد جنگ. گرایش عمده‌اش، ضد جنگ بین‌الملل اول است. چه کسی این کتاب را ترجمه کرده است؟ همین آقای ابوالحسن نجفی که در تشکیلات ادبیات مربوط به انقلاب و فلان وزارت حضور دارد. البته خیلی هم قشنگ و خوب ترجمه کرده!
۷۰/۷/۲۸

روژه مارتین دوگارد

## ۲۲ ماه اوت سال ۱۹۵۸ میلادی

درگذشت روژه مارتین دوگارد
نویسنده رمان خانواده تیبو/۲

### رهبرانقلاب

سال‌ها قبل آقای ابوالحسن نجفی با آقای مرحوم حبیبی و چند نفر دیگر از بزرگان ادبیات آمدند پیش ما. من از آقای نجفی پرسیدم «شما مترجم رمان «خانواده تیبو» هستید؟» آقای نجفی از اینکه من اسم این رمان را بلدم تعجب کردند. بعد که نشستیم من از رمان تعریف کردم و نقدی هم به ترجمه ایشان گفتم. آقای نجفی با تعجب بیشتر پرسید: «شما واقعاً هر چهار جلد را خوانده‌اید؟ من اصلاً فکرش را نمی‌کردم شما حتی اسمش را شنیده باشید!»، خدا آقای ابوالحسن نجفی را بیامرزد. کتاب خانوادۀ تیبو رمان خیلی خوبی بود که متاسفانه در حد قدرش معروف نشد! ۹۷/۲/۲۱

ابوالحسن نجفی مترجم رمان خانواده تیبو

۲۲ ماه اوت سال ۱۹۵۸ میلادی

درگذشت روژه مارتین دوگارد
نویسنده رمان خانواده تیبو/۳

## رهبرانقلاب

من چند سال قبل، از یک نویسنده قوی فرانسوی رمانی خواندم به نام «خانواده تیبو» این رمان خیلی قوی است! ۸۴/۲/۱۹

من یک کتابی را از روژه مارتین دوگار نویسنده فرانسوی که رمانی نوشته بنام خانواده یتیبو خوانده‌ام. به فارسی هم ترجمه شده و من چون با این نوشته‌های هنری از قدیم آشنا بوده‌ام، گاهی اوقات این چیزها را می‌بینم و نکات مهمی در اینها پیدا می‌کنم! ۷۰/۷/۲۴

من به آقای نجفی مترجم این رمان هم گفتم جلد سوم و چهارم کتاب «خانوادۀ تیبو» ارزش تاریخی خیلی قیمتی دارد. این دو جلد، تمام اوضاع و احوال جنگ بین‌الملل اول و مقدمات آن را نشان می‌دهد، من این کتاب را خیلی دوست می‌دارم؛ چون زبان خوب و اطلاعات زیادی دارد. دوست می‌دارم توصیه کنم که جوانان هم این رمان را بخوانند! ۷۰/۹/۱۸

۲۸ ماه اوت سال ۱۴۸۸ میلادی

## کشف منطقه دماغه امید نیک
## توسط بارتو لومئو دیاس پرتغالی

### رهبرانقلاب

یکی از حساسترین مناطق عالم، همین منطقهٔ استراتژیک کشور آفریقای جنوبی است که سر دماغهٔ «امیدنیک» در منتهی‌الیه جنوب آفریقا واقع شده است؛ محلی که امروز از لحاظ سوق‌الجیشی و در دوره‌های گذشته از لحاظ سیاسی و اقتصادی، اهمیت بسیار زیادی داشته است. مدت‌ها قبل یک عده سفیدپوست به آن‌جا رفتند و حاکم شدند؛ از جهالت مردم بومی سوء استفاده کردند و حکومت و ادارهٔ آن کشور را به دست گرفتند؛ معادن قیمتی الماس و طلا و بقیهٔ چیزها را مالک شدند و سیاه‌پوستان را در شرایط حیوانی نگهداشتند. درعین‌حال، امریکا و انگلیس و بسیاری از کشورهای غربی مدعی حقوق بشر، هیچ حرکت جدی علیه آفریقای جنوبی نکردند! من نمونه‌یی از کیفیت حکومت آفریقای جنوبی را در کشور دیگری که در همسایگی این کشور است، از نزدیک دیده‌ام. البته آن کشور توانسته به استقلال دست پیدا کند و سفیدپوستان طرفدار تبعیض نژادی را بیرون کند. من دیدم که سفیدپوستان در دوران حاکمیت، با مردم بومی و مالک آن سرزمین، به جرم سیاه‌پوست بودن، چگونه رفتار می‌کردند؛ به آنها چه‌قدر اهانت و تحقیر و فشار و شکنجه تحمیل می‌شد. ۶۹/۱/۲

۲۹ ماه اوت سال ۱۹۶۶ میلادی

اعدام نظریه‌پرداز اسلامی مصری
متفکر مجاهد، سید ابراهیم قطب
مؤلف «مشاهد القیامة فی القرآن» ۱/

## رهبرانقلاب

اعتقاد به قیامت، از اعتقاد به خداوند قابل انفکاک نیست و اصل مسألۀ قیامت و مسألۀ آخرت این است که برهان عقلی و برهان نقلی هم دارد. اما برای جزئیات و تفاصیلش ما از عقل دلیلی نداریم، و لذا بایستی نقل به ما بفهماند چه جزئیاتی در آخرت وجود خواهد داشت و قیامت چگونه است؟ این‌ها را قرآن برای ما تصویر می‌کند که حساب انسان چگونه انجام می‌گیرد؟ و اگر قرآن نگوید، عقل ما راهی برای شناخت اینها ندارد، که بهشت چه جور جائی است؟ جهنم چگونه جائی است؟ انسان‌ها در قیامت چه وضعیتی دارند؟ انسان‌ها در قیامت چه می‌کنند؟ آن‌ها را عقل نمی‌تواند بفهمد اما صحنه‌های زندۀ آنها را قرآن بیان کرده یکی از نویسندگان معروف مصری (سید قطب) در همین زمینه‌ها دو کتاب نوشته که یکی مشاهد القیامه است، یعنی منظره‌های قیامت. و او می‌گوید: قرآن اینجا از بیان عادی فراتر رفته و صحنه‌نگاری می‌کند، واقعیت هم همین‌طور است! ان‌شاءالله با قرآن که یک قدری انس بگیرد، آیات قیامت خیلی آیات عجیبی است! وقتی

انسان‌ها آن‌ها را باتدبر می‌خواند کانّه دارد صحنهٔ قیامت را در مقابل چشم خودش از نزدیک مشاهده می‌کند و از طریق نقل می‌شود به این جزئیات رسید. ۷۰/۸/۱

۲۹ ماه اوت سال ۱۹۶۶ میلادی

اعدام نظریه‌پرداز اسلامی مصری
متفکرمجاهد، سید ابراهیم قطب
مؤلف کتاب المستقبل لهذا الدین
ترجمه شده توسط استادخامنه‌ای
با عنوان «آینده، در قلمرو اسلام» ۲/

## رهبرانقلاب

کتاب حاضر با همه کوچکی حجم، قدمی‌بزرگ و مؤثر در راه انجام این رسالت است. مؤلف عالی‌قدر و بزرگوار کوشیده است در ضمن فصول این کتاب که به وضعی ابتکاری منظم شده‌اند، ابتدا ماهیت دین را آن چنانکه هست معرفی کند و پس از بیان اینکه دین برنام زندگی است و شعائر و مظاهر دینی آن‌گاه ضروری و سودبخش است که نمایند واقعیات و نشان‌دهند حقایق باشد، با زبانی شیوا و جهان‌بینی خاص خود اثبات کند که سرانجام حکومت جهان در اختیار مکتب ما و «آینده، در قلمرو اسلام» خواهد بود. وی پس از بررسی اجمالی مبانی کمونیزم، مکتبی که بیش از نیم قرن است در هر گوشهٔ جهان جمعی را به خود متوجه ساخته و بیش از یک سوم نیروهای انسانی در اختیار گرفته و برای ملت‌های عقب افتاده و محروم، همچون امیدی رؤیایی، لذتبخش و شیرین است؛ و پس از تحلیل یکی دو نمونه از برنامه‌هایی که دانشمندان غیر کمونیست برای نجات بشر از وضع نابسامان کنونی

پیشنهاد می‌کنند، با دقتی درخور تحسین و با سنجشی عمیق و محققانه ثابت کرده است که این برنامهٔ کامل و وسیع خود زندگی انسانها را . با حفظ مزایای انسانیت . اداره کند اسلام است. کتاب‌های دیگر این نویسند متفکر و مجاهد نیز هر کدام قدمی است در راه تدوین مکتب و حربه‌ای است در برابر آنهایی که اسلام را غیر منطقی و غیر اصولی و بی‌خاصیت و بی‌تأثیر می‌پسندند. فروردین ۱۳۴۵

۲۹ ماه اوت سال ۱۹۶۶ میلادی

اعدام نظریه‌پرداز اسلامی مصری
متفکر مجاهد، سید ابراهیم قطب
نویسنده الاسلام‌ومشکلات‌الحضاره
ترجمه شده توسط استادخامنه‌ای
باعنوان ادعانامه‌ای‌علیه‌تمدن‌غرب/۳

## مقدمه مهم و پرمغز استاد خامنه‌ای برکتاب ادعانامه‌ای علیه تمدن غرب؛

تمدن صنعتی غرب بدین شکل کنونی اگرچه ساخته دست انسان است، در خورد انسان نیست، فرزندی است که از خون مادر تغذیه می‌کند و در مسیر خود به سوی رشد و کمال، قدم بر بناگوش و سینه آفریننده خویش می‌کوبد و افزایش خود را با کاستی او تأمین می‌کند؛ تاکنون چنین بوده و چنین رفته است. آری، آنچه این واقعیت را - واقعیت تمدن صنعتی غرب را - تحمل ناپذیر ساخته، واقعیت دیگری است و آن ناسازگاری این تمدن است با «انسان». تمدن بشری که باید برای انسان و در راه ترقی و کمال او به کار افتد، پیوسته در اضمحلال انسان کوشیده و از «سرور موجودات زمین» برده‌ای فرمانبردار و یا - به قول نویسنده دانشمند این کتاب (سیدقطب) - تمدن صنعتی غرب از انسان یک چهارپا ساخته است و این است سند محکومیت این تمدن؛ ادعانامهٔ هوشمندان و آگاه‌دلان بشر بر ضد این تمدن در همین یک جمله خلاصه می‌شود!

۲۹ ماه اوت سال ۱۹۶۶ میلادی

اعدام نظریه‌پرداز اسلامی مصری
متفکر مجاهد، سید ابراهیم قطب
نویسنده تفسیر فی ظلال القرآن/۴

## رهبرانقلاب

من وقتی خبر اعدام سید قطب را شنیدم، گریه کردم، و هنگام شنیدن خبر درگذشت عبدالناصر هم گریستم! دل‌بستگی ما به سیدقطب امری روشن است و نیازی به بیان علل آن نیست؛ چون این مرد به مدد قلم ادیبانه، رنج‌ها و سختی‌های عملی، و اندیشه پرفروغ قرآنی خود، اسلام را با چهره‌ای پویا و انقلابی و برخوردار از چشم‌اندازهای گسترده، به گونه‌ای معرفی کرد که در نتیجه آن، انسان مسلمان نسبت به دین خود احساس غرور و مباهات می‌کند و شأن خود را از امور بی‌ارزشی که مردمان را مشغول ساخته، بالاتر می‌یابد. همچنین در تفسیر خود، به یک زبان اسلامی پویا سخن می‌گوید که فرد مسلمان از هر مذهب که باشد، در آن عارضی با عقاید مذهبی خود نمی‌یابد. البته به استثنای بعضی چیزهایی که با اعتقاد کسانی که برای امیرالمؤمنین علی (ع) مقام عصمت قائلند، منافات دارد، از جمله یک روایت ساختگی در رابطه با علت نزول آیه تحریم خمر، البته من او را معذور می‌داشتم، زیرا او خود از کسانی است که قائل به عصمت

امام - به ویژه پیش از حکم تحریم خمر - نیست. و به طور کلی، نقل این روایت مجعول، از عدم احاطه کامل او به شخصیت امیرالمؤمنین (ع) حکایت دارد. خون دلی که لعل شد ص ۱۷۷

۲۹ ماه اوت سال ۱۹۶۶ میلادی

اعدام نظریه‌پرداز اسلامی مصری
متفکرمجاهد، سید ابراهیم قطب
مؤلف خصائص التصور الاسلامی
ترجمه شده توسط استادخامنه‌ای/۵

## رهبرانقلاب

مرحوم سید قطب در یکی از کتبش حرفی دارد که من بیشتر از ۴۰ سال قبل که این حرف را دیدم، دائماً در ذهن من هست. او می‌گوید اگر داعیان اسلام به جای نوشتن این همه کتاب و تبلیغات و سخنرانی، یک کار برای ترویج اسلام بکنند، آن کار از همه این کارها تأثیرش بیشتر است. و آن اینکه در یک جزیره‌ای دور افتاده‌ای در دنیا، یک حکومت اسلامی تشکیل بدهند؛ اثرش از هزاران کتاب و سخنرانی، در ترویج دین، بیشتر است. ما این را امتحان کردیم. نظام اسلامی وقتی تشکیل شد، فریاد اسلام وقتی از حلقوم امام، آن مرد بزرگ و بی‌نظیر خارج شد؛ کار بجائی رسید که خیلی از عربها از روی علاقه به رادیوهای ایران در آن اوائل انقلاب گوش می‌کردند و زبان فارسی را می‌آموختند، سید قطب درست گفت. از هزاران کتاب، اثر این نظامی که بر اساس اسلام به وجود آمده، بیشتر است! ۸۸/۲/۲۳

توجه؛

استاد خامنه‌ای علاوه بر ترجمه و نشر ۳ کتاب سیدقطب:

تفسیر فی ظلال القرآن؛ الاسلام و المشکلات الحضاره (ادعانامه‌ای علیه غرب)؛ المستقبل لهذا الدین (آینده در قلمرو اسلام)، کتاب خصائص التصور الإسلامی سیدقطب را نیز درسال ۱۳۴۵ نیز ترجمه کرده‌اند اما متاسفانه تاکنون منتشر نشده است، گرچه این اثر با نام «ویژگی‌های ایدئولوژی اسلامی» توسط برادرشان، استاد سید محمد خامنه‌ای ترجمه شده و به چاپ رسیده است! پاورقی کتاب آینده در قلمرو اسلام ص ۷

۲۹ ماه اوت سال ۱۹۶۶ میلادی

اعدام نظریه‌پرداز اسلامی مصری
متفکرمجاهد، سید ابراهیم قطب/۶

## رهبرانقلاب

بخش مهمی از تبلیغات ضد جمهوری اسلامی ناظر به اینستکه جمهوری اسلامی در چشم ملتهای مسلمان، به صورت یک الگوی موفق درنیاید. به نظر من این نکتهٔ بسیار مهمی است که همهٔ ما باید به آن توجه کنیم. چون وقتی الگو پیدا شد، مردم به سمت آن حرکت می‌کنند؛ وقتی توفیق این الگو دانسته شد، مردم تشویق می‌شوند. یکی از نویسنده‌های مصری در پنجاه سال قبل، شصت سال قبل در یک کتابی نوشته است که اگر ما بتوانیم یک نقطهٔ از دنیا را با یک حکومت اسلامی اداره کنیم، از هزاران کتاب و تبلیغ برای پیشرفت اسلام این مؤثرتر است. راست می‌گوید. با اینکه الگوی ما از لحاظ انطباق با اسلام، آنجور که ما می‌خواهیم، نیست - خب، ما متأسفانه با شکل مطلوبِ تحقق اسلام خیلی فاصله داریم - اما همان اندازه‌ای که توانستیم، توفیق پیدا کردیم، اسلام را وارد جامعه و زندگیمان کردیم، آثارش را داریم مشاهده می‌کنیم، عزتش را می‌بینیم، قدرتش را می‌بینیم، پیشرفتش را می‌بینیم، استقلالش را می‌بینیم؛ این را مردم دارند مشاهده می‌کنند. پس آن‌ها می‌خواهند

این الگوسازی نشود؛ لذاست که سعی می‌کنند الگو را در چشم مخاطبان خراب کنند، یکی از کارهائی که از اول انقلاب تا حالا انجام گرفته، این است. اگر ضعفی داریم، آن ضعف را در چشمها بزرگ می‌کنند؛ اگر ضعفی نداریم، آن را بدروغ به ما نسبت می‌دهند؛ این را باید توجه داشته باشیم. یکی از کارهای اساسی دشمن در تبلیغات ضد جمهوری اسلامی، ناظر به این معناست و همهٔ تلاش هم برای این است. ۸۹/۱۲/۱۹

۲۹ ماه اوت سال ۱۹۶۶ میلادی

اعدام نظریه‌پرداز اسلامی مصری
متفکرمجاهد، سید ابراهیم قطب/۷

## رهبرانقلاب

واقعاً باید برای جذب جوان به مسجد برنامه‌ریزی کرد. نه اینکه ما با حضور میان‌سال و پیرمرد در مسجد مخالفیم؛ نه، مؤمنین همه باید بیایند به مسجد و استفاده کنند، امّا جوانها را باید جذب مسجد بکنیم. بعضی خیال می‌کنند برای اینکه جوانها را جذب کنیم به مسجد، وسایل سرگرمی فراهم بکنیم؛ مثل همان جریانی که یک کلیسایی در آمریکا انجام می‌داد که آن نویسنده مصری می‌گوید رفتم دیدم که پای این کلیسا یک برنامه‌ای زده‌اند که مثلاً امشب از ساعت فلان در سالن کنار کلیسا این برنامه‌ها هست: برنامهٔ رقص است و آواز است و یک شام سبکی است و اُنس هست و مانند اینها. می‌گفت حسّاس شدم، رفتم دیدم بله کنار سالن کلیسا یک کاباره؛ دخترها، پسرها، مردها، میان‌سال‌ها می‌آیند تماشا می‌کنند؛ دختر و پسرها هم میدان‌دارند. موسیقی هست، رقص هست، آواز هست، آخر سر هم کشیش آمد و چراغها را یک خرده‌ای کم کرد تا یک خرده کم نور بشود و فضا خاص شود، می‌گفت رفتم بیرون؛ فردا برگشتم آمدم آن کشیش را در کلیسا پیدا کردم؛ گفتم من دیشب در این جلسهٔ

شما بودم، آخر معنای این چیست؟ ایشان گفت: ای آقا، می‌خواهیم جوانها را جذب کنیم! جوان‌ها را می‌خواهیم جذب کنیم! اگر بنا است با رقص و آواز و موسیقی و امثال اینها جوان جذب بشود، خب بروند همان کاباره، چرا بیاید اینجا؟ راه جذب جوانها تصرّف دل جوان است وَالّا حالا یک وسیلهٔ بازی هم آنجا فراهم کردیم، گذاشتیم، خب اگر بنا است برای بازی بیاید، برود در باشگاه بازی کند. ۹۵/۵/۳۱

۲۹ ماه اوت سال ۱۹۶۶ میلادی

اعدام نظریه‌پرداز اسلامی مصری
رهبر جمعیت اخوان المسلمین مصر
متفکرمجاهد، سید ابراهیم قطب/۸

## رهبرانقلاب

من قبل از انقلاب مدتی در مشهد سخنرانی داشتم جوانان بسیاری برای گوش دادن به سخنرانی من می‌آمدند. این سخنرانیها بعد از نماز مغرب و عشاء بود. (درپی مبحث ولایت کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن) خبر می‌دادند که فلانی گرایش سنّی پیدا کرده است! بعد دیدند این کم است؛ گفتند این گرایش وهابی پیدا کرده است، این اخبار به گوش من می‌رسید. آدم‌های مغرضی نبودند، بلکه جاهل بودند. عده‌ای از من می‌خواستند که برخوردی داشته باشم. من در سخنرانی می‌گفتم: وقت ندارم و نمی‌خواهم به این منازعات بپردازم. پرداختن به منازعاتِ سخنانی از این قبیل که شما سنی شده‌ای؛ شیعه نیستی و من هم بخواهم شیعه بودن خود را اثبات کنم، بیهوده است؛ مهم نبود عده‌ای شیعه بودن مرا باور کنند یا نکنند. من کار دیگری داشتم؛ کاری که همه عشق و زندگی مرا تشکیل می‌داد. می‌خواستم معارف عمیق اسلامی را به نسلی که در اختیار و در دسترس من بود منتقل کنم و این کار مؤثر واقع شد. همین کارها بود که ذره ذره جمع شد

و در سراسر کشور، گفتمانی انقلابی به وجود آورد! کتاب مسجد رهبری ص ۲۵۶ دیدار با علمای اهل سنت ۸۱/۱۲/۶

طرح جلد چاپ اول کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن؛ چاپ ۱۳۵۴

۳۱ ماه اوت سال ۱۹۶۰ م

ولادت سیدحسن نصرالله

## رهبرانقلاب

وجود شما (سیدحسن نصرالله) در لبنان، در آن نقطه حساس، نعمت بسیار بزرگی برای اسلام و امت اسلامی است و امیدواریم خدای متعال به شماها توفیق بدهد و به آنچه که رضای او در آن است، کمک و هدایت کند. من همیشه شماها را دعا می‌کنم و معتقدم این من تنها نیستم، خیلی‌ها هستند که به شما دعا می‌کنند و موفقیت شما را از خدای متعال مسألت دارند و متضرعانه می‌خواهند که خداوند شما را در راهتان موفق کند. حتماً خدای متعال اجابت می‌کند و شماها در کارتان موفق خواهید شد. ۷۷/۹/۳

## شهیدقاسم سلیمانی

سید حسن نصرالله یک خصوصیتی دارد که ماها تا حالا هیچ‌کدام به این درجه نرسیده‌ایم. فکر می‌کنم ما اصلاً درس ولایت‌شناسی را باید برویم پیش ایشان یاد بگیریم. او اعتقاد جدی به بیانات رهبر معظم انقلاب دارد و این‌ها را یک بیانات الهی و غیبی می‌داند. لذا به هر بیانی و به هر کلمه‌ای که از ناحیهٔ رهبر معظم انقلاب صادر شده باشد، اهتمام جدی و توجه اساسی و فوق‌العاده دارد! ۹۸/۷/۹

۳ سپتامبر سال ۱۹۶۹

فوت هوشی مینه
مبارز ضد آمریکایی
رئیس جمهور ویتنام

## رهبرانقلاب

شجاعت و مقاومت ملت ویتنام و شخصیت‌های برجستهٔ آن نظیر «هوشی مینه» و «ژنرال جیاپ» در مقابل تجاوزگری بیگانگان، موجب شده است که ملت شما در چشم ملت ایران، محترم و معتبر باشد و این تکریم و همدلی، زمینهٔ بسیار مناسبی برای افزایش همکاری‌ها است. متاسفانه قدرت‌های برتر دنیا در امور کشورهای دیگر دخالت می‌کنند که این دخالت‌ها گاه از طریق راه انداختن جنگ‌هایی همچون جنگ ویتنام و گاهی نیز با روش‌های دیگر انجام می‌شود، و راه مقابله با این دخالت‌ها، همکاری و نزدیک شدن کشورهای مستقل به یکدیگر است.

۹۴/۱۲/۲۵

۸ ماه سپتامبر سال ۲۰۲۲

هلاکت پرعبرت ملکه انگلیس
بانی و حامی سلطنت پهلوی
عامل کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲
حامی صدام و فتنه‌گران ۸۸
الیزابت دوم، الکساندرا مری

## رهبرانقلاب

این بلاهایی که دولت خبیث و استعمارگر انگلیس در طول دهها سال بر سر ملت ایران آورد، فراموش نشدنی است. انقلاب مشروطیت را مصادره کردند، دیکتاتوری سیاه رضاخان را بر این مردم تحمیل کردند، نفت را غارت کردند، کشور را عقب نگه داشتند، ملت را مورد اهانت قرار دادند و ذلیل کردند و حقّ عمومی یک ملت را در طول دهها سال پامال نمودند! ۸۲/۱۱/۱۵

عمدهٔ دشمنیها علیه کشور و انقلاب، از سوی آمریکا و از سوی انگلیس خبیث است که هم در گذشته، از دوران اوایل رژیم طاغوت تا دوران انقلاب، هم بعد از دوران شروع انقلاب و پیروزی انقلاب تا امروز، همواره انگلیس با ما دشمنی کرده است! ۹۵/۳/۱۴

۱۱ ماه سپتامبر سال ۱۹۷۳ م

اعدام آلنده توسط پینوشه
درپی کودتای آمریکادر شیلی

## رهبرانقلاب

کسی که قلم به دست می‌گیرد، باید تقوا، صداقت، عفاف و انصاف نسبت به دیگران جزو طبیعت ثانویاش بشود. من در صحبتی که اوایل امسال کردم، گفتم که بعضی از روزنامه‌ها پایگاه دشمنند. بعضی افراد تعجب کردند! من اخیراً شنیدم که اسناد سازمان سیا در خصوص نقش آن سازمان در مطبوعات قبل از ۲۸ مرداد منتشر شده است. البته من خودم آن را ندیدم؛ اما آنچه که نقل کردند، بسیار جالب است. نشان می‌دهد که چه روزنامه‌هایی با پول و هدایت و تغذیه سازمان سیا برای زمینه‌سازی کودتای ۲۸ مرداد در همین تهران پخش می‌شد. البته در جاهای دیگر هم نمونه‌هایش را دیده‌ایم: در شیلی دوران سالوادور آلنده، یکی از نقشهای مهم را روزنامه‌ها داشتند؛ برای این که حکومت دو ساله آلنده را ناموفّق جلوه دهند و تمام افکار را علیه او بسیج کنند و بالاخره آن بلا را بر سرش بیاورند. البته آن روز کسی اعتراف نکرد؛ اما بعد همه فهمیدند که چه کسانی بوده‌اند و آنهایی که بر سرِکار آمدند، انگیزه‌هایشان چه بود و از کجا دستور گرفته بودند و آنهایی که زمینه‌سازی کردند، چه کسانی بودند. نمی‌شود

صبر کرد تا فاجعه اتفاق بیفتد، بعد آن را کشف بکنیم.
امروز باید دید و با چشم باز حرکت کرد. ۷۹/۱۲/۹

۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳

پیمان ننگین اسلو

## رهبرانقلاب

هدف سیاستهای خاورمیانه‌ای آمریکا از کمپ‌دیوید تا قرارداد اسلو، محو روحیه جهاد و مقاومت و حذف تدریجی ملت فلسطین از تمام معادلات منطقه بود اما روح ایمان اسلامی و انگیزه جهاد فی سبیل‌الله مردم فلسطین بزرگترین مانع را در برابر پیشرفت سیاستهای استکباری و انگیزه‌های خائنانه پدید آورد. ۸۱/۳/۱۲

متأسّفانه اغلب دولتهای عرب پس از مقاومتهای نخستین که برخی از آنها تحسین‌برانگیز بود، بتدریج تسلیم شدند و بخصوص پس از ورود ایالات متحدّهٔ آمریکا به عنوان متولّی مسئله، هم وظیفهٔ انسانی و اسلامی و سیاسی، و هم غیرت و نخوت عربی خود را به فراموشی سپرده و با امیدهای واهی به هدفهای دشمن کمک کردند. «کمپ دیوید» مثال روشنی از این حقیقت تلخ است. گروه‌های مبارز نیز پس از برخی مجاهدتهای فداکارانه در سالهای نخست، بتدریج به راه بی‌فرجام مذاکره با اشغالگر و حامیانش کشانده شدند و خطّ سیری را که می‌توانست به تحقّق آرمان فلسطین منتهی شود، رها کردند. مذاکره با آمریکا و دیگر دولتهای غربی و نیز با مجامع بی‌خاصیّت بین‌المللی، تجربهٔ تلخ و ناموفّق فلسطین است. نشان

دادن شاخهٔ زیتون در مجمع عمومی سازمان ملل، نتیجه‌ای جز قرارداد خسارت‌بار «اُسلو» نداشت و سرانجام هم به سرنوشت عبرت‌انگیز یاسر عرفات منتهی شد.

۹۹/۳/۲

۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ م/۲۶ شهریور ۱۳۷۱

قتل ۴ عضو حزب دموکرات کرد
در قهوه خانه شهر میکونوس
منجر شد به حکم دادگاه آلمان
بر تروریست بودن سران نظام
و حکم حبس ابد برای ۵ ایرانی
مانند کاظم دارابی به اتهام قتل/۱

## رهبرانقلاب

این حادثه برای مسئولان و ملت ایران درس مهمی بود که بفهمند استکبار چیست، این حادثه خیلی مهم است، من به وزارت خارج دستور داده‌ام که رفتارهای این دولتها را با دقت ثبت کنند تا در حافظه تاریخی ملت ایران بماند!
۷۶/۶/۲۷

انعطاف در مقابل دشمن، بخاطر مصلحت‌سنجی‌های موسمی که خب ما در یک مواردی داریم، تیغ دشمنیِ او را کُند نخواهد کرد، بلکه او را گستاخ‌تر خواهد کرد؛ این یک تجربه است. فراموش نکنیم هر جایی که ما مقداری کوتاه آمدیم، آن‌ها تندتر آمدند. ما فراموش نمی‌کنیم که در یک دوره‌ای رئیس‌جمهور ما که طرفدار نرمش در مقابل غرب بود، از طرف آلمان؛ در ماجرای میکونوس، بر سر یک حرف بی منطق به دادگاه احضار شد؛ یعنی اینقدر این‌ها چشم سفید و پُررو و وقیحند؛ از این قبیل اتّفاقات باز هم افتاده. یادمان باشد راه جلوگیری از دشمنیِ این دشمنها، عقب‌نشینی و انعطاف و مانند اینها نیست. ۹۷/۳/۲

۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ م/۲۶ شهریور ۱۳۷۱

قتل ۴ عضو حزب دموکرات کرد
در قهوه خانه شهر میکونوس
منجر شد به حکم دادگاه آلمان
بر تروریست بودن سران نظام
و حکم حبس ابد برای ۵ ایرانی
مانند کاظم دارابی به اتهام قتل/۲

## رهبر انقلاب

ما با اروپاییها مشکلی نداریم، اروپایی‌ها با ما مشکل ایجاد کرده‌اند. اروپایی‌ها تبعیت از سیاست آمریکا کردند؛ آمریکا ما را تحریم کرد، این‌ها هم تبعیّت کردند؛ او علیه ما تبلیغات کرد، این‌ها هم تبعیّت کردند. خب، ما چه کار کنیم؟ در قضایای مختلف، اروپایی‌ها بودند که ابتدای به دشمنی کردند. سر قضیه قهوه خانه میکونوس، رئیس جمهور وقت ما را متّهم کردند و به دادگاه می‌خواستند بکشانند؛ خب چه کار کنیم ما با اینها؟ برویم التماس کنیم؟ برویم بگوییم آقا با ما بهتر از این باشید؟ ما کاری نکردیم با اینها؛ این‌ها هستند که دشمنی می‌کنند. اگر ما در مقابل دشمنی دشمنانمان با شجاعت و با اقتدار نایستیم، ما را خواهند خورد، خواهند بلعید. «ما» که میگوییم، یعنی کشور را، یعنی ملّت را؛ وإلا شخص بنده و امثال بنده که اهمّیّتی نداریم؛ کشور را خواهند بلعید. ما مسئول کشوریم، مسئول ملّتیم، مسئول تاریخیم؛ نباید اجازه بدهیم! ۹۴/۱۲/۲۰

۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ م/۲۶ شهریور ۱۳۷۱

قتل ۴ عضو حزب دموکرات کرد
در قهوه خانه شهر میکونوس
منجر شد به حکم دادگاه آلمان
بر تروریست بودن سران نظام
و حکم حبس ابد برای ۵ ایرانی
مانند کاظم دارابی به اتهام قتل/۳

## رهبرانقلاب

جمهوری اسلامی در چشم دشمنانش هیبت دارد؛ این هیبت ناشی از چیست؟ ناشی از امثال حقیر و مانند اینهاست؟ ابداً، این ناشی از حضور عظیم مردمی است؛ نیایند حرفی را که بنده بصراحت گفتم را تعبیر و تأویل کنند و بگویند «نخیر؛ مراد فلانی اینستکه این حضور مردم یک دولتی را سر کار می‌آورد که آن دولت هیبت ایجاد می‌کند»؛ نه آقا! دولت‌ها تأثیری ندارند. مگر یادتان رفته که در دهه ۷۰ یکی از دولتهای اروپایی، رئیس جمهور ما را متهم کرد و به دادگاه احضار کرد که اتفاقاً آن رئیس جمهور با آن دولت، روابطشان خیلی نزدیکی بود؛ ما توی دهنش زدیم که عقب نشست؛ اگر توی دهنش نمی‌خورد، پیش می‌رفتند. دشمن، دشمن است؛ این دولت و آن دولت ندارد. اگر بتواند دشمنی کند، اگر بتواند زهرش را بریزد، می‌ریزد؛ ملاحظه هیچ کس را هم نمی‌کند. ملاحظه لفاظی و زبان بازی و موضع گیری سیاسی و مانند اینها را هم اصلاً

نمی‌کند؛ دشمن است دیگر. آن چیزی که مانع می‌شود دشمن اِعمال دشمنی کند، ترس از حضور مردم است.

۹۶/۸/۱۱

۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ م/۲۶ شهریور ۱۳۷۱

قتل ۴ عضو حزب دموکرات کرد
در قهوه خانه شهر میکونوس
منجر شد به حکم دادگاه آلمان
بر تروریست بودن سران نظام
و حکم حبس ابد برای ۵ ایرانی
مانند کاظم دارابی به اتهام قتل/۴

## رهبرانقلاب

غریب‌ها علیه ما هر وقت هرکار توانستند، کردند. آن زمانی هم که ما متأسفانه یک مقداری در مقابل دشمن کوتاه می‌آمدیم، از این کارها می‌کردند. اینجور نیست که ما حالا چون استقامت به خرج دادیم، بگوئیم این‌ها را سر لج آوردیم؛ نه. یک روزی در خطابه‌های مسئولینمان مناقب آمریکا ذکر می‌شد؛ همان روزها رئیس جمهور وقت آمریکا با سبک سری تمام، ایران را بعنوان محور شرارت معرفی کرد! یک روزی یکی از دولتهای اروپائی نسبت به جمهوری اسلامی اظهار علاقه می‌کرد؛ همان دولت سر قضیه قهوه خانه میکونوس دادگاه تشکیل داد، مسئولین درجه یک کشور را در آن دادگاه متهم کرد! دولت‌های اروپائی با آنها همدست شدند، همه‌شان سفرای خود را از تهران فراخوانی کردند؛ خواستند سیلی بزنند اما از همین حسینیه آنچنان سیلی سختی خوردند که تا مدتها دنبال علاجش بودند! آن‌ها هر وقت توانستند، درصدد سیلی

زدن برآمدند. هر وقت ما کوتاه آمدیم، یک خرده‌ای سست برخورد کردیم، آن‌ها پررو‌تر شدند. نخیر؛ مقاومت جمهوری اسلامی، عزت ما را در دنیا بیشتر کرده است. ۹۰/۵/۱۶

۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ م/۲۶ شهریور ۱۳۷۱

قتل ۴ عضو حزب دموکرات کرد
در قهوه خانه شهر میکونوس
منجر شد به حکم دادگاه آلمان
بر تروریست بودن سران نظام
و حکم حبس ابد برای ۵ ایرانی
مانند کاظم دارابی به اتهام قتل/۵

## رهبرانقلاب

سر قضیه قتلی که در قهوه خانه میکونوس اتفاق افتاد، یک خیمه شب بازی به اسم دادگاه درست کردند که به نظر ما آنچه در این دادگاه مطرح شده است، بی‌ارزش و بی‌اعتبار است. آن چند جوان بیچاره‌ای هم که در آن جا زندانی شده‌اند، اگر واقعاً اتهامی متوجهشان است، باید در دادگاه صالح و عادلی تجدید محاکمه شوند و حکم آنها هم معلوم گردد. بخش عمده قضیه، اهدافی است که دولتهای جهان دنبال کردند. در درجه اول، دولت امریکا که با کمک و دلال بازی و حضور دستگاه جاسوسی صهیونیستها، این خیمه شب بازی را به راه انداخته است. حتماً ۱۰ سال، ۱۵ سال دیگر در خاطرات خودشان خواهند نوشت که در قضیه قهوه خانه میکونوس، فلان کسِ ما رفت این کار را کرد، آن کار را کرد و یا فلان کس را دیده است. این‌ها بعداً رو خواهد شد. حالا فعلاً هر کس هم چیزی بگوید، قرص و محکم می‌ایستند و منکر می‌شوند؛ اما

بالاخره اندکی بعد، قضیه روشن خواهد شد. همین خودِ شما، شاید در کتابها و خاطراتی که خواهند نوشت، این‌ها را بخوانید. ۷۶/۱/۲۷

۱۷ ماه سپتامبر سال ۱۹۹۴

فوت کارل پوپر انگلیسی
پدر نظریه جامعه لیبرالی

## رهبرانقلاب

من که میگویم تهاجم فرهنگی، عده‌ای خیال می‌کنند مرادم اینستکه پسری موهایش را بلند کند. مسأله تهاجم فرهنگی این نیست، تهاجم فرهنگی بزرگتر اینستکه دشمنان سالها به مغز ایرانی تزریق کردند که تو نمی‌توانی و باید پیرو ما باشی. الان شما اگر در علوم انسانی و... یک نظریه علمی برخلاف نظریات رایج دنیا داشته باشید، عده‌ای میگویند حرف شما مخالف با نظریه فلانی است؛ یعنی آنطوریکه مؤمنین نسبت به قرآن معتقدند، این‌ها به نظرات فلان دانشمند اروپایی بیشتر معتقدند! جالب اینکه آن نظریات منسوخ می‌شود اما اینها همان نظریات ۵۰ سال پیش را بعنوان یک متن مقدس در دست می‌گیرند! سالهاست که نظریات پوپر منسوخ شده اما سالهای اخیر آدمهایی با ادعای فهم فلسفی، شروع کردند به ترویج نظریات پوپر! این‌ها دو عیب دارند: یکی اینکه مقلدند، دوم اینکه از تحولات جدید بیخبرند؛ همان متن خارجی را که برای آنها تدریس کرده‌اند، مثل یک کتابِ مقدس امروز به جوانهای ما می‌دهند. کشور ما مهد فلسفه است، اما برای فهم فلسفه به دیگران مراجعه می‌کنند! ۸۳/۴/۱۷

۱۷ ماه سپتامبر سال ۲۰۱۱

## آغاز جنبش وال استریت

### رهبرانقلاب

این جنبش فتح «وال استریت»، خیلی چیز مهمی است. ممکن است امروز آمریکا با پلیس، بلکه با ارتش، مردم را سرکوب کند - که سابقه هم دارد؛ چند سال قبل از این در شیکاگو یک حرکتی به وجود آمد، ارتش را وارد کردند؛ گمانم زمان کلینتون بود، حاکمیت آن مجموعهٔ قبل از بوش - هیچ ابائی ندارند؛ ارتش را وارد می‌کنند، مردم را سرکوب می‌کنند، می‌زنند، می‌کشند، زندان‌های سخت می‌کنند؛ این حرکت سرکوب می‌شود، اما از بین نمی‌رود؛ آتش زیر خاکستری خواهد ماند و یک روزی آنچنان شعله خواهد کشید که همهٔ این بنای پوشالی استکباری و سرمایه‌داری را خواهد سوزاند و خاکستر خواهد کرد. ۹۰/۷/۲۴

۱۷ ماه سپتامبر سال ۱۹۷۸

پیمان ننگین کمپ دیوید

## رهبرانقلاب

امروز یک مسئلهٔ اساسی در دنیای اسلام داریم و آن، مسئلهٔ قدس است. چرا عرض می‌کنیم مسئلهٔ اساسی؟ چون ماجرای تقسیم غلط و مهندسی معیوب خاورمیانه - این منطقهٔ زندگی ما و کشورهای ما - بر اساس توطئهٔ اسکان صهیونیستها در اینجا به وجود آمد. اگر چنانچه این توطئه وجود نمی‌داشت، شاید امروز وضعیت این منطقه وضعیت دیگری بود. این جدائیها، این جنگهائی که در این منطقه اتفاق افتاد، این دخالتهائی که قدرتهای سلطه‌گر و زورگو در این منطقه کردند، ناشی از این قضیه بود؛ که این، داستان طولانی و مفصلی دارد. سعی آنها این است که امروز این مسئله را به حاشیه برانند. دنیای اسلام نباید بگذارد. در طول سالهای متمادی سعی کردند کاری کنند که ماجرای فلسطین از یادها برود؛ تا حدودی هم موفق شدند. ماجرای کمپ دیوید و دنباله‌های آن - که یکی از نقاط تاریک تاریخ معاصر ماست - برای این بود که مردم منطقه فراموش کنند که یک کشوری به نام فلسطین وجود داشته. آنچه که توی دهن آن‌ها زد، انقلاب اسلامی بود، امام بزرگوار بود. از روز اوّلی که این انقلاب به پیروزی رسید، بلکه از قبل از پیروزی، از اوائل نهضت،

مسئلهٔ فلسطین یکی از مسائل اصلی این انقلاب بود؛ و یکی از عوامل توجه دنیای اسلام به این انقلاب هم همین مسئله بود؛ اگرچه جهات دیگر هم بود. امروز سعیشان این است که این را خنثی کنند. دنیای اسلام نباید اجازه بدهد. ۹۱/۵/۲۵

۱۸ سپتامبر سال ۱۹۴۷

تأسیس سازمان CIA

## رهبرانقلاب

«موساد» و «سیا» و «اینتلیجنت سرویس» مرکز فسادند.

۷۷/۱۰/۱۸

دفاع از این نظام، وظیفه همه است؛ مخصوص کسی که عضو نظام هست و جزو تشکیلات دولتی یا غیره هست یا نیست، نمی‌باشد؛ همه باید دفاع کنیم. اگر کسی بر خلاف این عمل کرد، لازم نیست که کسی سند بیاورد که این مثلاً وابسته فلان دستگاه و سیستم جاسوسی دنیاست؛ لازم هم نیست رسماً وابسته باشد؛ اما همان حرف را میزند و همان کار را می‌کند. اگر پولی هم از آن‌ها نمی‌گیرد، در واقع نوکر بیجیره و مواجب آنهاست. امروز «سیا» ی امریکا و «موسادِ» اسرائیل مهمترین هدفشان این است که منفذی در داخل نظام اسلامی ایجاد کنند تا بتوانند ضربه‌ای بزنند! ۸۱/۹/۷

۱۸ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۰

آغاز جنبش همبستگی لهستان
آغاز فروپاشی شوروی کمونیستی

## رهبرانقلاب

ریشه شروع تمام این مسائلی که در دنیای اروپای شرقی و بلوک شرق به وجود آمد -که خیال می‌کنم از سال ۸۰ میلادی بود- در لهستان بود. آنجا دعوای اتّحادیّهٔ همبستگی -که هنوز به این شکل و به این صورت هم اعلان نشده بود، یک چیز زیرزمینی مبهمی بود- با دولت لهستان این بود که آن‌ها می‌خواستند مراسم مذهبی‌شان را انجام بدهند و دولت کمونیست نمی‌گذاشت! یادم می‌آید آن‌وقت ما در شورای انقلاب همین قضیّه را با دوستان مطرح کردیم. گفتیم عجیب است! چه کسی خیال می‌کرد اینها این‌قدر توخالی است؟ در یک کشور کمونیستی، در یک نظام محکمِ ضدّدینی، مستحکم، با حاکمیّت قدرت فکری تشکیلاتی حزبی و قوی‌ترین حاکمیّتها بر یک نظام، بعد از اینکه در کشور لهستان شاید مثلاً سی و چند سال، چهل سال، در کشورهای دیگر پنجاه سال، شصت سال، هفتاد سال علیه دین حرف زده شده بود و موزهٔ آتئیسم درست کرده بودند -میدانید، در این کشورهای کمونیستی، در شوروی، در جاهای دیگر، موزه‌هایی است به نام موزهٔ آتئیسم که تمام چیزهایی که نشانهٔ ضدّیّت با خدا است

و به معنای نفی خدا است، یک جا جمع کرده‌اند که جلوی چشم مردم باشد، مردم بروند نگاه کنند و ببینند- ناگهان از درون اینها یک حرکت کارگری -چون اتّحادیّهٔ همبستگی مال کارگرها بود- در کارخانه‌ها به وجود بیاید و شعارش عبارت باشد از اینکه می‌خواهد برود کلیسا، چرا نمی‌گذارید؟ اتّحادیّهٔ همبستگی در لهستان چند سال برای این مبارزه کرد. ۶۸/۱۱/۹

۲۵ ماه سپتامبر سال ۱۲۹۴

فوت راجر بیکن (رژه بیکن)
فیلسوف و کشیش انگلیسی

## رهبرانقلاب

اروپا در قرون وسطی، قرن ضدیت با دین بود. البته تا برهه‌یی از زمان، به خاطر آن دین کذایی، ضدیت با علم بود. حتّی در اروپا هم اولین مشعلداران علم، افراد دینی‌اند. خود این «راجربیکن» معروف - که فرانسویها به او «رژه بیکن» میگویند - کشیش است؛ آن هم کشیشِ فرانسیسکن است. نمی‌دانم شما با احوالاتشان آشنا هستید یا نه. این‌ها گروه کشیشی بسیار زهدگرایی هستند که خود را تابع «سن فرانسیس» می‌دانند؛ همان «سن فرانسیس» معروفِ قدیس، که این «سانفرانسیسکوی» امریکا هم به اسم اوست. این‌ها اسماء مقدس را روی شهرها می‌گذاشتند. این «سن‌فرانسیس» معروف، قدیسی بود که دستگاههای پاپ آن وقت، به خاطر افشاگری این شخص نسبت به تجملات دستگاه پاپ، دشمن خونیش بودند. او معارض دستگاه پاپ و معارض آن جاه و جلالها و آن ثروتها و آن زراندوزیها بود؛ طرفدار زهد بود. اگر بخواهیم مشابه «راجر بیکن» را در میان نحله‌های اسلامی بیابیم، باید مثلاً او را در زمرهٔ تصوف خاکساری - که کارشان درویشی و گدایی است - بدانیم. کشیش این رشته

«راجربیکن» معروف است که در قرن سیزدهم میلادی، از اولین پرچمداران علم در اروپاست. به عبارت دیگر، اولین جلوه‌های علم که به رنسانس اروپا منتهی شد و آن تحول علمی را پدید آورد، باز از طرف مذهبیها بود؛ منتها مذهبیهای روشن، نه مذهبیهای تاریک ذهن! ۷۰/۱۱/۱۵

۲۸ سپتامبر ۱۸۹۵

فوت لویی پاستور

## رهبرانقلاب

از زمان ناصرالدین شاه تا محمدرضا شاه، که خداوند آنان را لعنت کند، چون استعدادها را کوبیدند و ما را تا حضیض بدبختی عقب کشاندند. آن رژیم منحوس نکبتِ واقعاً پلید، معنویت و مادیت و عزت و استعداد را از این مردم گرفت. حالا شما نخبگان می‌خواهید بر ویرانه‌های آنها، بنای علم را بنا کنید؛ خب، خیلی باید تلاش کنید. باید روح تحقیق پارسایانه بیعوض را تزریق کنیم، تا برای تحقیق، دنبال پاداش نباشند؛ چون اصلاً تحقیق، پاداش واقعی ندارد. مثلاً اگر آدم بخواهد به پاستور، بخاطر کشف میکرب چقدر باید پول بدهد؟ آیا اصلاً می‌شود برای او پولی معین کرد؟ آیا قابل مقایسه است؟ بنابراین، امثال پاستور هم هیچوقت برای پول تحقیق نکردند. اگر برای پول تحقیق می‌کردند، حقیقتاً به اینجا نمی‌رسیدند. اروپایی‌ها این حسن را داشتند؛ کمااینکه دانشمندان قدیمی ما مثل زکریای رازی اینطور بودند و در فقر و تنگدستی می‌میرند؛ ولی ماها تا یک کار می‌کنیم، فوراً میگوییم پولش چقدر شد؟! معلوم است که کار به جایی نمی‌رسد! ۶۹/۱۰/۴

۲۹ سپتامبر ۱۹۰۲

درگذشت امیل زولا
رمان نویس فرانسوی

## رهبرانقلاب

در بین شیوه‌های بیان هنری، اصلاً نمی‌شود شبیه رمان چیزی پیدا کرد! ۷۲/۷/۲۵

رمان را برای این نمی‌نویسند که کسی سرگرم بشود؛ رمان پیام دارد، رمان نحوه زندگی را به خواننده‌اش تعلیم می‌دهد! ۷۷/۱۰/۲۴

بسیاری از کتابهایی که در مورد انقلاب کبیر فرانسه و جنگهای فرانسه و آلمان و دفاع مردم فرانسه نوشته شده مثل بعضی از کتابهای امیل زولا، مهم‌ترین آثار رمان مربوط به دوران حساس یک ملت است! ۸۴/۶/۳۱

امیل زولا رمانی دارد که گزارش یکی از جنگهای فرانسه و آلمان است. همان جنگی که پادشاه فرانسه در جنگ بود و فرانسویها از آلمانیها شکست سختی خوردند و آلمانیها پاریس را اشغال کردند و آتش سوزی معروف پاریس اتفاق افتاد. بعدآن حکومت به اصطلاح کمون پاریس اتفاق افتاد. تاریخ این جنگ درسالهای ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۵ است. امیل زولا آنچنان این جنگ را تصویر کرده که گویا خودش در آن جنگ بوده. فرانسوی‌ها در داستان نویسی،

بسیار چیره دستند، کمتر رمانی را پیدا می‌کنید که روحیات و واقعیت‌های ملت فرانسه را بقدر این رمان بتواند نشان دهد! ۷۲/۶/۲۹

۲۸ ماه سپتامبر سال ۱۹۷۰

درگذشت جمال عبدالناصر
روی کار آمدن انور سادات

## رهبرانقلاب

در اواخر دهۀ ۵۰ و اوائل دهۀ ۶۰ در کشورهای شمال آفریقا - یعنی مصر و لیبی و سودان و تونس - یک حرکتهای انقلابی با گرایش چپ اتفاق افتاد. همۀ این کشورها، کشورهای انقلابی بودند؛ اما جز استثناهای معدودی، همان کسانی که خودشان عوامل انقلاب بودند، از انقلاب منحرف شدند. انقلاب‌ها، انقلاب‌های چپ بود، ضد آمریکائی بود، ضد انگلیسی یا ضد فرانسوی بود؛ مردم را اینجوری توی میدان آورده بودند؛ اما همان کسانی که خودشان در رأس این انقلابها قرار داشتند، عملاً منحرف شدند و به سمت همان نیروهای استعمارگر غلتیدند! یکی‌اش همین بورقیبۀ تونس بود. خب، بورقیبه رهبر انقلاب تونس بود؛ اصلاً انقلاب تونس را او به وجود آورده بود؛ اما خودش تبدیل شد به یک عنصر دست‌نشاندۀ غرب و فرانسه؛ رفت در آن جهت، که بعد هم بن‌علی بود که دنبال او آمد. یا در مصر، انورسادات جزو یاران جمال عبدالناصر بود؛ جزو کسانی بود که کودتا یا به قول خودشان انقلاب افسران آزاد را به وجود آورده بودند؛ اصلاً حرکت افسران آزاد در زمان جمال عبدالناصر، با شعار «نجات فلسطین»

بود؛ اما کارشان به آنجا رسید که با غاصب فلسطین آشتی کردند، علیه مردم فلسطین توطئه کردند، و در این اواخر کار به جائی رسید که حتّی با صهیونیستها همکاری کردند برای محاصرۀ فلسطین، برای محاصرۀ غزه، برای نابودی مردم فلسطین! یعنی صد و هشتاد درجه جهت آن حرکت اولیه عوض شد! ۹۰/۵/۱۹

جمال عبدالناصر و انورسادات

۱ اکتبر سال ۳۲۲

رحلت ارسطو
فیلسوف یونانی

## رهبر انقلاب

شواهد نشان می‌دهد فلسفه‌هایی که در ایران رایج شد که الان هم اوج آن است، عادی نبود. خواستند برای فلسفه اسلامی رقیب درست کنند؛ لذا فلسفه‌های غربی را آوردند و ترجمه و ترویج کردند. با غفلت حوزه‌های علمیه ما تدریجاً کار به جایی رسید که هر وقت در محیطهای دانشگاهی اسم فلسفه برده می‌شود ذهن به سمت «کانت» و «هگل» و امثال اینها میفرود و تصوّر می‌شود اصلاً فلسفه محصول تفکّر اینهاست. زمانی که تفکّرات مارکسیستی در ایران خیلی رواج داشت، یکی از قلمهای عمده تبلیغاتی کمونیستها کوبیدن منطق ارسطویی و منطق شکلی بود که در مقابلِ منطق دیالکتیک فحش محسوب می‌شد؛ می‌گفتند اینها طرفدار منطق ارسطویی هستند! تا این حد فلسفه اسلامی از جمله منطق را ضدارزش کرده بودند. البته نمی‌گوییم هر دانشجو یا استادی وارد فلسفه جدید شد، لابد با سیا ارتباط دارد؛ نه، اما امثال فروغی و دیگران که ارتباطات سیاسی و خارجی و تلاشهایشان مشخص است، پیشروان این کار بودند! ۸۲/۱۰/۲۹

## ۲ اکتبر ۱۱۸۷/فتح بیت‌المقدس

توسط سردارصلاح‌الدین ایوبی
و پایان جنگهای ۲۰۰ ساله صلیبی
با پیروزی مسلمین بر مسیحیان ۱/

### رهبرانقلاب

جنگ‌های صلیبی، جنگ‌هایی است که مسیحیان اروپا برای گرفتن بیت‌المقدّس، از اروپا راه افتادند و آمدند و این جنگها ۲۰۰ سال طول کشید البته مسیحیان اروپایی مغلوب و مسلمانان پیروز شدند و آنها را از آن‌جا بیرون راندند! ۸۰/۷/۴

از جنگهای صلیبی به این طرف، مسیحیان و دیگران هرچه توانستند با مسلمانان مبارزه کردند و جنگیدند و کشتند، داستان این وقایع داستان عجیبی است، کسیکه تاریخ بخواند از شرح چنین وقایعی خون می‌گرید، هم به خاطر ظلمها و هم به خاطر دو رویی اروپائیها، این همه دم ازصلح بزنند و این همه شمشیر وخنجر پنهان و آشکار داشته باشند!؟ ۷۲/۱۲/۱۳

در طول زمان همیشه دنیا محل مصاف و درگیری و عرصهٔ معارضه انسانها بوده و هر کسی که احساس قوّت کرد، پنجه می‌اندازد در آن فرد ضعیف؛ ترحمی وجود ندارد. مگر اینکه مهار و زمام دین و اعتقاد دینی وجود داشته باشد. مثلاً سرداران صدر اسلام وارد کشورها که می‌شدند،

هرچند آن ملتهای مغلوب نهایت سختگیری را با آنها کرده بودند، اما وقتی وارد می‌شدند، با اخلاق وارد می‌شدند و رفتار دینمدارانه می‌کردند حتّی تا زمان جنگهای صلیبی همین معنا وجود داشته، وقتی مسیحیها که از اروپا آمده بودند، وارد بیت‌المقدس می‌شدند، مسلمان‌ها را قتل عام می‌کردند اما وقتی مسلمانها غالب می‌شدند، نسبت به مسیحیان محبت می‌کردند و این موجب شد فرهنگ اسلامی در آنها اثر کند! ۹۰/۷/۱۳

## ۲ اکتبر ۱۱۸۷/فتح بیت‌المقدس

**توسط سردار صلاح‌الدین ایوبی**
**و پایان جنگهای ۲۰۰ ساله صلیبی**
**با پیروزی مسلمین بر مسیحیان/۲**

### رهبرانقلاب

شما به کتاب «تاریخ علوم» پیر روسو نگاه کنید؛ آن‌جا می‌گوید: چهار پنج قرن قبل تاجری در یکی از کشورهای اروپایی به استادی مراجعه می‌کند و می‌گوید می‌خواهم فرزندم درس بخواند؛ او را به کدام مدرسه بفرستم؟ استاد در جواب می‌گوید اگر به همین چهار عمل اصلی - جمع و ضرب و تفریق و تقسیم - قانع هستی، می‌توانی او را به هر کدام از مدارس کشور ما یا دیگر کشورهای اروپایی بفرستی؛ امّا اگر بالاتر از آن را لازم داری، باید او را به کشور اندلس یا به مناطق مسلمان‌نشین بفرستی. این را پیرروسو می‌نویسد؛ این حرف من نیست. جنگ‌های صلیبی و هجرت دانشمندان آنها به این مناطق، کمک کرد تا از ما بیاموزند. هجرت دانشمندان ما به مناطق آنها و منتقل شدن کتابهای ما به آنها، کمک کرد تا از ما بیاموزند!
۷۳/۴/۱۷

۲ اکتبر ۱۱۸۷/فتح بیت‌المقدس

توسط سردار صلاح‌الدین ایوبی
و پایان جنگهای ۲۰۰ ساله صلیبی
با پیروزی مسلمین بر مسیحیان/۳

## رهبر انقلاب

کسی شک نکند که قدرتهای غربی انگیزه‌های شوم صلیبی در زیر ظواهر فریبگر دموکراسی و حقوق بشر، را در پنجه و زیر ارادهٔ خویش گرفته بکار گرفته‌اند! ۷۱/۶/۱۹

اسلام همواره مورد بغض و عناد دشمنان زیادی در سرتاسر جهان مادی بوده است. چه آنچه مظهرش جنگهای صلیبی است که دویست سال عالم مسیحیت را به سمت مرکز اسلام کشاندند، و در آن، چه جنایتها و آدم‌کشیها شد امروز مثل دوران جنگهای صلیبی نیست که از اطراف اروپا، دولت‌های مسیحی، هرکدام پرچمی به دست گرفتند و سربازان و مردم خودشان را به سمت مرکز دنیای اسلام کشاندند، امروز کار را با دقت، با پیچیدگی، با حفظ ظواهر و شعارهای انسانی پی می‌گیرند. نمی‌خواهند وانمود شود که اینها با اسلام دشمنند. می‌خواهند پرده‌پوشی کنند و ضربه بزنند! ۷۱/۶/۳۱

ملت‌ها چوب غفلتهای خود را می‌خورند؛ همچنان که چوب اختلافهای خود را می‌خورند. امروز امّت اسلامی اگر در مقابل تهدید قرار می‌گیرد و اگر به جنگ صلیبی

تهدید می‌شود، این ناشی از غفلتی است که متأسفانه در بسیاری از بخشهای این امّت بزرگ به چشم می‌خورد؛ همچنین ناشی از یکپارچه نبودن این حجم عظیم و این پیکره بزرگ است. ما به سهم خود به عنوان ملت ایران، به عنوان پرچمداران اسلام، به عنوان منادیان استقلال و عزّت و شرف یک ملت، باید این آسیبها را به درون خود راه ندهیم! ۸۰/۸/۱۸

۴ ماه اکتبر سال ۱۲۲۶ م

فوت فرانسیس آسیزی
مؤسس فرقه فرانسیسکن

## رهبرانقلاب

نمی‌دانم شما با احوالات گروه فرانسیسکن، آشنا هستید یا نه. این‌ها گروه کشیشی بسیار زهدگرایی هستند که خود را تابع «سن فرانسیس» می‌دانند؛ همان «سن فرانسیس» معروفِ قدیس، که این «سانفرانسیسکوی» امریکا هم به اسم اوست. این‌ها اسماء مقدس را روی شهرها می‌گذاشتند. این «سن‌فرانسیس» معروف، قدیسی بود که دستگاههای پاپ آن وقت، به خاطر افشاگری این شخص نسبت به تجملات دستگاه پاپ، دشمن خونیش بودند. او معارض دستگاه پاپ و معارض آن جاه و جلالها و آن ثروتها و آن زراندوزیها بود؛ طرفدار زهد بود! ۷۰/۱۱/۱۵

۲ ماه اکتبر سال ۱۷۸۹

امضای قانون آمریکا
توسط جرج واشنگتن

## رهبرانقلاب

امـروز یـک چـیـزی بـه نـام ارزش آمـریـکـایـی وجـود دارد؛ می‌شنوید در حرفهای آمریکایی‌ها، میگویند ارزشهای آمریکایی، ارزش‌های ما. بنیان‌گذاران آمریکای مستقل، در قرن ۱۸ که آمریکا از استعمار انگلیس خارج شد و به‌عنوان یک کشوری در آن‌طرف دنیا خودش را معرّفی کرد -همان کسانی که آن‌وقت بودند، جرج واشنگتن و دوروبری‌هایش و جانشینانش- ارزش‌هایی را گذاشتند؛ اسم این‌ها ارزش‌های آمریکایی است. خود آن ارزشها در مقام ارزیابی، خیلی‌هایش چیزهای مشکل‌داری است؛ همان چیزهایی است که منتهی می‌شود به این وضعیّت جهان‌خوارگی امروزِ نظام سلطه؛ لکن همان ارزشها -همان چیزهایی‌اش هم که مثبت است، همان چیزهایی‌اش هم که خوب است- امروز در جامعهٔ آمریکایی نظام سیاسیِ آمریکای امروز، به فراموشی سپرده شده. بنده یک‌وقتی چندسال پیش، یک مطالعه‌ای می‌کردم بر روی حرفهای همین حضراتی که از دویست‌سال پیش، دویست و خرده‌ای سال پیش، به‌اصطلاح بنیان‌گذارانِ آمریکایند -حرف‌هایی که آنها زدند و منشوری که آنها تدوین کردند

به‌عنوان منشور آمریکایی و ارزشهای آمریکایی- و تطبیق می‌کردم با رفتارهای حضرات امروز، دیدم خیلی‌هایش نقض شده است. به ذهنم رسید همان‌وقت که جا دارد کسی این را به رخ ملّت آمریکا بکشد که این ارزشهایی که شما میگویید اینها است، این‌ها امروز در رفتار دولت آمریکا و رژیم ایالات متّحدهٔ آمریکا وجود ندارد؛ حالا، همانی که هست. ۹۴/۴/۲۰

۶ ماه اکتبر سال ۱۹۸۱ م

## اعدام انقلابی انور سادات
## توسط شهید خالد اسلامبولی

### رهبرانقلاب

وضعیت خاورمیانه از پیش از مرگ سادات یک وضعیت ملتهب و نگران کننده‌ای است. دلیل اصلی هم این است که قدرتهای بزرگ جهانی و در رأس همه قدرت امریکا حاضر نیستند در این منطقه و نسبت به این منطقه با روش معقول و قابل قبولی برخورد کنند. مادامی که امریکا حفظ منافع حیاتی خودش را متوقف بر اعمال سلطهٔ هر چه بیشتر در این منطقه می‌داند، این منطقه بالقوه انفجار آمیز است. ما سعی زیادی داریم که به دولتهای این منطقه هشدار بدهیم و آنها را از خطر ورود و نفوذ هر چه بیشتر امریکا برحذر بداریم. به تصور ما این وضعیتی که من گفتم، از پیش از مرگ سادات تفاوتی نکرده. سادات هم کسی بود که به این سیاست شوم و خطرناک امریکا کمک می‌کرد؛ کمااین‌که اسرائیل عنصر دیگری است که به این سیاست شدیداً دارد کمک می‌کند! ۶۹/۱۲/۱۵

دولت غاصب صهیونیست، بزرگ‌ترین خطر برای حال و آیندهٔ جهان اسلام است و بر مسلمین است که برای علاج این خطر و رفع ظلمی به این عظمت، درصدد علاج و چاره باشند. متأسفانه رفتار و گفتار اغلب سران کشورهای

اسلامی، هیچ اشاره‌یی را به عزم آنان بر علاج این خطر بزرگ - که چیزی جز محو رژیم صهیونیست نژادپرست نیست - نشان نمی‌دهد؛ بلکه بعکس، نشانه‌هایی از گسترش کمپ‌دیوید و تکمیل خیانت «سادات» نیز در برخی از دولتهای عربی به چشم می‌خورد؛ و من نمی‌دانم آیا این دولتها با این رفتار ذلت‌بار و تسلیم ننگ‌آور در برابر دشمن عنود مسلمین و اعراب، چه پاسخی برای ملتهای خود و نیز در پیشگاه خداوند آماده کرده‌اند؟! ۷۰/۳/۲۶

۴ اکتبر سال ۱۹۸۲

قتل احمد حسن البکر
از ارکان حزب بعث عراق
توسط صدام حسین بعثی/۱

## رهبرانقلاب

عراق در قرن اخیر پُر از حوادث دشوار و خونین بوده است. بعد از سقوط حکومت عثمانی، انگلیسی‌ها یک خانواده غیر عراقی را به‌عنوان خانواده سلطنتی در عراق در رأس کار گذاشتند. در طول چند سال سه پادشاه از آنها پشت سر هم در رأس کار بود که اوّلی مُرد، دومی در حادثه مشکوکی کشته شد و سومی هم به دست مردم قطعه قطعه گردید. این‌ها را انگلیسیها سرِکار گذاشته بودند. بعد، حکومت‌های کودتایی یکی پس از دیگری روی کار آمدند. تقریباً ده سال - از سال سی‌وهفت تا چهل‌وهفت - هم حکومتهای کودتایی آمدند و رفتند. در سال چهل‌وهفت حکومت بعثیها سرِ کار آمد که نفر اوّل این حکومت «احمدحسن البکر» و نفر دومش هم همین «صدّام» بود. پس ده سال هم آنها بودند. سه حکومت کودتایی و نظامی آمد که عامل اوّلین حکومت کودتایی کشته شد، دومی در یک حادثه مشکوک به قتل رسید و سومی هم از کار برکنار گردید. از سال چهل‌وهفت به این‌طرف هم که حدود سی و چند سال، بعثی‌ها بر سرِ کار بودند که

سخت‌ترین دوران عراق را باید همین دوران، بخصوص دوران حکومت مستقلِ صدّام دانست! ۸۲/۱/۲۲

۴ اکتبر سال ۱۹۸۲

قتل احمد حسن البکر
از ارکان حزب بعث عراق
توسط صدام حسین بعثی/۲

## رهبرانقلاب

صدّام یک شخصیّتی بود که آمریکایی‌ها می‌دانستند -یعنی او رامی‌شناختند؛ شخصیّت‌های سیاسی را می‌شناسند- زمینهٔ یک حرکت خودخواهانه و متکبّرانه و ظالمانه در این آدم وجود داشت؛ به‌طور طبیعی آدم متعرّضِ متجاوزی بود. در هنگام انقلاب هم صدّام رئیس‌جمهور عراق نبود، رئیس‌جمهور عراق فرد دیگری بود -احمد حسن البکر بود- امّا جوری ترتیب دادند که او برود کنار و این بشود رئیس‌جمهور عراق تا وادارش کنند، تشویقش کنند، تهییجش کنند برای اینکه حملهٔ نظامی به ایران بکند. حملهٔ نظامی به ایران هم اوّل به بهانهٔ این بود -یعنی این‌جور می‌گفتند و شعار می‌دادند- که می‌خواهند مناطق نفت‌خیز را از ایران جدا کنند و به عراق متّصل کنند؛ این‌ها فقط حرف بود؛ بحثِ مناطق نفت‌خیز نبود؛ بحثِ اصلِ حکومت بود، اصلِ انقلاب بود؛ می‌خواستند انقلاب را نابود کنند. آمریکا و اروپای قدرتمند -حالا کشورهای درجهٔ دو و سهٔ اروپا اهمّیّتی نداشتند امّا اروپای اصلی یعنی انگلیس، یعنی فرانسه، یعنی آلمان، یعنی ایتالیا،

این کشورهایی که در اروپا موقعیّتی داشتند، توانایی‌ای داشتند- یکسره همه پشت سر صدّام قرار گرفتند و هرچه توانستند به او کمک کردند؛ هرچه توانستند کمک کردند!

۹۶/۱۲/۱۹

۱۸ ماه اکتبر سال ۱۹۷۱

فوت توماس ادیسون

## رهبرانقلاب

گاهی اوقات برخی از روی رگ روشنفکری میگویند فلان شخص هرچند در حوزه تفکر اسلامی نبود، و برای اسلام و هدفش کار نکرده، ولی در جوامع کفر برای ملت خود منشأ خدماتی بوده است، پس چطور ممکن است مشمول رحمت خدا نشود و در عذاب باشد؟ افراد زیادی برای ملت خود خوب و نافع بوده‌اند، اما گناه آنها این بود که فکر اسلامی نداشتند؛ بلکه در مقابل اسلام بوده‌اند. پذیرفته نشدن عمل چنین کسانی در پیشگاه خداوند، امری ممکن است و خودخواهی اسلام هم نیست؛ زیرا تکامل انسانها جز در سایه فکر و ایده و مقررات اسلام تأمین نمی‌شود. بنابراین، کوشش مالی، زمانی مورد قبول خدا است و اثر دارد که با طرز فکر اسلامی انجام گیرد و برای بینش نجات بخش اسلام باشد، نه هر بینش دیگری. خیلی‌ها سؤال می‌کنند، آیا انیشتین یا ادیسون به جهنم می‌روند؟ این از دو حال خارج نیست: اگر قاصر بوده‌اند، نمی‌روند، ولی اگر مقصر بوده‌اند، می‌روند. اینکه فلانی، فلان چیز را کشف کرد، باعث نمی‌شود که بگوییم خدا از تمام مقررات و سنتهای عالم می‌گذرد. نکته دیگری که باید به آن دقت کرد این است که حقی داریم و باطلی. علی،

می‌فرماید: برای هرکدام از این دو اهلی است که باید از هم مشخص باشند. پس اینکه بگوییم فلانی خدمتی کرده، که آن هم معلوم نیست، دلیل پذیرش عمل او نزد خدا نمی‌شود! کتاب تفسیر برائت ص ۳۵۹

۱۹ ماه اکتبر سال ۱۷۴۵ میلادی

## فوت جاناتان سوئیفت ایرلندی
## نویسنده رمان سفرنامه گالیور

### رهبرانقلاب

در هر اجتماعی انسانهای ناامیدی هستند که از هر حرکت اجتماعی که پیش بیاید، مأیوسند. میگوییم: آقا، بیایید این کار را بکنیم. بیایید مدرسه بسازیم، بیایید فلان کار فرهنگی را بکنیم؛ میگویند آقا، فایده‌ای ندارد. مگر می‌شود!؟ در دوران مبارزات در زمان رژیم گذشته این تیپ افراد، از بزرگ‌ترین مشکل‌های ما بودند، این‌ها برای ما از دشمن، دشمن‌تر بودند! برای خاطر اینکه با زبان دلسوزیِ نمی‌شود، افراد را متفرق می‌کردند و نمی‌گذاشتند ما کار کنیم. جوانان را با هزار زحمت جایی جمع می‌کردیم؛ این‌ها می‌آمدند و با آن نفس سردشان، آن‌ها را متفرق می‌کردند. اتفاقاً این تیپ در یکی از کارهای تلویزیون هم هست. همان نمایش سفرنامه گالیور که من کتابش را هم خوانده‌ام. در سفرهای گالیور، یکی از آن چهار تا بچه هست، که هر کاری میگویند، می‌گوید آقا، نمی‌شود. انصافاً صدای خوبی هم برایش انتخاب شده است! هر چه گفته می‌شود، می‌گوید: آقا، فایده ندارد. نمی‌شود. من می‌دانستم! این، یک تیپ مضرّ اجتماعی است! ۷۱/۱۰/۱

## رهبرانقلاب

دشـمنان اصـرار دارنـد وانمود کنند در نظام جمهوری اسلامی، اختلاف هست. یک وقت میگویند: اختلاف بین مسؤولین. یک وقت میگویند: اختلاف بین دست‌اندرکاران نظام. در دایره‌ای وسیع‌تر، یک وقت میگویند: اختلاف بین مردم و مسؤولین. یک وقت میگویند: اختلاف بین مردم! سعی می‌کنند این طور وانمود کنند که اختلاف هست... البته عزیزان من! شما بدانید ما حالا در نماز جمعه این قضایا را این‌طور راحت مطرح می‌کنیم و مردم عزیز ما هم بحمدالله هوشیارند، خودشان متوجّهند و این حرفها را تا اعماق جانشان می‌پذیرند؛ ولی طرف مقابل که استکبار باشد، برای این‌که همان حرف‌ها را جا بیندازد، بیچاره میلیاردها دلار خرج می‌کند؛ میلیاردها! اگر شما بدانید که همین رادیو بی.بی.سی و همین رادیوها و تلویزیون‌های امریکایی و رادیوهای صهیونیستی، چقدر خرج می‌کنند برای این‌که شاید این حرف‌ها را به گوش مردم برسانند تا شاید یک نفر باور کند! «قل هل ننبیّکم بالأخسرین اعمالا، الذّین ضلّ سعیهم فی الحیاة الدّنیا» مصداق کاملش همین‌ها هستند! تلاش می‌کنند، زحمت می‌کشند، می‌نشینند، طرّاحی می‌کنند،

وسایل فنّی مدرن می‌سازند، رادیوها و تلویزیون‌هایشان چه می‌کنند، برای این‌که شاید این حرف‌ها را به گوش مردم برسانند، تا به دل‌های آن‌ها اثر کند! مردم هم، خیلی‌ها که اصلاً اعتنا و اعتماد نمی‌کنند، گوش نمی‌کنند؛ بعضی‌ها هم که می‌شنوند، اکثرش را باور نمی‌کنند. اگر هم کسی اشتباه کرده باشد، با توضیحی که داده می‌شود، در او اثر می‌کند. این هم لطف الهی است. ۷۶/۱۰/۱۲

## رهبرانقلاب

کدام حادثه تلخ یا شیرینی در این مملکت اتفاق افتاده که رادیو امریکا، رادیو بی.بی.سی، رادیو صهیونیست‌ها، حرفی که در آن امیدی برای ملت ایران داشته باشد، زده باشند؟ در هیچ حادثه‌ای از حوادث اول انقلاب تا به حال- حوادث شیرین و حوادث تلخ- اتفاق نیفتاده است که این بوقهای تبلیغاتی یک کلمه بگویند که به نفع ملت ایران باشد؛ در همه حوادث، این‌ها سعی کردند ضربه‌ای بزنند، سوء استفاده‌ای بکنند، اصلی از اصول مورد علاقه مردم زیر سؤال ببرند و به حکومت ضربه تبلیغاتی و ضربه سیاسی بزنند. علی‌ای‌حال، از این‌که دشمن سوء استفاده کند، ما تعجب نکرده‌ایم. ۷۷/۱۰/۱۸

بنده دو سال قبل از این در یکی از خطبه‌های نماز جمعه گفتم که دستگاه‌های استکباری دنیا- و در رأس همه امریکا- از تبلیغات برای ساقط کردن و ایجاد اغتشاش در کشورها استفاده می‌کنند. بعد به آن مراکز تبلیغاتی خطاب کردم و گفتم: ولی بدانید این توطئه که شما بخواهید به‌وسیلهٔ رادیوهایتان در ایران اسلامی، همان برنامه‌هایی را که در اروپای شرقی و در بعضی از کشورهای دیگر به‌وجود آوردید، به‌وجود بیاورید، این نشدنی است؛ این خیال

خامی است. متأسفانه امروز می‌بینم همان دشمنی که به‌وسیلهٔ تبلیغات خود، همتش این بود که افکار عمومی یک کشور را به سمتی متوجه کند، به‌جای رادیوها آمده در داخل کشور ما پایگاه زده است! بعضی از این مطبوعاتی که امروز هستند، پایگاه‌های دشمنند؛ همان کاری را می‌کنند که رادیو و تلویزیون‌های بی.بی.سی و امریکا و رژیم صهیونیستی می‌خواهند بکنند! ۷۹/۲/۱

## رهبرانقلاب

دشمنان تبلیغات می‌کنند که «ایـران با همه کشورها مسأله دارد؛ ایران با همه مشکل دارد!» نه آقا! ایران فقط با دستگاههای سازمان امنیت دولتهای مستکبر دنیا که از کریه‌ترین جاهای آن کشورهاست، مسأله دارد. با همانهایی که همین تبلیغات رسانه‌ای را درست می‌کنند. شما خیال می‌کنید تبلیغات این رادیوهای بیگانه را چه کسی تنظیم می‌کند؟ مثلاً تبلیغات همین بی. بی. سی انگلیسی را چه کسی درسـت می‌کند؟ سـازمان امنیت انگلیس! می‌نشینند برنامه‌ریزی می‌کنند و چیزی را درست می‌کنند. ما یک کشور و ملتی هستیم که یک پیام داریم. جمعیتی هستیم که قـدرت و سابقه و افتخاراتی داریـم. افتخاراتی در گذشته و افتخاراتی در امروز. ۷۲/۱۰/۲۰

یکی از ایرادهائی که ما معمولاً داریم به بعضیها این است که آنچه را که بیگانه بگوید، این را تلقی به قبول می‌کنند؛ آنچه را که خودی بگوید، تلقی با تردید می‌کنند! چرا؟ خوب، خبری را تلویزیون یا رادیـوی بی.بی.سی می‌گوید، ایـن را بعضی‌ها وحی مسلم می‌دانند، مسلم است که این اتفاق افتاده اگر چنانچه تلویزیون جمهوری اسلامی بیاید آنرا نفی کند، آنرا قبول نمی‌کنند، چرا خب؟ این تلقی، تلقی ناسالمی

است؛ این تلقی درستی نیست. این را باید اصلاح کرد. البته شما جوانهای خوب ان‌شاءالله بیائید وارد عرصه‌های گوناگون بشوید، عرصه‌های تبلیغاتی کشور را بگیرید.

۸۸/۸/۲۶

۲ ماه نوامبر سال ۱۹۱۷ میلادی

بیانیه بالفور، نخست‌وزیر انگلیس
برتشکیل رژیم جعلی صهیونیسم/۱

## رهبرانقلاب

عامل و مجرم اصلی فاجعه تشکیل رژیم صهیونیستی، دولت‌های غربی و سیاستهای شیطانی آنها بود. آن روزی که دولتهای فاتح جنگ اوّل جهانی، منطقهٔ غرب آسیا، یعنی قلمرو آسیایی حکومت عثمانی را به عنوان مهم‌ترین غنیمت جنگی، میان خود در کنفرانس پاریس تقسیم می‌کردند، نیاز به یک پایگاه امن در قلب این منطقه را برای تضمین سلطهٔ دائمی خود بیش از پیش احساس کردند. انگلیس از سالها پیش از آن، با طرح بالفور زمینه را آماده کرده و با همفکری زرسالاران یهودی بدعتی به نام صهیونیسم را مهیّای نقش‌آفرینی کرده بود؛ و اکنون زمینه‌های عملی آن فراهم می‌شد. از همان سالها مقدّمات را بتدریج در کنار هم چیدند و سرانجام پس از دوّمین جنگ جهانی با استفاده از غفلت و گرفتاری دولتهای منطقه، ضربهٔ خود را وارد آوردند و رژیم جعلی و دولتِ بدون ملّتِ صهیونیست را اعلام کردند. آماج این ضربه در درجهٔ اوّل ملّت فلسطین و در درجهٔ بعد همهٔ ملّتهای این منطقه بودند! ۹۹/۳/۲

## رهبر انقلاب

اساساً تشکیل دولت صهیونیست در این نقطه از دنیای اسلام، با یک هدفِ بلند مدتِ استکباری بوجود آمد. اصلاً به وجود آوردن این دولت در این نقطه حسّاس که تقریباً قلب دنیای اسلام است - یعنی قسمت غرب اسلامی را که آفریقاست، به قسمت شرق اسلامی که همین خاورمیانه و آسیا و مشرق است، متّصل می‌کند و یک سه راهی است بین آسیا و آفریقا و اروپا - برای خاطر این بود که در بلند مدت، تداوم سلطه استعمارگرانِ آن روز که در رأسشان دولت انگلیس بود، بر دنیای اسلام باقی بماند و اینطور نباشد که اگر یک وقت دولت اسلامی مقتدری مثل دوران‌هایی از حکومت عثمانی، بوجود آمد، بتواند جلوِ نفوذ استعمارگران انگلیسی را در این منطقه بگیرد. لذا یک پایگاه برای خودشان درست کردند.

لذا طبق اسناد تاریخی، تشکیل حکومت صهیونیستی در آنجا، بیش از آنچه که آرزوی مردم یهود باشد، خواست دولت انگلیس بود. شواهدی وجود دارد که در همان زمان بسیاری از یهودی‌ها اعتقادشان این بود که احتیاجی به این دولت نیست؛ این دولت به نفعشان نیست؛ لذا

گریزان بودند. بنابراین، این یک آرزو و ایده یهودی نبود؛ بیشتر یک ایده استعماری و یک ایده انگلیسی بود.

۷۹/۹/۲۵

۷ ماه نوامبر سال ۱۹۸۱ میلادی

فوت فیلسوف و مورخ آمریکایی
مؤلف لذات فلسفه، ویل دورانت

## رهبرانقلاب

یک کار دیگری هم که به نظر من جایش خالی است، نوشته‌هائی دربارهٔ فلسفهٔ تطبیقی است؛ شبیه آن کاری که ویل دورانت در «لذات فلسفه» کرده، که لابد ملاحظه کرده‌اید. «لذات فلسفه» یک کتابی است که با ادبیات خیلی شیوا و شیرینی نوشته شده و مرحوم دکتر عباس زریاب هم ترجمهٔ خیلی خوبی کرده؛ انصافاً خیلی خوش‌قلم ترجمه کرده. این کتاب، مباحثه و مناظرهٔ بین فلاسفهٔ قدیم و جدید غرب است در یک مسئلهٔ خاصی؛ مثل اینکه اینها یک جلسه‌ای تشکیل داده‌اند و دارند با هم بحث می‌کنند؛ هگل یک چیزی می‌گوید، بعد کانت جواب او را می‌دهد، بعد دکارت حرف خودش را میزند؛ همین طور دانه دانه اینها شروع می‌کنند با همدیگر بحث کردن. اگر یک چنین کار شیرین و شیوائی انجام بگیرد، چقدر خوب است. فرض کنید این کار دربارهٔ موضوع «اصالة‌الوجود» انجام بگیرد؛ ملاصدرا یک حرف دارد، همین مرحوم آقا علی حکیم یک حرف دارد، مرحوم جلوه یک حرف دارد؛ بعد، از قدما، شیخ اشراق یک حرف دارد - که منکر این معناست - میرداماد یک حرف دارد. اگر فرضاً اینها با همدیگر بحث

کنند، چقدر چیز قشنگی از آب در می‌آید. این‌ها حکمت را
ترویج می‌کند، و ما امروز به این ترویج احتیاج داریم ۹۱/۱۱/۲۱

۹ نوامبر سال ۱۹۵۳ میلادی

فوت عبدالعزیز بن عبدالرحمن
بنیانگذار حکومت عربستان سعودی

## رهبرانقلاب

توجّه بدهید مردم را به دستهایی که امروز وحدت را می‌شکنند. با مردم هم صریح حرف بزنید. امروز آن دستی که آمریکا علیه وحدت تجهیز کرده، عبارت است از همین دست پلید وهّابیّت. این را همین‌طور صریح به مردم بیان کنید؛ پرده‌پوشی نکنید. از اوّل، وهّابیّت را به وجود آوردند برای ضربه زدن به وحدت اسلام، برای ایجاد یک پایگاهی در بین جامعهٔ مسلمانها؛ همچنان که اسرائیل را به وجود آوردند برای اینکه یک پایگاهی درست کنند علیه اسلام؛ وهّابیّت را و حکومت وهّابیّت را و این رؤسای نجد را هم به وجود آوردند برای اینکه در داخل جامعهٔ اسلامی یک مرکز امنی داشته باشند که به خودشان وابسته باشد؛ و می‌بینید هم که وابسته‌اند. یعنی الان این سلاطین وهّابی که در بقعةالاسلام هستند، اِباء نمی‌کنند از اینکه تصریح کنند به وابستگی خودشان و رفاقت خودشان و طرف‌داری خودشان از سیاستهای دشمنان اسلام یعنی آمریکا؛ این را پوشیده نمی‌دارند، این همان ریشهٔ وهّابیّت است که امروز دارد ثمرهٔ پلید خودش را و ثمرهٔ خبیثهٔ خودش را نشان می‌دهد. و این بر مبنای ایجاد اختلاف بین مسلمین به وجود آمده است! ۶۸/۱۰/۵

۱۰ ماه نوامبر سال ۱۹۸۳

فوت بنیانگذار جمهوری ترکیه
مصطفی کمال پاشا (آتاتورک)

## رهبرانقلاب

شما خیال نکنید آتاتورک در ترکیه با اسلام عناد داشت، نه، اسلام از نظر او منافات داشت با احیاء ملیت تُرک لذا دیدید با اسلام چه کرد! ۵۹/۲/۱۰

شاید اساس مشکل اینستکه ملت‌های اسلامی از هم جدایند. نزدیک به صد سال است که دست‌هایی احساسات ناسیونالیستی را در ملتهای اسلامی تقویت می‌کنند. در کشورهای عربی، احساس ناسیونالیسم عربی را؛ در ترکیه احساس ناسیونالیسم ترکی را؛ در ایران احساس ناسیونالیسم ایرانی را و در سایر ملتهای مسلمان، احساسات ناسیونالیسمی دیگر را. کسانی که این احساسات را در ملتهای اسلامی تزریق کردند، شاید نظر بدی نداشتند؛ اما توجّه نکردند که پان‌عربیسم و پان‌ترکیسم و پان‌ایرانیسم به چه قیمت تمام خواهد شد. توجّه نکردند که تزریق چنین احساساتی به قیمت این تمام خواهد شد که ملتهای یکپارچه، این‌طور از هم‌گسیخته شوند و دشمنان اسلام هر بلایی می‌خواهند بر سر مسلمانان بیاورند. ۷۳/۱۲/۱۱

در دوران پهلوی به کلّی همه چیز از بیخ و بن کنده شد. چون بنای تقلید از اروپاییها و از «مصطفی کمال پاشا» و امثال اینها بود. «مصطفی کمال» چون با دین دشمنی کرده بود، آن احمق ما (رضاخان) هم آمد، با دین بنا کرد دشمنی کردن. یک بی‌عقل، از یک بی‌عقل دیگر، یک خائن، از یک خائن دیگر و یک مزدور، از یک مزدور دیگر درس می‌گرفت. آن دستگاه با دین، با ظاهر و باطنش، با تظاهرش، شخصی‌اش، اجتماعی‌اش، مخالف بود و مبارزه می‌کرد. دستگاه‌هایی که به آنها نزدیک بود، هرچه نزدیکتر بود، باید با دین فاصله می‌داشت. ۷۲/۵/۷

۹ نوامبر سال ۱۹۷۰ م

فوت ژنرال شارل دوگل
رئیس جمهور مقتدر فرانسه

## رهبرانقلاب

آمریکا دچار ضعف است؛ اروپا هم همین جور است. اروپا هم دچار ضعف است. غیر از مسائل اقتصادی و مالی و پولی - که این‌ها ضعف‌های عجیبی است و مردم را خشمگین کرده است - از لحاظ سیاسی هم اروپا امروز دچار ضعف است. من برای شما یک مثال بزنم. دولت فرانسه در دوران ژنرال دوگل که رئیس جمهور فرانسه بود، اجازه نداد که انگلیس وارد اتحادیهٔ اروپا بشود. چرا؟ گفتند انگلیس وابستهٔ به آمریکاست؛ نوع ارتباطات انگلیس و آمریکا، اتحادیهٔ اروپا را از استقلال می‌اندازد. دوگل نگذاشت که انگلیس وارد اتحادیهٔ اروپا شود، به خاطر ارتباط و اتصال و وابستگی به آمریکا. این مربوط به آن روز فرانسه است. این آقائی که امروز در فرانسه سر کار است، حرفهای آمریکا را رله می‌کند؛ همان حرفهائی را که آن‌ها می‌خواهند، آنچه که در دل آنهاست، تکرار می‌کند؛ شده تابع محض! خب، این ضعف است. کار اروپا به اینجا رسیده است. این فرانسه است؛ کشورهای دیگر اروپائی هم به طریق اولی همین طورند. این ضعف این دستگاه‌هاست! ۹۰/۱۱/۱۴

۱۰ ماه نوامبر سال ۱۹۸۳

## فوت بنیانگذار جمهوری ترکیه مصطفی کمال پاشا (آتاتورک)

### رهبرانقلاب

شما خیال نکنید آتاتورک در ترکیه با اسلام عناد داشت، نه، اسلام از نظر او منافات داشت با احیاء ملیت تُرک لذا دیدید با اسلام چه کرد! ۵۹/۲/۱۰

شاید اساس مشکل اینستکه ملت‌های اسلامی از هم جدایند. نزدیک به صد سال است که دست‌هایی احساسات ناسیونالیستی را در ملتهای اسلامی تقویت می‌کنند. در کشورهای عربی، احساس ناسیونالیسم عربی را؛ در ترکیه احساس ناسیونالیسم ترکی را؛ در ایران احساس ناسیونالیسم ایرانی را و در سایر ملتهای مسلمان، احساسات ناسیونالیسمی دیگر را. کسانی که این احساسات را در ملتهای اسلامی تزریق کردند، شاید نظر بدی نداشتند؛ اما توجّه نکردند که پان‌عربیسم و پان‌ترکیسم و پان‌ایرانیسم به چه قیمت تمام خواهد شد. توجّه نکردند که تزریق چنین احساساتی به قیمت این تمام خواهد شد که ملتهای یکپارچه، این‌طور از هم‌گسیخته شوند و دشمنان اسلام هر بلایی می‌خواهند بر سر مسلمانان بیاورند. ۷۳/۱۲/۱۱

در دوران پهلوی به کلّی همه چیز از بیخ و بن کنده شد. چون بنای تقلید از اروپاییها و از «مصطفی کمال پاشا» و امثال اینها بود. «مصطفی کمال» چون با دین دشمنی کرده بود، آن احمق ما (رضاخان) هم آمد، با دین بنا کرد دشمنی کردن. یک بی‌عقل، از یک بی‌عقل دیگر، یک خائن، از یک خائن دیگر و یک مزدور، از یک مزدور دیگر درس می‌گرفت. آن دستگاه با دین، با ظاهر و باطنش، با تظاهرش، شخصی‌اش، اجتماعی‌اش، مخالف بود و مبارزه می‌کرد. دستگاه‌هایی که به آنها نزدیک بود، هرچه نزدیکتر بود، باید با دین فاصله می‌داشت. ۷۲/۵/۷

۱۱ نوامبر سال ۱۹۱۸ م

## پایان جنگ جهانی اول
## آغاز تجزیه کشورهای اسلامی
## و آغاز تشکیل رژیم صهیونیستی

### رهبرانقلاب

جنگ اول و دوم جهانی میوه تلخ جدایی دین از سیاست است! ۸۳/۳/۱۴

من تاریخ اروپا را تا حدود زیادی ورق زده‌ام و نگاه کرده‌ام. حداقل در این صد سال، همین اروپاییها، دو جنگ جهانی پر از مفسده به وجود آوردند! ۷۶/۲/۱۰

شما اروپا را در چهره‌های بزک کردۀ اتو کشیدۀ کراوات بستۀ ادکلن زده نبینید، حقیقت اروپا در جنگ جهانی اول و دوم است! ۷۳/۱۱/۳

آنروزیکه فاتحان جنگ جهانی اول، منطقۀ غرب آسیا، یعنی قلمرو آسیایی حکومت عثمانی را به عنوان مهمترین غنیمت جنگی، میان خود در کنفرانس پاریس تقسیم می‌کردند، نیاز به یک پایگاه امن در قلب این منطقه را برای تضمین سلطۀ دائمی خود بیش از پیش احساس کردند. انگلیس از سالها پیش از آن، با طرح بالفور زمینه را آماده کرده و با همفکری زرسالاران یهودی بدعتی به نام صهیونیسم را مهیّای نقش‌آفرینی کرده بود؛ و اکنون

زمینه‌های عملی آن فراهم می‌شد. از همان سالها مقدّمات را بتدریج در کنار هم چیدند و سرانجام پس از دوّمین جنگ جهانی با استفاده از غفلت و گرفتاری دولتهای منطقه، ضربهٔ خود را وارد آوردند و رژیم جعلی و دولتِ بدون ملّتِ صهیونیست را اعلام کردند. آماج این ضربه در درجهٔ اوّل ملّت فلسطین و در درجهٔ بعد همهٔ ملّتهای این منطقه بودند. ۹۹/۳/۳

۱۱ ماه نوامبر سال ۲۰۰۴ میلادی

## ترور یاسر عرفات خائن سازشکار
## رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین

### رهبرانقلاب

این‌جور نیست که اگر چنانچه دست قدرت در مقابل صهیونیست‌ها نشان ندهیم، آن‌ها به کسی رحم کنند، آن‌ها یاسر عرفات را که این همه با صهیونیست‌ها همراهی کرد، نتوانستند تحمل کنند، تحقیرش کردند، مسمومش کردند، نابودش کردند! ۹۳/۵/۱

خیانت این کسانیکه به‌نام فلسطینی‌ها این کار مذاکره را انجام می‌دهند، از همه خیانتهایی که تا امروز به فلسطین شده، زشت‌تر و سهمگین‌تر و بدتر است! هیچ کاری هم برای آن مردم، نه کردند و نه می‌توانند بکنند. یک نویسنده فلسطینی عربِ ساکن امریکا نوشته است که این دارودسته عرفات هنوز نتوانسته‌اند زباله‌های شهر غزّه را از خیابانها جمع کنند؛ اما در همین مدّت، پنج سازمان امنیتی و اطّلاعاتی تشکیل دادند که جاسوسی مردم را می‌کنند! این شد دولت فلسطین!؟ این شد بازگشت مردم فلسطین!؟ این شد احقاق حقّ فلسطین!؟ این‌قدر اینها بی‌شرمند! همان وقتی که این شخص، اوّلین مذاکرات را با اسرائیلیها کرد، من گفتم او، هم خائن است و هم احمق! اگر خائن بود، اما عاقل بود، بهتر از این عمل می‌کرد! ۷۸/۱۰/۱۰

۲۰ نوامبر سال ۱۹۱۰ م

درگذشت لئو تولستوی
رمان نویس شهیر روسی/۱

## رهبرانقلاب

دورهٔ سختی برای یک کشور - چه سختی جنگ باشد، چه سختی اقتصادی باشد، چه فشارهای گوناگون سیاسی باشد - دورهٔ نشان دادن ظرفیت‌هاست؛ که این ملت چقدر ظرفیت دارد، چقدر قابلیت اظهار وجود دارد، چقدر لیاقت بقا دارد. لذا بهترین آثار هنری هم که انسان نگاه می‌کند، یا بخش‌های زیبای بهترین آثار هنری، مربوط به همین دوره‌های این کشورهاست. شما به آثار داستانیی که وجود دارد، اگر نگاه کنید، شیرین‌ترین و هنرمندانه‌ترین نوشته‌های هنری و رمانهای بزرگ مربوط به بخش‌هایی است که ملتی دارد کار بزرگی از این قبیل انجام می‌دهد. «جنگ و صلح» تولستوی مربوط به مقاومت عجیب مردم روسیه است در مقابل حملهٔ ناپلئون و حرکت عظیمی که مردم مسکو انجام دادند برای ناکام کردن ناپلئون. تولستوی کتابهای دیگری هم دارد، اما به نظر من این کتاب برجستگیاش به خاطر این است که کاملاً بر محور روح دفاع مردم روسیه است. ۸۴/۶/۳۱

۲۰ نوامبر سال ۱۹۱۰ م

درگذشت لئو تولستوی
رمان نویس شهیر روسی/۲

## رهبرانقلاب

داستان که فقط گزارش نیست؛ چفت و بند داستانی هم مهم است. اهمیت «جنگ و صلح» تولستوی، یا «دُن آرام» شولوخف، به خاطر این است که چفت و بند داستانی اینها خیلی محکم است! ۷۰/۱۲/۵

در همه آثار داستانی گذشتهٔ ما، یک اثر مثل «بینوایان» ویکتورهوگو، یا مثل «جنگ و صلح» تولستوی پیدا نمی‌کنید. این آثار، مثل کاخهای بسیار پرشکوه و باعظمتی است که نظیرشان وجود ندارد. قرن نوزدهم، خیلی نویسنده دارد. شما ببینید روسیه چقدر نویسنده دارد؛ فرانسه چقدر نویسنده دارد! باید گشت و عواملش را پیدا کرد که علت چیست؟! ۷۱/۴/۲۲

در مقوله‌های سینما و فیلمنامه، شما ملاحظه بفرمایید ببینید ما چقدر کمبود داریم! مثلاً ما یک داستان بلند قابل مقایسه با داستانهای بلند معروف دنیا، در داخل کشورمان نداریم. اگر هست، اسم بیاورید. این، مقولهٔ جدیدی برای ما نیست. ما از قرنها پیش قصه و قصه‌نویسی داریم. «امیرارسلان» یک قصه است.

«هزارویک‌شب» یک داستان است. از قدیم، از این قبیل داستانها مواردی داریم؛ اما پیش نرفتیم و حرکتی نکردیم. بعضی البته سعی کرده‌اند داستان بلند بنویسند و نوشته‌اند. ظاهر و رنگ و لعابش هم بد نیست. اما این داستانها، اصلاً قابل مقایسه با داستانهای بلندی که امروز در دنیا مطرح است - مثلاً فرض بفرمایید با «بینوایان»، با «جنگ و صلح» تولستوی، یا داستانهایی که برای انقلاب شوروی نوشته‌اند - نیست! ۷۱/۹/۴

۲۰ نوامبر سال ۱۹۱۰ م

درگذشت لئو تولستوی
رمان نویس شهیر روسی/۳

## رهبرانقلاب

ما در زمینه‌های سینما و نمایشنامه انصافاً خیلی کمبود و نقص داریم. شما هم در گزارشتان همین را نوشته‌اید؛ من هم تصدیق می‌کنم. زمینه‌های داستانی در کشور و تاریخ ما - البته در بخشها و رشته‌هایی خاص - زیاد است؛ اما در زمینهٔ تئاتر و نمایش، نه. تئاتر اروپاییها و یونانیها و رومیها کجا و تئاتر ما کجا! آن‌ها از دو هزار و سیصد، چهار صدسال پیش، نمایش حی و حاضر زنده دارند که همین حالا هم که انسان نمایشنامه‌شان را می‌خواند، متوجه قوت کارشان می‌شود. شک نیست که آنها در این زمینه‌ها خیلی از ما جلوترند؛ کمااین‌که در زمینهٔ نثر و قصه‌ها و رمانهای بلند هم، دست ما خالی است و چیزی نداریم. ما هیچ رمان بلندی که قابل عرضه و قابل مقایسه با رمانهای بلندی که در دویست سال اخیر - بخصوص در قرن نوزدهم - در دنیا نوشته شده است، نداریم. شما ببینید چقدر رمان در قرن نوزدهم نوشته‌اند! واقعاً من تعجب می‌کنم از این‌که فرانسویها و روسها در قرن نوزدهم شاید دهها رمان درجهٔ یک تولید کردند! البته تعجب دیگر هم این است که همانها، در قرن بیستم دیگر چنان رمانهایی تولید نکردند!

مثلاً ما نظیر «بینوایان» را در آثار قرن بیستم نداریم. یا مثل «جنگ و صلح» تولستوی را دیگر نداریم. آثاری همچون آثار نویسندگان فرانسوی در قرن نوزدهم، انصافاً همه در حد اعلاست! ۷۱/۱۰/۲۹

۲۰ نوامبر سال ۱۹۷۵

فوت ژنرال فرانکو

## رهبرانقلاب

ما وقتی که با رژیم پهلوی مبارزه می‌کردیم، از کوچکترین حرکتی که در دنیا در جهت ضربه به جبههٔ وسیع استکبار اتّفاق می‌افتاد، احساس قوّت می‌کردیم. شاید شما تعجّب کنید!، بنده به یاد دارم وقتی «سالازار»، دیکتاتور پرتغال مُرد - او یکی از دیکتاتورهای معروف دنیا بود - ما در این‌جا خوشحالی کردیم! پرتغال کجا ایران کجا! اصولاً «سالازار» چه ارتباطی با ما داشت!؟ ما احساس قوّت کردیم و گفتیم یکی از آنها رفت. در دوران مبارزات، «ژنرال فرانکو» دیکتاتور اسپانیا مُرد؛ ما در این‌جا شادی کردیم. اغلب قضایا به هم وصل است. وقتی یکی از رژیمهای عربی کودتایی در داخل کشورش به وجود آورد و اعلام کرد «ما مسلمانیم و می‌خواهیم بر اساس اسلام حکومت کنیم» با این‌که افسرِ جوانی بود و از اسلام هم چیزی نمی‌فهمید - اصولاً اسلامی که می‌توانست بفهمد، با اسلامی که ما می‌فهمیدیم خیلی تفاوت داشت - درعین‌حال ما در این‌جا احساس قوّت و قدرت کردیم. ۷۴/۶/۲۰

۲۲ ماه نوامبر سال ۱۹۴۳ میلادی

استقلال لبنان از استعمار فرانسه/۱

## رهبرانقلاب

در فلسفه و منطق نیروهای مسلّحِ نظام جمهوری اسلامی ایران تجاوز وجود ندارد. امّا شما به ارتشهای کشورهای استکباری در همین صد سال اخیر نگاه کنید -که حالا این صد سال اخیر که میگویم، خود این حقیر بخش مهمّی از این صد سال را اطّلاع دارم، از نزدیک شاهد بودیم یعنی در زمان ما اتفاق افتاده- ردّ پای جنایات ارتش‌های قدرت‌های استکباری در این صد سال تقریباً در همه جای دنیا مشاهده می‌شود. فرانسوی‌ها که امروز صدای مباحث حقوق بشری‌شان و دموکراسی‌خواهی‌شان و امثال اینهایشان گوش فلک را کَر می‌کند، آن قدر جنایت در شمال آفریقا، در الجزایر، در مراکش، در تونس انجام دادند! در شرق آسیا در ویتنام قبل از آنکه آمریکایی‌ها وارد ویتنام بشوند، فرانسوی‌ها آنجا جنایت کردند، جنایات بسیاری انجام دادند؛ در منطقهٔ شرق آسیا آمدند جنایت کردند؛ در همین سوریه و لبنان فعلی، ارتش فرانسه جنایات عجیبی انجام داده؛ آن قدر فشار بر این مردم وارد کرده! این‌ها مال این صد سال اخیر است. خاصیّت ارتش‌های استکباری یک چنین خاصیّتی است. ۹۸/۸/۸

توجه؛

کتاب لبنان نوشته دکتر شهید مصطفی چمران، گزیده‌ای از مجموعه سخنرانی‌ها و دست نوشته‌های ایشان در مورد لبنان است. شهید چمران در این کتاب حقایقی را درباره لبنان بیان می‌کند که در کمتر کتابی درباره تاریخ لبنان گفته شده است!

## رهبرانقلاب

این کتاب سرگذشت فلسطین و کتابهای فراوان دیگری را که در باب مسألهٔ فلسطین است، بخوانید. ببینید صهیونیستها این نقطهٔ بسیار مهمِّ خاورمیانه را با چه ترفندهایی به‌دست آورده‌اند! اوّل رفتند زمینهای فلسطینی‌ها را خریدند - البته عدّه‌ای یهودی آن‌جا بودند و انگلیسیها آن‌جا قیمومیت داشتند - هدف این بود که آن‌جا را بگیرند. هدف را اوّل در آن کنگرهٔ بزرگ صهیونیزم - در سال ۱۸۹۷ - مشخّص کردند که باید سرزمین فلسطین گرفته شود. این‌جا نکتهٔ اساسی است. آن‌وقت هنوز امریکا مطرح نبود؛ برای انگلیسیها هم مهم بود که این نقطه را بگیرند. به یاد بیاورید که آن روز، هنوز کشور عثمانی بود و انگلیسیها در این منطقه، جای پایی نداشتند. بعد از جنگ بین‌الملل اوّل، کشور عثمانی از هم پاشیده شد. آن وقت اردن و عراق و مصر و حجاز و غیره، در واقع تحت قیمومت و حمایت انگلیسیها درآمد. لبنان و سوریه و اینها هم در اختیار فرانسه قرار گرفت - فاتحین جنگ بین‌الملل، تقسیم کردند - لیکن آن روزی که بحث گرفتن سرزمین فلسطین و گذاشتن یهودیها و صهیونیستها در آن مطرح شد، هنوز این خبرها نبود. برای انگلیسیها خیلی مهم بود که این‌جا یک جا پا داشته باشند. ۷۷/۱۰/۲۴

## رهبرانقلاب

اگر کسی در مسائل جهان غرب، امروز تأمل کند و مشکلات آنها را مطالعه بکند، خواهد فهمید که رأی اکثریت را یک دستهٔ مخصوصی از مردم به وجود می‌آورند: باندهای اقتصادی، سیاسی، در بعضی از کشورها مثل آمریکا، باندهای قوی صهیونیستی. اگر ریشهٔ آزادی غربی را بخواهید پیدا کنید، یعنی آنی که در قرن ۱۸ در فرانسه پایه‌گذاری شد و در آمریکا و اروپا و بقیهٔ مناطق تحت تأثیر فرهنگ غرب رواج پیدا کرد، ریشهٔ این آزادی عبارت است از خواست طبقات ممتاز جامعه، سرمایه‌دارها، صاحبان کارتل‌ها و تراستهای فعال اقتصاد بین‌المللی، شرکت‌های چند ملیتی، آنهائی که وقتی لازم می‌دانند که یک فردی بر سر کار بیاید، رئیس جمهور بشود تا نقشه‌های اقتصادی آنها را پیاده بکند، تمام امکاناتشان را صرف می‌کنند و رسانه‌های عمومی را استخدام می‌کنند که در اختیار خودشان هم غالباً هست و به کار می‌اندازند، برای اینکه افکار عمومی را به سمت فلان حزب یا فلان شخص معطوف کنند و رأی مردم را سرازیر کنند به سمت آن شخص مورد نظرشان. امروز در عرف سیاست دنیا این یک چیز روشن است که در آمریکا اگر کسی با کمپانیهای بزرگ و باندهای اقتصادی

معروف و قوی در بیفتد، آیندۀ سیاسی او به خطر خواهد افتاد، حزب او در انتخابات پیروز نمی‌شود، خود او سر کار نمی‌آید. اگر سرکار آمد، بر خلاف خواسته‌های آنها عمل کرد، او را از اریکۀ قدرت به زیر می‌آورند یا ترور می‌کنند یا یک بازی‌ای سرش در می‌آورند، کما اینکه در آن نظام و آن رژیم از این قبیل حوادث گاه گاه اتفاق افتاده و همه شاهدش بودند. ۶۵/۱۰/۱۹

## رهبرانقلاب

به ظاهرِ این رؤسای جمهور آمریکا نگاه نکنید، به هارت و هورت‌شان نگاه نکنید؛ این‌ها در مقابل سیاستهای القاء شده از طرف کارتل دارهای عظیم جهانی -که عدّه‌ای‌شان هم آمریکایی‌اند و عدّه‌ای‌شان هم صهیونیستند- از خودشان هیچ اراده‌ای ندارند؛ اگر آمد یک را بکند دو، سرش را زیر آب می‌کنند؛ که یک مواردی را شماها در همین عمر خود دیده‌اید؛ در همین مقداری که من و شما یادمان است، از رؤسای جمهور آمریکا یکی (کِنِدی) کشته شد، یکی (نیکسون) هم با یک افتضاحی کنار رفت. این‌ها عادّی نیست؛ همهٔ اینها دست آن کسانی است که دارند پشت پرده را اداره می‌کنند! ۶۸/۱۲/۵

توجه؛

به موجب «قانون گردآوری اسناد ترور جان اف کندی» مصوب سال ۱۹۹۲، همه اسناد ترور باید ظرف ۲۵ سال - یعنی تا اکتبر ۲۰۱۷ - منتشر می‌شدند، اما بر اساس این قانون، در مواردی که نگرانی‌های مربوط به امنیت ملی مهم‌تر از منفعت عمومی در انتشار اسناد است، به تعویق انداختن انتشار اسناد مجاز دانسته شده است. از این رو

بخشی از اسناد قتل کندی که قرار بود امروز ۲۲ نوامبر ۲۰۲۱ منتشر شود، هفته گذشته توسط بایدن لغو شد!

۲۵ ماه نوامبر سال ۲۰۱۶

## درگذشت مبارز ضد آمریکایی
## رهبر انقلاب کوبا، فیدل کاسترو

**رهبرانقلاب:**

فیدل کاسترو یک ضدآمریکایی مردمی است، حکومت کوبا که در قلب آمریکا و زیر گوش آمریکاست با آن همه دشمنی که آمریکا دارد هنوز سرجایش ایستاده است، چون بطور نسبی یک اتکائی به مردم دارد و مردم هم فیدل کاسترو را می‌شناسند و من که از نزدیک با او مفصل صحبت کردم اخلاقاً یک آدم مردمی است و اینکه هنوز نتوانستند با او کاری بکنند به خاطر این است که متکی به مردم است. گرچه بر اثر تبلیغات روی افکار عمومی و بر اثر فشار اقتصادی ممکن است او را هم از پای درآورند و نهایتاً هم این کار را می‌کنند! ۷۱/۳/۶

فیدل کاسترو

شما مردم ایران دوچیز بزرگ دارید که اگر در اختیار ما بود کل قاره آمریکا را فتح می‌کردیم، یکی اسلام و دیگری خمینی؛ آقای خامنه‌ای باهمه رهبران دنیا فرق دارد، او رنگ و بوی خمینی را داردکه بدون کودتا آمریکا را زمین زد! ۶۵/۶/۱۲

۲۸ ماه نوامبر سال ۱۹۲۱

فوت رهبر فرقه بهاییت
مدعی نبوت و الوهیت
حامی رژیم صهیونیستی
عبدالبهاء، عباس افندی/

## امام خمینی

طایفهٔ ضالّه بهاییت، کافر و نجس هستند و ازدواج با آنها جایز نیست و به حمام مسلمین نباید وارد شوند. ۴۲/۳/۱

آقایان بترسید از این بهائیها، این‌ها یک جانورهایی‌اند، دستگاه بهاییت دستگاه جاسوسی یهود است! ۴۱/۹/۲۰

والله من خیر شما را می‌خواهم، من می‌ترسم یک روزی چشمهایتان را باز کنید و این بهاییت هستی شما را از بین ببرند، من از این می‌ترسم، من یک روز اینها را از بین می‌برم! ۴۳/۶/۱۸

اسلام و مذهب مقدس جعفری سدی است در مقابل اجانب و عمال دست نشاندهٔ آنها لهذا قرنهاست که با نیرنگهای مختلف برای شکستن این سد نقشه می‌کشند، گاهی از راه مسلط کردن عمال خبیث خود بر کشورهای اسلامی و گاهی از راه ایجاد و ترویج مذاهب باطله بابیت و بهاییت و وهابیت برای شکست وحدت اسلامی و کوبیدن قرآن کریم و روحانیت در ایران که مهد تربیت اهل بیت عصمت و طهارت است! ۵۶/۵/۱

۲۸ ماه نوامبر سال ۱۹۲۱

فوت رهبر فرقه بهاییت
مدعی نبوت و الوهیت
حامی رژیم صهیونیستی
عبدالبهاء، عباس افندی/۲

## رهبرانقلاب

اینکه شما ملاحظه می‌کنید از سالهای دههٔ ۶۰، از دوران حیات بابرکت امام، چه دشمنان بیرونی و چه مزدوران یا نوکران بیمزد و منت آنها از داخل، مقدسات دینی را، حقایق دینی را، بیّنات اسلامی را مورد تردید و انکار قرار دادند، این یک چیز تصادفی نبوده است؛ روی تضعیف دین در جامعه تکیه داشته‌اند. این مسئله از ماجرای سلمان رشدی آغاز شد تا فیلمهای ضد اسلام هالیوودی، تا کاریکاتورها، تا قرآن‌سوزی، تا حوادث گوناگونی که علیه اسلام در این گوشه و آن گوشه اتفاق افتاد، برای اینکه ایمان مردم را به اسلام و مقدسات اسلامی کم کنند. در داخل کشور، از طرق مختلف، پایه‌های ایمان مردم، بخصوص نسل جوان را متزلزل کنند؛ از اشاعهٔ بی‌بندوباری و اباحیگری، تا ترویج عرفانهای کاذب - جنس بدلی عرفان حقیقی - تا ترویج بهائیت، تا ترویج شبکهٔ کلیساهای خانگی؛ این‌ها کارهائی است که امروز با مطالعه و تدبیر و پیش‌بینی دشمنان اسلام دارد انجام می‌گیرد؛ هدفش هم این است که دین را در جامعه ضعیف کند. ۸۹/۷/۲۷

۳ ماه دسامبر سال ۱۸۹۴ م

فوت رابرت لویی استیونسون
نویسنده رمان دکتر جکیل و آقای هاید

## رهبرانقلاب

داستان‌های علمی، تخیلی، واقعاً هم مهم است. این علمی، تخیلی‌ها الان در دنیا یک فصل بسیار بازی شده است. این که این داستانها باید به عقل نزدیکتر باشد؛ نه، چیزهایی وجود دارد که از ذهن خیلی هم دور است؛ حتی در آن کتابهایی که به فارسی هم ترجمه شده و من دیده‌ام، چیزهایی وجود دارد که از عمل خیلی هم دور است؛ یعنی به نظر می‌رسد که هنوز علم بشر به آن‌جا نرسیده، من چند سال پیش کتابی خواندم که به یک آدم دو شخصیتی پرداخته بود؛ انسانی که دوایی را می‌خورد و می‌شود «مستر هاید». این، شخصیت بعدی و دوم اوست؛ شخصیت اول او، یک آدم خیلی خوب و خوش طینت است؛ وقتی که «مستر هاید» می‌شود، آدم بدِ بدجنسِ خبیثِ پنهانکاری می‌شود. غرض این است که آوردن این چیزها در رادیو و مطرح کردن با مردم، اگر با گزینش صحیحی همراه باشد، آثار بسیار مثبت و خوبی دارد! ۷۰/۱۱/۱۵

۵ ماه دسامبر سال ۱۸۷۰ م

فوت الکساندر دوما (پدر)
رمان‌نویس شهیر فرانسوی

## رهبرانقلاب

در بین شیوه‌های بیان هنری، اصلاً نمی‌شود شبیه رمان چیزی پیدا کرد! ۷۲/۷/۲۵

رمان را برای این نمی‌نویسند که کسی سرگرم بشود؛ رمان پیام دارد، رمان نحوه زندگی را به خواننده‌اش تعلیم می‌دهد! ۷۷/۱۰/۲۴

من در اثر کثرت مطالعه رمانهای گوناگون در طول سالیان عمرم که شاید هزاران قصه از بهترین نویسندگان دنیا باشد، می‌توانم درباره‌شان نظر بدهم! ۷۰/۱۰/۱۳

از شیفتگیهای و لذاتهای من، مطالعه کتابهای داستان و رمانهای مشهور جهان و ایران است، من همه رمان ۱۰ جلدی (پاراداینها) که میشل زواکو نوشته را خوانده‌ام، همچنین رمانهای الکساندر دوما هم پدر و هم پسر را خوانده‌ام، خواندن این رمانها تأثیر محسوسی در ذهن و شیوه نگارش انسان دارد! خون دلی که لعل شد ص ۲۹

۵ دسامبر سال ۱۹۷۴

فوت زاهاریا استانکو
رمان‌نویس رومانیایی

## رهبرانقلاب

رمان نویس معروف رومانیایی زاهاریا استانکو کتابی دارد؛ نمی‌دانم شماها خوانده‌اید یا نه. من این کتاب را سالها پیش خوانده‌ام. داستان، مربوط به اشغال بخارست توسط آلمانیهاست. یک عده مبارزه می‌کنند و بالاخره هم پیروز می‌شوند یک عده هم در داخل فرصت طلبی می‌کنند و اشغالگر اولین ضربه را به اینها میزند. این، تصویر را ما امروز در مقابل خود داریم. واقعه‌یی است که در حال حاضر هم دارد اتفاق میافتد. الان منطقه خاورمیانه، حکم همان شهری را دارد که دشمن آن را اشغال کرده یا در حال اشغال است. الان اشغالگر - مثل همان اشغالگری که بخارست یا پاریس یا فلان کشور را تصرف کرده بود - در حال اشغال تدریجی است. این اشغالگر فقط امریکا نیست طبقه‌یی است که دولت امریکا و دولتهای دیگر را به قدر قدرتش دارد هدایت می‌کند. که اگر بخواهیم در یک عبارت برای اینها اسم معین کنیم، باید بگوییم «زرسالارانِ اقتدارطلب». هدفشان هم سیطره بر منابع حیاتی و مالی همه دنیاست. ۸۳/۹/۱۱

۵ دسامبر ۲۰۱۳ م

فوت نِلسون ماندِلا
رهبر کنگره ملی آفریقا
حامی امام و انقلاب اسلامی
اولین رئیس جمهور آفریقای جنوبی
مبارز ضد آپارتاید در آفریقای جنوبی ۱/

## رهبر انقلاب

با استمرار مبارزات ماندلا و مردم آفریقای جنوبی، آن رژیم ظالم و ضد بشری از بین رفت و ماندلا با این کار، در واقع روح تازه‌ای به صحنهٔ مبارزاتی کل آفریقا دمید! ۹۵/۲/۵

## نلسون ماندلا

انقلاب اسلامی ایران تحت رهبری امام خمینی امیدهای فراوانی را برای قیام مردم آفریقای جنوبی در مبارزه علیه بی عدالتی به همراه داشته است و بدون تردید تاریخ هرگز نقش ایران اسلامی را فراموش نخواهد کرد. ملاقات با رهبر انقلاب بزرگی که جهان را تحت تأثیر قرار داده است برای من امیدبخش و موجب افتخار بزرگی است ومردم آفریقای جنوبی اکنون برای شنیدن گزارش دیدارهای من با رهبر بزرگ انقلاب و مقامات عالی‌رتبهٔ جمهوری اسلامی ایران به انتظار نشسته‌اند. ۷۱/۴/۳۱

امام خمینی نه تنها رهبری بزرگ برای ایران بود، بلکه رهبری

برای تمامی نهضت‌های آزادی‌بخش جهان به شمار می‌رفت و چالش بسیار عظیمی که او در مبارزه با یکی از طاغوت‌های زمان انجام داد، گویای شجاعت ستایش برانگیزی است که فقط ایشان می‌توانست از خود نشان دهد و این افتخار بزرگی بود که توانستم برای دومین بار در کنار مرقد امام خمینی حاضر شوم و به ایشان ادای احترام کنم. ما خود را مدیون انقلاب اسلامی می‌دانیم و مراتب تقدیر و تشکر خود را از رهبر انقلاب و ملت و دولت ایران اعلام می‌کنیم.

۷۸/۷/۲۵

۵ دسامبر ۲۰۱۳ م

فوت نِلسون ماندِلا
رهبر کنگره ملی آفریقا
حامی امام و انقلاب اسلامی
اولین رئیس جمهور آفریقای جنوبی
مبارز ضد آپارتاید در آفریقای جنوبی/۲

## رهبرانقلاب

«نلسون ماندلا» قبل از آن‌که در آفریقای جنوبی به پیروزی برسد - زمانی که تازه از زندان آزاد شده بود - به ایران آمد و با من ملاقات کرد. من به او گفتم، ما تجربه‌ای داریم که گمان می‌کنم در کشور شما هم قابل عمل باشد؛ و آن تجربه عبارت است از این‌که انسانهای داوطلب - که اکثریت جمعیت کشور ما را تشکیل می‌دادند - زن و مرد، با جسمِ خودشان به خیابانها آمدند، نه با مشتشان، نه با سلاحشان، بلکه با تنِ خودشان آمدند؛ لذا نظام طاغوت را منفعل کردند و او هم دید نمی‌تواند بایستد. گفتم به نظر من این الگو در آفریقای جنوبی قابل عمل است. او سری تکان داد. بعد از رفتن او، یکی دو ماه طول نکشید که خبرهای تظاهرات عظیم مردمی در آفریقای جنوبی را در روزنامه‌ها خواندیم! من فهمیدم که این بذر، سبز شد؛ عین همان وضعیت ایران. تمام خیابانهای شهرهای بزرگ آفریقای جنوبی از سیاهان پُر شد و یک عدّه از سفیدپوستها هم آمدند و همراه با آنها راهپیمایی

کردند و گفتند ما هم با حکومت تبعیض نژادی مخالفیم! نتیجه نیز همان شد؛ یعنی کسی که در رأس بود، دید اصلاً نمی‌تواند کاری بکند. اوّل رفت و کس دیگری را جای خودش گذاشت؛ او هم دید نمی‌تواند؛ لذا در یک انتقال قدرت آرام، حکومت را به دست سیاهپوستان دادند و خود «ماندلا» هم رئیس‌جمهور شد! این حادثه تقلیدشدنی و این الگوی ملتها برای آزادیخواهی، به وسیله جوان ایرانی در دهه‌های پنجاه و شصت اتّفاق افتاد. ۸۰/۲/۱۲

۵ دسامبر ۲۰۱۳ م

فوت نِلسون ماندِلا
رهبر کنگره ملی آفریقا
حامی امام و انقلاب اسلامی
اولین رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی
مبارز ضد آپارتاید در آفریقای جنوبی/۳

## رهبرانقلاب

ما از اول انقلاب گفتیم دو رژیم را اصلاً قبول نداریم؛ یکی رژیم صهیونیستی، یکی هم رژیم نژادپرستِ آفریقای جنوبی بود؛ همین‌هایی که امروز در دنیا دم از حقوق بشر و این حرف‌ها می‌زنند، هم با این رژیم، هم با رژیم آفریقای جنوبی تا آن لحظهٔ آخر ارتباط داشتند؛ یعنی رژیمی که یک گروه کوچک سفیدپوست بر یک جمعیّت میلیونیِ سیاه‌پوستِ صاحبِ سرزمین، مسلّط بودند؛ این سفیدپوست‌ها از انگلیس رفته بودند، انگلیسی بودند در اصل؛ سالهای متمادی، شاید قریبِ صد سال بر این کشور مسلّط بودند؛ ما گفتیم ما این را قبول نداریم. آفریقای جنوبی مال مردم آفریقای جنوبی است، نه مال اشغالگران انگلیسی. این آقای نلسون ماندلا که از زندان آزاد شده بود، آمد نشست داخل همین اتاق -قبل از اینکه رئیس‌جمهور بشود- نشستیم، من برایش ماجرای مبارزهٔ امام را گفتم که امام از تیر و تفنگ و کودتا و مانند اینها استفاده نکرد، دل مردم را قانع کرد، مردم با تن خودشان

آمدند در خیابان. هیچ رژیمی نمی‌تواند با مردمی که با تن خودشان شجاعانه می‌آیند در خیابان، مقابله کند و پیروز شود؛ فهمیدم که در دلش تأثیر کرد؛ ماندلا از اینجا که رفت، تظاهرات خیابانیِ آفریقای جنوبی راه افتاد، ادامه پیدا کرد تا وقتی‌که رژیم آپارتاید را ساقط کردند. اسرائیل هم واقعاً رژیم نژادپرست و آپارتاید غاصب کذاب خبیث صهیونیستی است، این هم ساقط خواهد شد! ۹۷/۷/۲

۶ دسامبر سال ۱۹۶۱ م

فوت فرانتس فانون
رمان‌نویس آفریقایی

## رهبرانقلاب

انصافاً وضع محیط جوانی ما، محیط دلنشینی نبود؛ نه برای من که آن وقت طلبه بودم بلکه برای همه جوانان. به جوان اعتنا نمی‌شد. خیلی استعدادها در داخل جوانان می‌مرد. تمام مدت دوره ۱۸ سالگی من در آن تاریخ، با جوانان بود؛ چه جوانان حوزه علمی و تحصیلی دینی و چه جوانان خارج از این حوزه. چیزی که حس می‌کردم این بود که رژیم پهلوی کاری کرده بود که جوانان به سمت ابتذال هویّتی و شخصیّتی می‌رفتند. بیشترین سرگرمی جوانان، به مسائل روزمرّه بود. بعضی در غم نان، مشغول کار سخت بودند، برای این که یک لقمه نان گیر بیاورند و بخورند، که آن هم البته مقداری از درآمدشان صرف خوردن نمی‌شد؛ صرف کارهای حاشیه‌ای می‌شد. شما اگر این کتابهایی را که در دوره جوانی ما درباره امریکای لاتین و آفریقا نوشته شده است، مثل کتابهای «فرانتس فانون» را بخوانید، درمییابید که وضع ما هم همینطور بود. در مورد ایران کسی جرأت نمی‌کرد بنویسد؛ اما در مورد مثلاً آفریقا یا شیلی یا مکزیک راحت می‌نوشتند. من با خواندن این کتاب‌ها می‌دیدم که عیناً وضع ما همینگونه است.

یعنی آن جوان کارگر هم بعد از آن که کار سخت می‌کرد و یکشاهی، صَنّار گیر می‌آورد، نصف این پول صرف عیّاشی و ولگردی و هرزه‌گری و اینطور چیزها می‌شد. این‌ها همان چیزی بود که ما در آن کتاب‌ها می‌خواندیم و می‌دیدیم که در واقعیّت جامعه خودمان هم همین‌طور است. انصافاً دوران پهلوی خیلی بد بود! ۷۷/۲/۷

۱۳ دسامبر ۱۹۳۱ م

فوت گوستاو لوبون
اسلام شناس فرانسوی

## استاد خامنه‌ای

آیا می‌توان در ولایت طاغوت بود و مسلمان زیست؟! اگر بخواهیم تفصیلش را بفهمیم باید باز برگردیم به تاریخ، شما ببینید در زمان بنی‌امیه و بنی‌عباس چقدر عالَم اسلام بانشاط حرکت کرد و موج عظیم دانش طب و زبان و هنر در جامعه اسلامی گسترش یافت بطوریکه کسی مثل «گوستاو لوبون» فرانسوی، تاریخ قرن ۲ تا ۴ قمری را، دوران تشعشع اسلام می‌داند؛ اما چرا حال که ۱۰ قرن از آن روزگار می‌گذرد، آیا آنهمه پیشرفت بسود اسلام و جامعه اسلامی تمام شد؟! چراکه همه آن پیشرفتها در زیر نگین دوران ولایت طاغوت بود، اهرمن‌های طاغوت همه با اسلام و مسلمین بازی کردند، اگر هم پیشرفتی در دوران چند خلیفه عباسی بود، بخاطر اینبودکه نام خودشان را بالا ببرند، اگر بجای همه این فعالیتهای علمی و غیره اجازه می‌دادند که حکومت علوی سرکار بیاید ولو دنیا از لحاظ آن علم ۱۰۰ سال عقب میفتاد، بازهم حکومت علوی بسود انسایت بود و استعدادها در جهت صحیح بکار می‌رفت و اسلام رشد می‌کرد و انسانها هم به حد اعلی درجه تکامل میرسدند! ۵۳/۷/۲۴

۱۶ دسامبر ۱۹۹۸ میلادی

محکومیت روژه گارودی
به اتهام نوشتن کتاب علیه
واقعه تخیلی هولوکاست

## رهبرانقلاب

امروز در کشورهای غربی، روزنامه‌ها اجازه ندارند راجع به صهیونیستها بدگویی کنند! یک نفر در کتابی می‌نویسد: «یهودی‌ها در مورد کشتار خودشان به وسیله هیتلر در جنگ بین‌الملل دوم، بزرگنمایی کردند» آنوقت این کتاب را که توقیف می‌کنند هیچ، نویسنده کتاب را هم به پای میز محاکمه می‌کشانند! خودشان امروز نسبت به آزادی، اینطور عمل می‌کنند! امروز در دنیا کشورهایی زیر چتر حمایت امریکا و همین آقایان که دم از آزادی می‌زنند، هستند؛ در حالیکه در این کشورها کسی اجازه ندارد یک سطر برخلاف نظر حکّام آن کشورها بنویسد! ۷۸/۱/۱

روزنامه‌ها در غرب آزادند و همه چیز می‌نویسند؛ اما روزنامه‌ها در غرب متعلّق به چه کسانی هستند؟ مگر متعلّق به مردمند؟! این که امر واضحی است؛ بروند نگاه کنند. شما در همه اروپا و امریکا یک روزنامه قابل ذکر نشان دهید که متعلّق به سرمایه‌داران نباشد! پس روزنامه که آزاد است، یعنی آزادی سرمایه‌دار که حرف خودش را بزند؛ هرکس را می‌خواهد، خراب کند؛ هرکس را

می‌خواهد، بزرگ کند؛ به هر طرف می‌خواهد، افکار عمومی را بکشد! اینکه آزادی نشد. اگر یک نفر پیدا شد و علیه صهیونیسم حرف زد مثل آن آقای فرانسوی که چند جلد کتاب علیه صهیونیستها نوشت و گفت اینکه میگویند یهودیان را در کوره‌های آدم سوزی سوزاندند، واقعیت ندارد، طور دیگری با او رفتار می‌کنند! ۷۹/۲/۲۳

۱۴ دسامبر سال ۱۷۹۹ م

فوت جورج واشنگتن
بنیانگذار حکومت آمریکا
قاتل بومیان سرخ‌پوستان
اولین رئیس جمهور آمریکا ۱/

## رهبرانقلاب

تبیین مبانی ارزشی و تقویت قانون اساسی مهمّ است. قانون اساسی مثل ستونها و پی‌های یک بناست. اگر ما بخواهیم عمارت بزرگ و رفیعی بسازیم، پِی و ستون لازم دارد تا بتواند به ساختمان شکل کلّی دهد. ببینید در دنیا دولتهایی که گاهی اعتراضهایی هم به جمهوری اسلامی می‌کنند، قانون اساسی دویست سیصد ساله خود را محکم نگه داشته‌اند. ارزش‌های کهنه دویست سیصد ساله، بلکه بیشتر را محکم و دو دستی نگه می‌دارند و نمی‌گذارند به آن خدشه وارد شود. شما دیدید در نامه‌ای که سال گذشته عدّه‌ای از به‌اصطلاح روشنفکران امریکا برای توجیه جنگ‌طلبی رئیس‌جمهور امریکا و دار و دسته‌اش صادر کردند، روی ارزشهای امریکایی تکیه کردند. این ارزشها، ارزش‌های «جورج واشنگتن» است که دویست سال از عمر آن می‌گذرد. ارزش‌های امریکایی برای آنها اصل شد، که بر اساس آن ارزشها حتّی جنگ‌طلبی و استعمال بمب اتم نیز مطرح گردید. ۸۲/۶/۱۵

تصویر رؤسای جمهور آمریکا از واشنگتن تا اوباما

۱۴ دسامبر سال ۱۷۹۹ م

فوت جورج واشنگتن
بنیانگذار حکومت آمریکا
قاتل بومیان سرخ‌پوستان
اولین رئیس جمهور آمریکا/۲

## رهبرانقلاب

امروز یک چیزی به نام ارزش آمریکایی وجود دارد؛ می‌شنوید در حرفهای آمریکایی‌ها، میگویند ارزشهای آمریکایی، ارزش‌های ما. بنیان‌گذاران آمریکای مستقل، در قرن هجدهم که آمریکا از استعمار انگلیس خارج شد و به‌عنوان یک کشوری در آن‌طرف دنیا خودش را معرّفی کرد -همان کسانی که آن‌وقت بودند، جرج واشنگتن و دوروبری‌هایش و جانشینانش- ارزش‌هایی را گذاشتند؛ اسم این‌ها ارزش‌های آمریکایی است. خود آن ارزشها در مقام ارزیابی، خیلی‌هایش چیزهای مشکل‌داری است؛ همان چیزهایی است که منتهی می‌شود به این وضعیّت جهان‌خوارگی امروزِ نظام سلطه؛ لکن همان ارزشها -همان چیزهایی‌اش هم که مثبت است، همان چیزهایی‌اش هم که خوب است- امروز در جامعهٔ آمریکایی نظام سیاسیِ آمریکای امروز، به فراموشی سپرده شده. بنده یک‌وقتی چندسال پیش، یک مطالعه‌ای می‌کردم بر روی حرفهای همین حضراتی که از دویست‌سال پیش، دویست و خرده‌ای سال پیش، به‌اصطلاح بنیان‌گذارانِ آمریکایند

-حرف‌هایی که آنها زدند و منشوری که آنها تدوین کردند به‌عنوان منشور آمریکایی و ارزشهای آمریکایی- و تطبیق می‌کردم با رفتارهای حضرات امروز، دیدم خیلی‌هایش نقض شده است. به ذهنم رسید همان‌وقت که جا دارد کسی این را به رخ ملّت آمریکا بکشد که این ارزشهایی که شما میگویید اینها است، این‌ها امروز در رفتار دولت آمریکا و رژیم ایالات متّحدهٔ آمریکا وجود ندارد! ۹۴/۴/۲۰

۱۴ دسامبر سال ۱۷۹۹ م

فوت جورج واشنگتن
بنیانگذار حکومت آمریکا
قاتل بومیان سرخ‌پوستان
اولین رئیس جمهور آمریکا/۳

## رهبرانقلاب

انقلاب آمریکا ۵ سال قبل از انقلاب فرانسه است؛ البته آن وقت آمریکا ۵ میلیون جمعیت بیشتر نداشت. یک حرکتی کردند، یک دولتی تشکیل دادند، شخصیتهائی سر کار آمدند مثل جورج واشنگتن لیکن بعد از آن حرکت اولیه‌ای که اینها انجام دادند، ملت آمریکا محنتها کشیدند و جنگهای داخلی عجیب و غریبی را پشت سر گذاشتند، که در یکی از جنگهای داخلی - که مهمترین جنگ داخلی بین شمال و جنوب است؛ یعنی در واقع شمال شرقی و جنوب شرقی - در طول چهار سال اقلاً یک میلیون نفر کشته شدند. تا بالاخره بتدریج بعد از گذشت تقریباً صد سال از استقلال آمریکا، دولت یک استقراری پیدا کرده و توانسته حرکت خودش را در همان بسترهای قبلی ادامه بدهد. البته ماجرای جنایتهائی که اتفاق افتاده، فاجعه‌هائی که به وسیلهٔ همان حاکمان و اطرافیان و ارتششان اتفاق افتاده، داستان غم‌انگیز طولانی عجیبی است: حملهٔ به کشورهای همسایه، تعرض به شهروندان اصلی - یعنی سرخپوستها - قلع و قمع قبائل سرخپوست. من تأسف می‌خورم که

جوانهای ما این قضایا را نمی‌دانند. وقتی انسان بداند که آنچه امروز از تمدن و از پیشرفت و از ثروت در بعضی از این کشورها وجود دارد، محصول چقدر خرابکاری و بدعملی و سنگدلی و بی‌انصافی است، آن وقت نسبت به کاری که باید انجام بگیرد، نسبت به وظیفه‌ای که انسان دارد، یک افق دید دیگری پیدا می‌کند. ۹۵/۱۰/۱۹

۱۵ دسامبر سال ۱۹۶۶ میلادی

فوت والت دیزنی صهیونیست
صاحب کمپانی والت دیزنی

## رهبرانقلاب

تهاجم فرهنگی یک حقیقتی است که وجود دارد؛ می‌خواهند برروی ذهن ملت ما، جوان، نوجوان، حتی کودک ما اثرگذاری کنند. این بازیهای اینترنتی، اسباب‌بازی‌ها که وارد کشور می‌شود از جمله همین است که من چقدر سر قضیه تولید اسباب بازی داخلی معنی‌دار و جذاب حرص خوردم، دوستان ما آمدند در یکی از دستگاه‌های فعال و مسئول، عروسک‌های خوبی درست کردند؛ خوب هم بود؛ اول هم حساسیت طرف مقابل را - یعنی مخالفین را، خارجی‌ها را - برانگیخت که اینها آمدند در مقابل باربی و مانند اینها، این عروسکها را درست کردند؛ ولی نگرفت. من به اینها گفتم که اشکال کار شما این است که شما آمدید به فلان نام، یک پسری را، یک دختری را آوردید در بازار، این عروسک شما را بچهٔ ما اصلاً نمی‌شناسد، ببینید، پیوست فرهنگی که میگوییم اینها است، خب، یک عروسک است فقط، درحالیکه بتمن و مرد عنکبوتی را بچه ما می‌شناسد، ۲۰ فیلم درست کرده‌اند، بعد که می‌بینند همان عروسک شخصیت در فیلم در مغازه هست، به پدر و مادرش می‌گوید این را برای من بخرید؛ عروسک را می‌شناسد؛ این

پیوست فرهنگی است! ولی وقتی معرفی نشد، بازار ندارد و ورشکست می‌شود؛ و ورشکست شد. ۹۲/۲/۱۹

۱۵ دسامبر ۱۹۱۶ م

قتل گریگوری راسپوتین
کشیک پرنفوذ دربار تزار

## رهبرانقلاب

قبل از حکومت کمونیستها، حکومت تزارها رأس کار بود که زیاد فساد و ظلم می‌کرد، ولی درعین‌حال مردم زندگی می‌کردند؛ یعنی هیچ نشانه‌یی از اینکه بناست این اوضاع تغییر کند، وجود نداشت! ۶۹/۳/۷

انتخابات در دوران تزارها شبیه انتخابات زمان شاه ما بود. اتفاقاً تاریخ مشروطیتشان هم با یک سال اختلاف منطبق با تاریخ مشروطیت ایران است. در دوره تزارها مجلس ملی - دوما - یک صورت بود؛ مثل مجلس شورای ملی ما در دوران رژیم پهلوی. بعد هم که کمونیستها سرِ کار آمدند، مجلس، بی‌مجلس؛ انتخابات، بی‌انتخابات؛ تمام شد! ۷۹/۴/۱۹



## گریز تاریخی

خبرنگار تلویزیون آلمان از بهشتی پرسید: «به شما لقب راسپوتین داده‌اند، آیا شما از این عنوان ناراحت می‌شوید؟» مکث کرد و گفت خودش هم شنیده اما: «خیلی غیرمنصفانه است.» گریگوری راسپوتین کشیش

اسرارآمیزِ دربار تزار روسیه بود که تأثیر فراوانی بر اعضای دربار به‌ویژه ملکه داشت. اعتماد تزار و همسرش به او به حدی رسیده بود که نقش اصلی را در عزل و نصب‌ها داشت و فساد فراوان و حتی قتل‌های بسیاری به او نسبت داده شده است. راسپوتین از بدترین تعبیرهایی بود که توسط شهید محمدمنتظری علیه شهیدبهشتی مطرح شد. محمدمنتظری هرچند تعبیرهای بسیار تندی علیه بهشتی مطرح کرد و در نشریه‌اش «پیام شهید» بارها به او تاخت اما در نهایت به نادرستی اندیشه‌هایش درباره بهشتی پی‌برد و پشیمان شد و از او معذرت خواست نکته دراماتیک ماجرا اینجاست که محمدمنتظری و بهشتی ۷ تیر ۱۳۶۰ باهم بشهادت رسیدند! زندگی و زمانه بهشتی ص ۲۶۴

۲۲ ماه دسامبر سال ۱۹۸۹ میلادی

سقوط دولت نیکولا چائوشسکو
رئیس جمهور کمونیستی رومانی

## رهبرانقلاب

این حوادثی که در دنیا اتفاق میافتد، جزو حوادث نادر و بسیار تعیین‌کننده در عالم و تاریخ است و برای ما مایهٔ تأمّل و تدبّر و از جهتی مایه خوشحالی، و برای ملتها و دولتها مایه عبرت است. دو حادثه مهم یکی حوادث مربوط به اروپای شرقی است، و دیگری حادثهٔ حملهٔ مسلّحانهٔ آمریکا به یک کشور کوچک در همسایگی خود. هر کدام باید مورد تأمل و توجه دقیق قرار بگیرد. امّا حوادث اروپای شرقی که آخرینش همین حادثهٔ رومانی است؛ ما در انقلابمان چند اصل را از اوّل فهمیدیم، اسلام به ما این اصول را تعلیم داد و امام حکیم عظیم فقیه بزرگوارمان بارها این اصول را به زبانهای مختلف تکرار کرد. یکی از این اصول این بود که هر نظامی که بر پایه مردم بنیانگذاری نشده باشد، ماندنی نیست، یک اصل دیگر این بود که تحمیل یک فکر، یک عقیده و یک نظم اجتماعی بر مردم، کار موفقی نیست؛ مخصوصاً آنوقتیکه این فکر و عقیده، با دین مخالفت داشته باشد. نظام‌های مارکسیستی در اروپای شرقی برخلاف میل مردم بر آنها تحمیل شد. با پول، با زور، با تانک و با دخالت قدرت خارجی، عقیده‌ای و نظامی

را بر مردم اروپای شرقی تحمیل کردند و ۵۰ سال این نظام را با مُنتهای دقت و قدرت ظاهری نگه داشتند؛ اما چون پایه، پایه سست و نامطمئنی بود نتوانست بماند، مثل سرنوشت همین شخصی که در این دو سه روز در رومانی مشاهده کردید! ۶۸/۱۰/۶

۲۳ ماه دسامبر سال ۱۹۹۸ م

فوت آناتولی ریباکوف اوکراینی
نویسنده رمان بچه‌های آربات

## رهبرانقلاب

الان این‌ها (ضد انقلاب داخلی) شروع به قصه‌نویسی و ترجمه کرده‌اند. بنده خدایی (سروژ استپانیان، ایرانی ارمنی تبار) کتابی به نام «بچه‌های آربات» ترجمه کرده، که این کتاب علیه نظام جمهوری اسلامی نیست؛ علیه استالین است؛ اما در توصیف استالین می‌شود دو گونه حرف زد: می‌شود گفت که «استالین با استفاده از زبان طلبگی، با مردم صاف و صریح حرف می‌زد و حرف خود را در دل مردم جا می‌کرد»؛ تا به امام راحل تعریض داشته باشد. می‌شود گفت که «استالین با استفاده از سابقه حضور دو، سه‌ساله‌اش در مدرسه الهیات فلان‌جا، بلد بود با مردم چگونه حرف بزند»؛ آن وقت این آقای مترجم، نوع اول را انتخاب می‌کند؛ یعنی اسم طلبگی را می‌آورد! در حالی که اصلاً طلبگی به معنای مصطلح رایج ما - که امام می‌گفت من یک طلبه هستم - در عرف آن الهیات مسیحی روسیهٔ قدیم اصلاً وجود ندارد. این تطبیق دادن با یک واقعیت در جامعهٔ ما، هزار تا حرف و یک بار عظیم معنا در آن هست، که این آدم جرأت نمی‌کند آن را بگوید؛ اما خیلی راحت زبان سادهٔ امام را - که این از خصوصیات امام بود - در یک عبارت

کوتاه ترجمه شده بیاورد، تا کتاب علیه نظام جمهوری اسلامی بشود! این‌ها الان دارند این کارها را می‌کنند؛ من از این قبیل، متأسفانه زیاد می‌بینم. الان این کار باب شده است، نه از کمیته می‌ترسد، و نه از دادسرایی که مخصوص همین چیزهاست؛ ترجمه‌یی می‌کند و هیچکس هم نمی‌فهمد که قضیه چیست. به نظرم، شما همین کتابهای خوبی که الان درمی‌آید، ترجمه کنید. ۷۰/۷/۲۸

۲۶ دسامبر سال ۱۹۷۸ م

رحلت قاری بزرگ مصری
شیخ مصطفی اسماعیل/۱

## رهبرانقلاب

آرزوی ما این است که مردم مسلمان در هرجا که هستند، در کنار استفاده از متن قرآن به مفاهیم و معارف قرآنی هم توجه بکنند. فاصله‌یی را که ما تاکنون طی کرده‌ایم، فاصله خیلی زیادی است. این جوانانی که الان شما می‌بینید عاشق قرآنند، در زمان رژیم شاه کارشان این نبود؛ از قرآن غافل بودند. قبل از انقلاب، من ممنوع‌السفر بودم؛ یعنی نمی‌توانستم به خارج از کشور سفر کنم. مدت‌ها در زندان بودم؛ وقتی هم که از زندان بیرون آمدم، در داخل کشور محصور بودم. در آن وقت، یکی از آرزوهایم این بود - به خانوادهٔ خودم هم گفته بودم - که اگر بتوانم برای دیدن قرّاء، مخصوصاً شیخ مصطفی اسماعیل به مصر می‌روم. اتفاقاً شیخ مصطفی اسماعیل تا بعد از انقلاب زنده بود؛ لیکن متأسفانه ما در آن سالهای اول انقلاب، به این فکری که حالا هستیم، نبودیم؛ والّا به هر طوری بود، من شیخ مصطفی اسماعیل را به تهران می‌آوردم. ۷۰/۲/۶

بنده قبل از انقلاب به خانواده‌مان گفتم که اگر انقلاب شد - حالا فکر انقلاب هم به ذهن کسی نمی‌گذشت سه تا کار برایتان می‌کنم. یکی این که می‌برمتان سینما. یکی

این که یک تفنگ برای بچه‌ها می‌خرم؛ تفنگ بادی آن وقت معمول شده بود بچه‌ها می‌خریدند، بچه‌ها می‌گفتند بابا تفنگ، ما هم تعلیق به محال کردیم. یکی هم گفتم می‌برمتان مصر برای اینکه این قراء را، مصطفی اسماعیل را ببینید. آن وقت خیلی نوار قرآن توی خانهٔ ما بود. خانوادهٔ ما همین طور می‌گویند این مصر، نشد؟ سینما هم نبردمشان، البته خودشان رفتند. ۷۹/۳/۴

۲۶ دسامبر سال ۱۹۷۸ م

رحلت قاری بزرگ مصری
شیخ مصطفی اسماعیل/۲

## رهبرانقلاب

صدای شیخ مصطفی اسماعیل، خیلی فوق العاده بود. این را هم بگویم که الان در ایران، میل عمومی به طرف شیخ مصطفی اسماعیل است. یعنی قرّای ما، حتماً روی سبک قرائت شیخ مصطفی اسماعیل تمرین دارند و روی دیگران کمتر. اعتقادم این است که این حرکت، از مشهد و از دستگاه ما شروع شد. در تهران، هیچ‌کس غیر از عبدالباسط را نمی‌شناخت. من یک وقت که به تهران آمده بودم، فقط عبدالباسط مطرح بود. جاهای دیگرهم که می‌رفتیم، فقط عبدالباسط را می‌شناختند. ما در مشهد، نوار شیخ مصطفی اسماعیل را داشتیم. یکی از دوستانم می‌خواست به مسافرت برود، من گفتم که هرچه توانستی، نوار مصطفی اسماعیل پیدا کن و بیاور. او هم رفت و چند نوار از نوارهای بسیار خوب شیخ مصطفی اسماعیل را آورد. من آنها را به آقای مرتضی فاطمی - که در آن وقت نوارهای ما را تکثیر می‌کرد - دادم، تا تکثیرشان کند. او هم همین کار را کرد و نوارها را به این چند نفری که از تهران آمده بودند، داد. در نتیجه، همهٔ نوارها به طرف تهران سرازیر گردید و شیخ مصطفی اسماعیل شایع شد.

انصافاً هم چیز عجیبی بود. نمی‌دانم شما با صدای شیخ مصطفی اسماعیل آشنا هستید؟ خیلی فوق‌العاده است. او سورهٔ هود، سورهٔ بقره و آیات داوود و جالوت را خوانده بود، که انصافاً خیلی عالی و فوق‌العاده بود. ۶۹/۱۲/۱

۲۶ دسامبر سال ۱۹۷۸ م

رحلت قاری بزرگ مصری
شیخ مصطفی اسماعیل/۳

## رهبرانقلاب

من یک خاطره‌ای هم از شیخ راغب مصطفیٰ دارم، بد نیست آن را بگویم. خیال می‌کنم در سال ۴۵، ۴۶ یا ۴۷، یعنی بیست و دو سه سال یا بیست و یکی دو سال قبل از این، ما در مشهد و در رادیو -رادیوهای کشورهای عربی و رادیوی مصر و مانند اینها- با دقّت دنبال خواندن شیخ مصطفیٰ اسماعیل می‌گشتیم تا بلکه خواندن او را پیدا کنیم؛ چون نوارهایش نبود و در ایران هم رادیو قرآن نبود؛ ما از رادیوهای خارجی گوش می‌کردیم و تلاوتهای شیخ مصطفیٰ اسماعیل را پیدا می‌کردیم. ماها عاشق تلاوت شیخ مصطفیٰ اسماعیل بودیم. من یک رفیقی داشتم -مرحوم آقا جعفر که آقایان او را می‌شناسند- که با هم پای رادیو می‌نشستیم و گوش می‌کردیم. یک روز من را دید، گفت که امروز در رادیوی مصر، صدای پسر شیخ مصطفیٰ اسماعیل را پیدا کردم. گفتم چطور؟ از کجا فهمیدی پسرش است؟ گفت که یک کسی است به نام راغب مصطفیٰ -«غلوش» اش را نمی‌دانست- که پسر شیخ مصطفیٰ اسماعیل است! آن را ضبط کرده بود، من گوش کردم؛ من که گوش کردم گفتم قاعدتاً باید همان

پسر شیخ مصطفیٰ اسماعیل باشد؛ چون صدایش شبیه مصطفیٰ اسماعیل است! و آیات هم همین آیات معروف بود «وَ استَمِع یَومَ یُنادِ المُنادِ مِن مَکانٍ قَریب». خیلی نوار خوبی است؛ مال ایشان است. ۶۸/۱۱/۲۰

۲۶ دسامبر سال ۱۹۷۸ م

رحلت قاری بزرگ مصری
شیخ مصطفی اسماعیل/۴

## رهبرانقلاب

می‌خواهم به قراء جوانی که قرآن می‌خوانند عرض کنم: در حین تلاوت، سعی نمایید به معانی آیاتی که می‌خوانید توجه کافی مبذول کنید. اگر چه این کار مشکل است؛ اما سعی کنید لااقل معنای بخشهای برگزیده‌ای را که در محافل و مجالس می‌خوانید - به عنوان قسمتهای زیبایی که هر قاری از این قبیل، برای این‌که در مکانهایی بخواند در چنته دارد - از روی ترجمه و تفسیر بخوانید. فرق است بین قاری‌ای که وقتی تلاوت می‌کند خودش متوجه معنا و تحت تأثیر معناست، و آن قاری‌ای که متوجه معنا نیست. بین قراء مصری دو، سه نفر هستند که وقتی می‌خوانند، تحت تأثیر معنایند. اینکه شما می‌بینید «مصطفی اسماعیل» خواندنش تأثیر دارد، به خاطر همین است؛ چون خود او تحت تأثیر آیاتی است که می‌خواند. اما بعضی قراء دیگر، نه. فقط صنعت اجرا می‌کنند و می‌خواهند کار زیبایی از آب درآورند. شما که قرآن می‌خوانید، سعی نمایید خودتان به معانی آیات آن توجه کنید. همان‌طور که روی الفاظ کار می‌کنید و مکرر می‌خوانید یا ضبط می‌کنید و گوش می‌سپارید، به معنایش هم توجه و دقت مبذول

کنید و بیندیشید. اگر دستتان می‌رسد، به انسان با معرفتی مراجعه کنید و آیات را برایش مطرح نمایید. از آن فرد، چهار کلمه دربارهٔ آیاتی که می‌خوانید بشنوید، تا دل شما تحت تأثیر قرار گیرد. این کار، لطف تلاوت شما را چند برابر خواهد کرد. ۷۱/۱۲/۱۷

۲۶ دسامبر سال ۱۹۷۸ م

رحلت قاری بزرگ مصری
شیخ مصطفی اسماعیل/۵

## رهبرانقلاب

ما احتیاج داریم که در داخل کشور قرّایی پیدا بشوند که در قرائت صاحب سبک باشند؛ حالا به همین قرائت مشهوری که ما می‌خوانیم - که قرائت «حفص» باشد - یا در کنارش هم قرائتهای دیگری که مثلاً در شمال آفریقا معمول است. این‌که شما می‌بینید مصری‌ها دائماً قرائت «ورش» و «قالون» را می‌خوانند، به این دلیل است که این دو قرائت در آن‌جاها رایج است. مثلاً در لیبی و الجزایر و تونس، قرائت «ورش» در مکتبخانه‌ها تدریس می‌شود، نه قرائت «حفص». البته در دنیای اسلام قرائت «حفص» - همین قرائتی که حالا معمول ماهاست و آن را می‌خوانیم - معروف‌تر است. من موافقم که برادران قرائتهای دیگر - بخصوص قرائات معروف؛ مثل قرائت «ورش» - را یاد بگیرند و بخوانند. ما باید به آن‌جا برسیم که وقتی قاری ما شروع به خواندن می‌کند، کیفیت ادا و بیان کلمات قرآنی توسط او به‌گونه‌یی باشد که حضار به‌همان اندازه که با زبان عرب آشنا هستند، تحت تأثیر قرار بگیرند؛ که هدف اصلی قرائت هم این است. شما که الحمدلله صدا و تجوید و قرائتتان خوب است، باید تلاش کنید به آن‌جا برسید که

مثل شیخ مصطفی اسماعیل - که این آقایان قرّایی که به این‌جا می‌آیند، کمتر مثل او می‌خوانند - بتوانید کلام خدا را آن‌چنان ادا کنید که مستمع به همان اندازه‌یی که ظرفیت دارد، تحت تأثیر کلام الهی قرار بگیرد و آن فضا را احساس کند. شما باید در این زمینه صاحب سبک بشوید و دیگر مقلد این و آن هم نباشید؛ این آن حد اعلایی است که فعلاً مورد نظر ماست؛ این زحمت و تلاش و نوآوری لازم دارد!

۷۰/۱۲/۲۷

۲۶ دسامبر سال ۱۹۷۸ م

رحلت قاری بزرگ مصری
شیخ مصطفی اسماعیل/۶

## رهبرانقلاب

شیخ مصطفی اسماعیل، خیلی فوق‌العاده بود. چیزهایی در تلاوت او بود که انصافاً قابل تقلید است. منهای مسألهٔ صدا و کیفیت ادای حروف و کلمات، او کلمات قرآنی را جان می‌داد. یعنی وقتی که او آیه را می‌خواند، آن احساسی به مستمع دست می‌داد که در آیه اقتضای آن احساس بود. مثلاً فرض بفرمایید که در سورهٔ هود، آن‌جایی که راجع به قضیهٔ پسر نوح آیات کریمه را می‌خواند: «انّ ابنی من اهلی و انّ وعدک الحق» انسان پدری را احساس می‌کند که پسر کافرش دارد در مقابلش از بین می‌رود؛ یعنی هم احساس رأفت به خاطر بُنوّت او، و هم احساس نفرت به خاطر کفر او. او این را با خواندن خودش به انسان القا می‌کند و آن تأثیر قرآنی را در خواننده مضاعف می‌کند. ۷۰/۲/۶

حتماً روی ترجمه کار کنید؛ یعنی واقعاً بدانید چه میگویید. همین عبدالفتّاح و مصطفی اسماعیل و دو نفر دیگر خصوصیاتشان این است که وقتی آیه قرآن را می‌خوانند، انگار آن آیه را به مخاطب نازل می‌کنند و همان احساسی را که در مضامین آیه وجود دارد، با نوع خواندنش به مخاطب منتقل می‌کنند. بعضی از این خواننده‌های

معروف مصری خوب هم می‌خوانند، اما این طور نیستند. وقتی که شما معنای کلمات را می‌فهمید مثلاً میگویید «اذ انبعث اشقیها فقال لهم رسول الله ناقةالله و سقیها» آن صحنه را که شقی‌ترین افراد، برای انجام یک جنایت بزرگ، در مقابل پیغمبر خدا برانگیخته شده‌اند، پیش خود تصور می‌کنید، این، در لحن کلام شما تأثیر می‌گذارد. اگر نفهمید، نمی‌توانید خوب بخوانید. ۸۰/۸/۲۷

۲۶ دسامبر سال ۱۹۷۸ م

رحلت قاری بزرگ مصری
شیخ مصطفی اسماعیل/۷

## رهبرانقلاب

شما قاریان خوب میدانید من چه‌قدر به شماها علاقه و ارادت دارم، یکی، دو نقص عمده در تلاوتهای شماست که باید آنها را برطرف کنید. یکی این است که قطع و وصلهایتان، همیشه بمیزان نیست. گاهی این اشتباه دیده می‌شود و معنا خراب می‌گردد؛ گاهی هم معنا خراب نمی‌شود اما آن زیبایی را ندارد، شما که به این قشنگی می‌خوانید چه‌طور می‌خواهید چیز به این واضحی را رعایت نکنید؟ این، به میزان زیادی از زیبایی تلاوت شما خواهد کاست. اگر در جمع کسانی که قرآن را می‌فهمند، بخوانید، حتّی نه فقط قطع و وصل، بلکه لحن شما مورد دقت قرار می‌گیرد. این قرّای خوبی که در دنیا هستند و معاریفی که خواص، این‌ها را می‌پسندند و دوست می‌دارند، همه‌اش به خاطر این نیست که صدایشان خوب است؛ مقدار زیادی مربوط به این چیزهاست. مثلاً فرض کنید، وقتی که از قول فرعون نقل می‌کند: «فقال انا ربّکم الاعلی» - که الان یکی از برادران می‌خواندند - باید شما طوری این «انا ربّکم الاعلی» را ادا کنید که آن‌چنان نباشد که وقتی خدای متعال می‌گوید: «لمن الملک الیوم للّه الواحد القهار»،

آن‌طوری ادا بشود. یعنی «انا ربّکم الاعلی» را باید طوری ادا کنید که کسی که می‌شنود، بفهمد این حرف، حرف دروغی است و آن کسی که گفته - یعنی فرعون - دروغ گفته است. این، ممکن است. این، چیزی است که در نوارهای «شیخ مصطفی اسماعیل» شنیده می‌شد. اصلاً اهمیت کار شیخ مصطفی اسماعیل، در همین است. او، این‌طوری می‌خواند. باید این‌طوری بخوانید. و این نمی‌شود، مگر این‌که معنای قرآن را بدانید. ۶۹/۱/۱۹

۲۶ دسامبر سال ۱۹۷۸ م

رحلت قاری بزرگ مصری
شیخ مصطفی اسماعیل/۸

## رهبرانقلاب

یک نکتهٔ دیگر مهندسی تلاوت است. این چیزی است که من چند بار به بعضی از قرّائی که پیش ما تلاوت کردند، خواسته‌ام بگویم فرصت نشده. یکی از چیزهایی که باید شما به عنوان قاری در نظر داشته باشید، مهندسی تلاوت است؛ باید این تلاوتتان را از پیش در ذهنتان مهندسی کنید. البتّه اینها طبعاً بعداً بتدریج برای انسان به شکل غریزی و عادی می‌شود، لکن در اوّل کار، اوایل کار تا مدّتها مسلّماً احتیاج دارد به اینکه توجّه کنید؛ مهندسی یعنی چه؟ چند جور مهندسی هست: یکی انتخاب لحن مناسب برای هر بخش. مثلاً فرض کنید که همهٔ لحنها برای لحن قصّه مناسب نیست، یا همهٔ لحنها برای آیات انذار از عذاب مناسب نیست؛ یک لحنهایی مناسب است، یک لحنهایی مناسب نیست؛ لحن مناسب با آن مضمون را باید پیدا کنید. بعضی از قرّاء مصری در این کار حقّاً و انصافاً در سطح عالی‌اند که می‌دانند با چه لحنی بایستی این آیات را بخوانند؛ این که اگر انذار است، اگر وعید است، اگر بشارت است، اگر وعدهٔ بهشت است، اگر قصّه است، هر کدام از اینها یک لحن را اقتضا دارد؛ باید مهندسی کنید.

یک مهندسی دیگری هم وجود دارد و آن، کیفیّت تلاوتی است که بتواند واقعه را مجسّم کند در مقابل مستمع؛ یعنی جوری بخواند که شما که دارید می‌شنوید، کأنّه دارید می‌بینید واقعه را؛ که در این قضیّه استاد مسلّم انصافاً شیخ مصطفیٰ اسماعیل است، که در این جهت فوق‌العاده است! ۱۴۰۱/۱/۱۴

۲۶ دسامبر سال ۱۹۷۸ م

رحلت قاری بزرگ مصری
شیخ مصطفی اسماعیل/۹

## رهبرانقلاب

وفتی کسی قرائتش خوب شد، پشت رحل که نشست، ممکن است خودش را رها کند؛ بگوید ما که حالا خوب می‌خوانیم! نخیر، این آفت بزرگی است؛ مواظب باشید هیچ کس نگوید من

که حالا خوب می‌خوانم؛ نه، شما آیا بهتر از شیخ مصطفی اسماعیل، کسی را در دنیای قرآن سراغ دارید که قرآن خوانده

باشد؟ نوارهایش را ببینید، بعضی‌هایش نوارهای بدی است؛ مستمع هیچ لذتی احساس نمی‌کند. آن آدمی که از بچگی قرآن را خوانده، به خاطر همین احساس، گاهی آیه قرآن را غلط خوانده است. پس می‌شود که انسانی در حد اوج و عظمت آن چنان قُرّایی - چه در قرائت و چه در حفظ - بد بخواند. برای این که قرّاء خوب، بد نخوانند، بایستی اولاً معلومات خودشان را روز به روز بیشتر کنند و بیشتر یاد بگیرند - چه صوت و آهنگ را، چه رموز تلاوت تجویدی و چه رموز تلاوت مجلسی را - بعضی‌ها هستند که تجویدشان هم خوب است، اما بلد نیستند در داخل یک

مجلس، یک تلاوت جمع وجور خوب بخوانند. همه‌اش را با هم باید یاد بگیرند. دوم این که وقتی می‌خوانند، مواظب باشند که خودشان را رها نکنند، بی توجهی نکنند؛ نگویند ما که خوب می‌خوانیم. نه، بایستی هر دفعه که مشغول تلاوت می‌خواهند بشوند، از خواندن خودشان مراقبت کنند. ۷۲/۱۲/۴

۲۶ دسامبر سال ۱۹۷۸ م

رحلت قاری بزرگ مصری
شیخ مصطفی اسماعیل/۱۰

## رهبرانقلاب

واقعاً انسان از این تلاوتها قلباً لذّت معنوی می‌برد؛ و دو لذّت: یک لذّت از خود این خواندن‌ها و تلاوتها و صداها و اجراها؛ یک لذّت -که برای بندهٔ حقیر این لذّت دوّم بالاتر از لذّت اوّل است- لذّت مشاهدهٔ رشد روزبه‌روز قرآنی‌های کشور. خب، این زیبایی‌هایی که امروز شما آفریدید باید دریچه‌ای باشد به‌سمت معارف قرآن؛ قرآن را با آوازه‌خوانی اشتباه نگیرید؛ آوازه‌خوانی یک مقولهٔ دیگر است؛ البتّه الان متأسّفانه در خوانندگان مصری کسانی هستند که تالی قرآنند اما آوازه‌خوانی می‌کنند؛ آن قرّاء نسل‌های قبل -مثل شیخ مصطفی اسماعیل، مثل شیخ عبدالفتّاح شعشائی، حتّی مثل محمّد رفعت- این بزرگان همه موسیقی‌دان بودند امّا قرآن را با آهنگ و الحان قرآنی می‌خواندند؛ نمی‌گذاشتند با الحان کاباره‌ای و موسیقی‌های مبتذل مخلوط بشود. امروز بعضی‌ها این ملاحظات را ندارند؛ آدم می‌بیند در آنها. این زیبایی‌ها باید ما را به قرآن نزدیک بکند؛ باید اُنس ما را با قرآن زیاد کند.
۹۵/۳/۱۸

## رهبرانقلاب

کدام حادثه تلخ یا شیرینی در این مملکت اتفاق افتاده که رادیو امریکا، رادیو بی.بی.سی، رادیو صهیونیست‌ها، حرفی که در آن امیدی برای ملت ایران داشته باشد، زده باشند؟ در هیچ حادثه‌ای از حوادث اول انقلاب تا به حال- حوادث شیرین و حوادث تلخ- اتفاق نیفتاده است که این بوقهای تبلیغاتی یک کلمه بگویند که به نفع ملت ایران باشد؛ در همه حوادث، این‌ها سعی کردند ضربه‌ای بزنند، سوء استفاده‌ای بکنند، اصلی از اصول مورد علاقه مردم زیر سؤال ببرند و به حکومت ضربه تبلیغاتی و ضربه سیاسی بزنند. علی‌ای‌حال، از این‌که دشمن سوء استفاده کند، ما تعجب نکرده‌ایم. ۷۷/۱۰/۱۸

بنده دو سال قبل از این در یکی از خطبه‌های نماز جمعه گفتم که دستگاه‌های استکباری دنیا- و در رأس همه امریکا- از تبلیغات برای ساقط کردن و ایجاد اغتشاش در کشورها استفاده می‌کنند. بعد به آن مراکز تبلیغاتی خطاب کردم و گفتم: ولی بدانید این توطئه که شما بخواهید به‌وسیلهٔ رادیوهایتان در ایران اسلامی، همان برنامه‌هایی را که در اروپای شرقی و در بعضی از کشورهای دیگر به‌وجود آوردید، به‌وجود بیاورید، این نشدنی است؛ این خیال

خامی است. متأسفانه امروز می‌بینم همان دشمنی که به‌وسیلۀ تبلیغات خود، همتش این بود که افکار عمومی یک کشور را به سمتی متوجه کند، به‌جای رادیوها آمده در داخل کشور ما پایگاه زده است! بعضی از این مطبوعاتی که امروز هستند، پایگاه‌های دشمنند؛ همان کاری را می‌کنند که رادیو و تلویزیون‌های بی.بی.سی و امریکا و رژیم صهیونیستی می‌خواهند بکنند! ۷۹/۲/۱

۲۹ ماه دسامبر سال ۱۹۴۰ م

آغاز فعالیت BBC فارسی/۳

## رهبرانقلاب

دشمنان تبلیغات می‌کنند که «ایـران با همه کشورها مسأله دارد؛ ایران با همه مشکل دارد!» نه آقا! ایران فقط با دستگاههای سازمان امنیت دولتهای مستکبر دنیا که از کریه‌ترین جاهای آن کشورهاست، مسأله دارد. با همانهایی که همین تبلیغات رسانه‌ای را درست می‌کنند. شما خیال می‌کنید تبلیغات این رادیوهای بیگانه را چه کسی تنظیم می‌کند؟ مثلاً تبلیغات همین بی. بی. سی انگلیسی را چه کسی درسـت می‌کند؟ سـازمان امنیت انگلیس! می‌نشینند برنامه‌ریزی می‌کنند و چیزی را درست می‌کنند. ما یک کشور و ملتی هستیم که یک پیام داریم. جمعیتی هستیم که قـدرت و سابقه و افتخاراتی داریـم. افتخاراتی در گذشته و افتخاراتی در امروز. ۷۲/۱۰/۲۰

یکی از ایرادهائی که ما معمولاً داریم به بعضیها این است که آنچه را که بیگانه بگوید، این را تلقی به قبول می‌کنند؛ آنچه را که خودی بگوید، تلقی با تردید می‌کنند! چرا؟ خوب، خبری را تلویزیون یا رادیـوی بی.بی.سی می‌گوید، ایـن را بعضی‌ها وحی مسلم می‌دانند، مسلم است که این اتفاق افتاده اگر چنانچه تلویزیون جمهوری اسلامی بیاید آنرا نفی کند، آنرا قبول نمی‌کنند، چرا خب؟ این تلقی، تلقی ناسالمی

است؛ این تلقی درستی نیست. این را باید اصلاح کرد. البته شما جوانهای خوب ان‌شاءالله بیائید وارد عرصه‌های گوناگون بشوید، عرصه‌های تبلیغاتی کشور را بگیرید.

۸۸/۸/۲۶

۳۰ دسامبر ۲۰۰۶

هلاکت صدام

## امام خمینی:

هیچ فرقی بین محمدرضا و صدام و آل‌سعود نیست، همه‌شان نوکر آمریکا هستند! ۶۶/۵/۱۲

## رهبرانقلاب:

کسانی که خیال می‌کنند قدرتشان ابدی است، صدام و محمدرضا را ببینند که چگونه خدای متعال نابودشان می‌کند! ۸۲/۹/۲۵

در طول دوران حکومتهای کودتائی عراق که آخرینش صدام بود محنتی را که امروز مردم عراق دارند از دست امریکایی‌ها می‌کشند، تا حالا تحمل نکرده باشند. زن و مرد عراقی تحقیر می‌شوند. جوان امریکایی چکمه‌اش را می‌گذارد پشت گردنِ یک جوان عراقی؛ چرا؟ چون از خیابان عبور می‌کرده و به او مشکوک شده؛ او را می‌خواباند و جلوی چشم زن و بچه‌اش، صورتش را به خاک فشار می‌دهد. یا مرد را جلوی چشم زن خانه کتک می‌زنند؛ مردها زن خانه را به اسم توسعه و پیشرفت و به اسم نجات ملت عراق بازرسی بدنی می‌کنند. ۸۶/۲/۲۵

۳۰ دسامبر سال ۱۹۴۴

درگذشت رومن رولان

## رهبرانقلاب

من شاید چهل سال پیش یا بیشتر، اولین ترجمه کتاب زندگینامه گاندی بقلم رومن رولان را با ترجمه مرحوم محمد قاضی خواندم که هم کتاب، کتاب بسیار ممتازی است، هم ترجمهٔ محمد قاضی حقاً ترجمهٔ برجسته و ممتازی است! ۸۸/۲/۲۴

رومن رولان یک رمان نویس خوب و هنرمند و مسلط است و کتابی که درباره گاندی نوشته رمانی است کم حجم و مفید البته درباره گاندی کتابهای مفصلی نوشته شده چون من سی و چندسال پیش راجع به هند کار کرده و غالب این کتابها را خوانده‌ام لکن هیچ کدامشان بهتر از رمان زندگی گاندی بقلم رومن رولان نمی‌شود چراکه رولان این کتاب را از روی شیفتگی نسبت به گاندی نوشته، شما هم باید با یک بیان شیرین ادبی و هنری همچنین تصویری از شخصیت امام راحل ترسیم کنید! ۷۲/۹/۱۵

۳۱ ماه دسامبر سال ۱۸۶۳ م

## اعلامیه دروغین آزادی بردگان
## توسط رئیس جمهور آمریکا، لینکلن ۱/

### رهبرانقلاب

امروز متأسّفانه در دنیای غرب بی‌اعتنای به ارزشهای معنوی خیلی زیاد است که مشاهده می‌کنید. حالا بامزه اینجا است که در آمریکا که به اصطلاح رئیس جمهور هم یک سیاه پوست است، در عین حال نسبت به سیاه پوستان این حالات و این کارها دارد انجام می‌گیرد، بمناسبت اینکه یک روزی برده‌داری را یک رئیس جمهوری حذف کرده است، جشن می‌گیرند که آن هم محلّ اشکال است؛ آن هم محلّ ایراد اساسی است؛ یعنی آبراهام لینکلن که میگویند این را حذف کرده است، بر حسب دقّتهای تاریخی واقعیّت قضیّه این نیست؛ مسئله مسئلهٔ حذف بردگی نیست؛ مسئله مسئلهٔ شمال و جنوب بود و جنگهای دامنه‌دار و ریشه‌دار چندسالهٔ شمال و جنوب آمریکا و بحث دعوای بین زمین‌داری و کشاورزی از یک طرف و صنعت از یک طرف؛ دعوا سر این حرفها بود؛ بحث این نبود که واقعاً بخاطر احساسات انسان دوستانه باشد! ۹۴/۲/۶

۳۱ ماه دسامبر سال ۱۸۶۳ م

اعلامیه دروغین آزادی بردگان
توسط رئیس جمهور آمریکا، لینکلن/۲

## رهبرانقلاب

یکی از ماجراهای گریه‌آور تاریخ که نظام سلطهٔ آمریکا و امثال آن دوست ندارند این داستان احیا بشود، مسئله برده گرفتن مردم آفریقا است؛ کشتی‌ها را از اقیانوس اطلس می‌آوردند، در سواحل کشورهای غرب آفریقا مثل گامبیا و امثال اینها نگه می‌داشتند، بعد می‌رفتند با تفنگ و سلاحهایی که دست مردمِ آن روز از این سلاحها خالی بود، صدها و هزارها پیر و جوان و مرد و زن را می‌گرفتند، با شرایط بسیار سختی با این کشتی‌ها برای بردگی به آمریکا می‌بردند. انسان آزاد را که در خانهٔ خودش زندگی می‌کرد، در شهر خودش زندگی می‌کرد، به اسارت می‌گرفتند؛ الان سیاهانی که در آمریکا هستند، از نسل آنهایند. چند قرن آمریکایی‌ها این فشار عجیب را آوردند که در این زمینه کتابها نوشته‌اند که این کتاب ریشه‌ها کتاب مغتنمی است برای نشان دادن گوشه‌ای از این فجایع. انسانِ امروز چطور می‌تواند اینها را فراموش کند؟ با همهٔ این حرفها هنوز هم در آمریکا بین سیاه و سفید تبعیض هست!

۹۲/۸/۲۹

۳۱ ماه دسامبر سال ۱۸۶۳ م

**اعلامیه دروغین آزادی بردگان**
**توسط رئیس جمهور آمریکا، لینکلن/۳**

## رهبرانقلاب

امریکایی‌ها اصولی را به عنوان اصول امریکایی معرفی می‌کنند و میگویند این اصول، جهان‌شمول است. این اصول، آزادی انسان، آزادی فکر، کرامت انسان، حقوق بشر و از این قبیل چیزهاست اما آیا همین حکومت آمریکا نبود که بومیان اصلی سرزمین امریکا را قتل عام کرد؟ سرخپوستان امریکا را نابود کرد؟ آیا این حکومت و عوامل مؤثّر در این حکومت نبودند که میلیونها آفریقایی را از داخل خانه‌هایشان به بردگی گرفتند و دختر و پسر جوان آنها را برای بردگی ربودند و سالهای متمادی با سختترین فاجعه‌ها با اینها رفتار کردند؟ امروز یکی از تراژدیترین آثار هنری، اثری است به نام «کلبه عموتام» که زندگی برده‌داری را در امریکا نشان می‌دهد که شاید قریب ۲۰۰ سال است که این نوشته هنوز زنده است. واقعیّتهای امریکا این است؛ حکومت امریکا این است! ۸۰/۱۲/۲۷

۳۱ ماه دسامبر سال ۱۶۰۰ م

## آغاز استعمار هند با تأسیس کمپانی هند شرقی بریتانیا/۱

### رهبرانقلاب

یک بخش مهمّ جنگ نرم استعمارگران، هم امروز و هم همیشه -امروز هم هست، در گذشته هم بیشتر بوده- عبارت است از اینکه ملّت ما را یا هر ملّتی را که دارای استعدادی است، از استعدادِ خودش غافل کنند، او را بی‌اعتنا کنند به آن استعداد یا حتّی به وضعی برسانند که خود او منکر این استعداد بشود؛ این قدر بگویند نمی‌توانی، نمی‌توانی، نمی‌توانی که باورش بشود نمی‌توانم و خودش بگوید نمی‌توانم؛ این یکی از کارهایی بوده که رایج بوده. از اوّلی که استعمار وارد کشورها شد، یکی از کارها همین بوده. در آفریقا تمدّنهای بزرگی وجود داشته -در بخشی از آفریقا، در غرب آفریقا، در نقاط دیگر- که اینها بکلّی نابود شده، از بین رفته. نهرو در این خاطراتش، در کتاب نگاهی به تاریخ جهان، می‌گوید که قبل از اینکه انگلیس‌ها وارد هند بشوند، هند از لحاظِ صنایعِ داخلیِ خودش -صنایع آن روز، اوایل قرن نوزدهم- یک کشور خودکفا بود؛ انگلیس‌ها که وارد شدند، اوّل کمپانی هند شرقی، بعد هم دولت انگلیس، وضع را به جایی رساندند که هندی‌ها احساس می‌کردند که جز با مصنوعات انگلیسی و خارجی امکان زندگی وجود ندارد؛ انکار توانایی‌های یک ملّت! ۱۴۰۰/۸/۲۶

۳۱ ماه دسامبر سال ۱۶۰۰ م

## آغاز استعمار هند با تأسیس کمپانی هند شرقی بریتانیا/۲

### رهبرانقلاب

من در آن کتاب هند (مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان) این را نوشتم - البتّه الان عبارت آن درست یادم نیست - که اوایلی که انگلیس‌ها وارد هند شده بودند و می‌خواستند بعد از دوران کمپانی هند شرقی، حکومت هند را به دست بگیرند، یکی از نایب‌السّلطنه‌های هند-قبل از استقلال هند، یعنی قبل از سال ۱۹۴۷، نایب‌السّلطنه‌ها بر هند حکومت می‌کردند- گفته بود که مسئلهٔ ما در هند مسلمانهایند؛ بزرگ‌ترین هدف ما بایست قلع‌وقمع و سرکوب مسلمانها باشد. این را آن‌وقت آن نایب‌السّلطنه گفته بود. و شنیده‌اید از گلادستون و معروف است که گفته این قرآن را باید برداشت و مانند اینها. از قدیم هم از اسلام این را احساس می‌کردند؛ که آن هم باز ناشی بود از چیزهایی که از اسلام دیده بودند؛ مثلاً فرض کنید قضیّهٔ تنباکو و قضایای مختلفی که در همان هند و در افغانستان و در ایران و در مصر و مانند اینها اتّفاق افتاده بود. لکن مدّتی گذشته بود، غافل شده بودند، و استکبار و استعمار جهانی آن حسّاسیّت را دیگر نسبت به اسلام خیلی نشان نمی‌دادند؛ علّت آن هم این بود که از این طرف، اسلام

چیزی از خودش نشان نداده بود، لذا آنها یک قدری دچار غفلت شده بودند! ۶۸/۹/۷

۳۱ ماه دسامبر سال ۱۶۰۰ م

آغاز استعمار هند با تأسیس
کمپانی هند شرقی بریتانیا/۳

## رهبرانقلاب

قبل از آنکه انگلیسی‌ها در هند حکومت رسمی تشکیل بدهند و در سال ۱۸۵۷ هند رسماً جزو امپراتوری انگلیس شود، زبان فارسی از طرف کمپانی هند شرقی در هند ممنوع شد و نگذاشتند این زبان به عنوان زبان رسمی باشد. وقتی زبان فارسی ممنوع می‌شود، خیلی طبیعی است که از جایگاه رفیع خود، به‌طور قهری فرو می‌افتد. به تدریج در سال‌های بعد هم، این مبارزه را با زبان فارسی کردند! ۷۴/۱۰/۱۶

استعمار دهها سال متمادی - شاید در بعضی جاها قرنها - تلاش کرد تا آثار فرهنگ ایرانی را که در خیلی از نقاط دنیا وجود داشت، بزداید؛ مثلاً در هند این معنا کاملاً واضح است. آن وقتی که کمپانی انگلیسی هند شرقی وارد هند شد، یکی از اولین تلاشهایش این بود که زبان فارسی را کنار بزند. این زبان اردو را که ملاحظه می‌کنید، ابتدا رسمی کردند، برای این‌که زبان فارسی را کنار بگذارند؛ بعد خودِ زبان اردو را هم کنار زدند و زبان انگلیسی را زبان رسمی کردند! از اوایل قرن نوزدهم این کار شروع شده و تا امروز هم ادامه دارد. اگر شما امروز به هند تشریف ببرید و با

مردمِ غیر طبقات پایین انگلیسی حرف بزنید، همه آن را می‌دانند؛ چون زبانشان است. زبان رسمی، زبان دولتی و زبان اداری، زبان انگلیسی است؛ یک روز همینها زبان فارسی بوده است؛ یعنی زبان رسمی، زبان حکومت، زبان دیوان، زبان مراسلات و احکام و قوانین، فارسی بوده است. ۷۰/۱۲/۵